

لغزیه شرح

دانش جوانان، دانش آموزان،
دانش مسافرین خارجه، خواجه‌گردان
و اشخاص دیگری که با خارجیان
در ارتباط و چه در خارجه تماس
دارند. چنانچه یکجمله از کتاب
« مکالمات روزمره آمریکایی »
را ببینید همه ده‌ها نکته را می‌بینند،
کتابه احتیاجات مکالماتی خود را
را چه بخواهند و مطالبی بی‌نیاز
را نگارند. مرتفع نمایند.

46841

200 - ن س

مکالمات روز مره آمريکائی

ورشادت خود استقامت و بايداری نمود و تقریباً بطور دائم و لاسقطع سست افق
پایان نابد بر عرب حيره شده بود.

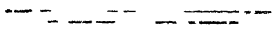
نارها دريا بوردان بی صبر و حوصله بصور مسودید زمین را می سد و پیوسته
نا امید و مأیوس میشدند ولی هنگامیکه برای اولین بار آثاری از زمین در افق عرب
سیانان شد بسیاری از ایشان از سر بوشت عمکین خویش محزون شده ماند طفلی
شروع نگرستن کردند.

سراپتام مرعها شروع نگردهش در اطراف کشتی بوده، و نه ای پوشیده از
تمشکهای تازه و هر مر آنکه چوبی معطع روی آب روان بود لحظه ای بعد دیده شد که
مرعها سمت جنوب پرواز میکند از این علائم کلموس اطمینان حاصل بود که
آنها نحاك ردك میشود بحاشوان کشتی خود گشت ماصح گاهان زمین را حواهم
دید ، ماما محدود و فعال و دید هیچ کس بواسط بحواب رود همه مابصری
اشطار طلوع آفتاب را داشتند

دور آآمد و حر راهی سارز را در را آ پ صاهر شد کلموس اولین کسی
بود که ساحل پای نهاد و همه از غم او روان شدند همگی مانند کاشف برك را بو
بر زمین نهادند حاك را و سنده و شکر جدای بحای آوردند او رجواست و شمشیر خویش
بیرون کشید و برك اسپا را بر افراشت و آن زمین را صرف سوده نام
ساسالواد بر آن نهاد او بحصل امی بود که هر گر مجو خواهد شد

پایان

جلد اول



== کریستف کلمب ==

کلمبوس در سال ۱۴۹۵ (میلاد) درن متولد شد. او فرزند يك بنمدرس فقیری بود و هنگامیکه خیلی جوان بود بکارها و زحمات روزانه پدرش کمک میسود . در سن چهارده سالگی در نابوردی را آغاز نموده و از طرف جنوب تا کراهای آفریقا و از طرف شمال تا انگلستان و حتی ایسلند راههای دریائی را میسود پیوسته بصیر و مرامت، اهل مطالعه، طراح و مدبر بود. این جوان بر حرارت و فکور مردی متعكر و حدی باآمد همیشه منتقل بود که زمین کروی است و اگر چنانچه او با اندازه کافی بطرف غرب دریاوردی کند بوسیله یکی از کونا ترس راههای عربی به هند خواهد رسید. هیچ چیز قادر نبود این عقیده و ایمان او را سر لرل کند تا آنکه این یکی ادالهامات زندگی او شد.

کلمبوس مدت ده سال به ترغیب و تحریک بعضی از دول اروپائی سعی و کوشش نمود که او را مسافرت آنست اقیانوس اطلس روانه نمایند فلادر سدد و حسنجوی کمک از ملت خود جمهوری سابق زن برآمد و سپس به ویس و آنگاه به شمال معوسل شد و مدت هفت سال ناصر و اصرار فراوان سعی نمود باعلاقه مندی (در دنیا بدو ابرابلا) پادشاه و ملکه اسپانارا بان مسئله و راه میان بر به هد جلب نماید، راهی کونا تر از آنکه رفسان بر عالی ایسان امیدوار بودند نادر یاوردی در کراهای ماطل نارک و مجهول پیدا نماید پس از سالها تحمل و تلا و حسنجوی بی باان بالاخره کک رسید ایزا لا به کلمبوس ایسان یافت و خود را همراهی با رهای نشان داد و نادت و تعمق مطرح و نقشه وی گوش کرد و بالاخره تصمیم گرفت تا ببحر مملکت خویش کلیه وسائل فرستادن و حرکت او را تهیه نماید .

آخرالامر پس از چندین ماه تاخر در ماه اوت ۱۴۹۲ (میلادی) سه کشتی با نود نفر از بالوس که یکی از سادر کوچک اسپانیاست عجیب و حمرت انگیز ترین مسافرتهاى دریائی را آغاز نمود

هر روز و هر ساعت آنها از حانه و زندگی خویش دورتر میشدند و بروی قی نوسی به معنوم و عمقی بی پایان تبش و نازهم بیشتر میراندند. اثری بچشم دیده میشد مگر آسمان و آب .

جای عجیب نبود که دریا وردان سمت بخود متغیر و خشمگین بودند زیرا تصور میکردند بملی س حسورانه و بی پروا دست زده اند

بالاخره دریا وردان دریاس و ناامیدی طعیان و شورش آغار نمودند و کلمبوس را بخارج پربان نمودن زکشته شده و دست زده به ناهوی هر چه بیشتر نامه .

مکالمات روز مره آمریکائی

home, onward and still onward they were sailing, across the trackless and boundless deep, with nothing in sight but sky and ocean.


No wonder the sailors became angry with themselves for having started upon what seemed so foolhardy an enterprise.

Finally, the sailors in despair and rebellion, threatened to throw Columbus overboard, but he stood firm in his hope and courage, gazing almost incessantly towards the ever-receding western horizon

Many times the eager sailors thought they saw land, many times they were disappointed. When at first the land sank from sight on the eastern horizon, many of them lamented their sad fate, and cried and sobbed like children.

At last birds began to circle around the ships, a bush covered with fresh red berries, and a piece of carved wood floated by. Presently the birds were seen to fly southward. By these signs Columbus felt sure that they were approaching land. "We shall see land in the morning," he said to his men. All was excitement and activity. No one could sleep. All waited impatiently for the dawn.

The day broke and a beautiful island appeared before them. Columbus was the first to step upon the beach; the others followed; all knelt as the great discoverer kissed the ground and gave thanks to God. He rose from his knees, drew his sword, unfurled the great flag of Spain he took possession of the land, calling it San Salvador. He had earned a name that should never die.



AMERICAN EVERYDAY CONVERSATION

CHRISTOPHER COLUMBUS

Columbus was born in Genoa in the year of 1445. He was the son of a poor wool-comber, and while yet very young he helped in his father's daily toil.

At the age of fourteen he becomes a sailor, he sails south along the African coast, and north as far as England, and even to Iceland; always observing, studying, planning the ardent thoughtful boy grows up an earnest thoughtful man. He is convinced that the earth is a globe, and if he sails west far enough he will reach India by a route shorter than any to the east. Nothing can shake his faith in this belief. It becomes the inspiration of his life.

For ten years Columbus tried to persuade some European government to send him on this voyage across the Atlantic. First he sought help from his own people, the republic of Genoa, then from Venice, and afterwards from Portugal. For seven years he had patiently and persistently endeavored to interest Ferdinand and Isabella, the king and queen of Spain, in his scheme of a shorter route to India than that which their rivals, the Portuguese were hoping to find by sailing down the western coast of the dark continent. After years of waiting and seeking, the long-sought help at last came. Isabella had faith in Columbus, and proved herself a firm friend. She listened patiently to his plans, and she finally decided to fit out an expedition at the expense of her own kingdom.

Finally, in August, 1492, after a delay of several months, three vessels with ninety men sailed from Palos, a little port of Spain, on the most wonderful voyage.

Every day and every hour took them farther from

مکالمات روز مره آمريکائي

GREAT DISCOVERY of AMERICA



Sailing Towards the Everreceding Western Horizon
For the First Time

دريا نوردی بسمت افق بی پایان غرب برای اولين بار

== اندرز ==

- (۱) سعی کن تا وضع و قیافه اب دلپذیر و مقبول باشد ولی در موارد مهم اندکی حدی باش.
- (۲) - بدبختی دیگران خود را مسرور جلوه مده گرچه او دشمن تو باشد.
- (۳) - در مکاتبه یا تکلم با هر شخصی، عوان و لقب شایسته وی را مطابق رتبه و شأن و آداب و رسوم محل بکار بر.
- (۴) - ناررگان خود در محابه و گفتگو رقابت مکن و پیوسه با فروتنی و تواضع قضاوت خود را نایشان و اگذار سا .
- (۵) - تا مورث و استادی هر دریغان خود که دارای يك هنر و پیشه اید عهد مسپار این ادعا بوی خوب و کبر را میدهد
- (۶) - هکامیکه شخصی با تمام توانائی و قدرت خود عملی را انجام داد، گرچه بحوبی موقعیت حاصل ننمود او را بدان عمل سرزنش مکن
- (۷) - حائیکه دیگری را سرزنش میکنی خود مفضل و نالی سرزنش مباش. زیرا سرنسق بودن بیش از حکمیت مؤثر و معمول است
- (۸) - در ساور کردن بدگوئیهائیکه نسبت بهر کس انتشار پیدا میکند عجزول ماش.
- (۹) - اگر برای آبرو و حیثیت خود احترام قائلی خود را شريك و رفیق اشحاس خوشحس کی زیرا تنها بودن بهتر است تا نار رفیق بد بودن .
- (۱۰) - سعی کن صحتنهایت خالی از شراب و حسد باشد زیرا این نشانی از طبع ملاه و بسدیده است و اداره کردن تمام موارد خشم و خشونت را نه دلیل و معطی و کمار کی
- (۱۱) - قبل از سخن بیاوریش. ناقص و نامام حرف مرن کلمات خود را با عجله ادم کن . او مصم و حاسن گو .
- (۱۲) - هکامیکه حید سی در آنجا از تو استقلال میشود یا نه ، مرو اگر از تو حو هش شده است اصم . بصر مکن و در صورت لزوم کواه و محض اندرز ده .
- (۱۳) - در بکار دیگران کجکاو مکن و همچس ناشحاصیکه در خلوت صحبت میکسد در دت مشو
- (۱۴) - بهام آنچه رعبه و عمل تو خارج است تعهد مکن ولی مواطب باش در موز خود یا دنا ناشی

مکالمات روز مره آمريکائی

(اِذَ وَى سُنْ)

سيرى، يَزْ - اين - باء - بلى، زَنْتْ - نى - كَأْتِي، نَسْ - يَزْ - لَتْ - ١ -
كَنْ، رِي وَ - سام وَاَت - ما، تَزْ

آنا، دُزْ - آو - ميس، فز چُون - د - رَاَت - گِلاد - يَزْ، سَلْف - نا، ش - ٢ -
، اَسِي - يَزْ - وِزْ - هِي - س

دى يو - هيز - يَزْسِن - او رِي - تو - كِيُو - شِيكِينَك - اِزْ - رِي تِيَك - اين - ٣ -
بِ لِيَس - د - آو - كَسْ تَم - د - اِنْد - ديكرى - هيز - بو - اِكْ زِدِيَكْ - تِي بِل

اَلْ، وِيَزْ - باء - آز كُو، مَنَك - اين - سى يو، برى، يَزْ - وِيَس - نا، شْت رِي وَ - ٤ -
مار، دَسْتِي - وِيَس - آ، دُزْ - تو - جَا، مَنَك - يَزْ - سا، بِيَت

هيم، سَلْف - آرت - د - اين - ا، كُو، رَاَل - يَزْ - تِيخ - تو - نا، آَن دَر تِيَك - ٥ -
اِرْد، كَسِي - رَسِي، رُو دَر - اِيَت - بَرَا فَنَس

نا، سى يو، كَسِي دَر - اِث - س - اِكْ - هِي - اَل - دا ز - اَمَن - ا - وُن - ٦ -
اِث - دِيَد - اِد - هِيَم - نا، ت - لِيَم - وُل

يَزْ، سَلْف - آَن، لَم، اِيَل - نى - آنا، دَر - دِ بَرُو وَ - بو - وِزْ، اِيَن - ٧ -
بَرِي، سِيَشَس - اِدِن - بَرِي، وِ، لَتْ - مَر - اِيَزْ - اِكْ، زَمِيَل - فَر

د - تو - رِي بَر، رَشَس - ف، لِيَتِيَكْ - بِي لِيُو - تو - هِيَتِي - نا، نى - ٨ -
راي - آو - دِيَش، بَرِي، مَدَت

يو - اِيَف - كُو، اَلِيَتِي - كُو د - آو - مَن - وِيَس - يَزْ، سَلْف - اَس، شِي، اِيَت - ٩ -
رَا، لِن - بى - تو - ر، تَر - اِزْ - رَاَت - فَر - دِيُو، تِيَشَن - آ - اِن - يَزْ - اَسِيَم

، كَام، پِي - اِنْد - اين - كَدَن
اِن وى - اِزْ - مِليس - وِي دَا، ت - بى - كَان، وِزْ، سِيَشَس - يَزْ - لَتْ - ١٠ -
رَا، نْد - رِنِي، چَر - كَا، مَن، دِيَل - اِنْد - اُ رِكْ، تِيَل - ا - آو - سِيَن - ا - اِزْ - اِث - فَر

، كَا، وِرُن - تو - رِي زَن - اِذْمَسْت - مَ، پِشَن - آو - كَا، زَس - اَل - اين
نَز - اِيَم، يَزْ، فِكْنَلِي - نا، - بَرَا، سَس - شِيك - يو - يَف، ز - تِيَكْ - ١١ -
دِيَش، تَشْكَلِي - اِنْد - اِزْ، دَر لِي - نا، - هِيَتِيَلِي - تو - وَ دُزْ - يَزْ - آ - اُ رِيَكْ

، يو - وِ دَر - نا، ن - ن - يو - وِزْ - تِي، دَر - نا، كَد - ١٢ -
بِي، تِيَكْ - وِي دَا، ت - رَا د، وِيَس - نا، - كِيُو - نا، - اِزْ - وِ، لَكَا - نِي - شَل

تَرِيَلِي - اِث - دو - دِي، بَرُو - وُن - رَا - اَسْكَد
آ، دُزْ - آو - آ، فَر - د - ن - تو - كِي، بوري، يَزْ - نا، ن - نى - ١٣ -
، پ، زِي، وُن - اَس - سُنَكْ - دَت - دَر - و - اِبْر، اَش - يَزْ، دَر

ن - باء - يَزْ، فَرَم - كَن، نا - و - وَا - نا، آَن دَر تِيَك - ١٤ -
، رَا، مَدَت - اَس - اِن - اَسْكَد

، كِي، بوري، يَزْ - نا، ن - نى - ١٣ -
، پ، زِي، وُن - اَس - سُنَكْ - دَت - دَر - و - اِبْر، اَش - يَزْ، دَر

ن - باء - يَزْ، فَرَم - كَن، نا - و - وَا - نا، آَن دَر تِيَك - ١٤ -
، رَا، مَدَت - اَس - اِن - اَسْكَد

AMERICAN EVERYDAY CONVERSATION

ADVICES

- 1 Let your countenance be pleasant, but in serious matters somewhat grave
- 2 Show not yourself glad at the misfortune of another, though he were your enemy.
- 3 In writing or speaking, give to every person his due title, according to his degree and the custom of the place.
- 4 Strive not with your superiors in argument but always submit your judgment to others with modesty.
- 5 Undertake not to teach your equal in the art himself professes, it savors arrogance.
- 6 When a man does all he can, though it succeeds not well, blame not him that did it
- 7 Wherein you reprove another be unblamable yourself; for, example is more prevalent than precepts.
- 8 be not hasty to believe flying reports to the disparagement of any.
- 9 Associate yourself with men of good quality, if you esteem your own reputation, for, it is better to be alone than in bad company.
- 10 Let your conversation be without malice or envy, for it is a sign of a tractable and commendable nature, and in all causes of passion admit reason to govern.
- 11 Think before you speak pronounce not imperfectly, nor bring out your words too hastily but orderly and distinctly.
- 12 Go not thither where you know not whether you shall be welcome or not Give not advice without being asked, and when desired, do it briefly.
- 13 Be not curious to know the affairs of others, neither approach to those that speak in private.
- 14 Undertake not what you cannot perform, but be careful to keep your promise

مکالمات روز مره آمریکائی

دلیل برائش هیچ چیز نمیشود. اگر یک شیر حجاری میکرد، او محضاً شیر را بروی انسان بای نهاده، میساخت.»

THE BALED KNIGHT

- (1) A certain Knight, who wore a wig to conceal his bald-
- (2) ness, was out hunting one day. A sudden gust of wind car-
- (3) ried away his wig and showed his bald pate His friends all
- (4) laughed heartily at the odd figure he made, himself,
- (5) so far from being put out, laughed as heartily as any of them
- (6) "Is it any wonder," said he "that another man's hair should
- (7) not keep on my head when my own wouldn't stay there?"

(نینت بلد د)

- (۱) بَلْدَ هِيْزْ كَانْ سَلْ تُو وَ سَكْ اِ وَرْ وَنْتْ رَسْبَرْتِنْ اِ (۱)
- (۲) وَيَنْدْ آوْ كَا سَكْ سَارْدِنْ اِ رَدِيْ وَ اِنْ هَسْبَسَكْ آتْ وَ اِدْ رَسْ (۲)
- (۳) اِنْ فَرْ رَنْدَزْ هِيْزْ رِيْتْ بَلْدْ هِيْزْ شَدْ اِنْدْ وَ بِيَكْ هِيْزْ اِ رَوِيْ رَكْرِيْدْ (۳)
- (۴) هِيْمْ سَلْفْ نَابْ مِيْنْدْ هِيْ مِيَكِيْ نُوْزْ آدْ رَدْ اِبْ هُوْنِيْلِيْ لَامَنْدْ (۴)
- (۵) دَمْ آوْ اِيْ اِزْ هَزْتِيْلِيْ اِزْ لَامَنْدْ آتْ بُوْتْ مِيْ بِيْسَكْ فَرَامْ فَاوْزْ سْ (۵)
- (۶) شُوْدْ هَزْ مِيْرْ آتَا رَدُوْزْ دُفْ هِيْ سَدْ وَ اِنْ دَرْ اِيْ اِبْ اِنْزْ (۶)
- (۷) اِ دَرْ سَرِيْ وَ وِرْدَنْتْ آنْ مِيْ وَنْ هَدْ مِيْ آنْ كَمْبْ نَابْ (۷)

آقازاده كچل

ك آما راده ای كه كلاه گسی را برای بهان بودن كچلی خود بر سر میگذاشت روزی بمصد شكار خارج شده عقلاً ناد شدیدی ورید و كلاه گیس او را تا خود برده كند طاسسر را نمایان ساخت تمام رفعايش از ته دل به اس مضره عجیب و غریب كه ساحه ود حمد بند لیكن بود او بیرمانند هريك از آنها آمدند حمدید كه از حال رفت و گفت « الله بهی ندارد در براسری كه موی خود را نگاهداری نكرد موی دیگری را نگاهداری نخواهد كرد

AMERICAN EVERYDAY CONVERSATION

باشم همچنین هر جشن و ضیافتی بروی من گشوده است. من بجای آنکه مانند تو روزها را ایکی دوسه دانه غله بسرآرم؛ از بهترین اغذیه و مشروبات میخورم و میزوشم ، مورچه جواب داد ، بسیار خوب، ولی بمن گوش کن. تو با عیاد و جشنهای خود میبالی. لیکن تو خود میداننی که پیوسته اغذیهات آفت-رها انتخابی و برگزیده نیست و گاهی بخوردن چیزهایی مجبوری که من هرگز رغبت دستزدن بآنرا نمیکتم راجع بفرود آمدن روی سر سلاطین و پادشاهان هم بخوبی مطلعی که چه بر سر پادشاهی و چه بر سر الاغی معام گیری با بیصبری از هر دو جا رانده خواهی شد. و آنکاه ملاقات از بارگاه خداوند کاران ؛ فی الواقع ؛ آنجا یا هر کجای دیگر نرا بهیچ ننگرند مگر یک مزاحم ملال آور. همچنین در زمستان هنگامیکه من براحتی از توره زحمت خود تقذیه میکنم. چه فراوان میبینم که تو با رقابت از سرما و گرسنگی و خستگی در حال جان دادندی. من اکنون در اثر گفتگوی باتو وقت خود را از دست میدهم. بر کونی نه انبانه مرا بر میکنند و نه دولا بچه امرا .

THE MAN AND THE LION.

- (1) A Man and a Lion once argued together as to which
- (2) belonged to the nobler race The former called the attention
- (3) of the Lion to a monument on which was sculptured a Man
- (4) striding over a vanquished Lion. "That proves nothing at all
- (5) said the Lion; "if a Lion had been the carver, he would have
- (6) made the Lion striding over the Man."

(لَیْنِ دِ اَنْدَ مَنِ دِ)

- (۱) و بیچ تو اژ، تو، که دژ آژ کی یوژ و اشس ل، یین، را راند، من را (۱)
- را، تن شین، د ک، لند، فر، مر، د ریس ناب، لر، د تو بیلا نکتد (۲)
- من، ا سکا، لپ، چژد و اژ، و بیچ آن مانی یورمشت، را تو، ل، یین، د آژ (۳)
- « اعل، رات، ناتیگت، برورژ، اکت، ل، یین، و انکویشد، را، اور، شتریدینگت (۴)
- ا هو وود هئ کلاور، د بیچ، هتد، ل، یین، ا ایف، ل، یین، د رسد، (۵)
- من، د ا، وژ، شتریدینگت، ل، یین، د، میتد (۶)

انسان و شیر

یکبار شخصی و شیری با یکدیگر مباحثه میکردند که کدام یک از ایشان بنژادی اصیل تر و بزرگتر متعلقند. اولی توجه شیر را بینائی که در روی آن مجسمه شیری مغلوب و مقهور در زیر پای انسانی حجاری شده بود جلب نمود. شیر گفت: «ابدأ این

مکالمات روزمره آمریکائی

(فَلَّی دِ اِنْدُ اُنْتِ دِ)

- (۱) رِسْ رِیْکِیوُ دِثِرِ نو، اَزْ دِیْسِ بِنِ مَوْرِدِ، دِیْ وَاِنِ فِ اِنْتِ اِنْتِ اُنْ (۱)
- (۲) اُنْتِ دِ نَوُ فِ لَیْ دِ سِدْدا اِنِ سِکْتِ کَرِیْپِیْنِکِ 'وِیْلِ'، مَرِیْشِ (۲)
- (۳) 'سِرِ اِنْتِ؟ مَنیْ وِیْسِ 'بِرِ سِلْفِ کَامِ بِیْرِ مَامَنْتِ، اِ فِرِ یُو 'کَلِ' (۳)
- (۴) اِنْدِ کِیْکَرُ آوُ بَا هِلِیْ سِسْ دِ اِنِ بَرِ اِنْتِ، بَرْدُ اِ لَیْکِ وِیْیَنْکِ دِ اُنْ (۴)
- (۵) اِنْتِ اِنْدِ اِنْمِ بَرْدُزُزْ آوُ، نِیْ بَرِیْنِ سِسْ آوُ، هُدُزْ دِ اُنْ اِلِیْتِ (۵)
- (۶) مِیْ یُو بِیْ آوُ تِرْ آوُ اِنْتِرَا کِیْیُو 'مَرُ رِیْ دِ اِنْدُزُزْ نو، دَمِ کَوِیْتِ (۶)
- (۷) اِنِزْ 'سِکَرِیْ فِیْسِ اِنْتِ - کَا دُزْ دِ آوُ اِنْتِرَا دِ وِیْیْتِ اِنْتِ مِیْ سِنِیْدِسْ (۷)
- (۸) اِنِیْ اِنِزْ تُو فِیْنِتِ، اَوُرِیْ مِیْ بَاغِیْ تِیْیْتِیْدِ، فِرِیْسْتِ اِنِزْ بَاغِیْ آوُ فِرْدِ (۸)
- (۹) دِنِرِ 'مَرِ لَوُشِکِ آوُ اِنِشْ بِنْدِ، بِنْتِ دِ آوُ کَرِیْکِ اِنْتِ اِنْتِ اِنْتِ مِیْ تُو (۹)
- (۱۰) وِرِیْ دِنِسْ اِلِ - دُو یُو، اِذْ کِزُزْ آوُ کِ رِیْیُو بَرِیْ اِزْ تُو اُنْ (۱۰)
- (۱۱) 'بِرِ آوُ 'سِشْ یُو مِیْ تُو، لِرِیْسُ بَاغِیْ اِنْتِ دِ رِیْیُو لِیْنْدِ « فِیْیِ (۱۱)
- (۱۲) سِ اِلِ وِیْزُ مَاتِ اِنِزْ 'دِیْ اِنْتِ 'بِرِ 'دِیْ نِ' یُو مَاتِ، فِیْسِیْکِ (۱۲)
- (۱۳) مَاتِیْکِ وَا بِ اِنْتِ نو، 'فِرِیْسُ سَامِ تِیْیُو آوُ یُو اِنْتِ جِ 'یْسِ (۱۳)
- (۱۴) هُدُزْ دِ اُنْ، اِلِیْیَنْکِ 'فِرِ' اِزْ - نَاچِ نو، مِیْ اِنْدِیْ یُو شِ شُوْدُ (۱۴)
- (۱۵) یُو، وِرْدُ 'دِیْ، وِل'، وِرِیْ نِ' یُو اِیْمِ بَرِ 'رُزْ، اِنْتِ کِیْکَرُ آوُ (۱۵)
- (۱۶) شِیْ کِیْ آوُ یُو اِنْسِ اُنْ آوُ اِزْ اِیْمِ بَرِزْ اُنْ آوُ هُدُ دِ اُنْ بِنِیْجِ (۱۶)
- (۱۷) اِنْتِرَا دِ دِنِ اِنْدِ - اِیْمِ بِ شِیْسِ وِیْسِ 'بِشْ 'فِرَامِ آوُ (۱۷)
- (۱۸) آوُ تُو، اِلْسِ اَوُرِیْ وِرْ، اِنْتِ، دِزْ، اِنْدِیْ کَا دُزْ دِ آوُ (۱۸)
- (۱۹) تُو وِیْسِ بَرِ دِ اِنْسِ نِیْ یُو سِسْ اِنْتِ بَاغِیْکِ، اِزْ آوُ اِنْتِ لَوُکِ (۱۹)
- (۲۰) 'مَرِ وَاغِیْ سِیْلِ مِیْ آوُ فِرَوْتِ دِ اُنْ اِنِزْ مِیْ، اِنْتِ فِیْدِ اِنْتِ 'وِیْلِ (۲۰)
- (۲۱) هِنِ کَرِ کِ لُکِ وِیْسِ 'دِیْیَنْکِ فِرِیْیَنْدُزْ 'بِرِ سِیْ تُو 'دِنِ کَامَانِ (۲۱)
- (۲۲) نو، یُو، کِیْیَنْکِ اِنْتِ نَا، 'نِیْمِ مِیْ لَوُزْ اِنْتِ؟ فِیْیَنْکِ اِنْتِ (۲۲)
- (۲۳) کاپِ 'بِرْدِ مِیْ 'نِزْ یِیْ مِیْ نِیْ دِرْ فِیْلِ وِیْلِ 'جِ بَرِیْیَنْکِ (۲۳)

مورچه و مگس

روزی يك مورچه و يك مگس راجع به شأن و لیاقت خویش مباحثه میگردند مگس بمورچه گفت: « ای حشره و خزنده بستا! آبا میتوانی خودرا برای ك لفظه پامن مفاسه کنی، من بروی بال مانند مرغی پرواز میکنم. من بمصود سلاطین وارد میشوم و روی سر شاهزادگان و حتی پادشاهان فرود میآیم و فقط آسپارا آسگاه ترك میگویم تا پروان زیبائی را ذینت بشیری بخسم. من از نارگه خداوند گاران ملاقات میکنم و هیچ مهربانی و جعه ای نیست که عهدیم شود مگر آسکه اول من آنرا چشیده

AMERICAN EVERYDAY CONVERSATION

« همه ایها درست، ولی تو میدانی یکسال پیش درغیاب من ارمن بدگومی کرده ای. »
بره جواب داد « هرگز ؛ باور بغرمانید که من در آن هنگام متولد نشده بودم »
« کرک باغرش گفت « پس محققاً برادرت بوده است. » بره پاسخ داد « چنین چیزی
امکان نداشته است زیرا من هرگز برادری نداشته ام. » کرک جواب داد « من میدانم
یکی از شماها بوده است، و دیگر بیش از این عذر و بهانه بیصرف درست مکن. »
سپس بره بیچاره را گرفته بچگل برد و او را طعمه خود ساخت.

THE ANT AND THE FLY

(1) An Ant and a Fly one day disputed as to their respective
(2) merits. "Vile creeping insect!" said the Fly to the Ant,
(3) "can you for a moment compare yourself with me? I soar
(4) on the wing like a bird. I enter the palaces of kings, and
(5) alight on the heads of princes, nay, of emperors, and only
(6) quit them to adorn the yet more attractive brow of beauty.
(7) Besides, I visit the altars of the gods. Not a sacrifice is
(8) offered but is first tasted by me Every feast, too is opene
(9) to me I eat and drink of the best, instead of living for days
(10) on two or three grains of corn as you do " "All that s very
(11) fine," replied the Ant; „but listen to me. You boast of your
(12) feasting, but you know that your diet is not always so cho-
(13) choice, and you are sometimes forced to eat what nothing
(14) should induce me to touch As for alighting on the heads
(15) of kings and emperors, you know very well that whether
(16) you pitch on the head of an emperor or of an ass you are
(17) shaken off from both with impatience. And, then, the altars
(18) of the gods, indeed! There and everywhere else you are
(19) looked upon as nothing but a nuisance. In the winter, too,
(20) while I feed at my ease on the fruit of my toil, what more
(21) common than to see your friends dying with cold, hunger
(22) and fatigue? I lose my time now in talking to you.
(23) Chattering will fill neither my bin nor my cupboard. "

مکالمات روز مره آمریکائی

(8) case " "That's all very well," said the Wolf, "But you know
 (9) you spoke ill of me behind my back a year ago " "Nay, be-
 (10) lieve me," replied the Lamb, " I was not then born." " It
 (11) must have been your brother, then," growled the Wolf "It
 (12) cannot have been, for I have never had any," answered the
 (13) Lamb "I know it was one of your lot," rejoined the Wolf,
 (14) "so make no more such idle excuses." He then seized the
 (15) poor Lamb, carried him off to the woods, and ate him

(لَم د اَند ووف د)

- سْتَرِيمِ اِ، اَتْ دَرشَكِينَكْ لَم ا سَا، دِي وان ووف هَكْرِي ا (۱)
 مِي كِينَكْ هَو، رَاكْسْ كِي بُوَزْ بِلَا دِي بِلْ سَامْ فَرِيمْ تُو وِشْدْ اَنْد (۲)
 وَا تَسْرُ دْ مَادِيكْ نَائِ مِيَن بُو دُو وَاثْ « تَرِي هِيَر هِيَم (۳)
 پَرِي » لَم د تُو هِي، سَدْفِي بَرَسَلِي « ؟ دَرِيكْ تُو كْ تِينَكْ اَم اِي (۴)
 مِي شُوذْ اِي » . لَم د اَن سَرْدْ مِيكَلِي « مِي فَرَكِيُو (۵)
 رُونُو سْتَرِيمِ دْ اَزْ نَانْ يُو دِي سْ بَلِيَقْ تُو، وِي اِي اِيْنْ سَرِي (۶)
 دْ مِي مَكْنْ تَابْ سَاچْ اَدْ سِي وِيلْ يُو مِي تُووَرْدُو بُو فَرَامْ (۷)
 نْ يُو نَانْ ووف دْ سَدْ « وِلْ وَرِي اَلْ اَدْسْ » > كِي شْ (۸)
 مِي مِي « رَاكْ بِيُو ا مَكْ مِي مِي هِيَنْدْ مِي آُو اَلْ سَبْ كْ يُو (۹)
 اَبْ » « مَرْنْ دَنْ نَانْ وَا رْ اِي » لَم د رِي بِلْدْ مِي لِيُو (۱۰)
 رَا » ووف دْ كُرْ آَلْدْ « دَلْ نَرَا دَرْ نَرْ بِيْنْ هُو مَانْتْ (۱۱)
 دْ اَن سَرْدْ » اِنِي هَدْ نْ وَرْدْ هُو اِي فَرْ بِيْنْ هُو كِنْ نَانْ (۱۲)
 ووف دْ رِي هِيَنْدْ . لَاتْ بِيَرْ آُو وان وَا رْ اَبْ نْ اِي . لَم (۱۳)
 دْ سِيَرْدْ دَنْ هِي « رَاكْسْ كِي بُوَزْ اَيْلْ سَاچْ مَرْ نْ مِيكْ سْ (۱۴)
 هِيَم . اِيْتْ رَانْدْ وُوْدَرْ دْ تُو آَفْ هِيَم كَرِيَدْ لَم بُوَزْ (۱۵)

گرگ و بَره

روزی يك گرگ گرسنه بره ای را دید که از رودخانه آب میآشامد حواست
 تا ناساختن چند دلیل حق بحساب آراطمه خود سارد پس با حالي سجع و حش
 به بره گمت « برای چه آبی را که من میخواهم ناشام گل آلود میکنی بره نا
 ملایبت و تواضع حواب داد ر نقاصای عمو دارم و در هر حال ناسسی متأسف باشم
 از ایسکه باعث کدورر خاطر شامشدم لیکن چون رودخانه ا طرف شما سمت من جاری
 است ملاحظه میفرمائید که چنین چیزی ممکن نیست گرگ گمت بسیار خوب

حکایات کوچک

THE DOG AND HIS SHADOW

- (1) A Dog, bearing in his mouth a piece of meat that he
- (2) had stolen, was crossing a smooth stream by means of a
- (3) plank. Looking in, he saw what he took to be another dog
- (4) carrying another piece of meat. Snapping greedily to get
- (5) this as well, he let go the meat that he had, and lost it in
- (6) the stream.

(یشد هیز اند داک د)

- (۱) هی 'دب میت آو بیس ا مانت هیز این بیرینک داک را
- (۲) ا آو مینتر مائی شتریم سمون را کراسینک واز ست لن هه
- (۳) داک آنا دز بی تو توک هی وان سا هی این لوکینک پ لنک
- (۴) کت تو کریدلی س'بیشک میت آو بیس آنا دز کریشنگ
- (۵) این ا لاسن اند هه هی 'دب میت د کت لث هی ول ا دیش
- (۶) شتریم د

سک و سایه اش

سگی تکه گوشتی را که دزدیده بود بردهاں گرفته ، بوسیله یک تخته پاره از رودخانه صافی میکندشت. در حالیکه بیابن نظر میگردد چیزی دید و تصور نمود سک دیگری است که تکه گوشت دیگری را بدهاں میبرد . حرص و طمع ویرا بر آن داشت تاحله کرده و آنرا ازبهر خود بدست آورد ؛ تکه گوشتی را هم که داشت رها نمود و در رودخانه کم کرد

THE WOLF AND THE LAMB

- (1) A hungry Wolf one day saw a Lamb drinking at a stre-
- (2) am, and wished to frame some plausible excuse for making
- (3) him his prey. "What do you mean by mudding the water
- (4) I am going to drink?" fiercely said he to the Lamb "Pray
- (5) forgive me, " meekly answered the Lamb: "I should be
- (6) sorry in any way to displease you, but as the stream runs
- (7) from you toward me, you will see that such cannot be the

جمله و تلفظ	معنی
<p>could I go to now? . . . My wife is dead دَدُ اِيْزُ وُيْفُ مِي نَا، تو كِه اِي كوژد and my children have forgotten me I have 'هَوُ اِي مِي 'فَرَكَا رَنُ 'هُو چيلدِرَن مِي، اِنْد 'nowhere to go' كِه تُو ن 'وَرُ</p>	<p>من كجا ميتوانم بروم؟ زن من مرده است و فرزندانم مرا فراموش كرده اند، من جائي ندارم بروم...»</p>
<p>Makar did not rise, but beat his هِيْزُ يِيْتُ بَاتُ رُيْزُ نَاتُ دِيْهَ مَسَاكُرُ head on the floor. "Ivan, forgive me!" he هِي مِي 'فَرَكِيْزُ اِيْوَانُ فَرُ رَدُ اَنُ، هَدُ cried. "When they flogged me with the د وِسُ مِي 'فَلَاكُنْدُ رَدِيْ، وَنُ 'ك'رَبْدُ knout it was not so hard to bear as it اِيْتُ، اَزُ بِيْرُ نُو هَاژْدُ س' نَاتُ وَاژُ اِيْتُ نَاثُ is to see you now . . . yet you had pity اِيْتِي 'هَدُ يُو وِيْتُ نَاوُ يُو سِي تُو اِيْزُ on me, and did not tell. For God's sake, سِيْكَ كَاژْدُ 'فَرُ، تَلُ نَاثُ دِيْهَ، اِنْد مِي اَنُ forgive me!" And he began to sob. سَاثُ تُو بِيْ كُنُ هِي، اِنْد مِي 'فَرَكِيْزُ</p>	<p>ليكن ماسكار از جاي پرخواسست و همچنان سر بر زمين نهاده و با تضرع گفت: «ايوان منرا عفو كن؛ اگر مرا با تازيانه ميزدند تحمل آن آفسدر سخت نبود كه اكنون ترامبينم باتمام اين تفصيل باز هم تسو من رحم كردى و نكفتى. ترا خدا مرا عفو كن! » اين نكته و گريه افتاد.</p>
<p>When Ivan heard him sobbing he, هِي سَايِيْنِكُ هِيْمُ، هَرُژْدُ اِيْوَانُ، وَنُ too, began to weep. وِيْبُ تُو بِيْ كُنُ تُو</p>	<p>وقتي ايوان شيد او گريه ميكند خودش نيز شروع بگريستن كرد.</p>
<p>Makar confessed his guilt, and the د، اِنْدُ كِيْلَتْ هِيْزُ كَاثُ فُسْدُ مَسَاكُرُ order came for Ivan's release But there دَرُ بَاتُ رِيْلِيْزُ اِيْوَانُزُ 'فَرُ، كِيْمُ اِرُ، دَرُ was no use to, because as you kow he was وَاژُ هِي ن' يُو، اَزُ بِي كَاژُ تُو يُوژُ ن' وَاژُ dead long time ago. اَكِه، 'تِيْمُ لَانُكُ، دَرُ</p>	<p>ماسكار بگناه خویش اعتراف نمود، و دستور آزادی ایوان صادر شد لیکن سرای آن نتیجه ای مترس نبود؛ زیرا همچنان كه ميدانید او مدتها بود دست از زندگي شسته بود.</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>pered. "Ivan Ivan, forgive me!" می 'فرگبو' ایوان ایوان ، پزُد</p>	<p>گفت «ایوان - ایوان مرا ببخش!»</p>
<p>"What for?" asked Ivan. ایوان 'اشکدُ' فرز وات</p>	<p>ایوان سؤال کرد «برای چه؟»</p>
<p>"It was I who killed the merchant مژچنت - د کیلد هو ای واز ایت and hid the knife among your 'things. I ای تینگس 'یز آمانک 'یف د همد راند meant to kill you too, but I heard a را هزد ای بات تو بو کیل نو میت noise outside, so I hid the knife in your یز این 'یف د همد ای س' آت سیند 'یز bag and escaped out of the window." وینسد د آژ آت 'اسن کیلد ااند 'سگ</p>	<p>«من بودم که تاجر را کشتم و چاقو را در سین اتانیه تو مخفی نمودم من قصد کشتن تو را داشتم ، لیکن صدائی از حارح شنیدم ، لذا چاقو را در کیسه مخفی نموده و از پنجره خارج گریختم»</p>
<p>Ivan was silent, and did not know ن' مات دید راند 'سی لنت واز ایوان</p>	<p>ایوان ساکت بود و میدانست که چه میگوید</p>
<p>what to say. But Makar knelt upon the د آبان نث ماکار مات سی تو واد ground. "Ivan" said he, "forgive me! For فر می 'فرگبو' هی رسد ایوان 'گر آند the love of God, forgive me! I will con- کان وبل ای می 'فرگبو' گاد آژ لاؤ د fess that it was I who killed the merchant مژچنت د کیلد هو ای واز ایت د فسن and you will be released, and can go to تو کک 'کن ااند ریلیزد سی وبل یو راند your home." هو 'یز</p>	<p>ولسی ماکار را سو بر می نهاده و گفت : ایوان مرا ببخش برای خاطر خدا مسراستش 'مس اعتراف خواهم نمود که آنکسی که تاجر را کشته است من هستم آنسوقت تو رهائی یافته و میتوانی بخواه خود بروی»</p>
<p>"It is easy for you to talk," said رسد 'تک' تو یو 'فر ایزی ایت-یز Ivan "but I have suffered for years. where دوو ییزد 'فر سافرود' هو ای بات ایوان</p>	<p>ایوان گفت «برای تو صحبت کردن آسان است ولی من سالهاست رنج و بدبختی کشیده ام اکنون</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>At last Ivan said " I cannot say, رسی کننات ای، سد ایوان لنت رات your honor It is not God's will that I ای دت ویل کادز نات ایز رات آ برز بر should tell! Do what you like with me; می ویس الیک بو وات دو بل شوذ I am in your hands." اهندز برز این ام ای</p>	<p>بالاخره ایوان گفت «جناب فرماده من مادربه کهن آں نیسم . حور افشای ایس رار موجب رضای خدا نخواهد بود» آچرا که مایلید بامن بکنید من در دست شما هستم « مپذا هر چه بیشتر فرمانده کوشش نمود ایوان سخن بیشتری نکفت و بنا بر این موضوع متوقف ماند .</p>
<p>However much the Governor cried, ت ریدت کاروزر، د ماچ ها، ارو Ivan would say no more, and so the matter مارتز، د س، اند، م، ن، رسی ووذ ایوان had to be left لغت سی تو هذ</p>	<p>آشب هنگامیکه ایوان در رختخواب خود دراز کشیده و میخواست که چشم خود را بهم بگذارد . کسی با سکوت تمام وارد شده و در کنار تختخواب وی نشست . ایوان در تاریکی کور کورانه نگاه کرد و ماکار را شناخت .</p>
<p>That night, when Ivan was lying on آن لنینگ وار ایوان رون، ریت دت his bed and just beginning to doze. some سام داژ نو بیگیننگ جست راند رند هیز one came quietly and sat down on his bed. رند هیز آن دآن است راند کواشلی، کیم وان He peered through the darkness and ران داژک، س، د، تر و پیزد هی recognized Makar. ماکار، درک، پیزد</p>	<p>« بیش از این از من چه میخواهی؟ » ماکار خاموش بود . آنگاه ایوان از جای خود برخاست و گفت ، «چه میخواهی؟ دور شو . ما کار بطرف ایوان خم شد و با کمال آهستگی</p>
<p>"What more do you want of me?" می آو رانت و دژ مر و Makar was silent. So Ivan sat up آج س ایوان س، رسی، لنت وار ماکار and said, "What do you want? Go away." ایوی کک، وانت، بو دو واپ، سد راند Makar bent close over Ivan and whis- ویس، اند، ایوان، اور، گل، ز، نت، ماکار</p>	

جمله و تلفظ	معنی
soners to find out who had dug the hole. 'هل' رد داگت همد هو آت' فیند نو، زرنزُر	نمود تا پیدا نماید که چه کسی سوراخ را
They all denied any knowledge of it. At 'اب' ات آو' نالچ، انی دئی' نیند ال' دی'	حفر نموده است. آنها تماماً نسبت بان اظهار
last the Governor turned to Ivan whom هوم ایوان تو، تزند کاورزُر، رد' لست	بی اطلاعی نمودند. بالاخره فرمانده ایون را که
he knew to be a just man, and said: سد، راند من' چست' ای بی تو نئی یو هی	شخص درستکاری میداست مخاطب ساخته و گفت
"You are a truthful old man, tell me, می، تل' من' ال'د تر و تقول را آد یو	« تو یک پیر مرد صدیق و راستگویی هستی برای خاطر خدا بمن بگو کی
before God, who dog the hole?" 'هل' رد داگت هو گاژ بیف' زُر	سوراخ را جفر کرده است؟» لبها و دستهای ایوان
Ivan's lips and hands trembled, and راند، تر' چکت' هندر، راند، لیس ایوان	میلرزید و برای مدت مدیدی قنادر بیان کلمه نبود
for a long time he could not utter a word. 'ورژد' را آرنز' ناک کورد هی' نیم' لانتک' ای' فر'	فکر کرد، من چرا بایستی از اسرار کسی که ریدگی مرا
He thought, why should I screen him who هو هیم سکرین' ای' شود وای' تات' هی	معدوم نموده است پرده پوشی کنم؟ بگذار سا
ruined my life? Let him pay for what I 'ای' وات' فر' ربی' هیم، رت' لیت' می' رویند'	کیفر زجرهاییکه بمن داده است متحمل شود.
have suffered. But maybe I suspect him هیم سوس' بکت' ای' می' بی' مات' سافرژد' هو'	اما ممکن است من اشتباهها با وطنین شده باشم. و
wrongly. After all, what good would it be می' ایث' وود' کورد' وات' ال' ات' نر' رانگلی	علاوه، برای من چه نتیجه خواهد داشت بهتر است که من زندگی او را
to me? I better save his life — 'لیف' هیز، سیژو، رب، نر' ای' می' تو	بجات دهم. فرمانده تکرار کرد
Well, old man repeated the Governor, گا، ورزُر' رد ربی' ند' من' ال'د، ول'	« بالاخره پیر مرد نه من حقیقت را بگو. چه کسی
"tell me the truth: who has been digging رد گیتکت' بین' هز' هو' روت' رد می، تل'	زیر دیوار را حفر کرده است؟»
under the wall?" وال' رد آن' دُر'	

جمله و تلفظ	معنی
<p>out from under the shelf, and looked up آبِ لَوِگْد راند، شَلَف دِ آن دَرْدِ فَرَامِ آتِ at Ivan with frightened face. Ivan tried تَرَبِنْدِ ایوانِ فَرِیَسِ فَرِی تِنْدِ ویش ایوانِ اِتِ to pass without looking at him, but Makar مَکَارُ بَاتِ هِمِ اِتِ لَوِکِنِکِ وید آتِ بَسِ تو seized his hand and told him that he had مَهْدِ هِی مَدَتِ هِمِ تِنْدِ رانْدِ مَهْنْدِ هِیَرِ سِیَزْدِ dug a hole under the wall and added, "Just مَجِشْتِ رَا دَرْدِ راند والِ دِ آن دَرْدِ هَلِ رَا دَاکِ you keep quiet, old man. and you shall مِشَلِ یو راند مَنِ اِنْدِ کَوِ اِنْتِ کِیپِ یو get out too. If you blab, they will flog فَلَاکِکِ وِیَلِ دِی تَلِکِ یو اِیِفِ تو آتِ رِکْتِ the life out of me, but I'll kill you first." مَفْرُسْتِ یو کِیَلِ اِیَلِ بَاتِ مِی آو آتِ اِیِفِ دِ Ivan trembled with anger as he looked لَوِگْدِ هِی رَا دُ اِنِ رِکَرِ وِیَسِ تَرِیَبِلِنْدِ ایوانِ at his enemy. He drew his hand away, اِوِی مَهْنْدِ هِیَرِ دُرِ هِی رَانِی هِیَرِ اِتِ saying, "I have no wish to escape, and you بو راند رَا سِ رِکِیپِ تو وِیَشِ نِ هُو اِی سِیِنِکِ have no need to kill me; you killed me long لَا نِکِ مِی کِیَلِ یو مِی کِیَلِ یو نِیدِ نِ هُو ago! As to telling of you— I may do so سِ دُو مِی اِی یو اُو تَلِیِنِکِ تو رَا زِ اِکِ or not, as God shall direct "</p>	<p>ماکار از زیر طاقی بیرون خزیده و با صورتی وحشت زده به ایوان خیره شد. ایوان سعی نمود با بدون توجه باو بگذرد؛ لیکن ماکار دست او را گرفته و باو گفت که سوراخی در زیر دیوار حفر نموده است و اضافه نمود. « ای پیرمرد کاملاً خاموش باش، آنوقت توهم خارج خواهی شد. اگر لب تر کنی با تازیانه جانم را خواهند گرفت، لیکن من قبلاً ترا خواهم کشت.» ایوان چون بدشمن خود نگریست از خشم برخود بلرزید. دست خود را کشید و گفت «من اردوی قرار را ندارم، و تو نیز احتیاجی بکشتن من نداری، سو مدتها پیش منرا کشته ای و راجع بتو نیز - ممکس است من اظهار می کنم یا نه، بسته ببیل خدا است.»</p>
<p>Next day the tunnel was found. The دِ فَا نِگْدِ وَا زِ تَا نِلِ دِ دِی نِکِشْتِ Governor came and questioned all the pri- مَبری دِ اِلِ کُو رَا سِ رِشْتِ راند رِکِیْمِ کَا وِزِنِزِ</p>	<p>روز بعد حمره کشف شد. فرمانده آمده و اد کلیه زندانیان تحقیقات</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>been him in whose bag the knife was found! فانند واز نیت د مکت هوز این هم بین</p>	<p>داد : «قاتل بایستی همان کسی باشد که چاقو در کیسه اش پیدا شده است» .</p>
<p>When Ivan heard these words, he felt رفلت هی ووزد دیز هزد ایوان رون sure this was the man who had killed the د کیلند همد هو موند واز دیس شور merchant. He rose and went away. All that دش ال اونی ووت رائد رز هی مرچنت</p>	<p>پس از آنکه ایوان این سخنان را شنید ؛ اطمینان حاصل نمود ایمن همان کسی است که تاجر را کشته است . او برخواست و دور شد . تمام آن شب را ایوان بخواب نرفت .</p>
<p>آن ترسیلی رفلت هی رارویکت لی ایوان نیت happy, and all sorts of images rose in his هیز این رز ای بیجوز آو سرتس ال راند کهای mind. The thought of all past made him so س هم ر مید بست ال آو تات د مید wretched that he was ready to kill himself. هم سلف کیل نو ردی واز هی دت وورچند</p>	<p>بی اندازه احساس غم و اندوه میکرد و انواع تصورات در مخیله اش رسوخ نمود . افکار آنچه که گذشته بود آشفد او را دلتنگ کرده بود که حتی آماده خودکشی بود .</p>
<p>A fortnight passed in this way. Ivan ایوان وئی دیس این بشد فزت نیت را could not sleep at night, and was so س واز راند نیت رات شلیپ نات کود miserable that he did not know what to do. دو تو وات ن نات دید هی دت می ذربل</p>	<p>یکی دو هفته بدین مسوال گذشت . ایوان نمیتوانست در شب بخواب سرود و آمدن بدبخت بود که نمیدانست چه بایستی بکند .</p>
<p>One night as he was walking about the د رابا دت واکینک واز هی راز نیت وان prison he noticed some earth that came رکیم دت ایرت سام تیسد هی بریزن rolling out from under one of the shelves شلور د آو وان آن دز فرام آت ر لیتک</p>	<p>یک شب هنگامیکه در محوطه زندان قدم میزد مشاهده نمود مقداری خاک از زیر یکی از طاقیهاتیکه زندانیان در آن خوابیده بودند بیخارج میلفزد . ایوان توقف کرد تا ببیند که چیست . غفلتاً</p>
<p>on which the prisoners slept. He stopped ستاپد هی سرت بریز رنر د ویح آن to see what it was. Suddenly Makar crept لریت ماکار سارنلی واز رات وات سی تو</p>	

جمله و تلفظ	معنی
<p>knife among Ivan's things, and Ivan had 'هده ایوان رائده تینگس ایوانر آمانگک نیف been unjustly condemned. کان و مده آنجاشلی بین</p>	<p>را در انصافه ایوان نهاده و ایوان بر خلاف حق و عدالت محکوم گردیده</p>
<p>When Makar heard this, he looked at ات لوگده هی دیس هرده ماکار وون Ivan, and exclaimed, Well well, this is ایوان دیس ول ول اکس ک لینه اند ایوان wonderful! Really wonderful! But how ها مان وان دفول ری الی وان دفول old you have grown, Ivan!" ایوان کرون هو بو اگده</p>	<p>وقتی ماکار این سخنان را شنید به ایوان نگاهی کرده و فریاد کشید: «عجب! عجب! این چیز غریبی است حقیقتاً عجیب است؛ ولی ایوان تو چقدر پیر و فرسوده شده ای!»</p>
<p>The others asked him why he was so س واژه هی وای هیم اشکنه آدرده د surprised, and where he had seen Ivan ایوان سین هده هی وون رائده سورب ریو before; but Makar did not reply He only ایوانی هی ریپ الی مان دینه ماکار بات بی فو said: "It is wonderful that we met here!" هیو رمه وئی دوت وان دفول ایوانت رسد</p>	<p>دیگران از او سؤال نمودند که چرا اینقدر متعجب شده و قبلاً ایوان را در کجا دیده است، لیکن ماکار جوابی نداد و فقط گفت «این جای تعجب است که ما در اینجا ملاقات میکنیم!»</p>
<p>Ivan said, "perhaps, you have heard هرده هو بو پوهس رسد ایوان of that affair, or have seen me before?" بی فو می سین هو ارن آفون دوت آو</p>	<p>ایوان گفت «شاید شما از آن امر چیزی شنیده اید، یا ممکن است که من را قبلاً دیده اید؟»</p>
<p>"How could I help hearing? The world وولده د هیرینگ رهلب ای کوده ها 'is full of rumors. But it's a long time ago." راکه ایتم لانتیک ایس مان رو مرده آو فون ایوان</p>	<p>«بالاخره حرف مردم بگوش می‌رسد». و دنیا پر از شایعات کذب است لیکن حال مدت‌هاست از آن واقعه میگذرد.</p>
<p>Maybe you heard who killed merchant? مرچنت کیلده هو هرده بو می بی Makar laughed, and replied: "It must be هو ممت ات ریپ لینه رائده لاند ماکار</p>	<p>«شاید شما شنیده اید چه کسی تاجر را کشته است؟» ماکار خندید و جواب</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>Ivan raised his head and said: "Tell me, Makar, do you know anything of the merchant Ivans of Vladimir? Are they still alive?"</p> <p>رتل رسد ااند هذ هیز رریژد ایوان د او رانی تینگ ن بو دو ماکار می merchant Ivans of Vladimir? Are they ردی آژ ولادیبیر او ایوانز رمزچت still alive?"</p> <p>رالیزو شتیل</p>	<p>ایوان سر خود را بلند کرده و گفت: «بگو ببینم، ماکار. آیا هیچگونه خبری از خانواده ایوان، تاجر شهر ولادیبیر دارای آیا آنها هنوز در قید حیاتند».</p>
<p>"Know them? Of course I do. They are poor people, but well. Their father is in prison, a sinner like ourselves, it seems! As for you, say, how did you come here?"</p> <p>ردی دو ایی کزس آژ دم ن ایر فاردژ ردیز رول بات نیبل بوژ آژ سیمز ایت آژ سلوژ لیک سی ررا بربرن این As for you, say, how did you come here?" هیو کام بو دیدت ها سی بو فر راز</p> <p>Ivan did not like to speak of his misfortune He only said, "For my sins."</p> <p>هیز آو صیک تو لیک بات دید ایوان سینش می فر رسد اتلی هی میس فر چون</p>	<p>«آنها را میشناسم! البته (میشناسم) آنها مردمانی فقیر ولی خوب میباشند پدرشان در زندان است. بسک کساکاری مانند خود ما. بنظرم مثل شاشخصی است. بگوئید شما چگونه باینجا آمدید؟»</p> <p>ایوان مایل نبود که از بدحتی خود صحبت کند. پس او فقط گفت بعلت گناهان خو».</p>
<p>"What sins?" asked Makar.</p> <p>ماکار اسکد سینس و اب</p>	<p>ماکار سؤال نمود «چه گناهی؟»</p>
<p>But Ivan only said, "Well — I must have deserved it!" He would have said no more, but his companions told Makar how Ivan came to be in prison; how some one had killed a merchant, and had put the</p> <p>ماست ای رول رسد اتلی ایوان بات رسد هو وود هی راب ردرژوژ هو ماکار تلد کامیانی ریزر هیر بات مر ن how Ivan came to be in prison; how some سام ها بریزن این سی نو رکم ایوان ها one had killed a merchant, and had put the د بوژ هت اند رمزچت ا کبله هذ وان</p>	<p>لیکن ایوان مختصراً گفت: «در حال بایستی من استحقاق آنرا میداشتم». و او بیش از این سخنی نیگفت. ولی اطرافیاناش بماکار گفتند که بچه تریبی ایوان بر زندان افتاد و چگونه بسک شخصی تاجسری را بقتل رسانیده و کارد</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>down near the newcomers, and listened دل بستند راند نی یو، مژرژ د نیر د آون with downcast air to what was said. سد واز وات تو، از د آون کشت ویت</p>	<p>با حالتی افتاده و مأیوس با آنچه صحبت میکردند گوش میداد.</p>
<p>One of the new convicts, a short شرت، ا کانویکتس نی یو، د آو وان villain looking man, was telling the others آردرژ د، تلینک واز، من لوکینک وئی لن what he had been arrested for. فز، ارستید بین همد هی وات</p>	<p>یکی از مجرمین تازه وارد که مردی کوتاه قد و دارای چهره شریب و خبیث بود برای دیگران شرح میداد که بچه علت بزندان افتاده است.</p>
<p>“Well, frieds,” he said, “I only took توک اتلی ای، سد هی ف، ریندز، ون a horse that was tied to a sledge, and I ای، راند س، لچ، را نو، نید واز، ادت هوش، را was arrested and accused of stealing. I ای شتیلینک آو، اکی بوژد، راند، ارستد واز said I had only taken it to get home هوم، رکت، نو، ات، نی، کن اتلی، همد ای، سد quicker, and had then let it go; besides, بی سیدس ک، ات، لک، دن، همد، راند کوئی، رکر the owner was a friend of mine. I once واتس ای، این آو، ف، ریندز، را واز، آون، د really did something wrong, and ought by یای آت، راند، رانگ، سامیننگ دید ری، ای rights to have come here long ago, but باث، اک، لانگ هیر، کام، هو، نو، ریتس that time I was not found out. آرت، فاند، نان، واز، ای، نیم، ادت</p>	<p>«آری؛ رفقا؛ من فقط یک اسبی را که در طوبه بسته بود برداشتم و بعنوان دزدی باز داشت شدم. من گفتم که آنرا فقط بمنظور آن برداشته بودم تا زودتر بمنزل برسم و بعداً هم آنرا آزاد کردم که برود. بعلاوه صاحبش هم یکی از رفقای من بود. یکبار من حقیقتاً عمل خطائی را مرتکب شدم که بایستی حتماً مدتها پیش بدنبجا آمده باشم لیکن در آن موقع گرفتار نشدم.»</p>
<p>“Where are you from?” asked some one. وان سام، اسکند، فرام، یو، آو، رو، “From Vladimir, my name is Makar.” ماکار این، نیم، من، ولادیمیر، فرام</p>	<p>کسی سؤال نمود « شما اهل کجا هستید؟ » « اهل ولادیمیر و اسم من ماکار است »</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>And Ivan wrote no more petitions, بیهی، شتر، مرز، ن، رت ایوان، اند gave up all hope. and only prayed to God کاذ، نو، برید، ائلی، اند، هب، ال، آپ، کیو</p>	<p>ایوان دیگر بیش از آن نامه نوشت و کلمی سا امید شد ولی فقط بدرگاه خدا دعا میکرد</p>
<p>For years Ivan lived as a convict in این کابوینکت، را، از، لیوڈ ایوان، بیوڈ، مرز prison. His hair turned white as snow, and اند، شس، از، ویت، ترژند، هر، هیز، بریزن his beard grew long, and gray All his هیز، ال، کف، ری، اند، لانگ، ککر، می، رد، هیز mirth went, he walked slowly, spoke little, لی، بل، شپ، کف، شل، لی، و، گڈ، هی، ویت، مرزنت and never laughed, but he often prayed بی، ریوڈ، آرم، هی، مات، لامد، نو، روز، اند</p>	<p>سالها ایوان چون محکومی در زندان زندگی کرد و موی سرش ماسد سرف سید شد، ریشش بلند و رنگ خاکسری تبدیل گردید و نشاط حوایی را کلمی از دست داد آهسته و آراء حرکت میکرد کم حرف میرد اندا مسجد بد ولی بشر اوقات دعا مسر داحت</p>
<p>No news reached Ivan from his home هوڈ، هر، فرام، ایوان، ریچند، بی، نور، ن and he did not even know if his wife and اند، ویت، هر، انف، ن، ای، و، مات، دید، هی، اند children were still alive ای، لیوڈ، تسیل، وڈ، چیلد، دن</p>	<p>نایوان حسری از خانه وردگی اش میرسید و حی میداست آسارن و فرزندانش هور در مید حیات هستندانه</p>
<p>One day a fresh gang of convicts کان، وگنس، آو، گنگ، ف، دش، ا، دی، وان came to the prison In the evening the old اند، د، ایوینگ، د، ان، بربرن، د، تو، کیتم prisoners collected round the new ones وان، بی، نو، د، داند، کار، لکیند، بربر، برز and asked them what towns or villages وئی، لجر، از، تا، تر، وات، دم، استگند، اند they came from, and what they were وڈ، دی، وان، اند، فرام، کیتم، دی sentenced for Among the rest Ivan sat است، ایوان، رنٹ، د، آمانگ، د، فن، سن، تمند</p>	<p>کک روز گروه جدیدی از محکومین وارد زندان شد - د - ش هنگام محوسین قدسی بدور سازه واردین کرد آمده و از آنها سوال میکردند که اهل کدام شهر سا قصه هستند و برای چه محکوم شده اند در ضمن اسوان بردنک شماره واردیس سسه مشوچه آنها بود و</p>

جمله و لفظ	معنی
<p>her fingers through his hair. she said "Ivan ایوان رسد شی رهز هرز روو من کرور هرز dearest, tell your wife the truth, was it اب واز بروو د ووتف ر ر بل ردی رست not you who did it?" اب دند هو نو مات</p>	<p>هو میرود، گفت « ایوان عزیز در خود راست بگو، آیا تو آنکسی که این عمل را کرده است نیستی؟ »</p>
<p>"So you, too, suspect me!" said Ivan, ایوان رسد می سوش بکت و و س and, hiding his face in his hands and he هی راند هدر هیرا ن فتنس هر هفتنگ اند began to weep Then a soldier came to say رسی و بکتم سل جز را دن ووت و سگان that the wife and children must go away, اروی بکت ماست چلدن راند ووت د دت and Ivan said good-bye to his family for فر هفتلی هیز بو نای- کوو رسد ایوان راند the last time تیم کلت د</p>	<p>« پس تو هم من مطوبی! » ایوان ایضا گفت و در حالیکه صورت خود را در دستاش محفی مسود شروع نکرده کرد آنگاه سر ناری آمده و گفت که زن و بچهها نایستی خارج شوند، پس ایوان برای آخرین سالم از سگان خود خدا حافظی بود</p>
<p>When they were gone, Ivan recalled رسک اند ایوان کال وور دی روو what had been said, and when he هی روو راند رسد من هت ووت remembered that his wife also had sus- سوش هت ائس ووت هر دت ری هم برود pected him, he said to himself, "It seems سیمر اب هم رلف تو رسد هی هیم بکتند that only God can know the truth, it is to بو انراب تروو د ن کن کاد اتلی دت Him, alone we must appeal, and from فرام راند رابیل ماست وی رال هیم Him alone expect mercy" مژرسی اکثر بکت الون هیم</p>	<p>پس از آنکه آنها رفتند ایوان آنرا که گفته و شده بود در خاطر محکم نمود، و چون بحاطر آورد که حتی همسرش بر او ظنین است، با خود گفت « چنان بنظر میرسد که سها خداوند مطلق است که رحمتی آگاهی دارد، و نه یگانه درگاه اوست که میوان بوسل حسب و سها از اوست که نایسی احطار برحم داشت »</p>

جمله و تلفظ

معنی

know what to believe Her children were
 وَرَ جِلْدَرَن هَرُ بِلِي وَ تو و اب ن
 all quite small; one was a baby at her breast
 بَرَسْتُ هَرُ اَت بِنِي رَا وَا وَ اَن شَم اَل كَو اَبْت اَل
 At first she was not allowed to see him;
 هِيْمُ سَي تُو اَل اَدُ مَات وَا ز شِي فَرَسْتُ اَت
 but after much begging, she obtained per-
 مِي اَت بِنِي شِي رَكِي كَت مَاج اَفْتَرُ مَات
 mission and was taken to him
 هِيْمُ بُو رِنِي رَكَن وَا ز رَا د مِي شَن

When she saw her husband in prison-
 بَرِيْرَن اِيْن هَا زُ بِنْدُ هَرُ سَا شِي رَوْن
 dress and in chains, shut up with thieves
 دِيُوْزُ وِيْش اَت شَا ت رَجِيْرُ اِيْن اِنْدُ تَرِش
 and criminals, she fell down, and did not
 مَات دِنْدُ اِنْدُ دَا ن رَلُ شِي كَرِيْمَا لَرُ رَا نْد
 come to her senses for a long time Then
 دِن اِيْمُ لَا كَت ا ا مَرُ رَسَسَزُ هَرُ بُو كَا م
 she drew her children to her, and sat down
 دَا ن سَا ت رَا د هَرُ بُو جِلْدَرَن هَرُ دُرُ شِي
 near him. She asked about what had
 هَدُ وَا ت ا مَات ا ا سَكْتُ شِي هِيْمُ نِيْرُ
 happened to him. He told her all, and she
 شِي اِنْدُ ا ا ل هَرُ تَلْدُ هِي هِيْمُ تُو مَح رِيْنْدُ
 asked, "What can we do now?"
 مَات دُو وِي كِي وَا ت ا ا سَكْتُ

Ivan did not reply, but only looked
 لُو كَد ا ا ن لِي مَات رَمَلَا ي مَات دِيْدُ اِيْوَا ن
 downcast. Then his wife said. 'You should
 سُوْزُ يُو سَدُ وُيْفُ هِيْرُ دِنُ دَا ن كَا سْتُ
 not have started that day.' And passing
 مَ اَسْتَا سَكْتُ رَا د رَدِي ا دُنُ سَتَا زُ تِيْدُ هُوْ مَات

چه چیزی را باور کند
 اطفالش همگی کاملاً کوچک
 بودند؛ یکی هم شیرخواره بود
 که در آغوش خود داشت
 اول اجازه نمیدادند که
 او را ملاقات کند؛
 ولی پس از تمنا و
 تقاضای بسیار کسب اجازه
 نمود و بنزد او هدایت شد
 هنگامیکه شوهر خود را
 در لباس زندانی با دزدان
 و جنایت کاران بزننجیر
 بسته دید؛ سزمین افتاد
 و برای مدتی مدسدی
 بهوش نیامد. آنگاه
 اطفال خود را آغوش
 کشیده و در پهلوی او
 بر زمین نشست و راجع
 باینکه چه اتفاقی برایش
 پیش آمده بود نمود
 او سؤال کرد.

تماماً را برایش شرح
 داد. سپس سؤال نمود
 ، اکنون ما چه میتوانیم
 بکنیم.

ایوان جوابی نداشت
 و فقط سر بر انداخت.
 آنکه همسرش گفت
 ، «تو نباید آن روز را
 میگردی و در حالیکه
 آشنایان خود را در زلف س

جمله و تلفظ	معنی
<p>you killed him, and how much money you stole?" Ivan swore he had not done it; that he had not seen the merchant after they had had tea together; that he had no money except some of his own, and that the knife was not his. But his voice was broken, his face pale, and he trembled with fear as though he were guilty.</p> <p>یو مانی ماچ هآ، ائد هیم کیلد یو 'دب، رات دان' ناٹ هئد هی سوژاژ ایوان سٹ ل' دی، اف، تن، مرچنت، د، سبن، ناٹ هئد هی مانی ن' هئد هی 'دب، رات دان' هیژ آؤ سام، اکٹ پیٹ هیز بر' کی واز و'یس هیز باب هیز نات واز راز، فیز ویش 'ف'رمبلد هی، اند، بیل، فبش، گیلتی، روز هی س'</p>	<p>بن بگوکه چگونه سو او را کشتی؛ و چه مبلغ پول دزدیده ای؛ «ایوان قسم یاد کرد که او این عمل را نکرده است و همچنین او آن ناچ را پس از آنکه با یکدیگر چایی صرف کردند دیگر ندیده است؛ و نیز پولی هم جز مبلنی که متعلق بخود اوست ندارد و بلاوه چاقو متعلق باو نیست. لیکن صدای او گرفته و رنگش پریده؛ و از وحشت بر خود میلرزید مثل آنکه حقیقتاً مقصر است؛ افسر پلیس سربازها فرمان داد تا ایوان را بسته و در عسرایه جای دهند.</p>
<p>The police-officer ordered the soldiers to bind Ivan and to put him in the cart. As they tied his feet together and flung him into the cart, Ivan crossed himself and wept. He was sent to the jail and imprisoned there, with the charge of murdering a merchant.</p> <p>کارت د این هیم بوٹ نو، اند ایوان، بئد تو فلائک، اند سو کدرد میت هیژ 'تید، دی، راز، اند هیم سلف کراسد ایوان کارت د ایتت هیم اسپری راند، رجیل د، تو رسنت واز هی، وبت، موژدرینگ آؤ جارج، د، ویش، دز، زید، مرچنت ا رابینگ، اند</p>	<p>ضمن اینکه بای او را میبستند و با زور او را بطرف عرابه میکشیدند ایوان علامت صلیب بر خود کشیده و گریست. او بزنندان فرستاده شد و در آنجا بمنوان سرقت و قتل یک ساجر محبوس گردید.</p>
<p>His wife was in despair, and did not</p> <p>ناٹ دید، راند، دبش بر این وار، او یف، هیز</p>	<p>همسرش در نومیدی و یأس سر میبرد و نمیدانست</p>

حمله و تلفظ	معنی
The soldiers and the police-officer ای سز - پلس ، د اند 'سل حوز ، د	سربازها و اسر پلس ائانه سمر اسوان را
unstrapped Ivan's laggage and searched it اب سز چنه اند لا کج ابوار آسب مزب د	سار سوره و مشمول حسحو شدند ساکهاں
Suddenly the officer drew a knife out of a یا آو آت 'سف را در ای رسز د سا دلی	اسر پلس چاموئی او سک کسه بیرون آورده
bag, crying, "Whose knife is this?" دش از 'سف هوز کد 'سنگ 'سک	و فریاد کرد اس چافو معلق به کست
Ivan looked, and seeing a blood- بلوژ را سسنگک ، اند لوکد ابوان	اسوان نگاه کرد و دسد چاموئی آعشه
stained knife taken from his bag, he هی 'سک هز 'فرام 'بی کن 'سف س سسند	بحون او کسه او بیرون آورده اند او وحشت
was frightened ف ری تیند وار	کرد چگونه اس چافو بحون
How is it there is blood on this knife? سف دش آن بلوژ ابر ددر ، ات ار ها	آلسوده شده است ابوان سعی مکرر که
Ivan tried to answer but could hardly هارذلی کوژ ناب آن رسر و ب'رند ابوان	حواس نگوید اما سعی فادر نبود کلمه ارا
utter a word and only stammered I - 'ان س ب ، مرد ا بلی راند وژذ را آرتز	کند و هفت نالکت زبان گف در من - بعدانه -
lon't—know—not mine 'مس با ن دنت	ار آن - من - سب سس اسر پلس گف
Then the police-officer said you are آر و رسد ای رسر - پلس د دن	ر بو بگانه شخصی هسی که فادر باحمام اس عمل
the only person who could have done it راند دان 'هو کود هو برسس ا بلی د	سوده ان رسر هیچ شخص دیگری در آحسا
Because no one else was there Here is this دش ار هر در وار الش وان 'ی کا ز	سوده است ان هم چاموئی بحون آورده شده
blood-stained knife in your bag and your ر راند سک بز ان سف س سسند - بلوژ	که در کسه سو ست وحساب و رساند بر
face and manner betray you! Tell me now ه می ن و سسری ما ر اند ، سف	شاه حساب ، مناسبه

حمله و تلفظ	معنی
<p>did you spend last night? Were you alone, ال ن بو وژ لب لب ش ند بو دند or with a fellow-merchant? Did you see سی بو دند ,مرچنت - فالو ا وس از the other merchant this morning? why وای مرسنگ دنس ,مرچنت آدر د did you leave the inn befor dawn? دآ ن می فر ان د لو بو دند</p>	<p>گندرا نه ای ، آ ما شما بها بودند - انا شخص باحری ، آ ما شما آن باحر ر بگر را امرور صبح ملاقات کردند ، بچه غلب سما مهماسرارا قبل از طلوع آفتاب تترك گمده ، ایوان منجر ودکه</p>
<p>Ivan wondered why he was asked all ال 'اسگند واره ی وای واندرد اوان these questions but he described all that دب ال دش گرا د هی اب کو اسشر در had happened and then added, Why do دو وای ,اردد ,دن ,اند 'هد د هد you cross-question me as if I were a thief دنب را ور ای ایف ار می کو اسس - کراس بو or a robber? I am traveling on business of آو سرتی ,سش آن 'رارولسنگ ام ای داری را از my own, and there is no need to question کو اشش و سدن 'ار دد ,اند آن می me ' But the official calling the soldiers سل ,حررد ,د کلسنگ آمی شل - ناب می said I'm the police-officer of this district دسب ,رگندش آو آفی بر - نلس د انم ,سد and I question you because the merchant مرچنت د بی کار و کو اسس ای اند with whom you spent last night has been من 'هر لب لب لبس پست و هوم و س found with his throat cut we must search ,سزچ ماست وی کات رت هم وس فاند you things سکس 'ر</p>	<p>چه غلب استگونه ستوالاب از او من شود لاکس اجرا که گذشته بود سان کرد و سس اضافه بود برای چه از من ماند نك درد و با زهری ناز پرسی میکند ، من برای انجام کارهای باحری خود مسافر میکم و هیچ احساسی ناز پرسی من سب ، ولی مأمور دولت در حالیکه سربازها را احصار میکرد گفت ، من افسر نلس این ناحیه هستم و از شما ناز پرسی میکم بدانچه که آن باحر یعنی همان شخصکه شب گذشته را شما سا او گندرا نه اند باگردن مرده پیدا شده است ما ناسی ایانه شما را از حومی کنم «</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>It was not Ivan's habit to sleep late, لیت سلیپ مو ح ت ایوانز بان وار انت he aroused his driver before down, and told تلتد اند دآن می فو ذری ور هیز ار رذ هی him to put in the horses, then he went to مو ووت هی دن هز سن د این پوت مو هیم the landlord of the inn, paid his bill, and اند سل هنر پند این رد آو لذ لرد رد continued his journey حوز بی هیز کاسی بی بود</p>	<p>اس حوی ایوان بود که درگاه بخواند س رانده خود را قبل از طلوع آفتاب بیدار کرده و باوگفت تا اسبها را بند سس برد صاحب مهاسرا رفت و پس از پرداخت حسابش بمسافر خود ادامه داد</p>
<p>When he had gone about twenty-five هیو - یو اسی انا آب کان همد هی وون miles, he stopped to rest a while at the inn این داب وون را رست مو سپاند هی امیلز then he ordering for tea and got out his هیز آت گاب اند بی فر ا زورنگک هی دن guitar and began to play پالی مو بی گاب اند کتار</p>	<p>پس از آنکه تقریباً بیست و پنج میل راه بمسافر منظور لحظه استراحت در محوطه خانه توقف کرد و پس از آنکه دستور حائی داد گیتار خود را بیرون آورده مشغول سواحن شد</p>
<p>Suddenly an official drove up followed فال ذ آت ذرو ای شل آن سادلی by two soldiers He came to Ivan and began بیگان اند ایوان مو رکتم هی سل حرز مو یای to question him, asking him who he was وار هی هو هیم اشکیسک هم کور امینس مو and whence he came Ivan answered him هم آن سزذ ایوان رکیم هی ووتس اند fully, and said, "Won't you have some tea تی سامه هه مو ووت رسد راند فولی with me?" But the official went on cross- کرس آن ووت ای شل رد داب می وسن questioning him and asking him, "Where وز هیم اشکیسک راند هیم کور اسسک</p>	<p>تا کهای یکی از مامورس دولت بهراهی دو نفر سرباز وارد شد. او بطرف ایوان آمده و شروع به پرسش نمود سؤال میکرد که او کیست و چه وقت آمده است ایوان ساما را جواب داده و گفت آنامین ندانم کمی دمن صرف حای فرمائید امسا مامور دولت باز پرسشی خود ادامه داده و از او سؤال کرد ر شب گذشته را در کجا</p>

جمله و تلفظ	معنی
<p>His wife replied "I do not know what I am afraid of, all I know is that I had a bad dream I dreamt you returned from the town, and when you took off your cap I saw that your hair was quite gray."</p>	<p>همسرش جواب داد ، من میدانم آنچه چیزی وحشت دارم فقط آنچه میدانم این است که خواب بدی دیده ام . در خواب دیده ام تو از شهر مراجعت کرده و هنگامیکه کلاه خود را از سر برداشتی دیدم که موی سر تو تماماً سپید شده بود</p>
<p>Ivan laughed "That s a lucky sign, said he "See if I don't sell out all my goods, and bring you some presents from the fair"</p>	<p>اسوان خندید و گفت > این يك علامت و شانه ارحوشحی است خواهی دید که من کلیه مال الحار خود را بفروش رسانده و از بازار مکاره نیز هدایایی چند از بهر تو خواهم آورد <</p>
<p>So he said good-bye to his family, and drove away</p>	<p>آنگاه از همایل خود جدا حافظی کرده سفر آغاز نمود .</p>
<p>When he had traveled half-way he met a merchant whom he knew, and they put up at the same inn for the night They had some tea together, and then "ent to bed in adjoining rooms</p>	<p>پس از آنکه بیسی از راه را ببود ، بتاحری که با او پیر آشنایی داشت در حورد کرد شب را در مهمانسرای موقوف شدند سپس با یکدیگر کمی چایی نوشیده و هر يك بحوا نگاه خود که در اطافهائی متصل بهم بود رفتند</p>

جمله و تلفظ	معنی
Innocent	بی گناه
<p>In the town of Vladimir lived a young merchant named Ivan. He had two shops and a house of his own.</p> <p>یانگک ا لیوڈ ولادیمیر آو تان رد این شاپس نو هڈ هی ایوان ، نینڈ مژچنت آن هیژ آو هاش را اند</p>	<p>در شهر (ولادی میر) تاجر جوانی بنام ایوان زندگی میکرد. او دارای دو مغازه و یک خانه شخصی بود.</p>
<p>Ivan was a handsome fellow, full of fun, and very fond of singing. When quite a young man he had been given to drink, but after he married he gave up drinking, except now and then.</p> <p>آو فولو خالو هنته سم را واژ ایوان کواپت وون سینگینگ آو فائتو وری راند هنی ا درینگ سو کئی وون بین هڈ هی من نانگک ا درسکینگ آپ کیو هی مرید هی اف نر باء دین راند آو راکت سبت</p>	<p>ایوان مرد زیبا و پر نشاطی بود ، بوسیقی نیز علاقه بسیاری داشت در ایام جوانی پیاده کساری میبرد اخت لیکن پس از آنکه ساهل اختیار نمود جز در موارد استثنائی آنها گاه گاهی ، اصولا میخورد گی را برک کرد .</p>
<p>One summer Ivan was going to the Fair, and as he bade good-bye to his family 'فیلی هیژ نو کودنای ریند هی ار راند رفو' his wife said to him, "Ivan, do not start to-day; I have had a bad dream about you."</p> <p>بو انات دریم بد راکه هڈ هو ای تو دی</p>	<p>در یک روز تاساسی ایوان عازم بازار مکاره بود ، هنگامیکه از فامیل خود خداحافظی میکرد همسرش او گفت ، ایوان امروز عزیمت مکن . منی راجع تو خواب بدی دیده ام .</p>
<p>Ivan laughed, and said, "You are afraid that when I get to the Fair I shall go on a spree."</p> <p>آو بوو سڈ راند لافند ایوان اش ای رفو ر نو رکت ای وون ادت راف رند سو بری را آن راک</p>	<p>ایوان بخندید و رد و گفت : تو از آن مرسسی که اگر من بیارم مکاره بروم بعیش و بوش خواهی پرداخت</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>وَسَدَّ وَن سَارَا اَبْرَا اَيْن سَلَبَتْ وَوَبَكَتْ اَبْتْ مَاتْ وَن دَا كَتْ اَبْرَا اَوْى دَ هَيْشِشْ تَلِي وَن يُوْ اَزْ اَبْتْ رُومْ دُوْ اَزْ دِيْ دُوْ اَبْتْ رُومْ وَن وِيْ هُوْ كَلْدْ وِيْ اَزْ اَيْنْ فَيِزْ وَن وِيْ هُوْ نَانْ وِيْ اَزْ اَيْنْ دِنْ جِرْ وَن دَرَسَكْ اَيْنْ تَزْدْ وَسَدَّامْ دِيْبَارْتَسْ</p>	<p>window When sorrow is in sleep wake it not When the cat's away the mice play. When you are at Rome do as they do at Rome. When we have gold we are in fear, when we have none we are in danger When drink enters, wisdom departs</p>	<p>هنگامیکه متأثری در خواب است او را بیدار مکن هنگامیکه گربه دور است موش بازی میکند فنی در شهر رم هستی هر چه آنجا مرسوم است بکن (خواهی نوی رسوا هم رنگ جماعت شو) وقتی طلا داریم میترسیم هنگام یکه چیزی نداریم در خطریم برایش از این کیسه برسیم بود سو و روم از کیسه برسیم بود هنگامیکه مشروب داخل شد خرد خارج میشود</p>
<p>وَزْ مَاچْ شَمْ اَكْتْ اَبْرَا دَزْ مَاسْتْ سِي سَامْ فَرْ وَر دْ كَاژْ رَكْسْ اَبْرَا دَزْ دْ رَاوَنْرْ وَلْ كَا رَكْتْ نُوْ بَكْشِدْ وَر دَزْ اَبْرَا وِلْ دَزْ اَبْرَا لُ وَاوِيْرْ وِيْ</p>	<p>Where much smoke is, there must be some fire Where the carcass is there the ravens will collect together Where there is a will there is always a way</p>	<p>تکهددا نامستی نچورد عا ل می هر کجا دود زیاد است آشی هست هر کجا لاشه ای وجود دارد آنجا لاشخورها دور هم جمع میشوند در مقابل هر اراده یک راهی پیدا میشود همت اگر سلسله جاسان شود مور تواند که سلیمان شود چود و ستم را روی خاک زمین نابی را روی مرمر بنویس</p>
<p>رَبْتْ اَيْنْ حَرَبْزْ اَيْنْ دَاسْتْ نَانْ كِيْدَرْشْ اَيْنْ مَارْ لُ رُوبَلْ يَزْدْ اَزْ اَيْفْ دَزْ اَبْرَا هَبْ هُوْ سَدَسْ رَا كَيْسْتْ دْ وِيْدْ شِيْدِيْشْ اَيْنْ هَبْرْ اَبْرَا وَيْشْ</p>	<p>Write injuries in dust but kindness in marble While there is life there is hope Who spits against the wind spits in his own face.</p>	<p>تا عمر ناپیست امید هست هر کس برخلاف جهت باد بف اداحت تصور خود ادداخته است (بف سر نالا)</p>

لفظ	جمله	معنی
<p>بو ماح، فیلی، بریتی تربیزد کان، بخت و تالی د داگت این د، مین، حر نو رات بی تزی نو، بی 'بل'</p>	<p>Too much familiarity breeds contempt To play the dog in the manger To rob Peter to pay Paul</p>	<p>سیاری از مساهر (زرگین) سجی د گی مکسد باسک سه ناری کردن از حسن در دین و حسن دادن</p>
<p>بو ست، رین، اب، ا، است اند، سوال، ا 'ک، مل ت، رید، انز، د، مار، د آو مایی نو، هدر، آژ، ب، نو 'دن، وان'</p>	<p>To strain at a gnat and swallow a camel Trade is the mother of money Two heads are better than one</p>	<p>از بشه دحر کشدن و شتری را نلعین، ا رته سورن گدش وارد و راه داخل شدن تجارت ها در پول است دو فکر بهتر از یک فکر است (هر که بی مشور کند در عالمش بر هدم نیاید سر) عریف از حقایق ریشه گرفته و منتشر میشود دو تاجر همکار سود ا یکدیگر مواهده.</p>
<p>رو، پ، ر، ت، نیکس رو، اند، شیز، ندش و آو، ا، ت، د، د، سلدا، م 'ا، گری</p>	<p>True praise takes root and spreads Two of a trade sel - dom agree</p>	<p>دو پرسو، با، س، درست 'مکسه افکاری که در سر داری بکار نشدن او می خواهد داد لف کس - مجتاج سو ما جاء جک دندر آرا مسا م نو قدر آ، چه ری که در کار موی و فی اصال میجه ندا سفا ده کن (حان، ر، د، گ، بی، کن، ای، بگری نومی که اصال دادت حدای</p>
<p>نو سوال، ر، دو، نا مک، ا، سا، م ور، د، میسر، ا، نه گاد، و، ل، گین، د ب، ل، س، ک</p>	<p>Two swallows do not make a summer Use the means and God will give the blessing</p>	<p>دو پرنده تابستان را نمکنند استفاده کن و خداوند تو را پادشاه خواهد داد</p>
<p>رویش، نا، و، انت، نا وی، ر، نو، ن، د و، ز، آو، و، ا، ت، ز، مل د، رول، انز، د، ز، ی ون، فرحون، ش، م، ل، ز آن، دی، ریک ا، دو، ان، شجر</p>	<p>Waste not want not We never know the worth of the water till the well is dry When fortune smiles on thee take advan- tage</p>	<p>بهر چیزی که بخواهی بهدار ما خواه جک دندر آرا مسا م نو قدر آ، چه ری که در کار موی و فی اصال میجه ندا سفا ده کن (حان، ر، د، گ، بی، کن، ای، بگری نومی که اصال دادت حدای</p>
<p>ون، با، وری، کامر ان، اب، د، در، لا، و ف، لیز، آن، اب، د</p>	<p>When poverty comes in at the door, love flies out at the</p>	<p>هنگامی که فقر وارد شود عشق او بیخود پرواز میکند</p>

لفظ	جمله	معنی
<p>مَزْ هَامِلٌ د مَزْ یُو هَسِبْ رِدْ 'وَزْسَتْ یُو کَسِبْ</p>	<p>more humble The more you heap the worst you keep</p>	<p>(زیندشاح پرموه سر بردمن) هر چه دسسر اندوخته کنی بدترین از آن بس</p>
<p>د بَتْ آوْ وَتْرَبِ یُو اِیْر د 'بِتْ آوْ پَشِ</p>	<p>The path of virtue is the path of peace</p>	<p>راه پیروزی حساده صلح است .</p>
<p>رِدْ 'رَبْ وَجْ هَرْ نَابُ وَاِنْ هَلْ اِرْ سَوْنِ کَا</p>	<p>The rat which has but one hole is soon caught</p>	<p>موشی که فقط یک سوراخ داشته باشد زود گرفتار میشود</p>
<p>رِدْ سَوْنِ رَسْتِ وِنِ مِیْکَسْ دِ شَاوْرِبِیْتْ وِیْنِ بَکْرُ</p>	<p>The sweetest wine makes the sharpest vinegar</p>	<p>از شیرین ترین شرابها تند ترین سرکه ها ساجحه میشود</p>
<p>دَزْ اِرْ نِ حَبْرَالِ رَوْلِ وِیْدَا بْ اَنْ اِکْ سِ</p>	<p>There is no general rule without an exception</p>	<p>همچ قاعده عمومی است که بدون استثناء باشد</p>
<p>سَمِ اِنْدِ سَمِ فَرِ نِ مِ</p>	<p>Time and tide stay for no man</p>	<p>وقت مانند مد دریا برای کسی میماند</p>
<p>دِی مَاسْ هِیْ کَزَاسِ فَرِ سَتْ دَبْ وِلَیْ نَابِ وِرْکِ اِنِ هَبْ</p>	<p>They must hunger in frost, that will not work in heat</p>	<p>آنها تیکه در آسمان کار نمیکند تا سی در زمستان گرمه ماند</p>
<p>دِرْ اِرْ اَسَاوْ اِفْرِ اَوْرِیْ سِرْ</p>	<p>There is a salve for every sore</p>	<p>هر دردی را دوائی است</p>
<p>دِرْ هُو پَلِیْ وِسْ رَا حِدْ وِلْزْ مَاسَتْ اِکْسِ کَبْ وِیْ کَا</p>	<p>Those who play with edged tools must expect to be cut</p>	<p>استحاجه که با ابزار برنده بازی میکند ناسی انتظار بریدن را داشته باشد > کسی که خرونده خورد ناسی نای لرزد هم حسد</p>
<p>و اِزْ اِرْ هِیْ یُو مَنِ فَرِ کَبُو دِیْ اَوْسِ</p>	<p>To err is human, to forgive divine</p>	<p>خطا راست مسلم بردگوازی و حکم که حرم - بدوان برقرار میدارد</p>
<p>و مِیْ کَوکَسِ سَبْ اِنِ رِدْ 'بَاتِ</p>	<p>Too many cooks spoil the broth</p>	<p>خیلی آشپزها آشکوب را خراب میکنند</p>
<p>رِدْ سَبْ اَرْوَسِ اِرْ اَبْ یُو کَبُو رَا</p>	<p>The best advice is not to give any</p>	<p>(بهرین اندرز آشکوه هیچ چیز است از دست ندهید)!</p>

تلفظ	حمله	معنی
دڻم سلوڙ نڪ آڙو دڻم، دوپل، راند هي ويل رابڙ مڻي مي د ڪافيائي نو ڪپ اند 'اٺل' رڻو نو واٽ و آڙو	selves Talk of the devil and he will appear Tell me the company you keep, and I'll tell you who you are	ارشطان صحبت کن او ظاهر حوادث شد . گو رصبت گشت نا گويم گشتي .
د اس دڻ ب رڻو مڻت اڻس لست د ت لست امڻر اوڻت سدر ن رس سڻگ د ڪامفٽر رڻو رهد ن ور اڻس د رڻو اڻر ناٺ راند ب اڻس اڻر هي اس سند	The ass that bravs most eats least The blind man's wife needs no painting The comforter's head never aches The devil is not as black as he is pam- ted	الاعى كه راند زوره مسكد كم مجرود هيسر مرد گور احساح نه آرايش كردن ندارد سرى كه آساش دارد هر گر درد نبيگيرد شيطان آندبر هاكه باعاشي مسكد ساه بس (هر چه نگويد تو ناور مگي)
د گود سڻ آڙو ا ودنگ اڻر آڻ ان د اسنگ د ڪڻ رسب رڻو اسر ڪان سڻ مڻت وڻ لڻي پل د هسسي هڻد اڪچر فراگ اڻر مڻت د هارڻ وڻ د سورڻ سڻ	The goodness of a pudding is known in the eating The greatest wealth is contentment with little The hasty hand ca- tches frog for fish The hotter war the sooner peace	شربتي حلوا هڻاء خوردن معلوم مشود ارجلوا حلوا گس دهان شربتي مشود برگري نروبها كم كم شكيل شده «اندك اندك بهم شود سار» دست عجول بچاي ماهي هورناغه مگر د حگك شد دير - صلح رود تر
د لست ڌراڻ مڻس د ڪاڻ ڌن اڻوڻ د لڻو شڪڻ اسر ن ور حسب د لان گڻ سڻي ماس هو آڻ اڻوڻ د مڻر نارڻ د	The last drop makes the cup run over The lion's skin is never cheap The longest day must have an end The more noble the	آخرين فصره ناع لبر سڻ سڻ مسو وس - هر هر تر رڻ - سو - هر دور مڻي را نا ماس (اس ش سبه سڻد اس) - س - مانهو

تلخیص	حمله	معنی
<p>سُئِيَ بُسُّ دَارٍ يَلْدَامُ اَيْ هَاذِمُ سست اس 'رَبِّ لَشْنِ رَامِدِ نان وبل مَكْنُ و 'رُزْنُ</p>	<p>Silence does seldom any harm Sit in your place and none will make you rise</p>	<p>حاموشی کمسردمان آوراست « بندم ۹ رحاموشی حصالی » محای خودب شش کسی بلند بخواهد کرد « حائی سین که ربحراعدب »</p>
<p>سَوْنٌ رُتِبٌ سَوْنٌ دَارِمٌ 'سِرٌ وبل رِی ن' دَبُّ</p>	<p>Soon ripe, soon rotten Sorrow will pay no debt</p>	<p>رود رسیده رود فاسدمشود اسف جواب فرس را بدهد</p>
<p>سَاؤُ كَيْ رِيْسٌ سِدُّ د فَاكْتِسْ رُونِ هِي كُوذُ نَابُ رِنَجُ دَمُ</p>	<p>"Sour grapes said the fox when he could not reach them</p>	<p>روناه و می دسش ۱۰ انگور مرسد مکنود رش اسب (گر نه و دی دس س کوسب رسد مکنود و مدهد) کویاهی ارسه جه اراضاع مکند</p>
<p>سَبِّ رَادُ سَبِّ مَلِ د 'مُجْلِدُ</p>	<p>Spare the rod spoil the child</p>	<p>در حوایی س ایدار کن مادر پیری حرج کسی (رای دگر روز چیری مه)</p>
<p>سَبِّ رُونِ نُوْ آؤُ نَابُكُ رَامِدِ سَبِّ رُونِ و آؤُ اَلْدُ سَبِّكُ د رُوْبُ رَامِدِ</p>	<p>Spare when you are young, and spend when you are old Speak the truth and shame the devil</p>	<p>در حوایی س ایدار کن مادر پیری حرج کسی (رای دگر روز چیری مه)</p>
<p>رَشْمُ د رُوْبُلُ سَبِّ رُونِ رَامِدِ سَبِّ رُولِ</p>	<p>Spare well and spend well</p>	<p>ار حصمت صحبت کن ناشطان ححل شود</p>
<p>سَبِّ رُونِ رَامِدِ سَبِّ رُولِ</p>	<p>Spare well and spend well</p>	<p>حوب صرعه حوئی کن ناحوب حرج کسی</p>
<p>سَبِّ رُونِ رَامِدِ سَبِّ رُولِ</p>	<p>Stars are not seen by sunshine</p>	<p>هنگامی خورشید مندو حسد سارگان دنده بسوید</p>
<p>سَبِّ رُونِ رَامِدِ سَبِّ رُولِ</p>	<p>Stretch your legs ac- cording to your coverlet</p>	<p>بانت را با اندازه کلام دراز کن</p>
<p>سَبِّ رُونِ رَامِدِ سَبِّ رُولِ</p>	<p>Strike while the iron is hot</p>	<p>آهن را هنگامیکه گرم اسب صرعه برن</p>
<p>سَبِّ رُونِ رَامِدِ سَبِّ رُولِ</p>	<p>Study to be worthy of your parents</p>	<p>گوشش کن که ارش فاملت را داشه بسی</p>
<p>سَبِّ رُونِ رَامِدِ سَبِّ رُولِ</p>	<p>Take care of the cents and the dollars will take care of them-</p>	<p>ار پول ساه نگاهداری کن اسکماس ار خودش نگاهداری خواهد کرد</p>

تلفظ	جمله	معنی
گملاش هاء زس شود ن. و د تتر اشت ن	glass houses should never throw stone.	میکند نیاستی سنگ بیا نداد (سنگ بر پاره حصار مزین که بود کر حصار سنگ آید)
بارورتی بارش فریندند	Poverty parts friends	فقر رفعا جدا میکند بی زومیسر نشود کام دوستان
بری و نشین این ب. بر ادن کی بود	Prevention is better than cure.	ممانعت بهتر از مداواست علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد
بر ک رشتی نشین این د دیت آو نیم	Procrastination is the thief of time.	بتا خیر انداختن دزد وقت است کم قول بده و بیشتر عمل کن
پرامیز لی تل اند دو ماچ	Promise little and do much.	در کار دیگران مداخله مکن شهر دم در دیگر روز بنا نشده است
پردی نا ا بنت د آفر آو آرزو	Pry not into the affair of others.	سین آنکه کند حکیم آغاز یا سرانگشت سوی لفته دراز
وام و از نا بیل این ا دی	Rome was not built in a day.	که زنا گفتنش خلل زاید یا ز نا خوردنش جان آید
رول د ایی نیت اند س. بر د	Rule the appetite, and temper the tongue.	گفتن و عمل کردن دو چیز - دو صد گفته چون نیم کردار نیست
سنگ اند دینگ آر نو تینگس	Saying and doing are two things.	نیکي را در دیگران و بدی را در خودت جستجو کن
سرج آرزو فر دیر و برتی بود ادی -	Search others for their virtues, thy- self for thy faults.	دیدن ناور کردن است بندوب دیدن فراموش میشود
سلف فر ادی فتن سب تینگ از می لو تینگ سدام سین سون و کا بن	Seeing is believing Seldom seen, soon forgotten.	« از دل سرود هر آنچه از دیده برفت »
سلف بری زرو و نشین این د فرست لا آو	Self - preservation is the first law of nature.	(هر که بینی مراد و راحت خویش از همه خلق بیشتر خواهی یافت از خود اولین قانون طبیعت است)
نی جز ست ا دیت تو تینگ ا دیت	Set a thief to take a thief.	(شغال بیشه مازندران را نگبرد جز سگ مازندرانی)

تلفظ	جمله	معنی
ن راز ویدآت ا انزق	No rose without a thorn.	هیچ گلی بی خار نیست :
ناتینک د ریز سو نر مدن تیزد	Nothing dries sooner than tears.	هیچ چیز از اشک زودتر خشک نمیشود .
آو ال یو ستادیز ستادی یز پ درذنت کاندی شن	Of all your studies, study your present condition.	از تمام تحصیلات موقعیت کنونی خود را تجسس کن (درفکر حال باش)
الذ یز یلد ن هانئ	Old bees yield no honey.	ذنبور پیر عسل نمیگذارد
الذ ف ربندد اند الذ وین آذ سست	Old friends and old wine are best.	رفیق قدیمی (مانند) شراب کهنه از همه چیز بهتر است
وان آئی ویت نس ایز ب سز مدن متن هیز سیز	One eye witness is better than ten hearsays.	یک شاهد چشم دیده بهتر از ده شاهد بکوش شنیده است (شنیدن کی بودمانند دیدن)
وان فلاور میکس ا کار لند	One flower makes no garland.	یک گل تاج درست نمیگند
وان هفت بد وارلد نیز مات هان د آردز هفت لیوز	One-half the world knows not how the other half lives.	نیمی از دنیا نمیدانند نیم دیگر چگونه زندگی میکند .
وان نیل د ریزوز آن آردز آت	One nail drives another out.	(کسی را از حال کسی خبر نیست) یک میخ میخ دیگر را بیرون میکشد .
وان سوال میکس بات سبیرینگ	One swallow makes not a spring.	یک پرستو بهار درست نمیکند « از یک گل بهار نمیشود»
آت آو دت آت آو در حر	Out of debt, out of danger.	از قرض کردن حذر کن تا از خطر دور باشی .
آب آو فاریننگ مین ایت رد ف یز بی شن ایز را فلاور	Out of the frying pan into the fire.	از تابه بیرون در آتش . (از چاله در آمدن و بچاه افتادن)
اوت کرز نات این اودی مادیز کاردن	Patience is a flower that grows not in every body's garden	صبر گلی است که در باغ هر کسی نمیروید .
بی شن ایز را بلاستر فر ال سوز	Patience is a plaster for all sores.	صبر مسخ تمام زخمها است . (الصبر مفتاح الفرج)
بی بل هو لیو این	People who live in	کسیکه در خانه شیشه زندگی

لفظ	جمله	معنی
لَيْفٌ وَدَاآتُ مَا فِى رَيْبِهِ أَنْزِدُكَ وَدَاآتُ مَا وَسْتِيسِ	Life without a friend is death without a witness	زندگی بدون رفیق مرگ بدون شاهد است
لَتَوْا بِمَا هُوَ آتٍ بَابٌ أَسْبِغُوا لَتَوْا لَوْ كَفَّ سِىءُ فِى سِوَى لَيْفٍ	Live not to eat, but eat to live Look before you leap.	برای خوردن زندگی مکن بلکه بخور برای زندگی کردن تا کسی حای قدم استوار پای مه دو طلب هیچکار
مَنْكَ هَيْئِىْ وَوَيْلٌ د مَنْ دَاوَرِىْ وَوَيْلٌ هِىْ مَنْ رَاوَدَ كَاذِبًا وَوَيْلٌ مَنْ يَرَابُ رِشًا كَاذِبًا	Make hay while the sun shines Man does what he can and God what he will Man proposes, God disposes	هنگامیکه آفتاب است علف خشک کن (موقع شناس ماش) بشر هر چه تواند میکند لیکن خداوند هر چه خواهد (اگر تو حرکت از حد ابرکت)
مَنْ مِئِىْ كَفَّ آتِىْ فِى رِوَا أَنْدِ كَامٌ هُوَ مَشْرُوقٌ مَرِّىْ أَمْرٌ مَسْرُوقٌ وَيْلٌ بِنِوَى وَوَيْلٌ لِرِوَا دَخِ بَرِّىْ وَوَيْلٌ لِرِوَا وَيْلٌ لِرِوَا	Many go out for wool and come home shorn Marry your sons when you will, your daughters when you can	(دام هر بار ماهی آوردی ماهی این بار رفته و دام سرد) رای بسراحت هر موقع که میخواهی عروسی کن ولی رای دحراحت هر موقع میتوانی
مَنْ فَرَحُونَ سَلَامٌ كَلِمٌ رَالِئٌ وَيْلٌ لِرِوَا كَلِمٌ هَرَسِىْ أَسْبِغُوا مَأْسِىْ وَيْلٌ لِرِوَا كَوَيْتِىْ سِرْبِئِىْ نَبِئِىْ فِى رِوَا	Misfortunes seldom come alone Never look a gift horse in the mouth Never quit certainty for hope	چون ندادند هر چه آمد بشود کک لاده گردود ده صد بشود دما اسب پس کسی را بسمارند هر آرزویت را امیدم عروش (سبلی بده رطلوای سبه) هر گز آب نداسه من (خود داری کن از راهی و نه گمراهی در اوست)
وَيْلٌ لِرِوَا وَوَيْلٌ لِرِوَا وَيْلٌ لِرِوَا	Never wade in unkn- own waters.	سوزن نو سوزن حار و میزند (کت زده سوزن سوزد) سوزن نو سوزن حار و میزند
بِىْ سِوَى مَرْقَمِ سِوَيْبِىْ تَكْلِئِىْ	New brooms sweep clean.	
مَنْ مَسْرُوقٌ مَسْرُوقٌ مَنْ مَسْرُوقٌ مَسْرُوقٌ	No man can serve two masters	

نلفظ	جمله	معنی
ایف وی سابدی یو ناب آز پ، شنش دی ویل سابدی بو اس .	If we subdue not our passions thy will subdue us	اگر ماشهوب خودرامطیع خود بنکیم او مارا مستغر خواهد کرد . اگر کلاه ناندازه سرت هست بسر گذار (لقمه ناندازه دهن بردار)
ایف د کپ فیت وی رت	If the cap fit, wear it.	امثال رشت (بد) مانند امراس مسری هستند
ایل اگرام یلز آز ایگ کان رجی بوذ دیزی رت این ا کالم سی را ذری امن ایورا این لت	Ill examples are like contageous diseases. In a calm sea every man is a pilot.	در یک دریای آرام هر کسی ناحداست (مبره گر سکت شیمید همه کس استاد است) ارنگ گوش شنیدن و ادیکی دنگر بند کردن .
این زت وان ار راند آ ت رت د آرد رتیز رت تو دو ول کن تو سی ول رتیز رت د رت تو ریت تو رتیز	In at one ear and out at the other. It is better to do well than to say well.	برای کسب علم هیچ موقعی در نیست نامو وقت (فتح) کوچکی نحود معرور مشو
رتیز ن شم دل کان کو رشت تو اور کام یز رتلف رایر فر بیقول تو دو نایگ دن سامتیکه	It is no small conquest to overcome yourself	همچ کاری نکردن (بیکاری) ادکار مشکل کردن دردناکتر است
سکت او ال ت ریدر اند ماس رت او نان کیمت رت ایگ کت رین ایگ رتیز نای سا بیگ رت مات یز تانگ کات یز رت لا راند و راند لاقر ویس یو و یپ اند یو ویپ رال ن	It is more painful to do nothing than something Jack of all trades and master of none.	همه کاره هیچ کاره است مهربانی مانند بدر کاشتن گدم افزایش میابد مگذار رنات گلویت را قطع کند
	Kindness, like grain increases by sowing Let not your tongue cut your throat. Laugh and the world laughs with you, weep and you weep alone.	بخند ما دنیا با تو بخندد گریه کن تا تنها گریه کنی

تلفظ	جمله	معنی
هیو میلیتی ایژ د فان دیشن آو ال ویز تیوز	Humility is the foundation of all virtues.	تواضع پایه و اساس تمام پاکدامنیهاست .
هی دت بل ز این د دانت فیلز هیژ آیز هی دت هژ ن شیم هژ ن کان شش	He that blows in the dust fills his eyes. He that has no shame has no conscience.	کسیکه در گرد و خاک دمدم چشمان خود را اکدمه میکند کسیکه شرم ندارد وجدان هم ندارد
هی دت لمر دآ ن ویس داگز ماست اکس پکت بو ریز ویس فلیز	He that lies down with dogs must expect to rise with fleas.	کسیکه با سگها بخواند نایستی انتظار آرا هم داشته باشد که با حشرات برخیزد (بسر نوح ناندان نشست-خاندان سوتش کم شد)
هی دت رتو افنت ویل نا، ارن لاک	He that runs fast will not run long	کسیکه تند بدود زیاد نمیدود ای بسا است بیزرو که ماند و خرنك حان بمنزل برساند
هی دت ویل ستیل آن اک ویل ستیل آن اگس	He that will steal an egg will steal an ox	کسیکه تخم مرغی را بدزد کاوای را خواهد دزدید (جه مرغ در درشتن دزد میشود)
هی هو منز هیم سلف شست شیمز هیم سلف لیشت هی هو سزت ره پلر ماشت نا ک	He who knows himself best esteems himself least.	کسیکه خود را خوب شناسد ارزش کمی ری خود قائل است (بو ضع کند هوشمند گری)
هی هو سزت ره پلر ماشت نا ک ریز فو	He who sees brambles must not go barefoot.	کسیکه حواری است باید برهه حواری برود .
هی هو س پندز ال هی گس ایژ آن د هی ر ذ تور کری هی هو وود ریپ	He who spends all he gets is on the high-road to beggary.	کسیکه تمام درآمد خود را خرج میکند در شاهراه فقر و گدائی است .
هی هو وود ریپ ول ماست سا، ول ای دل نس ایژ د بارنت آو وانست اند شیم	He who would reap well must sow well.	کسیکه میخواهد خوب درو کند نایستی خوب بکار عاقبت نسبی احتیاج و شرمساریست .
ای دل نس ایژ د بارنت آو وانست اند شیم ای دل نس ایژ د رو آو ال را وبل	Idleness is the parent of want and shame. Idleness is the root of all evil.	سکاری و سنی را تمام پ

تلفظ	جمله	معنی
<p>فَرْدٌ چُونِ نَافِسٍ وَاَسْ اَبَ لَيْسَتْ اَبَ اَوْدَى مَنْزُرٌ رَكِيثٌ كَادُ هَلْبِ دِ رِيحٌ دِ بُوَرُ اَكْنُ بَيْكُ</p>	<p>Fortune knocks once* at least at every man's gate. God help the rich, the poor can beg.</p>	<p>بالاخره یکبار اقبال در خانه هر شخصی را خواهد کوبید «خداوند ثروتمند را کمک کند فقیر میتواند کدائی کند» حت است بس از جاه تحکم بردن از تو حرکت از خدا برکت</p>
<p>كَادُ هَلْبَسِ دِ زُ هُوَ هَلْبَسِ رِمِ سَلَوَزُ كُكُ رِبَتْ بَا زُ رَكْرُزُ آرُ نَاثُ اَبِ تَرُزُ</p>	<p>God helps those who help themselves. Great barkers are not biters.</p>	<p>سگها تیکه زیاد پارس میکنند نیگزنند . تکه نان بهتر از سودن نان است وجود ناهص بهتر که عدم سرف منی که دو بشووی یکی دش منگو</p>
<p>اَهْمُ اِ لُفِ اَبِزُ رِ بَ تَرُ اِدُنْ نِ بَ رُ</p>	<p>Half a loaf is better than no bread.</p>	<p>و با سایه خود می جگد (از سایه خود میترسد) کسی زیاد عمر میکند که خوب زندگی کند (از ارجیل)</p>
<p>هَبْ بُو اِبِسْ بِي اَفْرُ بُو سَبِيكُ وَاَسْ</p>	<p>Hear twice before you speak once.</p>	<p>کسی که همیشه ناله و شکایت دارد هیچگاه مورد ترحم واقع میشود . کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد</p>
<p>هَبْ اَفِيئِسْ وِبِسْ هَبِزُ رَشْدُ</p>	<p>He fights with his shadow.</p>	<p>کسی که همیشه ناله و شکایت دارد هیچگاه مورد ترحم واقع میشود . کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد</p>
<p>هَبْ لِيوْتُ لَاسِكُ اَدْتُ لِيوْتُ وِوَلُ</p>	<p>He liveth long that liveth well.</p>	<p>کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد کسیکه میخواهد ماهی بگیرد بایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد . چشمش بزرگتر از شکمش مباشد (حریص و پر خور) امید صبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است دلایکن بر شیرین دارد . عشق آشنان روز سرد میشود (صب دره زود عرق میکند)</p>
<p>هَبْ دُوبِ اِلُ وِبِزُ كَامُ بِ لِيئُزُ اَبِزُ نِ وُزُ بِي تَيْدُ</p>	<p>He that always com- plains is never pitied.</p>	<p>کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد کسیکه میخواهد ماهی بگیرد بایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد . چشمش بزرگتر از شکمش مباشد (حریص و پر خور) امید صبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است دلایکن بر شیرین دارد . عشق آشنان روز سرد میشود (صب دره زود عرق میکند)</p>
<p>هَبْ هُو سَوِيئُزُ اَبِنِ سُنُ وِبِلُ سَبِيكُ اَبِنِ سُرُ</p>	<p>He who swims in sin will sink in sorrow.</p>	<p>کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد کسیکه میخواهد ماهی بگیرد بایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد . چشمش بزرگتر از شکمش مباشد (حریص و پر خور) امید صبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است دلایکن بر شیرین دارد . عشق آشنان روز سرد میشود (صب دره زود عرق میکند)</p>
<p>هَبْ هُو وُودُ كَبِجُ فِيئِسْ مَاسُتُ نَاثُ اَمِيئُدُ رَكِيئِكُ وُوتُ</p>	<p>He who would catch fish must not mind getting wet.</p>	<p>کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد کسیکه میخواهد ماهی بگیرد بایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد . چشمش بزرگتر از شکمش مباشد (حریص و پر خور) امید صبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است دلایکن بر شیرین دارد . عشق آشنان روز سرد میشود (صب دره زود عرق میکند)</p>
<p>هَبْزُ اَبِزُ بِي رَكْرُ اَدُنُ هَبْزُ بِلْبِي</p>	<p>His eye is bigger than his belly</p>	<p>کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد کسیکه میخواهد ماهی بگیرد بایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد . چشمش بزرگتر از شکمش مباشد (حریص و پر خور) امید صبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است دلایکن بر شیرین دارد . عشق آشنان روز سرد میشود (صب دره زود عرق میکند)</p>
<p>اَهْبُ اَبِزُ اِ كُودُ بَ رِ كُ فَسْتُ بَاثُ اِ اَبُ سَا رِوُ</p>	<p>Hope is a good break fast, but a bad supper</p>	<p>کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد کسیکه میخواهد ماهی بگیرد بایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد . چشمش بزرگتر از شکمش مباشد (حریص و پر خور) امید صبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است دلایکن بر شیرین دارد . عشق آشنان روز سرد میشود (صب دره زود عرق میکند)</p>
<p>هَبُ لَؤُ اَبِزُ سَوُنُ سَكُ اَبُ</p>	<p>Hot love is soon cold.</p>	<p>کسیکه در گناه شاوراست در غم و اندوه خفه خواهد شد کسیکه میخواهد ماهی بگیرد بایستی از خیس شدن بیمی داشته باشد . چشمش بزرگتر از شکمش مباشد (حریص و پر خور) امید صبحانه خوب ولی شام بدی است . صبر تلخ است دلایکن بر شیرین دارد . عشق آشنان روز سرد میشود (صب دره زود عرق میکند)</p>

تلفظ	جمله	معنی
دیزیرس آزد این د دشت پیته نفر ب لوز	Diseases are the interest paid for pleasure.	بیماری و مرض یکی از عواقب و خیم عیش و عشرت میباشد.
راختنی و سلز مینک د کف ری تشت سانه دو اذ یو وود بی دان بای	Empty vessels make the greatest sound. Do as you would be done by.	دهل را کاندرون زندان با داست بگردون میرود و فریادش از توست آن روا دار که گر بر تو رود بیسندی .
ایزلی تو بد اند ایزلی تو اریز اب مینکس د من هلسی ولسی اند اویز	Early to bed and early to rise, it makes the man healthy, wealthy and wise.	در اثر موقع خوابیدن و سحر برخواستن شخص عاقل و سالم و نرو و تنمده خواهد شد.
این ترین آ نره ویس هی مومیلینی اید با وود تی ویس بی شش اوری داکه هز هیز د	Entertain honor with humility, and poverty with patience.	افتخار را با تواضع و فقر را با صبر بر گذار کن .
اوری داکه هز هیز د اوری من ایز د آچی تک آ او هیز آن فر چون اوری شو فینس ناب اوری فوب	Every dog has his day Every man is the architect of his own fortune.	هر کسی را الاجرم روز خوشیت هر کسی مهندس بخت و اقبال خود است .
اوری شو فینس ناب اوری فوب اکرام بل تیچز مر دن بری سبت اوری تینک ایز کود این ایش سئ رزن او بل کامون کیشن کراپس کود مرالز	Every shoe fits not every foot. Example teaches more than precept.	هر کفش با اندازه هر پائی نیست
اوری تینک ایز کود این ایش سئ رزن او بل کامون کیشن کراپس کود مرالز فر کیو اند نفر رکت فلس ف ریندش آرز و زس کون اربن ارنیز (انی میز) فرست پی زرزو اند دن دی زیز	Every thing is good in its season. Evil communication corrupts good morals.	مثال بهتر از قواعد سلیم میدهد . که هر چیزی بجای خویش نیکوست
فر کیو اند نفر رکت فلس ف ریندش آرز و زس کون اربن ارنیز (انی میز) فرست پی زرزو اند دن دی زیز	Forgive and forget. False friends are worse than open enemies.	ردم بر خود بنادانی کشیدی که نادان را بصحبت برگزیدی . بیخش و فراموش کن . رفیق دورو ندر از دشمن غلی است (دشمن دانا به از نادان دوست)
فرست پی زرزو اند دن دی زیز	First deserve then desire.	نخست (لیاقت و استحقاق) سپس (میل و آرزو)

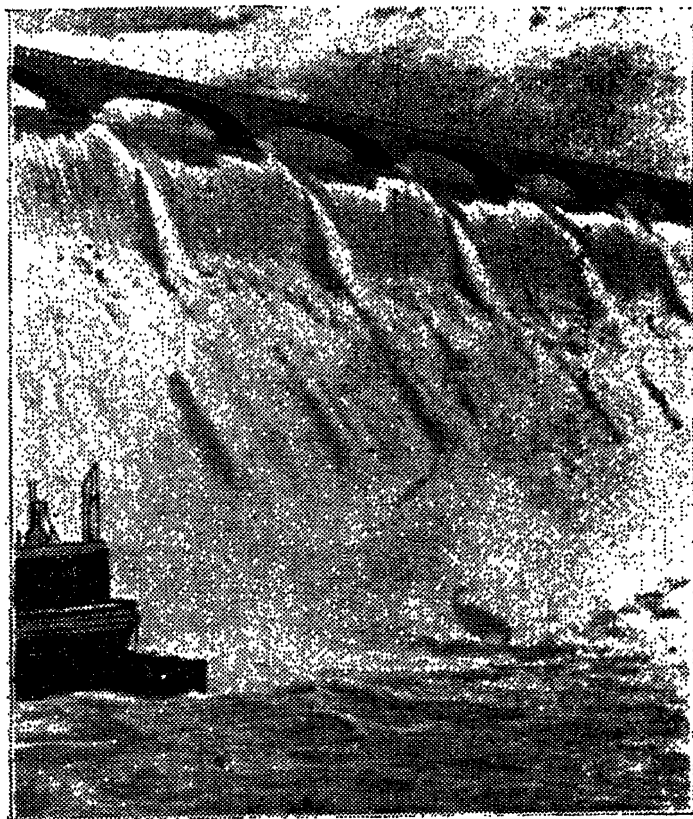
تلفظ	جمله	معنی
<p>بِ، تَرِ تَو كِه، تَو، بَدِ سَا، بَرِّ، لَسْ، دَنْ، تَو كُرْبُ، اَيْنَ، رَدِ بَارِ، كَا، مَتْسُ رِن، وَرْ، فَيْتْ، رَوْلْ بِزِي، نَسْ، بِيْفْ، زُ بِ، لَ، دَرْ، زُ مَكْجِ، دِ، بِي، بِيْفْ، زُ يَو، سَلْ، هِي، شَكِيْنِ كِه، لَمْتِ، نَابْ، تَو، هِي</p>	<p>Better to go to bed supperless than to rise in debt.</p>	<p>گرسنه خوابیدن بهتر است تادر قرض فرورفتن</p>
<p>بار، کاز، متس</p>	<p>Barrowed garments never fit well.</p>	<p>لباس عاریه هرگز بخوبی اندازه نمیشود.</p>
<p>رِن، وَرْ، فَيْتْ، رَوْلْ بِزِي، نَسْ، بِيْفْ، زُ بِ، لَ، دَرْ، زُ</p>	<p>Business before ple- asure.</p>	<p>کار قبل از تفریح</p>
<p>مَكْجِ، دِ، بِي، بِيْفْ، زُ يَو، سَلْ، هِي، شَكِيْنِ كِه، لَمْتِ، نَابْ، تَو، هِي</p>	<p>Catch the bear before you sell his skin.</p>	<p>دشمت آهوی ناگرفته بمبغش</p>
<p>لَسْتِ، دِ، فُلْ، بِي، دِ كِه، رَدِي، تَرِ كَا، نْ، رِ، شَنْ، آوْ، اِ، مَتْ مِيَكْسْ، هَفْ، اِ، مَنْدُسْ فَرِ، اَبْ</p>	<p>Climb not too high, lest the fall be the greater.</p>	<p>چومیدانستی که افادن بناچار نبایستی چنین بالا نشستن</p>
<p>لَسْتِ، دِ، فُلْ، بِي، دِ كِه، رَدِي، تَرِ كَا، نْ، رِ، شَنْ، آوْ، اِ، مَتْ مِيَكْسْ، هَفْ، اِ، مَنْدُسْ فَرِ، اَبْ</p>	<p>Confession of a fault makes half amends for it.</p>	<p>بعد از توبه نوان رستن از عذاب الیم</p>
<p>كَا، نْ، فَيْتْ، اَبْرَ، تَا، كَتْ لَسْتِ، اَبْ، كَا، نْ، فَيْتْ، اَبْرَ چَرِنِي، بِيَكِيَسْ، اَبْ، هَوِ</p>	<p>Confine your tongue, lest it confine you.</p>	<p>زبان سرخ سرسبز میدهد برباد.</p>
<p>چَرِنِي، بِيَكِيَسْ، اَبْ، هَوِ</p>	<p>Charity begins at home.</p>	<p>چراغیکه بخانه رواست بمسجد حرامست</p>
<p>كَا، نْسْ، تَنْتْ، آ، كُو، بِيَشِيْنِ بُرِي، وَنَسْ، تَمَبْ، تِيَشِنِ</p>	<p>Constant accupation prevents tempta - tion.</p>	<p>اشتغال دائم مانع افکار و مقاصد شیطانست.</p>
<p>كُو، تِيَزِي، اَنْ، وَا، مَسِيْدِ رِن، وَرْ، لَسْتِ، لَاتَكْ كَا، وَتْ، نَابْ، مَدْ، وِجْ بِلَانَكْسْ، تَو، آ، رَدْرُزْ دَابْ، اَبْرَ، سَلْفْ، وِيسْ</p>	<p>Courtesy on one side never lasts long.</p>	<p>احترام از يك جانب هرگز دوام ندارد.</p>
<p>كَا، وَتْ، نَابْ، مَدْ، وِجْ بِلَانَكْسْ، تَو، آ، رَدْرُزْ دَابْ، اَبْرَ، سَلْفْ، وِيسْ</p>	<p>Covet not that which belongs to others.</p>	<p>نباید بستن اندر چیز کس دل.</p>
<p>دَابْ، اَبْرَ، سَلْفْ، وِيسْ هَاسِ، اِنْدِ، بُو، وِیْلْ، هُوْ بِ، لَنْتِي، آوْ، فْ، لِيْزْ دِيْدُرْ، آزْ، فَرُوْسْ وَرْدَسْ، آزْ، نَابْ، لِيُوْرْ</p>	<p>Daub yourself with honey, and you will have plenty of flies.</p>	<p>هرکجا چشمه بود شیرین مردم و مرغ و مور گرد آیند (مگسانند دور شیرینی)</p>
<p>دِيْدُرْ، آزْ، فَرُوْسْ وَرْدَسْ، آزْ، نَابْ، لِيُوْرْ</p>	<p>Deeds are fruits, words are but leaves.</p>	<p>عمل میوه ولیکن حرف برك است.</p>
<p>دِي، لِيْزْ، آزْ، دَفْجْ، رُزْ</p>	<p>Delays are dangerous</p>	<p>کار امر رز بفرودا مینداز.</p>

تلفظ	جمله	معنی
سَوْنٌ رَلَزْتَدُ أَنْ آرَسَتْ مَمْتَرٌ وَرَدُ اِزْ رَاذْ كُوْدُ رَاذْ هِيْزُ بَانْدُ	soon learned. An honest man's word is as good as his bond.	میشود . حرف (قول) يك مردشرا فتمند وسندش يك ارزش را دارند .
أَنْ مَائِي دَلْتُ رَيْنُ اِزْ رِدْ دَوِيلْتُو وَرَكْشَابُ رَا رَيْنِي رَسِيُوْدُ اِزْ رَا رَبِيْ اِيْرْتَدُ	An idle brain is the devil's workshop.	يك مغز بيكار (كاهل) كارگاه شيطان است
رَا دَا رَتْنُ اِرْبَلُ اَيْنُ رَجْرَمُ اِبْسُنُ كَامْبَانِي رَيْسُ رَا شَمُّ لَنْ شِيَارَكُ رَيْكُشُ اِرْكُ رَيْتُ هَارِيْزُ رَا سُرِيْجُ اَيْنُ رَيْنِمُ رَسِيُوْرُ رَيْنِيْ	A penny saved is a penny earned.	يكساهی پس انداز يكساهی درآمد است .
رَا دَا رَتْنُ اِرْبَلُ اَيْنُ رَجْرَمُ اِبْسُنُ كَامْبَانِي رَيْسُ رَا شَمُّ لَنْ شِيَارَكُ رَيْكُشُ اِرْكُ رَيْتُ هَارِيْزُ رَا سُرِيْجُ اَيْنُ رَيْنِمُ رَسِيُوْرُ رَيْنِيْ	A rotten apple in- jures its companions.	يك سيب كندیده همجواران خود را لكه دار ميكند
رَا شَمُّ لَنْ شِيَارَكُ رَيْكُشُ اِرْكُ رَيْتُ هَارِيْزُ رَا سُرِيْجُ اَيْنُ رَيْنِمُ رَسِيُوْرُ رَيْنِيْ	A small spark makes a great fire.	يك جرقه كوچك آتش عظيमी برپا ميكند .
رَا سُرِيْجُ اَيْنُ رَيْنِمُ رَسِيُوْرُ رَيْنِيْ رَا يُو سُو سُو اِشَلُ يُو رَيْبُ	A stitch in time saves nine.	يك كوك (نيمه) موقع بجای نه كوك بيموقع است بجز كشته خويشتن بدروی
رَا يُو سُو سُو اِشَلُ يُو رَيْبُ رَا رِيْ اِزْ مَانُ مَانُ مَائِي اِبْسُنُ اِفْرُوْتُ	As you sow, so shall you reap.	درخت از ميوه اش شناخته ميشود .
رَا رِيْ اِزْ مَانُ مَانُ مَائِي اِبْسُنُ اِفْرُوْتُ بِيُوِيْ اِزْ سَكِيْنُ دِيْبُ مِي اِشَلُ مُو پُرَامِيْزُ اِدْ كُوِيْكُ مُو رِبْرُ رَقْمُ	A tree is known by its fruit.	تن آدمي شريف است بجان آدميت در قول دادن آهسته باش
بِيُوِيْ اِزْ سَكِيْنُ دِيْبُ مِي اِشَلُ مُو پُرَامِيْزُ اِدْ كُوِيْكُ مُو رِبْرُ رَقْمُ	Beauty is skindeep. Be slow to promise and quick to per- form.	ولي در انجام آن سريع كن .
رَبُّ تَرُّ دُو رَا اَبُ دُنُ وَيْشُ رَا اَبُ دَانُ رَبُّ تَرُّ كُ رَا دَا اَدُّ اِدُّ فُلُّ اَيْنُ اِنْتُ رِدُ رِدُ جُ	Better do it than wish it done.	شروع عمل بهتر است از آرزوی انجام آن
رَبُّ تَرُّ كُ رَا دَا اَدُّ اِدُّ فُلُّ اَيْنُ اِنْتُ رِدُ رِدُ جُ	Better go around than fall into the ditch.	از كار بر دور تادر چاله بيتهی . « احتياط در هر شرطی اصليح است »
رَبُّ تَرُّ لَيْتُ دُنُ رِنُ رَا رَبُّ تَرُّ مُو رِبْنُدُ دُنُ نُوْتُ رِكُ	Better late than never.	« آهسته برو آهسته برو » آقدر كنج كن كه بشكند « يك حالي خالي باقي نگذار »
رَبُّ تَرُّ مُو رِبْنُدُ دُنُ نُوْتُ رِكُ رَبُّ رُو مُو بِي اِلُ نُنُ رَبُّ اَيْنُ اِبْنُ كَامْبَانِي	Better to bend than to break.	« آنها بودن بهتر است تا با دقيق بد بودن
رَبُّ رُو مُو بِي اِلُ نُنُ رَبُّ اَيْنُ اِبْنُ كَامْبَانِي	Better to be alone than in bad company	

تلفظ	جمله	معنی
امثال و حکم		
<p>را گملى از كان شنش فبزر ن' راكو زيشن را ددان نينك من ويل كچ رات را ستر آ را قول اند هيز ماني آز سون پار تند را ف رديند اين يد ايز ا ف ريشد اينديد</p>	<p>A clear conscience fears no accusation. A drowning man will catch at a straw. A fool and his money are soon parted. A friend in need is a friend indeed.</p>	<p>آنرا که حساب پاک است از محاسبه چه باک است الغریق یتشبث بکل حشیش احمق و پولش بزودی از هم جدا میشوند . دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشانی و در ماندگی یک کبسه بر هرگز تدون رفیق نیماند .</p>
<p>را فول بڑس ن روز لکس ف ریندز را کورڈ نیم کیس ایش لاس تر این د داڑکے</p>	<p>A full purse never lacks friends. A good name keeps its luster in the dark.</p>	<p>نام نیک درخشش خود را در تاریکی هم نگاه میدارد (نام نیک همیشه باقیست) یک وجدان مجرم محتاج به متهم کننده نیست . کبسه سبک (جیب خالی) لغت (فحش) سنگینی است .</p>
<p>را گیلتي كان شنس نیدز ن' اکئی یو رز را لیٹ بڑس ایز را هوی کرڑس</p>	<p>A guilty conscience needs no accuser. A light purse is a heavy curse.</p>	<p>آفتاب بدین بزرگی را لکه اسر ناپدید کند . ظرف کوچک زود داغ میشود (چو برخاش بینی تحمل بیار) همه اشخاصی را که سک بایشان پارس میکنند دزد نیستند لفظ ماهی بتور میافتد . (هرچه بتور افتاد ماهیست) تفریباً و شاید - شخص را از خیلی دروغها نجات میدهد هر آنچه میدرخشد طلا نیست (هر گردی گردو نیست) درس شیطان زود آموخته</p>
<p>را لی تل لیک وبل سینک اک دیت شیب را لی تل پات ایز سون هاب</p>	<p>A little leak will sink a great ship. A little pot is soon hot.</p>	<p>همه اشخاصی را که سک بایشان پارس میکنند دزد نیستند لفظ ماهی بتور میافتد . (هرچه بتور افتاد ماهیست) تفریباً و شاید - شخص را از خیلی دروغها نجات میدهد هر آنچه میدرخشد طلا نیست (هر گردی گردو نیست) درس شیطان زود آموخته</p>
<p>ال آز ناب دیفز دب داکے بازکے راب ال ایز فیش دت کائز تو دت</p>	<p>All are not thieves that dogs bark at. All is fish that comes to the net.</p>	<p>تفریباً و شاید - شخص را از خیلی دروغها نجات میدهد هر آنچه میدرخشد طلا نیست (هر گردی گردو نیست) درس شیطان زود آموخته</p>
<p>ال لم سٹ اند وری می سینو منی را لی ال ایز ناب دکلد دت دکلی برز</p>	<p>Almost and very nigh save many a lie. All is not gold that glitters.</p>	<p>تفریباً و شاید - شخص را از خیلی دروغها نجات میدهد هر آنچه میدرخشد طلا نیست (هر گردی گردو نیست) درس شیطان زود آموخته</p>
<p>آن اویل لشن ایز</p>	<p>An evil lesson is</p>	<p>درس شیطان زود آموخته</p>

The land of power and activity

سرزمین قدرت و فعالیت



A Section of Spillway of Grand Coulee Dam

نمایی از ریزش آب سد عظیم « کولی »

**THIS HUGE WORK ON THE COLUMBIA RIVER IS ONE OF
THE GREATEST ENGINEERING JOBS EVER PERFORMED**

این بای عظیم که در رودخانه کامبیا است یکی از مهمترین کارهای مهندسی است که تاکنون انجام گرفته است

تلفظ	جمله	معنی
هو ایژ د همد آؤ د س نیت د کا وورنر	Who is the head of the state?	حکومت هراستان باچه کیست ؟ فرماندار .
د لی برتی آؤ کان شس فریدام آؤ د پیرس انده فریدام آؤ شیچ آؤ کارانتیڈ بای د کانسینو شن آؤ دیو نی رتد س نیش	The Governor. The liberty of cons - cience, freedom of the press, and free- dom of speech are guarantee by the constitution of the United States.	آزادی عقیده - آزادی مطبوعات - آزادی نطق بوسیله قوانین مشروطه ممالک متحده امریکا تعمین گردیده است .
تو سیو د لی برتی یونی رین اند ا بلش س لی وری وور د مین کا رتس آؤ د سیویل و دز این د یو نی رتد س نیش آؤ آمریکا	To save the liberty, Union, and to abo- lish slavery were the main causes of the Civil War in the United States of America.	نگاه داری آزادی و اتحاد و منع قانون بردگی از جہات اصلی جنگهای داخلی ممالک متحده آمریکا بوده اند
آبراهام لینکلن واز د پ دزدیونت ات دت عتیم	Abraham Lincoln was the president at that time.	در آن هنگام آبراهام لینکلن سنت ریاست جمهوری را دارا بوده است
ایت واز هیژ آن رایج نی رین دت د لا ایژ نای د بی بل و بس د بی بل افز د بی بل د آمری کن بی بل آؤ هلنی ولسی انده ویز	It was his own opi- nion that the law is by the people. with the people. for the people.	عقیده شخصی او این بوده است که قانون بوسیله مردم و یکمک مردم و برای مردم میباشد
بی بل آؤ کاتری نک وری اینی میتلی آؤ د آمریکا دی تنک بو آؤ د بست این د و دلد	The American people are healthy, wealthy and wise.	مردمان آمریکا دارای سلامتی و ثروت و علمند
	People of our country talk very intimatly about the America. They think you are the best in the world.	مردمان مملکت ما باعلاوه شدیدی است به امریکا صحبت میکنند آنها شما را در دنیا ار همه بهتر میدانند

تلفظ	جمله	معنی
<p>میکنس د لاژ آو د بوئی بندش بیس لاژ آو د س بیس آو میند بای د ش بیس ایجیس لی چو هو میکنس د لاژ آو د سینی د بیز آو آل در دو ک نو س بن ویز فرام ایچ س بیس تو س بیس ها مینی دبری زن سیوز (کان ک د س من) ک فرام ایچ س بیس د د بیک آو د پابو لینی آو د س بیس ها مینی دبری زن سیوز ک فرام د س بیس آو سیوز ک رئی س ون د بی بل و ب فر د د ری دت ایسی د کتلی دس تو سی دت د بی بل ا لکت د ت د بیک ترو ا لکت رز د د زینت ایز د هد (شف ا کریکیو نیو) آو د بوئی بند س بیس</p>	<p>makes the laws of the United States. The laws of the State are made by the State Legislature. Who makes the laws of the city? The Board of Alder- men. There go two senators from each state to senate. How many represen- tatives (congressmen) go from each state? That depends on the population of the state. How many represen- tatives go from the state of New York? Thirty-seven. The people vote for the President. indi- rectly. That is to say that the people elect the President through electors. The President is the head (Chief Execu- tive) of the United States.</p>	<p>(با تخت) وضع مینماید قوانین اسانها بوسیله دارالشورای استان وضع میکردد قوانین شهری را چه اشخاصی وضع مینمایند ؟ انجمن معتمدین و نمایندگان محل . از هر استان دو سناتور به مجلس سنا میروند از هر اسان چند نفر نماینده مجلس شورا تعیین میگردد ؟ این بستگی به متد ارجعیت آن اسان دارد . از استان نیویورک چنده نماینده به مجلس شورا میروند . سی و هفت نفر مردم بصور غیر مسقیم برای ریاست جمهوری رای میدهند . بدین معنی که نمایندگان منتخبه از طرف ملت رای انتخاب رئیس جمهور رای میدهند . در ممالک متحده امریکا ریاست جمهوری سمت سر فرماندهی کنرا داراست</p>

تلفظ	حمله	معنی
آف 'کرس در آر، فی یو دی ،ج ،ن ،ر یتد ایرانی ینز بات دی آر اگن ،سپشن ای بلیو داب د کود کو آلییز آر ناب د منا ،پلای آو انی ،ریس د کود اند د گد د آ ،نست اند د دیس آ ،ست د 'مرال اند د ایم 'رال کود بی فآ 'ند این ال د کانریز آو د گلاب	Of course, there are few degenerated Iranians, but they are exceptions. I believe that the good qualities are not the monopoly of any race. The good and the bad the honest and the dishonest, the moral and the immoral could be found in all the countries of the globe.	اله تعداد کمی ایرانیان فاسد وجود دارند لیکن آنها مستثنی هستند . من تصور میکنم هیچ نژادی محصراً از مردمان خوب شکیل شده باشد . حوب و بد - نجیب و باجیب ناعبیده و ایمان و بدو عبیده و ایمان در نظام ممالک روی کره ارض پیدا میشود .

United States of America



ممالک متحده آمریکا

د بو 'نی ،تد س ،ریتس
ایزا ،ف د ،ریش آو
'فری ،ایت س 'ریتس
وایز د کاس
تیو ،شن آو د یو نای ،ند
س ،سس آو آمریکا
،ایز د لا بای ویچ
دیس کاسری ایز
کا ،ر ند
د کانگرس ،رس 'اب
واشینگتن دی سی

The United States is a federation of forty - eight states.
What is the Constitution of the United States of America?
It is the law by which this country is governed.
The Congress at Washington. D. C.

ممالک متحده امریکا ار
شرکت چهل و هشت استان
شکیل شده است .
ممالک متحده امریکا دارای
چه شرائط و قوانینی میباشد
اداره این مملکت فقط در
دست قانون است
قوانین ممالک متحده امریکا
را مجلس در واشنگتن

NOBILITY and BEAUTY

نجابت و زیبایی



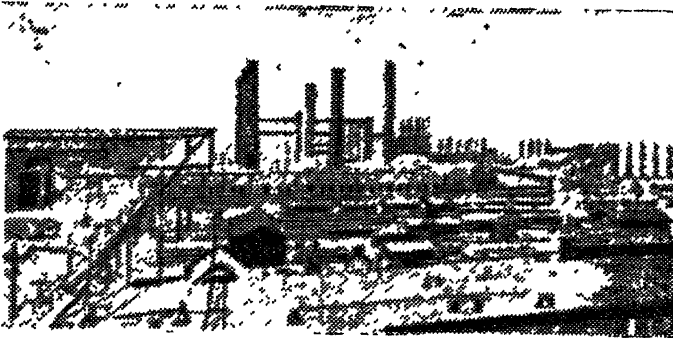
The Iranian women, however are deprived of some condition of liberty, but they are extremely intelligent, civilized and highly respected.

گرچه زنان ایرانی از بعضی شرایط آزادی محرومند لیکن
بسیار با هوش و متمدن بوده و بسیار محترم میباشد

تلفظ	حمله	معنی
<p>ماز، بری، یس ا، سد، باؤت، او، آؤ هیستری، یس، دی کیم، کیلد، برنت بی، لیجت، اند، هذ کان</p>	<p>Barberians A sad part of our history says: They came, killd, burnt, pillaged, and had gone</p>	<p>(سرکهای بربر) فصل عمالگیری از تاریخ ما منگوبند که آنها آمدند و کشتند و سوختمند (غارت کردند) و رفتند .</p>
<p>وی، هب، دز، ویل بی، ن، مز، م، سک رس، هین، اف، تر وی، او، گلاذ، دت</p>	<p>We hope there will be no more massac res hereafter.</p>	<p>ما امیدواریم که دیگر بعد از این صل و عارت بیشتری صورت نکند .</p>
<p>ایران، ایر، کاستی بوشال، کار، ورن، مت</p>	<p>We are glad that Iran is a Constitutinal Government now.</p>	<p>اکنون ما خوشحالیم که ایران دارای یک حکومت مشروطه میباشد</p>
<p>د، ایرانی، ریر، آز وان، او، دال، دست ر، بیس، آن، د، فیس آو، د، ایرت</p>	<p>The Iranian are one of the oldest races on the faee of the earth.</p>	<p>ایرانیان یکی از قدیمی ترین نژادها در روی کره زمین میباشد</p>
<p>د، بر، هیستری، ر، بیس مک، بو، فر، نا، زد بیرز، بی، سی</p>	<p>Their history dates back to four thou sand years B C</p>	<p>آنها دارای تاریخ مدتی از چهار هزار سال قبل از میلاد مسیح میباشد</p>
<p>دی، ر، هذ، بی، رولینگ ال، د، بر، کان، تمی ر، بریز، فرام، بلاک، سی</p>	<p>They had been rul ing all their conte mporaries from</p>	<p>آنها بکلمه معاصرین (ممالک) همجوار خود از دریای سیاه تا ادیانوس هد و ر</p>
<p>بو، د، ایسی، بی، ا، شن اند، مان، تیز، او بی، رت، بو، د، کسش، او د، رد، سی</p>	<p>Black Sea to the Indian Ocean and mountain of Thibet to the coasts of the Red Sea</p>	<p>جبل سبناکراه های دریای قرمز حکومت میکردند</p>
<p>نسپیل، آو، بی، رشن، هز د، حیسی، بیس، من، بو ب، د، رت، بو، د، و، رت، د</p>	<p>Still our nation has the genius men to present to the</p>	<p>هنوز ملت ما فرزندان باهه ای دارد که بتوانند سام بزرگترین مرد سال بدنیای معرفی نمایند</p>
<p>از، د، هوش، من آو، د، بیز دی، آو، است، اند</p>	<p>world as the first man of the year. They are honest, and well meaning people.</p>	<p>ایشان مردمان درسد و شرافتمندی میباشد</p>
<p>دی، آو، است، اند ول، میسک، بی، بل</p>		

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------

Iran ایران



A part of Gasolene Plant in Abadan قسمتی از مؤسسات نفت آبادان

آز یو آن ایرانی، رین
 رینس ایم آن ایرانی، رین
 وات دو یو سینک آو
 ایرانی بین بیل (بی، بل)
 رد ایرانی رینز آو
 آو را داژک کامب لکین
 ردی هو ملاک (ت، لک)
 آیز راند ملاک ره
 ردی بیلانک تو د
 را ری رین ریش
 رد ایرانی رینز آو
 را گوو بی بل
 ردی آو تریفی راند
 این تلی رجش بی بل
 رفز ستریز ایرانی رینز
 رهو سا فرژد ترژ د
 ام ریک دین آو
 را دینس راند

Are you an Iranian?
 Yes, I'm an Iranian.
 What do you think of
 Iranian people?
 The Iranians are of a
 dark complexion,
 they have black
 eyes and black hair.
 They belong to the
 Aryan race.
 The Iranians are a
 good people.
 They are thrifty and
 intelligent people.
 For centuries, Irani-
 ans have suffered
 through the massac-
 res of Arabs and

آنا سا ایرانی هستید ؟
 بلی من ایرانی هستم .
 شما راجع به مردم ایران
 چه فکر میکنید ؟
 ایرانیان دارای چهره
 گندمگون (تیره) میباشند
 آنها دارای چشمان و
 موهای سیاه هستند .
 آنها متعلق به نژاد آریا
 میباشند .
 ایرانیان مردمان خوبی
 هستند
 ایشان مردمان فاضل و
 ذرکی هستند .
 برایان چند قرن از مل
 و عارت اعراب و برکهای
 معون (بربر) دین
 در گذشتند

تلفظ	جمله	معنی
<p>(مَنْ، سَمٌ) مَنْ 'اى' بُرْ آ، دُ آوِ بُو دَاژِلِيْنَكْ</p>	<p>some man. I proud of you, darling,</p>	<p>(مرد خوشگل) من بتو افتخار میکنم عزیزم</p>
<p>بُو آژْ نَالْ وِيسْ 'وَيْدْ شَوْلْ، دَرْدَزْ</p>	<p>You are tall with wide shoulders.</p>	<p>تو دارای قد بلند و شانه‌های عریضی هستی</p>
<p>'اى' لَوْرَا 'مَنْ هُو' اَكْسْ رِي، ز، نِيْشَلِي اِيْسْ 'دُ آوِ رَا م' شَلِي دِيْنْتْ بُو لَو' مِي دَاژِلِيْنَكْ</p>	<p>I love a man who acts reasonably instead of emotionally.</p>	<p>من مردی را دوست دارم که رفتارش پسندیده باشد نه دارای احساسات نند</p>
<p>دِيْنْتْ بُو لَو' مِي دَاژِلِيْنَكْ</p>	<p>Don't you love me darling?</p>	<p>آیا تو مرا دوست نداری عزیزم ؟</p>
<p>بِس 'اِيْمْ كُ رُبْرِي 'اِنَاَب بُو'</p>	<p>Yes, I am crazy about you</p>	<p>آری . من برای تو دیوانه هستم .</p>
<p>'ن' 'اى' دِيْنْتْ 'اى' لَشَكْ بُو وِورِي مَاجْ نَاَب 'اِيْمْ نَاَب'</p>	<p>No, I don't I like you very much but I'm not in love with you.</p>	<p>خیر (دوست) ندارم من خیلی ترا دوست دارم ولی عاشق تو نیستم .</p>
<p>'اِيْنْ لَو' وِيسْ بُو 'اى' 'اِم' وِورِي مَآدْ آو'</p>	<p>I am very fond of you.</p>	<p>من بشما خیلی علاقه مندهستم</p>
<p>بُو وَأَسْ 'اى' وَاذْ 'اِيْنْ لَو'</p>	<p>Once I was in love with you but I am not any more.</p>	<p>یک موعه من عاشق تو بودم ولی دیگر نیستم .</p>
<p>وِيسْ بُو نَاَب 'اِم' نَاَب، 'اى' مِمْ دِيْنْتْ بُو رَكْ مِمْ هَاژْتْ</p>	<p>Don't break my heart. Oh! you heartbreaker.</p>	<p>دلی مرا مشکن . ای بی وفا</p>
<p>اِه' بُو هَاژْتْ بُو رَكْ</p>	<p>~~~~~</p>	<p></p>
<p>وِنْ بُو آژْ 'اى' وِوِي 'اِيْمْ رَسْتْ، لَسْ ل' دِ نَلِي 'و' رَجْدْ 'رِدْ، د' جَكْ، تَد'</p>	<p>When you are away, I am restless, lonely, wretched, bored, dejected;</p>	<p>هنگامیکه از من جدائی من بیقرار، بیچاره و بیعلاقه و مأیوسم .</p>
<p>نَاَب هِير اِيْزْ دِ رَاَب' 'مِمْ دَاژِلِيْنَكْ دَرْ (دَرْ) 'اى' بِلْ دِ سِيْم'</p>	<p>But here is the rub, my darling dear, I feel the same</p>	<p>ولی محبوب عزیزم اشکال در ایجاست که همین احساسات در من است وقتی</p>
<p>وِنْ بُو آژْ هِير'</p>	<p>when you are here.</p>	<p>نودر نزد منی .</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>یو آر دی، دین رانت گزل این دی و ز لند یو آر دی، کیند آو من ای کن فول امی سلف، ا باد یو آر د کیند، گزل ای وار د رینگ آو الف کن بی بی یو بیقول اب هآ کوز امت بی و بدآب یو نامسک کن ت راک آرز هارتس این بو بو هو، ا ریس را د سی، مریکال را د را ویوس یو هو بیک، وی وی هر دارک ای لث تیک لائک لیس شت ریسس شووت ن ر ای، ون، رائه ویت بیت نر آرس فول آو ریسس، الی بو اد امی هارت سکپس تو بیث ون ای لوک ایب، ریم د'علا، ور ای بی یو بیقول هر، را، دی نای یو آر یو بیقول، هر، را، ور یو آر، ا، وردی، هم</p>	<p>You are the pretiest girl in the world. You are the kind of man, I can fool myself about. You are the kind girl I was dreaming of. Life can be beautiful, but how could it be without you? Nothing can break our hearts in two. You have a face as symmetrical as a Venus. You have thick wavy hair. (dark or light) — thick long lashes — straightish short nose — even and white teeth Your eyes so full of feminine allure that my heart skips to beat when I look into them. The flower is beautiful for a day but you are beautiful for ever. You are a very hand-</p>	<p>نو خوشگلترین دوشیزگان دنیایی شما مردی هستی که من را دیوانه خود کرده اید بو آن دختری هستی که من در رویا میدیدم . زندگی ریاست ولی بی تو چگونه میتواند ریبا باشد هیچ چیز قادرست که قلب ما را از هم جدا کند صورت تشکلت اعدر موزون است که مانند ستاره ماهید مساشد (مثل ماه است) تو دارای مو های صحیم محمد (تیره یا روشن) — مژگان صحیم و بلند — سی کوچک (کوتاه) و مسعم — دسایهای مرتب و سفید (مسابشی) چشمان تو آعدر حداب و رب است که هر موقع ناآن گد میکم ولم بیش مسافت رسائی گل فقط برای بیک روز است ولی بو برای همیشه رسائی بو گک مرد ا لبو همی</p>

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------

عشق



Romance on the meadow

'ای لاؤ بو رائند 'ای
 ال روتز دو
 'انم ان لاؤ ونس یو
 بو آزد د المی وان
 'ای لاؤ
 'ای دریم آؤ و
 ال روتز
 'ای حبت کت بو تمل
 بو ها ماج بو
 من بو می
 'ای ا د ک بو
 'ای ا د مئو بر لوکس
 بو آزد می اصل
 بو آزد دار لیس
 آؤ می هارت

I love you, and I al-
 ways do
 I'm in love with you
 You are the only one
 I love,
 I dream of you
 always
 I just can't to tell
 you how much you
 mean to me
 I adore you
 I admire your looks.
 You are my angle
 You are the darling
 of my heart

من ترا همیشه دوست داشه
 و حواهم داشت
 من عاشق شما هستم
 شما تنها کسی هستید که من
 دوست دارم
 من همیشه در رؤیای می
 (همیشه خواب را میسم)
 من قادر شرح علاقه خود
 نیستم (بی اندازه
 برای من ا ارزشی)
 ترا چند پرسش دوست دارم
 از نگاه تو لذت میبرم
 بو فرشه من
 بو عزیز دل می

تلفظ	جمله	معنی
<p>دی آژ مجست سئ آتندینگ آنرا لم سینتینگ دیژ هارنس آژ</p>	<p>They are just standing on a limb singing their hearts out.</p>	<p>آنها بدون آلابش روی شاخه ایستاده و از ته قلب آواز میخوانند</p>
<p>دیس ایژ مجست را سن آژ دیژ ب: تال هیی رنس</p>	<p>This is just a scene of their total happiness.</p>	<p>این تحقیقاً بک منظره از جمیع خوشحالی آنهاست</p>
<p>رانیلز یوسئ دانت هوز د ایندی نا آژ وربدآم از کپیوسی</p>	<p>Animals, you see, don't have the ideas of freedom and captivity.</p>	<p>میدانند حیوانات هیچ فکری و عقیده راجع به آزادی و یا اسارت ندارند</p>
<p>دی سیم بون د کولی بو آژ رگور رلر میلز رل ررر برر مگسن راند ف ررید شست آژ رن</p>	<p>They seem to know the value of regular meals, leisure, protection and the friendship of man.</p>	<p>آنها چنان بنظر میرسند که ارزش غذای مرتب و فراغت خاطر و دوستی ما انسان را میدانند.</p>
<p>ایف بو آژ بوندنگ تو و ری را آدک انیلز بو ب بر شادت ویش دژ دات آژ مات انلی رکیچد</p>	<p>If you are going to worry about animals, you better start with those that are not only caged.</p>	<p>اگر شما میخواهید بحال حیوانات متأسف شوید بهتر است فقط آنها را متأسر شوید که در قفس نیستند</p>
<p>را سسال ایژ نات رب تر دن ارکیچ ادک سن هوز سزدانکین رک ملز راند رمنی آژ دژ آژ د رکیچد آژ کان دمنند تو هارژ لئ ربز</p>	<p>A stall is not better than a cage. Oxen, horses, donkeys, camels, and many others of the kind are condemned to hard labor.</p>	<p>طوبله و آخر از بک قفس بهتر نیست گوها - اسبها - الاغها - شترها و بسیاری دیگر از این قسم کارهای پرزحمت و شاق محکومند.</p>



تلفظ	جمعه	معنی
<p>ای لایو، انیملز ای فیل ساری هوز، دم ها، ماچ دو، دی سارفو بی هیند، بازو آو رد، کیچر نو دنٹ، ویسٹ، یز سیمبانی آن نان، را، رسنیلز</p>	<p>I love animals I feel sorry for them How much do they suffer behind the bars of the cages. No, don't waste your sympathy on non- essentials.</p>	<p>من حیوانا برا دوست دارم من بحال آنها تأسف میخورم آنها چقدر در پشت میله های تفس و نچ میزند خیر، بهبوده بیچیزهای بی اهمیت تأسف نبرید</p>
<p>مست، انیملز آو، ب، رنژ آف این د ژو، دن این د، بویلڈ دی آو، هلٹی، یز، اند مست آو، دم، مھی، یز</p>	<p>Most animals are be- tter off in the zoo than in the wild. They are healthier, and most of them happier.</p>	<p>بیشتر حیوانات در باغ وحش آزاد باشند بهترند تا در سامان (حکگل) دارای سلامتی بیشتر و بیشتر آنها خوشحالترند.</p>
<p>دی، هو، لس، نرابل ران، و ری بات، ممز فود، راند</p>	<p>They have less trou- ble and worry, but more food and ease.</p>	<p>دارای زحمت و فسه کتر و نر عکس دارای غذا و استراحت بیشتری هستند.</p>
<p>ایز دی لوک، بان، رکر، راند لیو، لان، رگر لوک، اب، دیس، ای، منس فلائیٹ، کیچ، فیلڈ ویس، برڈس سام، ریز، چینگ، این، را تری</p>	<p>They look younger and live longer. Look at this immense flight cage filled with birds.</p>	<p>جوانتر بنظر میرسد و زیادتر عمر میکند. این قفس عظیم پرندگان را که پر از مرغ است نگاه کنید.</p>
<p>سام، سیسینگ، آن، دیز اگر، این، را، نشٹ لوک، ان، دز، بیونیفول فلامینگ، ز، و بیج، آو ست، کسنگ، این، د، بول</p>	<p>Some perching in a tree. Some sitting on their eggs, in a nest. Look at those beau- tiful flamingos which are stalking in the pool.</p>	<p>عضیهاروی در حی سسته اند (چندک زده اند) عضیها در آشیانه روی بعم خود خوابیده اند آن (مرغهای آبی) زیبا را نگاه کنید که چگونه در حوض آب میخرا آمد.</p>
<p>می، دار، ایامی، ر، بیل سانگ، ر، رز، د</p>	<p>See these innumera- ble songbirds.</p>	<p>آن مرغهای خواننده بشمار وا نگاه کنید</p>

تلفظ	جمله	معنی
ل رین	Lion.	شیر (شخص بسیار مهم)
مانکی	Monkey.	میمون (حقہ بازی)
نیشنگال	Nightingale.	مرغ حق
آ ل	Owl.	جغد (عالمترین حیوانات)
پ رت	Parrot.	طوطی (حرف نسنجیدہ زدن)
کو ایل	Quail.	بلد رچین (مغلوب و پریشان)
رت	Rat.	موش کوهی (نمک بحرام)
سپارو	Sparrow.	گنجشک (بیگناہ)
رتزل	Turtle.	سنگ پست (وارونہ)
یونی کر	Unicorn	دیو شاخدار (مخصوص انسانہ)
ورمین	Vermin.	حشرہ موزی
دوف	Wolf.	گرگ (زن پرست)
یک	Yak.	گاومیش (کودن)
ز ا لوی	Zoölogy.	حیوان شناسی



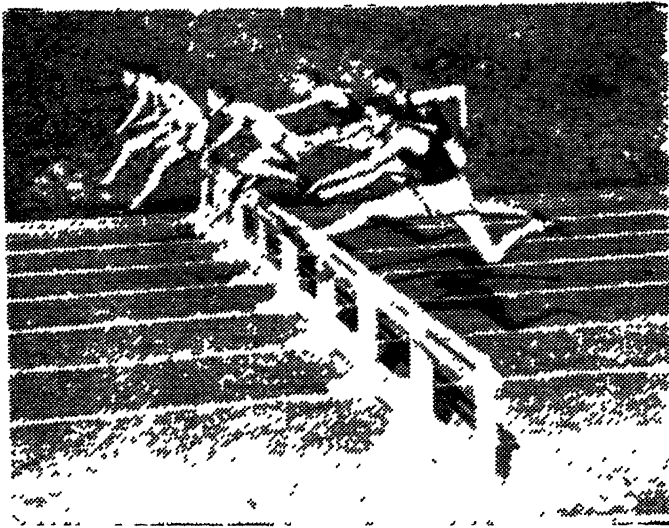
تلفظ	جمله	معنی
'یز دُنسینگ ایز س' 'یز, فَنکْت' دِیدْ یو اینج, ریت' آز بو ساتیس 'فی'	Your dancing is so perfect Did you enjoy it? Are you satisfy?	رقص شما بسیار عالی است (کامل است) آیا شما خوشتان آمد? آیا شما راضی هستید؟

پارک تفریحات و باغ وحش

وَابْ آژ یو ک' یُنسِک' تو دو ننگشت سا، دئی رلش ک' تو، امیوز، مت بازک	What are you going to do next sunday? Let us go to amusement park.	شما یکشنبه آینده چه خواهید کرد؟ بیائید باغ تفریحات برویم.
ایز، دژ، ا ب، لیش، وژ وی کن، بی، ال، ن وید، آت بی ایسک، کرا، دژ 'لیسک، دیس' یو ک'، قیند، دژ وَابْ، ا، وژ، یو، 'لیسک' رلش ک'، تو، زو، ا ند 'هو، فن'	Is there a place where we can be alone, without being crowded like this? you can find there whatever you like. Let us go to zoo and have fun.	آیا در این محل جایی هست که باین اندازه شلوغ باشد و ما بتوانیم تنها باشیم؟ شما در آنجا میتوانید هر چه بخواهید پیدا کنید بیائید برویم باغ وحش و تفریح کنیم.
ایت، وبل، نیک، ال، دئی دئ، وی، ماس، نیک سام، ساندویچز 'انیلز' بیشتر کک، ارث دآو ای، رگل فکس گت هسک ای، رکس حاکال کید	It will take all day. Then we must take some sandwiches. Animals. Beasts Crab. Dove. Eagle. Fox. Goat. Hawk Ibex. Jackal. Kid	تمام روز را خواهد گرفت پس ما بایستی مقداری ساندویچ برداریم حیوانات اهلی حیوانات وحشی خرچنگ (سماجت) کوتر (علامت صلح) عماد (خوش بین) روباه (شخص مزور) بز (بدو) شاهین (دوره فروش) بز وحشی (شکار) شغال (وکیل دادگستری) بزغاله (تمسخر) (بچه)

تلفظ	جمله	معنی
<p>دِرْ، كُنْ وِيْ يُو كُنْ د سِيْسِسْ، مَوْ تَوْ دِيْرْ سِيْسِسْ آرْ، رِ زَرُوْدْ</p>	<p>Where can we book the seats for two? These seats are re- served.</p>	<p>كجا ميتوانيم براي دونفر جا تهيه كنيم اين جاها گرفته شده است</p>
<p>كيو مي، ا بر، كُنْ رِم دَتْسِ دِ مَشْتِ اِيْنِ هَبْ رَشْتِيْنِكْ، رِكِيْمْ اِيْ ا، رُوْرْ سِيْنِ واچْ ها، پِنْدْ</p>	<p>Give me a programme That is the most inte- resting game I ever seen.</p>	<p>يك پرگرام بمن بدهند . اين جالبترين مسابقه است كه من تاكنون ديده ام .</p>
<p>ديترنْتْ يو سي هي سا، دَنْلِيْ كُرَاشْدْ ا، رُوْرْ مَشْلْ وِيْ كُنْ، دُنْسِيْنِكْ بو، اِيْتْ</p>	<p>What happened? Didn't you see? He suddenly crushed over.</p>	<p>چه اتفاقي افتاد ؟ شما ندديد ؟ او يكدفعه معلق شد (بزمين خورد) ميل داريد امشب به داس برويم ؟</p>
<p>اِيْ، دُنْسِ نِي، دِرْ تَانِكْ رِ، رَاْمْبَا اِيْ، يِدْ وِ، تِيْنِكْ، ا فَيُو دُنْسِيْنِكْ، رِل، رَسْرْ دِيْسِ اِنْرَا، رُوْرِيْ، اِيْسِ بالرُوْمْ</p>	<p>Shall we go dancing tonight? I dance neither tango nor rumba.</p>	<p>ميل داريد امشب به داس برويم ؟ من به تانگو و نه رumba ميرقصم .</p>
<p>اِيْمْ اِيْنِ، تِرْ سِتْدْ بو دُنْسِ نَاكْ، اِيْمْ، اُوْتْلِيْ را، يِكِيْ، نَرِ اِيْ، يِيْنِكْ، اِيْمْ، رَكْتِيْنِكْ، رَا رِ، رِاسْتِيْ وِيْ، اَشْلْ، سِيْ مَشْلْ وِيْ، دُنْسِ رِ، مِي، اِيْ، مَوْ، دِيْسِ، دُنْسِ پَلِيْرْ</p>	<p>I need to take a few dancing lessons. This is a very nice ballroom.</p>	<p>من احتياج بچند درس رقص دارم . اين يك سالي رقص سيار مشنگيست .</p>
<p>آرْ يو اِيْنِ، رِ، رِشْ، رِندْ اِيْنِ، دُنْسِيْنِكْ اِيْمْ اِيْنِ، تِرْ سِتْدْ بو دُنْسِ نَاكْ، اِيْمْ، اُوْتْلِيْ را، يِكِيْ، نَرِ اِيْ، يِيْنِكْ، اِيْمْ، رَكْتِيْنِكْ، رَا رِ، رِاسْتِيْ وِيْ، اَشْلْ، سِيْ مَشْلْ وِيْ، دُنْسِ رِ، مِي، اِيْ، مَوْ، دِيْسِ، دُنْسِ پَلِيْرْ</p>	<p>Are you interested in dancing? I am interested to dance, but I'm only a beginner.</p>	<p>آيا شما برقص علاقه منديد ؟ من برقص علاقه مندم ليكن خيلي مستي هستم</p>
<p>اِيْ، يِيْنِكْ، اِيْمْ، رَكْتِيْنِكْ، رَا رِ، رِاسْتِيْ وِيْ، اَشْلْ، سِيْ مَشْلْ وِيْ، دُنْسِ رِ، مِي، اِيْ، مَوْ، دِيْسِ، دُنْسِ پَلِيْرْ</p>	<p>I think I'm getting a bit rusty. We shall see.</p>	<p>من تصور ميكنم يك قدري فراوش کرده ام خواهيم ديد (شكالي ندارد) ممكن است برقصيم ؟</p>
<p>مَشْلْ وِيْ، دُنْسِ رِ، مِي، اِيْ، مَوْ، دِيْسِ، دُنْسِ پَلِيْرْ</p>	<p>Shall we dance? May I have this dance please?</p>	<p>خواهش ميكنم ! حاره بدهد باهم برقصيم شما سيار قشنگ مي رقصيد</p>
<p>يُو آرْ، ا، رُوْرِيْ، بُو تِيغُولْ، دُنْ، رِ، سِرْ</p>	<p>You are a very beau- tiful dancer.</p>	<p>شما سيار قشنگ مي رقصيد</p>

تلفظ	جمله	معنی
د' بڑا ریٹس ہا ہا مکن وی بگت تو میوزیک ہال دت ایڑ این د' سیٹ ملدیگت آؤ د' آڑا ہادس	the portraits. How can we get to music-hall? That is in the same building of the op- era-house.	نقاشیہای دستی . چگونه میتوانیم به انجمن موسیقی برویم (انجمن موسیقی کجاست ؟) آن (انجمن موسیقی) در همان ساختمان اپراست



A College Track Meet

دڑا اڑا کالج سب ڈیس
 گتہ فوڈی
 واٹ اگند آؤ اریٹم
 ارب
 دس سام کپڈ آؤ
 اوسگت ہائی بگس
 ای لؤ و ک وائے سی

There is a college
 sports game today.
 What kind of a game
 is it?
 That is some kind of
 running I guess
 I love to go and see.

امروز در دبیرستان یک
 مساعہ ورزشی است
 چه نوع مساعہ ایست ؟
 تصور میکنم یکنوع مساعہ
 دو ناشد .
 من دوست دارم بروم و ببینم .

تلفظ	جمله	معنی
<p>هآ دَو یَو اَبَنَکَ مَووِنَکَ بِیکَ، چَوَزُ 'ای اَبِنَج' یِ دَم وِوِی مَاج اَتِیَز دِ بَسْتِ یِ، لَیْسِ تَو 'بِس دِ نِیْمِ دِ پَر اِیْسِ آذ رِیْ، نِیْل</p>	<p>How do you like moving pictures? I enjoy them very much. It is the best place to pass the time. The prices are reasonable.</p>	<p>آیا شما سینما را دوست دارید؟ من از آن خیلی لذت میبرم. (دوست دارم) بهترین جا برای گذراندن وقت است قیمتها بسیار مناسبند</p>
<p>دِی هُو کاتِیوِوِزُ بِیْ، فَر، مَسْرُ س' اَد وَأَنْ کَنْ ک' اِیْنِ، اَنَد کام آتِ، وِوِی، اِوِزُ هَی وِیْسُزُ</p>	<p>They have continuous performances, so that one can go in and come out when ever he wishes</p>	<p>آنها بطور مداوم نمایش میدهند با بر این هر کس میتواند هر موقعی که مایل است داخل شده و یا خارج شود</p>
<p>دِی ش' سَام وِوِی اِیْنِ، ب' رَشِیْنِکَ، اَنَد اِیْسِرَا کِیوِ مَو وِیْسَکَ بِیکَ، حَوَزُ</p>	<p>They show some very interesting and instructive moving pictures.</p>	<p>آنها بعضی فیلمهای آموزشی و بسیار قابل توجهی نشان میدهند</p>
<p>'ای هُو، هَزُ دَات سِرُ، کَس رِکِیْمُ، تَو، دِ بَادَن</p>	<p>I have heard that the circus came to the town.</p>	<p>شنیده ام که سیرک بشهر آمده است</p>
<p>دو یو وَاغِ تَو ک'، تَو مَوِزِی، رِیْم دِیْس اَف، رِی تَو دِیو، کَنْ، مَیْنَد</p>	<p>Do you want to go to museum this afternoon?</p>	<p>آیا شما میل دارید که امروز عصر به موزه برویم؟</p>
<p>رَا کَا، لَکِشِنِ آوِ اِل اِیْنِ، ب' رَشِیْنِکَ، اَنَد بِیو بِقَوْلِ تِیْنِکَسِ آفِ هِیْسْتِرَة</p>	<p>There you can find a collection of all interesting and beautiful things of history.</p>	<p>آنجا میتوان یک مجموعه بسیار زیب و قابل ملاحظه از تمام اشیاء تاریخی پیدا نمود.</p>
<p>دِرِیْزِ، رَا لَاتِ آوِ س'، بَشِیَالِ پَارْتِیْسِ آوِ 'مُزُ، لَیْفِ، اَنَد وِ، رِکِ دِ وِ، رِکَسِ آوِ آوِزُ آوِ وِوِی، مَیْنِ رِشِ، بَشِیَالِی</p>	<p>There is a lot of especial parts of man's life and work. The works of art are very fine, especially</p>	<p>در آنجا معادیر زیادی از اقسام کار و طرز زندگی مخصوص بشر مشاهده میشود کارهای صنعتی بسیار زیبا است مخصوصاً معاشیهایی</p>

تلفظ	جمله	معنی
'ای مانت بوت آن می کت'	I must put on my coat.	من بایستی کت خود را بپوشم
ویل یو اگسکیوز می ا ما مانت	Will you excuse me a moment?	ممکن است يك لحظه بمن اجازه بدهید ؟
'ای ویل ری تزن این ا می نٹ .	I will return in a minute.	من در عرض یک دقیقه مراجعت خواهم کرد
لنٹس کت دیس وی راتیز ا بڈ واگینگ هیر	Let us go this way. It is a bad walking here.	بیایید از این راه برویم اینجا برای راه رفتن بد است
ا تیز راروی پ لزنٹ والک .	It is a very pleasant walk	کردش (راه رفتن) بسیار خوبی است .
لنٹس کت آپ تورڈ هیل'	Let us go up to the hill.	بیایید بالای تپه برویم
لنٹس ٹیک دیس ش رٹ کات تورڈ این	Let us take this short cut to the inn.	بیایید از اینراه میسل بر بهما بخانه برویم .
دیش ایزرڈ نی رٹت وی وی اکٹ تیک'	This is the nearest way we can take.	این نزدیکترین راهی است که ما میتوانیم برویم .

تئاتر و سینما

دو یو گت نو تی را ترا ورٹی آرفن ؟	Do you go to theatre very often?	آیا شما خیلی زیاد بتئاتر میروید ؟
'ای گت والس را ویک ای گت اوری آدر ویک وری سلدام ای گت تو تی را ترا	I go once a week. I go <u>every other week</u> . Very seldom I go to theatre.	من هفته یکبار میروم من یک هفته در میان میروم من خیلی بندرت بتئاتر میروم .
'ای ایچ نی گتیک تو آبرا ای لیک شاکسپیر ب لئ د رشت .	I enjoy going to opera I like Shakspere's plays the best.	من از رفتن به اپرالدت میروم من از بهای شکسپیر را از همه بیشتر دوست دارم
دو یو رکز تو رکت هی برایت سیٹس راٹ می بائی تو سیٹس اور تو م را بیت	Do you care to get highpriced seats? Let me buy two seats for tomorrow night	آیا دوست دارید جای گران قیمت بگیرییم ؟ اجازه بدهید دو جا برای فردا شب بخرم

تلفظ	جمله	معنی
بَايَزْ، تَلْ هِيْمَ دَاتْ اَيَّ وَيْلْ، كَلْ، اَرَكِيْنْ تَو 'مَر' مَر نُونْ	Please tell him that I will call again to- morrow forenoon.	خواهش میکنم بایشان بگوئید که من فردا بدل از ظهر مجدداً برای ملاقات ایشان خواهم آمد.
هِي اِيْزْ اَتْ آوْ تَايْ هِي، وَتْ تَو رِدْ هَاژَكْ 'هَوْر' اَوَاكْ	He is out of town. He went to the park for a walk.	او از شهر بیرون رفته است او برای راه رفتن به پارک (هاع عمومی) رفته است.
اَيَّ حَسْتْ، كَلْدْ هِيْمَ تَو كِهْ اَتْ تَو، كِهْ دَرْ	I just called him to go out together.	من فقط آمدم که باتفاق بیرون برویم

راه ییمائی و کوه نوردی

شِي اِيْزْ، وَيْتِيْسَكْ 'فَر' بُو وَيْلْ، بُو هَيْلِيْرْ تَلْ 'هَر' اَيْمْ هِيْرْ و'تْ بُو كَامْ اَيْنْ مِيْ اَيَّ كَامْ اَيْنْ اَشَلْ وَيْ كِهْ اَتْ 'فَر' اَوَاكْ * وَيْسْ بْ رِلْ رُزْ	She is waiting for you Will you please tell her I am here. Won't you come in? May I come in? Shall we go out for a walk? With pleasure	او منتظر شما است ممکن است بایشان بگوئید من اینجا هستم * بفرمائید تو . اجاره میفرمائید داخل شوم ؟ میل دارید برای گردش بیرون برویم * با کمال میل
---	---	---

to climb the mountain
is a great sport fun

تَو كُ اَلْمَتْ رِدْ مَانْ، رِيْنِ اَرْ
اَكْ، رِيْتْ سِ رِيْتْ اَوْنْ

کوه نوردی ورزش بسیار
مفرحی است



تلفظ	جمله	معنی
<p>چم، نئی اِنْد آ، دَر دِن، چَر، پِشَنس، اِذ، وِل اِذ، تَرآش، اِکُو، مَو، لِبْتَه اِیْن، مَس، لَر، اِنْد، اَر، تَنک</p> <p>رِد، فَايِر، دِباَرَت، مَنِت اِیْن، اَلِیْرَان، اِیْر، اِیْن، اِ بُرِیْسِنِیُو، س، رِیْنِج</p>	<p>ting plant, the chimney, and other danger points, as well as trash accumulated in cellar and attic.</p> <p>The fire department in Iran is in a primitive stage.</p>	<p>نقاط خطرناک مانند زباله‌های متراکم شده در زیر زمین و انبار ریز شیروایی میباشد.</p> <p>اداره آتش نشانی در ایران در مراحل اولیه است.</p>

دیدار و پیغام

<p>اِیْر، مِیْسِر، بی - اِثْ هُوْم ن، هُی اِیْر، مَآتْ، اِثْ هُوْم، اِجِصَتْ، نَآ وِر، هَر، هُی، کَانَ، تَو اِیْ دَنِتْ، ن</p> <p>وِن، وِیْل، هُی، رِی، تَرَوِن وِن، دَو، یُو، اِکَس، رِیْکَتْ هِیْم، هُوْم وِیْ، اِکَس، رِیْکَتْ، هِیْم، بَکْ اِیْ، مِی، رِشْ</p> <p>دِیْد، هُی، رِیْ، وِن، هُی وَاژ، کَآمِشَنگْ، اِکْ هُی، دِیوِنْتْ، رِیْ، نَآتِشَنگْ نِیْ، کَآژ، هُی، وَاژ، اِیْن اِ، هَارِیْ</p> <p>وِن، هُی، کَآمَر، وِیْل یُو، نَل، هِیْم، دَآتْ، اِیْ کَلْد، فَر، هِیْم نَو، یُو، تِیْنگْ، هُی، وِیْل بیْ، اِثْ، هُوْم، دِیْسْ اِیُو، نِشَنگْ</p>	<p>Is Mr B— at home? No, he is not at home just now. Where has he gone to? I don't know. When will he return? When do you expect him home? We expect him back any minute Did he say when he was coming back? He didn't say nothing, because <u>he was in</u> a hurry. When he comes, will you tell him that I called for him? Do you think <u>he will be at home</u> this evening?</p>	<p>آقای بی - منزل هستند ؟ خیر ایشان اکنون در منزل نیستند . کجا رفته اند ؟ من نمیدانم . کی مراجعت خواهند کرد ؟ شما کی انتظار ایشان را دارید که بمنزل مراجعت کنند ؟ صور میکنیم همین چند دقیقه بیاید . آیا او بشما گفت چه موقع مراجعت خواهد کرد ؟ او چیزی نگفت چون خیلی عجله داشت . خواهش میکنم وقتی آمدند بایشان بگوئید که برای ملاقاتش آمده بودم آیا تصور میکنید ایشان امشب به منزل مراجعت نمایند ؟</p>
--	--	--

تلفظ	جمله	معنی
سی د فایر، من هآ ول، دئی آژ اکوئینڈ	See the firemen how; well they are equip- ped!	نگاه کنید مأمورین آتش نشانی چقدر خوب مجهز اند
سی د آ، اریبال، رل رد بائی ویچ، دئی کت، لیست آپ د بیلڈینگ وات، ا اجی، کنتیک پامپ اینجین	See the aerial ladder by which they climb up the building What a gigantic pump engine.	نردبام هوایی را که از آن به بالای ساختمان میروند نگاه کنید. پمپ موتور ب عظیم العتبه ای
مدت سینئر کاپی، ربل آو دئی مفری، بیسنگ، ال د وا، تر این ال، سینئر د فایر، رد باژت، منت	That seems capable of defying all the water in all seas.	چنان بنظر میرسد که قادر است با تمام ابهای دریاها مبارزه کند
این آمریکا این اد می، ریبل، ول ا ر سا، بیژ، د	The fire department in America is admi- rably well orga- nized.	اداره آتش نشانی در آمریکا تشکیلات خوب و قابل تحصین دارد.
این آمریکا د فایر، من کام بیف، ز د فایر	In America the fire- men come before the fire.	در آمریکا مأمورین آتش نشانی قبل از آتش سوزی میآیند.
ایف د فایر، من کام تاپینگ، ات، یو، دز بائی ال، مینز، لت رد، این	If the firemen come tapping at your door by all means let them in	چنانچه مأمورین آتشنشانی آمده و درب منزل شما را زدند. با تیپ خاطر ایشان دا بدخل راهنمایی کنید
دئی، رکیم، مفر، فایر ایس، ریگین، این، ردیز ر، سیمپل، یو نیف، ز مفر، اجنس تورا، و، یڈرا، لمی، تر، ک، ا این را، پر، کتس، رائد پوش	They came for fire inspection, in their simple uniforms just to avoid a later call in rubber caots and bouts.	آنها بالباس ساده فرمی خود آمده اند که فقط جهات آتش سوزی را مرتفع نمایند تا شما احتیاج به خبر کردن مأمورین کت و چکمه لاستیکی (هنگام آتش سوزی) پیدا نکنید
ساج ایس، پیکشور، یوزو آل اینگلوڈ، د، الکتریک وایرینگ، اند، فیوز، باکس د، هیئینگ، پلانٹ، د	Such inspections usu- ally include the elec- tric wiring and fuse box, the hea-	اینگونه بازدیدها معمولاً از جمله فیوز برق وسیم کشی - ماشینهای حرارت و دودکش و سایر

تلفظ	جمله	معنی
کا مرا لوکے تو و رڈز می دو نات وینکے فرما مامنت سن امیل الی تل وون ویل یو هو ات ردی ای ویل ش یو ا پروف نکٹ ویک ترائی تو میکے ات ایس ویل یو بی شوڈ یو ویل لیکے ات	mera. Look towards me. Do not wink for a moment. Smile a little. When will you have it ready? I will show you a proof next week. Try to make it nice, will you? Be sure, you will like it.	(دورین) بطرف من نگاه کنید یک لحظه چشمک نزنید کمی تبسم کنید چه موقع آنرا حاضر خواهید کرد هفته آینده منی (نونه) آنرا بشما نشان حواهم داد خواهش میکنم آنرا قشنگ درست کنید مطمئن باشید شما آنرا دوست خواهید داشت

آتش و آتش نشانی

دز ایڑا فاریز این دت ها س روز ایڑ د فایز س تیشین روز دؤ یو سا یز د فایز ایڑ ها کئی وی تنی فی د فایز س تیشین دز ایڑا رد باکس یز د کز نر یو ویل فیند کی آن دز د باکس ا بین ات آپ اند رینگ	There is a fire in that house. Where is the fire station? Where do you suppose the fire is? How can we notify the fire station? There is a red box near the corner, you will find the key under the box, open it up and ring.	در آن خانه يك آتش سوزی است اداره (ایستگاه) آتش نشانی کجاست ؟ تصور میکنید آتش سوزی در کجاست ؟ ما چگونه میتوانیم با ایستگاه آتش نشانی اطلاع دهیم ؟ یک جعبه قرمز رنگ نزدیک بیچ (چهارراه) است و شما کلید آنرا هم میتوانید در زیر جعبه پیدا کنید . آنرا باز کرده و زنگ بزنید اگر نتوانستید آنرا باز کنید شیشه را بشکنید . دارند می آیند .
ایف یو کنت این ات ب ریک د گلاس هیز دی کام	If you can't open it, break the glass. Here they come.	

تلفظ	جمله	معنی
عکاسی		
کارمرآ (کٹرا) د' ل' فیلْم دارْ کتے روم دی شڑا دے دی و' لپینک د' ریٹیک رتکے	Camera. Roll film. Dark room. Dishes for developing Draining rack.	دوربین عکاسی حلقه فیلم اطاق تاریک ظروف برای ظاهر کردن فیلم (اسبابیست جهت خشک کردن فیلم) لامپ عکاسی لوله (قیف) دستگاه روتوش (قید) برده چوبی سرعت نما سه پایه منظر نما یک عکس خوب (مہیج)
فہ لئ المپ فانل برینٹیک ف ریم شارت شپید ایندی رکتی رت تری باد ویو فینڈر آن اکسائی ٹیک فت کراف ویلے یو رتیک امی فت کراف رسر ہا ماچ دو یو چارج فر رکتی رت (ریک رڈ) 'فت' سیکس ڈولرز ڈارڈن ہا دو یو وانٹ یو ییکے رچر رتی رکن ای وانٹ فول سیز س سٹنڈنگ سٹینگ پرا فیل قراٹ ویو ا رڈت رسر سیت آن دیش رچر لوک تو و' رڈد	Flash lamps. Funnel. Printing frame. Shutter. Speed indicator. Tripods. View finder. An exciting photo graph. Will you take my photograph, sir? How much do you charge for cabinet (record) photos? Six dollars a dozen. How do you want your picture taken I want full size. — Standing. — Sitting. — Profile. — front view. Alright, sir. Sit on this chair. Look towards the ca-	آقا ممکن است عکس مرا بردارید ؟ برای عکس پرسنلی چه مبلغ میگیرید ؟ دوازده عدد شش دلار چطور میخواهید عکس شما برداشته شود ؟ من اندازه (تمام قد) میخواهم — ایستاده — نشسته — نیم روخ — از روبرو (جلو) بسیار خوب آقا روی این صندلی بنشینید بطرف دوربین نگاه کنید

تلفظ	جمله	معنی
<p>دئی گینگک هام کام دئی ویل بی دان آن ایرت، اذ، اتیز این رح، وون . کیو اس دیو، دئی آو، دیلی ب، ر، اند، نفر، کیو اس آو، دتن، اذ وئی، فر، کیو آو، د، تر، ز راند، لید، اس، نات، اینت، رتیب، تی، شن، بات دلی، وور، اس، فرام، را، ویل نفر، دین (مین) ایز، د کینگدام، اند، د، با، وور راند، کل، ری، فر، وور، راند، وور، آمین</p>	<p>thy kingdom come, thy will be done on earth as it is in heaven. Give us this day our daily bread, and forgive us our de- bts as we forgive our debtors, and lead us not into temptation but de- liver us from evil, for thine is the ki- ngdom and the po- wer and the glory, for ever and ever Amen.</p>	<p>در آسمان وزمین اجرا میشود هر آنچه تو اراده کنی. ای روزی دهنده ما بما روزی بده و گناهان ما را عفو کن و ما را به ادای فرائض خود موفق فرما. خدایا ما را ببخش و براه راست هدایت کن . ما را از پیروی هوای نفس مانعت کن و از شیطان دور نگاهدار . عزت و جلال از آن تست چنانچه همیشه و همیشه توانا و قادر مطلق بوده و خواهی بود آمین .</p>
<p>دو بو هیو د چرچ ر بلز دو بو لایک، ات ن ای دانت، لایک، ات بی، ریل، ویس، ای، پینی، رین را، با، ت، چرچ، بلز آر دی، دی، د، ر، جزر آلی این، تو، کلاس د، ز، هو، کنت، بیر د، س، آند، آو، دم راند، د، ز، هو، رسی ها، سویت، دی، آر</p>	<p>Do you hear the chu- rch bells? Do you like it? No, I don't like it. People with opinions about church bells are divided genera- lly into two classes. Those who can't bear the sound of them, and those who say how sweet they are</p>	<p>صدای زنگک کلیسا را میشنوید ؟ آیا آنرا دوست دارید ؟ خیر من آنرا دوست ندارم . عقاید مردم راجع به زنگ کلیسا معمولاً به دو دسته تقسیم شده است (یکدسته) آنها نیکه تحمل شنیدن آنرا ندارند و (یکدسته) آنها نیکه میگویند آن چقدر شیرین است</p>

تلفظ	جمله	معنی
ابا، ت د جا ج، منش	It is about the judgments.	راجع بقضاوت است
وات، ا منی فی، هنت چرچ دیس ایر	What a magnificent church this is!	این چه کلیسای باشکوهی است .
لش سیٹ این، د ا ز، کسٹرا	Let us sit in the orchestra.	بیایید نزدیک ارکست (چاو) بنشینیم .
دیس پاس، نر ایڑا، ورد کوڈ سپی، کر	This pastor is a very good speaker.	این واعظ بسیار خوب صحبت میکند .
هی، هزرا، نیش و، یش لش ایل ج، ین این سینک	He has a nice voice.	او صدای خوبی دارد .
لش ایل ج، ین این سینک	Let us all join in singing.	بیایید همه باهم آواز بخوانیم .
نا، د پاس، تر، ویل میک، ا نانش، منش فر، نکست ویک	Now the pastor will make announcements for next week.	اکنون کشیش برنامه هفته آینده را اطلاع خواهد داد
لش ری، د بوک آو ج، نسیس	Let us read the book of Genesis.	بیایید کتاب خلقت (پیدایش) را بخوانیم .
— اک، ز، دس	— Exodus.	— کتاب مذهبی مربوط به خروج کلیپان ازمصر .
— کینگز	— Kings.	— پادشاهان
— کرائی، کلز	— Chronicles.	— وقایع تاریخ (مذهبی)
— پسالمز	— Psalms.	— زیور حضرت داود
— برا، وژس	— Proverbs.	— امثال
لش ان، سینک، د ساک آو، ر دی، مسا — سالا، من	Let us all sing the song of Jeremiah.	بیایید همگی آواز مصیبت را بخوانیم . (مذهبی)
— لاین، تی، شنز — کسپل	— Solomon	— (نوعی آواز مذهبی) افرادی
لش ان، ل س، مند آب اند، ری	— Lamentations.	— عزاداری
آ، ز، فا، دز، ویج، آرت این، ح، ون، هل، دی دی، ینیم	— Gospel.	— بشارت
	Let's all stand up and pray.	بیایید همه بایستیم و دعا کنیم .
	Our father which art in heaven, hallowed be thy name,	ای پدر ما که در آسمانهای نام تو مقدس است

تلفظ	جمله	معنی
ویل' یو' پلیز' ڈر' ا' چک'ے 'فِزِد' 'بِلَنس' آقُ' یو' ا' کائت'	Will you please draw a check for the ba- lance of your acco- unt.	خواہش میکنم یک چک برای تتمہ موجودی حساب خود بکشید
'ای' ویش' تو' بن' ممی' 'بِنَاک' 'ب' 'لَنس'	I wish to know my bank balance.	من میخواهم بدانم تتمہ موجودی حساب من چقدر است.

مذہب و مراسم مذہبی



An old village steeple

تلفظ	جمله	معنی
'د لرز. و بیج ای ویش تو یوت این می ، اکا' نت	dollars which I wish to put in my account.	است که مایلم بحساب بانکی خود بگذارم .
'ای 'لیک تو هو'را 'بک بوک	I like to have a bank book.	من یک دفترچه چک میخواهم
'کوڈ یو 'در' می ما'نک 'چک 'مر' دیس 'ار' 'در'	Could you draw me a bank check for this ordre?	آیا میتوانید برای این حواله پن یک چک بانکی بدهید ؟
'ای' یڈ و آن تا' زند 'دېژن' ترا و ، لژ' چک این تن' دلرز بیل	I need one thousand dollars traveler check in ten dollars bill.	من به یک هزار دلار چکهای مسافرتی (ده دلاری) احتیاج دارم
'ای و انت تو بای سام 'ت'ر ، زری با'نتز'	I want to buy some treasury bonds	من میخواهم مقداری اودان (خزانه داری) بخرم
'ای 'لیک تو 'در' آن 'را چک 'فر' فیفتین 'دلرز	I like to draw out a check for fifteen dollars.	من میخواهم یک چک پانزده دلاری بکشم .
'ها' ماچ این رت ، رست دو یو ، بی	How much interest do you pay?	شما چه مبلغ منفعت میبپردازید ؟
'وی' بی' تری' بی' رست هی لوکس 'ال' هو'بر 'افتز'	We pay 3 per cent.	ما صدسه میپردازیم
'هیر' آن' این' ترست دیس ای'ر' محست تو	«He looks always af- ter his own interest»	« او همیشه فکر منافع خودش میباشد »
'ای'ر' این' ترست رو' ای'ر' د این' ترست دی یو (دیو)	«This is just to your interest»	« این فقط برای خاطر شما است »
'ای'ر' دیو ، افوی کوار' ترلی	When is the interest due?	چه موقع منفعت پرداخت خواهد شد ؟
'ای'ر' این' ترست ایز ، ارد تو ، د تر بیسیل	It is due every quar- terly.	هر سه ماه یکبار پرداخت خواهد شد .
'ای' ویش تو کل ز آب 'می' راکانت' راز' ایم ک' نیسک' 'بک' نو 'ایران'	The interest is added to the principal.	منافع به اصل اضافه میشود .
	I wish to close up my account as I'm go- ing back to Iran.	من مایلم حساب خود را ببندم چون بایران مراجعت خواهم کرد

تلفظ	جمله	معنی
ای شل کام ای وژ دای د، وئی (ریت، اروی	I shall come over right away.	من هم اکنون آجا خواهم آمد
	« بانك »	
ای ویش تو ای، پین را 'سنگ، ا کا، نس	I wish to open a bank accounts	من میل دارم بیک حساب بانک باز کنم .
ای ریت، سر	Alright, sir	بسیار خوب آقا
ویل یو پلیر فیل دیس ت 'سنگ	Will you please fill this blank	ممکن است خواهش کنم این ورقه را پر کنید ؟
فرست، نینم	First name:	نام (اسم اول)
میل، نینم	Middle name.	هواں (اسم وسط)
الست، نینم	Last name	نام فامیل
فادر فول، نینم	Father full name	نام کامل پدر .
ب، لیش آو، برت	Place of birth:	محل تولد .
دیت آو، برت	Date of birth	تاریخ تولد
پچرالی، ریش	Naturalisation.	ملیت
پر، فشن	Profction	شغل
ا، ح	Age	سن
ا، د، رس	Address	نشانی (آدرس)
دیت	Date	تاریخ
سین، ری، چو	Signature	امضاء
ها، ماچ، مانی، دو	How much money do you wish to deposit?	چه مبلغ مایلید سپرده بگذارید ؟
ووش تو دیپارت	I wish to deposit one	من مایلیم یکصد و هفتاد
ای ویش تو دینا، رت	hundred seventy	دلار سپرده بگذارم
وان همد، رد، رس، ووشی	five dollars	
اد، لرز	Your first deposit	سپرده اول شما نایستی
پر، فرست، دیپارت، ماست	must be two hundred	دویست دلار و یا بیشتر
می تو همد، رد، د، لرز	dollars or more but	باشد ولی کمتر نمیشود .
اژ، م، پ، بات، مات، لس	not less.	
هیر، ایز، را، چک، فر	Here is a check for	این بیک چک مبلغ
رایتین، همد، رد	eighteen hundred	یکهزار و هشتصد دلار

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------



The main building of the modern telephone system in New York City. This is said to be the largest telephone institution in the world.

د، مین بیلڈینگ آؤد،
ما رڈن تلمن سیس، تم
این نیویورک سیتی دیس
ایر، سید تو بی، د لار
حسٹ تلمن ایستیتو، ش
این، د و رڈ

بای مرکزی تلفونخانه نا
اصول چند در شهر نیویورک
میگویند این وسیعترین مؤسسه
تلفون در دنیا است.

نیو یورک
ا ا ریت هو یو کات تو
راند هف کد، لرد چچ رددی

نآ درآب سیکس کواز، تو
این د سلات
دیش ایر داکتر ران
سک، دئری شپیکینگ

ای وائت تو اسک داکس
مورا ویزیت رمی ای

بلیز کل، ات وائس
بسی ایر، وری سیک

is - at New York
Alright, have you got
two and half dol-
lars change ready?

Now drop six quarter
in the slot.

This is doctor Brown
secretary spe-
aking

I want to ask doctor
for a visit, may I?

Please call at once
doctor, baby is
very sick.

ودر نیویورک میباشد
بسیار خوب شما دو دلار و
نیم پول خورد حاضر دارید؟

اکنون ۶ دو ریال و بیسی
در جای پول بیاندازید.
اینجا منشی دکتر بران
صحبت میکند.

میخواهم آفای دکتر تقاضا
کم برای دیس مریش بیاید
آیا ممکن است؟

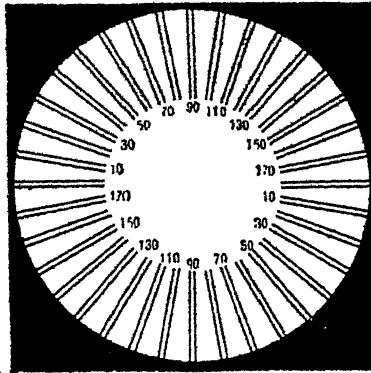
آفای دکتر خواهش میکنم
فورا تشریف بیاورید بچه
خیلی مریض است

تلفظ	جمله	معنی
<p>بلیز دیش ایز جلال ای ویش تو شیکت تو میس جین</p>	<p>please? " This is Jalal I wish to speak to Miss Jeanne please.</p>	<p>خواهش میکنم؟ من جلال هستم خواهش میکنم اجاره بفرمائید باخانم جین صحبت کنم.</p>
<p>بلیز شیکینگ ادکریٹ مجسٹ اهلند دیس روز</p>	<p>Speaking. Alright, just hold the receiver</p>	<p>صحبت میکنم (خود من هستم) سیار خوب گوشی را نگاه دارید</p>
<p>سری شی ایز ناٹ این دو یو وانٹ می تو لیو، هر را، مسیح</p>	<p>Sorry, she is not in, do you want me to leave her any mes- sage?</p>	<p>متأسفم. منزل نیستند. آبا میخواهید یادداشتی برای ایشان بگذارم (پیامی دارید؟)</p>
<p>می ای اسک یو تو ایو هر دیش، مسیح</p>	<p>May I ask you to leave her this message?</p>	<p>ممکن است از شما خواهش کنم این پیام را (یادداشت را) بایشان بدهید.</p>
<p>ن، تنک یو مجسٹ نل، هیم، جی — هو کلند، یو، اند، ای</p>	<p>No, thank you, just tell him J — have called you, and I may try again.</p>	<p>خیر متشکرم فقط بایشان بگوئید که ج — شما تلفن کرد و من ممکنست مجدداً تلفن کنم</p>
<p>می تری، ا، ر کین ایل، کیو، هیم، ا، رینک</p>	<p>I'll give him a ring later.</p>	<p>من کمی بعد بایشان تلفن خواهم کرد.</p>
<p>لئ، تر سری یو کات، ا، رانک</p>	<p>Sorry you got a wrong number.</p>	<p>متأسفم شما شماره اشتباهی گرفته اید.</p>
<p>نم، بر هلو آپ، ری، تر، یو کات می، ا، رانک، نم، بر</p>	<p>Hello! operator, you got me a wrong number.</p>	<p>هلو! مرکز شما شماره اشتباهی بمن داده اید</p>
<p>سری، بلیز، ریپیت، بر نم، بر</p>	<p>Sorry, please, repeat your number.</p>	<p>ببخشید. خواهش میکنم شماره خود را تکرار کنید</p>
<p>ای، وانت، ا، لانک، دیش تشن، کل</p>	<p>I want a long dis- tance call.</p>	<p>من میخواهم با شهرهای دیگر (خطوط تلفنی دور) صحبت کنم.</p>
<p>یش، سر، روز، تو</p>	<p>Yes, sir, where to?</p>	<p>بلی آنا بکجا؟</p>
<p>ای، دانت، ن، د، نم، بر با، د، نیم، ایو، — اب</p>	<p>I don't know the number, but the name</p>	<p>من شماره آنرا میدانم ولی اسم ایشان — است</p>

تلفظ	جمله	معنی
مکالمات تلفنی		
<p>پلیز، تل می روز کن ای فینڈا پابلیک تلفن هین</p>	<p>Please tell me where can I find a public telephone here?</p>	<p>خواهش میکنم بگوئید کجا میتوانم یک تلفن عمومی پیدا کنم .</p>
<p>د پابلیک تلفن ایز این د بیس منت</p>	<p>The public telephone is in the basement.</p>	<p>تلفن عمومی در قسمت تحتانی است (زیرزمین)</p>
<p>هو یو، ا تلفن بوک هیز؟</p>	<p>Have yon a telephone book here?</p>	<p>آیا شما کتابچه تلفن دارید.</p>
<p>ویچ وان دو یو وانٹ ای لیک تو سی د ر، وان</p>	<p>which one do you want?</p>	<p>کدام یکی را میخواهید؟</p>
<p>ها، کن ای یوز دیش تلفن پلیز</p>	<p>I like to see the red one.</p>	<p>من میخواهم دفتر قرمز را نگاه کنم (دفتر قرمز تلفن مخصوص اطلاعات است)</p>
<p>هلڈ آپ د رسی روز فرسٹ دن ڈراب یز نی کل این د سلاٹ</p>	<p>How can I use this telephone please?</p>	<p>خواهش میکنم بفرمائید چگونه میتوان از این تلفن استفاده کرد؟</p>
<p>ایف یو وانٹ د اینف ر می رشن تر آئی تو ا رائن اسک د م، یو دات یو وانٹ</p>	<p>Hold up the receiver first, then drop your nickel in the slot.</p>	<p>اول گوشی را برداشته و بعد دهشاهی در محل پول بیاندازید .</p>
<p>هل، آپارٹی، مر پلیز پس می هاد رسن فن، این وان، فینو</p>	<p>If you want the infor mation, try two 0. and ask the number that you want.</p>	<p>اگر اطلاعات را میخواهید شماره دو صفر را بگیرید و شماره ایرا که میخواهید سئوال کنید .</p>
<p>ریس سر، جسٹ، وینٹ، ا من، منت</p>	<p>Hello, operator please, pass me, "HUDson 4915".</p>	<p>هلو، ر کر (تلفنچی) خواهش میکنم شماره (هادرس - ۴۹۱۵) را بمن بدهید</p>
<p>هلو ایز دات میس تا، کر</p>	<p>Yes, sir, just wait a minut.</p>	<p>له آقا، الساعه کمی صبر کنید</p>
<p>ریس، رسو هو ایز دیش</p>	<p>Hello! is that Mis Taggar?</p>	<p>هلو آیا شما خادم تا کر هستید؟</p>
	<p>Yes, sir, who is this</p>	<p>له آقا شما کی هستید؟</p>

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------

In a case of astigmatism not all the lines in such a diagram will appear equally distinct. Those in one direction will be sharply defined, whereas those at right angles to them will appear broadened and blurred. This defect is corrected by the use of cylindrical lenses.



در صورتیکه قرینه چشمی از کرویّت خارج شده باشد (حالت استیکمات) کلیه خطوط در این تصویر مساوی نظر نمیرسند. خطوط در یک سمت بطور دقیق و مشخص دیده میشوند و حال آنکه خطوط سمت مقابل آنها تار و عریض بطور میرسند. برای صحت این عیب ذره بینهای استوانه بکار میروند.

Lines to test astigmatism.

خطوط جهت امتحان کرویّت قرینه چشم

استیکمات، منیزم
 ویش آن، استیکمات، منیزم
 آئی، اسپات آئی، لیٹ
 لیٹ، راتماز ایژ سین
 رازرا ش، زب برایت
 الین
 این الڈ، راج ڈ، لنز
 آورد آئی لوزس
 ایٹس، با، وور اند س
 ریکو، ایرڈرا بیف، کال
 لنز
 بیف، کال، لنز ایژ، میڈ
 این تو پارٹس، د آر، ب
 فو، دیس، تنس، راند
 د لا، وور، فو، ریدینگ

Astigmatism.
 With an astigmatism eye a spot of light like a star, is seen as a short, bright, line.
 In old age the lens of the eye loses its power and so requires a bifocal lens
 Bifocal lens is made in two parts, the upper for distance and the lower for reading.

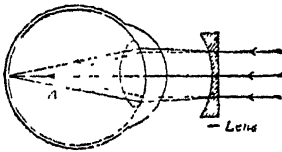
خطای چشم (تاری چشم)
 با یک چشم مریض نوعی مرض چشم (استیکماتسم) یک نقطه روشنائی مثل ستاره مانند یک خط کوتاه درخشنده دیده میشود.
 در سس پیری ذره بینهای چشم قدرت و توانائی خود را از دست میدهند و برای احتیاج به ذره بین های (دومرکری) پیدا میکنند
 ذره بین های دو مرکری از دو قسمت تشکیل شده اند قسمت بالا برای فاصله (دور) و سمت پایین برای خواندن.



تلفظ	جمله	معنی
<p>ویل یو، آگرا امتین، مئی آیز، مورا، پز، آو ش، بک، تکلس ای، وانت، تو، چنچ، مئی گلاسس ای، ریت، سیت، آن، دیش چر</p>	<p>Will you examine my eyes for a pair of spectacles. I want to change my glasses. Alright, sit on this chair.</p>	<p>ممکن است چشم مرا برای عینک نمره دار امتحان کنید؟ من میخواهم عینک خود را عوض کنم. بسیار خوب روی این صندلی بنشینید</p>
<p>کل، ذ، یز، ریت، آی (رلفت، آی) نرای، تو، رید، وا، را، روز ای، ش، یو</p>	<p>Close your right eye. (left eye). Try to read whatever I show you.</p>	<p>چشم راست خود را ببندید (چشم چپ) سعی کنید هر چه بشما نشان میدهم بخوانید</p>
<p>کل، ذ، یز، با، آیز کن، یو، رید، ایز، یلی مئی، آیز، آو، تا، ریز، ورن ایم، رید، بک</p>	<p>Close your both eyes. Can you read easily? My eyes are tired when I'm reading</p>	<p>هر دو چشم خود را ببندید. آیا میتوانید براحتی بخوانید؟ چشمانم هنگام خواندن خسته میشوند.</p>
<p>روال، یز، آیز، نید، ایز او، رید، ینگ، گلاسس یو، دننت، هو، تو، ویز مئی، ویسنگ، گلاسس</p>	<p>Well, your eyes need a pair of reading glasses. You don't have to wear magnifying glasses.</p>	<p>بسیار خوب چشمان شما برای خواندن احتیاج به عینک دارد شما احتیاجی به استعمال عینک برای خواندن ندارید.</p>
<p>یو، هو، تو، بو، ایز، پز، آو ش، بک، تکلس، ام، ریز ر، دینا لنز</p>	<p>You have to use a pair of spectacles No - Retina. Lenses.</p>	<p>شما بایستی عینک شماره - استعمال کنید قرصه چشم نشسته دره بین</p>
<p>ش، بکنا، کلس، ویس کان، کبوز، لنز، آو بو، زد، تو، رک، رگت شز، مئی، تدا، آیز کان، و، گس، لنز، آو</p>	<p>Spectacles with concave lenses are used to correct short-sighted eyes.</p>	<p>عینکهای دره بینی مقعر برای درست کردن (دید) چشمهای نزدیک بین بکار میرود</p>
<p>بو، زد، هو، فا، مئی، تدا آیز</p>	<p>Convex lenses are used for far-sighted eyes.</p>	<p>ذره بین های محدب مورد استعمال چشم های دور بین</p>

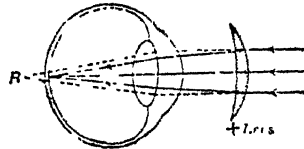
تلفظ	جمله	معنی
٧٢ ٧١ ٧٠ ٦٩ ٦٨ ٦٧ ٦٦ ٦٥ ٦٤ ٦٣ ٦٢ ٦١ ٦٠ ٥٩ ٥٨ ٥٧ ٥٦ ٥٥ ٥٤ ٥٣ ٥٢ ٥١ ٥٠ ٤٩ ٤٨ ٤٧ ٤٦ ٤٥ ٤٤ ٤٣ ٤٢ ٤١ ٤٠ ٣٩ ٣٨ ٣٧ ٣٦ ٣٥ ٣٤ ٣٣ ٣٢ ٣١ ٣٠ ٢٩ ٢٨ ٢٧ ٢٦ ٢٥ ٢٤ ٢٣ ٢٢ ٢١ ٢٠ ١٩ ١٨ ١٧ ١٦ ١٥ ١٤ ١٣ ١٢ ١١ ١٠ ٩ ٨ ٧ ٦ ٥ ٤ ٣ ٢ ١	<p>1. Take a quart of milk everyday.</p> <p>2. Drink fruit juices.</p> <p>3. Avoid excessive sugar.</p> <p>4. Brush your teeth three times a day.</p> <p>5. Consult your dentist every six months.</p> <p>Thanks a lot, doctor.</p> <p>Goodby.</p>	<p>١. هر روز یک بطری شیر بنوشید .</p> <p>٢. آب میوه بنوشید .</p> <p>٣. در خوردن شیرینی افراط نکنید .</p> <p>٤. دندانهای خود را روزی سه بار بشوئید</p> <p>٥. هر شش ماه یکبار با دندان پزشکی خود مشاوره کنید</p> <p>آقای دکتر خیلی متشکرم</p> <p>خدانگه دار</p>

چشم پزشک



A short-sighted eye.

چشم نزدیک بین



A far-sighted eye.

چشم دور بین

کودم: ژینک داکتر
 ایتم فارسی تند
 ایتم شرت سنی تند
 ای هو، کتار این می آ
 ای هو، رار کیو نال ره ر
 دو یو تینک ای نیند
 رار بر آو گلا رسس

Good morning, doctor.
 I am far-sighted.
 I am short-sighted.
 I have catarrh in my eyes.
 I have occasional headaches.
 Do you think I need a pair of glasses.

صبح شما صبحر آقای دکتر
 چشم من دور بین است .
 چشم من نزدیک بین است
 چشم من آب آورده است
 من گاهگاهی سردرد دارم .
 آیا شما فکر میکنید که من
 عینک احتیاج داشته
 باشم ؟

تلفظ	جمله	معنی
دَرِينَكْ هَات اَرَكْ كَدْ وَا تَرْتْ 'اى كَنْ نَاتْ چيو رانينينك آرنتْ	drink hot or cold water.	مینوشم درد میگیرد .
'اى كَنْ نَاتْ چيو رانينينك آرنتْ	I cannot chew any thing on it.	با آن نمیتوانم چیزی بجوم
رَاتِيَزْ وِرِي سُنْسِيَتِيُو 'لَسْتْ مِيَتْ رَاتْ سَتَارْ رَدْ تو سو رانينك آتْ وَوْدَنْتْ بِي دَرَسْتْ تُو فيل راتْ	It is very sensitivte Last night it started to swelling up.	خیلی حساس است . از دیشب ورم کرده است
وَوْدَنْتْ بِي دَرَسْتْ تُو فيل راتْ	Wouldn't be the best to fill it?	آیا بهتر نیست که آنرا پر کنید .
رَاتِيَزْ دَر لَسْتْ تَوْتْ آنْ دَر رِيْتْ (آن رَدْ رَلْفَتْ)	It is the last tooth on the right (on the left) .	آخرین دندان در طرف راست است (چپ است) .
دَرَنْتْ يُو تينيكْ اى نيه ا تَر رانينيكْ	Don't you think I need a thorough cleaning?	آیا شما فکر میکنید دندان هایم پاک کردن لازم دارد؟
'اى وَا نْتْ تَرِي آر تيفي رشل تيتْ	I want three artificial teeth.	من سه عدد دندان مصنوعی میخواهم .
'اى وَا نْتْ رَا رَسْتْ آو آر تيفي رشل تيتْ .	I want a set of arti- ficial teeth.	من یکدست دندان مصنوعی میخواهم
'اى وَا نْتْ يُو تُو رَسْتْ مِي تيتْ	I want you to set my teeth.	من میخواهم دندانهایم را مرتب کنید .
وَا نِيَزْ يُو بَرَا يَسْ وَا نْتْ بَا رَدْ دُو يُو رِيكْ رَسْتْ	What is your price? What powder do you recommend?	شما چه مبلغ میگیرید ؟ چه گرد دندانی تجویز میکنید
هَاتْ آر فَن شَوْدْ اى وَا نْتْ رَدْ مْ	How often should I wash them?	چند بار بایستی آنرا شستمو کنم ؟
'اى سِي رَا نْتْ دِي آر كودْ رَوْنْ تَوْنَسْ اى رَسَلَرْ	Calcium and vitamins A. C. and D. are good for tooth's enamels	کلسیم و ویتامینهای آ . ث و د برای مینای دندان مفیدند
'اى رَسَكْ جِسْتْ مَوِيُو رَا رانينيكْ رَوْنْ رُوْنْ رَفُو رِي تَوْتْ رَهْلَسْ	I suggest five effec - tive rules for tooth health :	من پنج پیشنهاد مفید برای سلامتی دندانهای شما میکنم .

تلفظ	جمله	معنی
<p>'ایم ، رکتینک 'فت داکتر واٹ شوڈ ای دو ابا ، نت ایف یو آڈا ، وڈ رویت نا ، رید یوس 'یز فوڈ اڈ ایٹ ویل کا ڈ یو آن ا رہب لکسی</p>	<p>I am getting fat, doctor, what should I do about it? If you are over - weight now, reduce your food, or it will cause you an aplebexy.</p>	<p>آقای دکتر من چاق شده ام برای معالجه آن چه بایستی بکنم ؟ اگر اکنون شما وزن اضافی دارید غذای خود را کم کنید والی باعث سکنه شما خواهد شد .</p>
<p>د فرست بازیتو س رتپ تو کیب ی ' ژر هلت این اگستر یلی رسم ربل</p>	<p>The first positive step to keep your health is extremely sim- ple:</p>	<p>اولین قدم مثبت (مؤثر) برای سلامت ماندن بی نهایت ساده است</p>
<p>پدر زنت 'یز سلف تو 'یز داکتر 'فو آن رانو رمل 'ر وڈ رهلینک . ایٹ ویل بی رد رست اینشو رانس را رگینست فیزیکال دیزاس رتو</p>	<p>Present yourself to your doctor for an annual overhauling is the best insura- nce against physical disaster.</p>	<p>همه ساله برای یک معاینه و معالجه کامل خود را بپوشک معرفی سائید این بهترین بیمه سلامتی شما در مقابل مصائب و امراض طبی است</p>

دندان پزشک

<p>داکتر ای 'هو ا 'بڈ توٹ راکٹ ردز اینرا لارج رکوینی این رات (اینیت) را تیڑ شیکینگ یو ب تر تو بو رلت آ ای وڈ ایٹک تو سبو رات</p>	<p>Doctor, I have a bad toothache. There is a large ca- vity in it. It is shaking. You better to pull it out. I would like to save it. It smarts. It aches when I</p>	<p>آقای دکتر من یک درد دندان بدی دارم در آن یک سوراخ زرگی (گرم خوردگی) شده است. لق شده است (تکان میخورد) شما بهتر است که آنرا بکشید میخواهم آنرا نکشم (بگه دارم) تیر میکشد موقعی که آب سرد و یا گرم</p>
---	---	---

تلفظ	جمله	معنی
فزا لانگ تینم راتیز انلی، اش' ژت' تینم سینش' ای' هو' رات' ها' لانگ و یلیت، تینگ' بیف' ژا کی یوزاینز را، فنگ' تن' ها' لانگ داز ژ جنزالی' اللت' یو هو' نان' تو و دی ابا، تن' رات' ال' یو شو' گ' تو' ها سینتال' فزا آن' آ، بری' رشن' یو هو' ا' کید آو' دیزیز ویج' ریکواژژا' گو' رشن' جیکال' آبا، ری' رشن' یونید آن' راکس' ری' یو نیدرا' بلاذ، تست' یو هو' ا' همی' بلاذ' پ' ر' ژر' یز' او ری' رنلیزیش' ش' ف' تو ماچ' شو، رگر' ای، گس' ایتم' سا، فریسگ' فرام' دی' بیتیز' — ککن' رسن' — پن' م' نیا' — رنف' ری' تیش' ایتم' آف' ردید' ای' ام' تیو، بز' کول' زیس' — را، ربن' دئی' مسی' تیز'	for a long time. It is only a short time since I have it. How long will it take before a cure is effected? How long does it ge- nerally last? You have not to worry about it at all. You should go to hospital, for an operation. You have a kind of disease which requires a good surgical operation. You need X - ray. You need a bloodtest. You have high blood pressure. Your urinalysis shows too much sugar. I guess I'm suffering from Diabetes. — Cancer. — Pneumonia. — Nephritis. I am afraid I am Tuberculosis. — Appendicitis.	(برای مدت مدیدی) فقط مدت کوتاهیست که بآن متلا شده ام . چه مدت طول خواهد کشید قبل از اینکه (تا اینکه) معالجه موثر واقع شود ؟ این معمولا چه مدت طول میکشد ؟ شما ابدأ راجع بآن آزرده نباشید (فکر نکنید) شما بایستی برای عمل به بیمارستان بروید کسالت شما جور نیست که احتیاج به یک عمل جراحی (طبی) دارد . شما به عکس برداری (طبی) احتیاج دارید شما به تجزیه خون احتیاج دارید شما فشار خون دارید . تجزیه (ادرار) شما مقدار زیادی قند نشان میدهد . تصور میکنم مرض قند مرا زجر میدهد — سرطان ذات الریه سنگ کلیه . میترسم که مسلول باشم میترسم آپاندیس داشته باشم

تلفظ	جمله	معنی
اینلی دیش پریسکریپشن کنات بی ریفیلد .	only. This Prescription can not be refilled.	فقط این نسخه نپایستی دودفعه پیچیده شود
بیمار و پزشک		
هل! دا کتر مئی ای اشک یو فز را تار! اگرامی رنی رشن	Hallo, doctor. I want a thorough Examination.	سلام آقای دکتر ممکن است خواهش کنم منرا یک معاینه کامل (طبی) کنید من میترسم که مبتلا به مرض صل باشم — امراض قلبی — امراض کلیوی — امراض ریوی (شش) — معدی (شکم) — امراض کبد — من میخواهی دارم — امراض عصبی — امراض کیسه صفرا — امراض بینی و حلق (ذکام) من سرما خورده ام . — اسهال دارم — بیوست مزاج آیا تصور میکنید وضع (مرض) من بد باشد . آیا این قابل علاج است ؟ آیا شما فکر میکنید این یک کسالت . مهمی است ؟ مداومت خواهد داشت ؟ آیا خطرناک است من مدت زیاد است که از این کسالت رنج میکشم .
ای ام آف ریڈای هو کن سامی رشن هارت ترابل کد نی ترابل لانگ ترابل ست ماگ ترابل لی ور ترابل ای هو رانس و منیا نیو رلجی یا بلیوز نس کنار ای کاچه اک' لد دریز هی یا کانستی بی رشن دو یو تینک ای هو ا' بد بکیس ایزیت کیو ری ربل دو یو تینک راتیز آن را کیو ایل نس ایزیت گر بیک ایزیت دین رج رز ای هو بین سا فرینگک ویسی دیش ترا ربل	I am afraid I have consumption. — heart trouble — kidney trouble. — lung trouble. — stomach trouble — liver trouble I have insomnia. — neuralgia. — billiousness. — catarrh. I caught a cold I have diarrhoea — constipation. Do you think I have a bad case? Is it curable? Do you think it is an acute illness? Is it chronic? Is it dangerous? I have been suffering with this trouble	

تلفظ	جمله	معنی
<p>کیومی را با تل آروت ای هورا شمارت رپین این می بکت هو دین دراگ اند بو ویل رکت ا فیست پین ریلیف</p>	<p>Give me a bottle of it I have a smart pain in my back. Have this drug and you will get a fast pain relief.</p>	<p>یک بطری از آن بمن بدهید. پشت من درد میکند (تیر میکشد) این دوا رامیل کنید آ نوقت خیلی زود ازدرد خلاص میشوید . (درد ساکت میشود)</p>
<p>ای وانت سامتینک از ا لکت زتیو یونید تری تی ربل سون قولز او من بزیا</p>	<p>I want something as a laxative. You need three table lespoonfuls of Man gnesia.</p>	<p>من کمی مسهل میخواهم . شما به سه قاشق سوپ خوری پر منیزی احتیاج دارید .</p>
<p>ای هو ن ست ماگ آپ ست شیک ول می فر یوزینک فر د ن ز فر د ایتر فر د آی فر د بیبی</p>	<p>I have no stomach upset. Shake well, Before using. For the NOSE. For the EAR. For the EYE. For the BABY</p>	<p>من رودل ندارم قبل از استعمال آنرا کاملا تکان بدهید . برای دماغ برای گوش برای چشم برای بچه</p>
<p>تیک وان تی شپونفول اف تر میلز اند ات د نیم کیب با تل میتلی کل زد</p>	<p>Take one teaspoonful after meals and at bedtime. Keep bottle tightly closed.</p>	<p>یک قاشق چای خوری پر بعد از غذا و در موقع خواب میل فرمائید سر بطری را محکم ببندید و نگاهداری کنید</p>
<p>کک رشن نات تومی تی کن این تر نلی</p>	<p><u>CAUTION</u> not to be taken internally.</p>	<p>احتیاط برای استعمال داخلی نیست .</p>
<p>ب می رسن بی کر فول کیب این د زفری حری تر در فریج ر دیتر بر ا تکت قرام الیت فورا گس تر نال یوز</p>	<p>POISON, be careful. Keep in the Refrige- rator. Protect from light. For EXTERNAL use</p>	<p>سم . احتیاط کنید . در یخچال نگهداری کنید (یخچال برقی) از روشنائی محفوظ بدارید برای استعمال خارجی</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>'بئی برسن راتیز هارم، لسن ها، ماچ وبل، یو چارچ ف، رت 'مائی وائت چارج یو ماچ'</p>	<p>poison. It is harmless. How much will you charge for it? I won't charge you much.</p>	<p>(سم) بی ضرر (بی اذیت) است آنرا چه مبلغ حساب میکنید؟ من برای شما زیاد حساب نمیکنم</p>
<p>'ای 'هو، لی، تل، هدیکه واتیز کوڈ ف، رت</p>	<p>I have a little head- ache, what is good for it?</p>	<p>من یک سردرد ملایمی دارم برای آن چه خوبست</p>
<p>'بر' م، ویس، اگلاس آو ک، لڈ واتیز ایز د، رشت یو مکن، رکت دو یو تینک سام رکین پیلز ووڈ بی ا، روت</p>	<p>Bromo with a glass of cold water is the best you can get. Do you think some quinine pills would be alright?</p>	<p>بهترین چیزیکه میتوانید بنوشید یک گیلاس آب سرد با پرومو است . آیا فکر میکنید چند قرص کینین خوب باشد ؟</p>
<p>واب، هو، یو، فر 'سر، رت واتیز کوڈ فر کافینک</p>	<p>What have you for sore throat? What is good for coughing?</p>	<p>برای گلو درد چه دارید ؟ برای صرفه کردن چه خوبست</p>
<p>تینک سام کاف ڈراپس</p>	<p>Take some cough drops.</p>	<p>چند قرص مخصوص صرفه بگیرید .</p>
<p>'ای 'هو، رو، متیزم لوک، اینز سو، ا لینگ</p>	<p>I have rheumatism, Look, it is swelling.</p>	<p>من روماتیسم دارم . نگاه کنید باد کرده است .</p>
<p>'ای 'هو، شت، ماگ، اک ای 'هون، ای، متیت</p>	<p>I have stomachache. I have no appetite.</p>	<p>دل من درد میکند و من اشتها ندارم .</p>
<p>کیو، می، آن، ای، متی، نر ڈرینک، اگلاس او، س، دا</p>	<p>Give me an appetizer Drink a glass of soda.</p>	<p>یک چیز مشهی بمن بدهید . یک گیلاس سودا بنوشید .</p>
<p>'ای وائت، تو، براش راند، پا، رت</p>	<p>I want a tooth brush and powder.</p>	<p>من مسواک و کوردندان میخواهم .</p>
<p>واتیز دیس کوڈ فر دیس ایز کوڈ فر، هارت ت، رابل</p>	<p>What is this good for? This is good for heart trouble.</p>	<p>این برای چه خوبست ؟ این برای امراض قلبی خوبست</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>د نائس لو، رُكَّ لود وبل يو مئی، تن دم آت</p>	<p>The nuts work loose. will you tighten them up.</p>	<p>پیچ و مهره ها شل شده ممکن است آنها را محکم کنید؟</p>
<p>این جین ایز نات، تن آت</p>	<p>Engine is not tune- up.</p>	<p>موتور مرتب کار نمیکنند.</p>
<p>رتیکه ا لوک، ات راکو مو، لی، تر ب، رتیکه کم</p>	<p>Take a look at — . — Accumulator. — Brake. — Cam.</p>	<p>یکه نگاه می بکنید به جمبه برق — ترمز — فرمان (قسمت زبر)</p>
<p>کنترول د هد، الیت فاک، الیت پاز کینگ، الیت</p>	<p>Control the — — Head light . — Fog light . — Parking light</p>	<p>کنترول کنید (بازرسی کنید) — چراغهای بزرگ را . — چراغهای مخصوص مه — چراغهای کوچک .</p>
<p>دور ایز، ا بوزد کار دی، لی، ار آند هیر ای وائت تو، سل امی کار اند، رکت رد آرت</p>	<p>Where is a used car dealer around here? I want to salemy car and get rid of it.</p>	<p>در این نزدیکیها معاملات اتومبیل کهنه کجاست ؟ من میخواهم اتومبیل خود را فروخته و از آن خلاص شوم</p>
<p>دارو خانه و مریض</p>		
<p>ویل بو، هو دیس پریسکریپ، شن، ردی ویل ای، ام، وینیک ای کن، نات، ویت ای وبل ک، ل، فز ایث، لی، تر</p>	<p>Will you have this prescription ready while I am waiting I cannot wait, I will call for it later.</p>	<p>ممکن است ضمن اینکه من منتظر هستم این نسخه را حاضر کنید من نمیتوانم منتظر شوم کمی بعد (دیرتر) برای آن مراجعه خواهم کرد . بله آقا . من آنرا زود حاضر خواهم کرد .</p>
<p>ریس، سر، ایل، میک، ات ردی، ش، نلی دا، زت کان، تین، انی پ، تی، سن</p>	<p>Yes, sir, I will make it ready shortly. Does it contain any poison?</p>	<p>بله آقا . من آنرا زود حاضر خواهم کرد . آیا هیچ مسمومیت دارد ؟</p>
<p>ریس، اتیز را لی، نل پ، تی، سن، تر ن، ایث کان، تین، ن</p>	<p>Yes, it is a little poi- sonous. No, it contains no</p>	<p>بله کمی مسموم است هیچ مسموم نیست .</p>

تلفظ	جمله	معنی
يُوْهُوَ اِنَّ تَ تَارِبُرُ دو بُوْ وَاِنَّ مِيْ نُو فِيْكَسْ اِنَّ	You have a flat tyre, do you want me to fix it?	شما بيك پنچری داريد ميخواهيد آرا درست كنم
هُوَ يُوْ اِكْرَا مِيْدِدُ سَيِّدُ جُنَيْسِكُ كِيْزُ	Have you examined the speed - changing gear?	آيا شما دسته دنده را امتحان كرده ايد ؟
رِبِيْ لِيْسُ مِيْ تَ رِبِيْكَ رِدْ كَلَاچُ اِيْزُ اَنْتَ اَنْ اَوْ اَنْ رِدْ	Replace my brake. The clutch is out of order.	ترومهای مرا ميزان كنيد . كلاچ از كار افتاده است (كار نيكند)
رِدْ كَاذُ بُوْرَا نُوْ دَاذُ نَاثُ وَا رُكْبُ اِزُ رِكُوْلُرُ	The carburator does not work as re- gular.	كاربوراتر مثل هميشه كار نيكند (مرتب نيست) .
رِدْ رِبِيْكَ شَبْرِيْكَ اِيْزُ رَبْرُ رِكْنُ	The back spring is broken.	فنر عقب شكسته است .
رَفْنُ رِدْرُوْ اَزْ سَ مَشْدُ اَيْتُ سِيْزُ اِكْمِيْ رَلْ بَادِي جَابُ	Fenders are smashed. It needs a complete body job.	كل گيرها شكسته اند اين احتياج به يك تعمير كامل اطاق دارد .
اِيْ تِيْكَ اَيْتُ سِيْزُ رَا نِيْ بُوْ رِيْسُ	I think it needs a new paint.	من تصور ميكنم اين احتياج به يك رنگ نو دارد
وَاثُ اِيْزُ رِدْ رِكُوْلُرُ هِرَاثِيْسُ اَوْ رَا كَلُرِيْ رِكِيْ رَشْنُ تَرِيْتُ مَنُتُ	What is the regular price of a lubrica- tion treatment ?	دستمزد معمولی برای روغن كاری (گريس كاری) چه مبلغ است ؟
شِيْ نِيْزُ رَا كَمِيْ رَاثُ رَسْرُوِيْسُ	She needs a complete service.	اين (اتومبيل) بيك سرويس كامل احتياج دارد .
اَيْتُ دَا رَثُ سَنَارَتُ اِبْنُ رِمُ رُ بِيْكَ دُو بُوْ نِيْكَ اَيْتُ نِيْزُ رَا	It doesn't start in the morning, do you think it needs a new battery?	صباحها روشن نميشود آيا شما تصور ميكنيد به بيك باتری نواحتياج دارد؟
نِيْوْ بَا رَثِيْ اِكْمِسُ نَاثِيْكَ اِيْزُ لِيْكَتِيْكَ	Gas tank is leaking.	باگك بنزين صوراخ شده است
مَكْسُ لِيْنُ اِيْزُ دَرْتِيْ رَبِيْ رِيْ رَثِيْ رَتُوْ لِيْكَسُ	Gas line is dirty. Radiator leaks.	لوله بنزين كثيف است ، وادياتور چكه ميكند

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------



EASY ON THE GAS MISTER !

کمی ملایم تر آقا !

اتو شوئی و تعمیر گاه ماشین

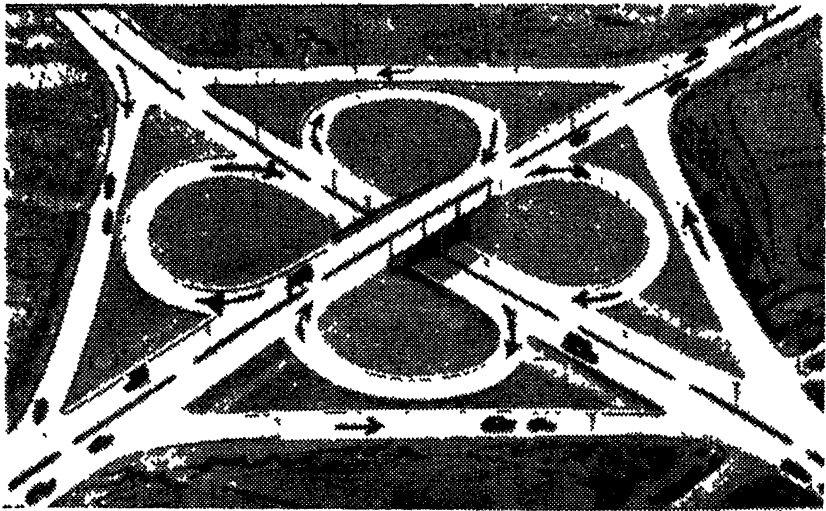
آز یو ریم، ریز آو، رانی
تورینگ کلاب
ها، فار ایتر، کاراژ
فرام هیتر
مئی کار ایتر اینشورڈ
روڈ ایتر، د، سرویس
س، رتی، رشن
ها، نیر ایتر، گس سیتی، رشن
ای، وانٹ، مئی، کار، فی، رتد
ویس، ال، راک، سسر، ریز
با، ریز، رتد، م، ر، ران
وان، آو، د، تا، رتد، ایتر
و، رتد، آ، رت
ای، هو، بر، کن، را

Are you member of
any Touring Club?
How far is a garage
from here?
My car is insured.
where is the service
station?
How near is the gas-
station?
I want my car fitted
with all accessories
Tyres need more air.
One of the tyres is
worn out.
I have broken a —

آیا شاعضو یکی از گلوب
های رانندگی هستید ؟
از اینجا تا گاراژ چقدر
(راهست) دور است ؟
اتومبیل من بیمه است .
اطوشوئی کجاست ؟
تا بمپ بنزین چقدر راهست
میخواهم اتومبیلم با تمام
ابزار یدکی مجهز باشد.
لاستیکها بیشتر باد میخواستند
یکی از لاستیکها پاره شده
است . (از کار افتاده)
من پنک - شکسته ام

تلفظ	جمله	معنی
<p>رائیز سئی رفز آن دیس وی ای د'ٹ ایک ڈرک لس ڈوی روڈ ای د'ٹ ایک ڈرک سیت ڈری روڈز ای ڈر</p>	<p>It is safer on this way. I don't like the wreck- less driver. I don't like the back- sit drivers either</p>	<p>این راه سالمتر است من راننده بی احتیاط (بی باک) را دوست ندارم منهم اشعاضیکه پشت را سده نشسته و زیاد حرف میزند دوست ندارم .</p>
<p>د'ٹ کس س' فست وات ایز ایو هاری میکس هیسٹ</p>	<p>Don't go so fast. What is your hurry? Make haste.</p>	<p>ایقدر با سرعت نروید . چه عجله ای دارید ؟ عجله کنید .</p>
<p>کیپ سٹ ریٹ آن توژن تو روڈ ریٹ</p>	<p>Keep straight on. Turn to the right.</p>	<p>مستقیم بچلو ادامه دهید . براست بپیچید .</p>
<p>توژن تو روڈ لفت ستاپ واچ آت</p>	<p>Turn to the left. Stop. <u>Watch</u> out!</p>	<p>بچپ بپیچید . نگه دار . مواظف باش . خدای من ! چه کردی .</p>
<p>اوه 'مئی گاڈ وات 'هو یو دان دی ردت ای رتل بو مان تو ڈریسک وون یو واست تو تیکس رو ویل</p>	<p>Oh! my God. What have you done? Didn't I tell you not to drink, when you want to take the wheel?</p>	<p>من بتو نگفتم و تیکه میخواهی پشت رل نشیوی مشروب انحرور .</p>
<p>ای واز س'س کزڈ ای وار حسٹ راز س'س کزڈ تو</p>	<p>I was so scared I was just as scared too</p>	<p>من خیلی ترسیدم . مهم خیلی ترسیدم .</p>
<p>وی روور حسٹ س'س لاکسی داب وی کوڈ ستاپ این دیس هاری ریل کامدی رش</p>	<p>We were just so lucky that we could stop in this horrible con- dition.</p>	<p>ما بقدر خوشبخت بودیم که تواستیم در این وضع موحش توقف کنیم (اتومبیل را بگاہ داریه)</p>
<p>حسٹ ایما حیل وات 'مٹت 'هو 'م ریل ایم بو 'هد بین کو'بیسک را لی رن 'فیس رن ونی 'مٹت 'هد ال بین کیلڈ ا'ر کوی ریلڈ</p>	<p>Just imagine waht might have happe- ned if you had been going a little faster we might had all been</p>	<p>فقط محسم کنید که چه انفافی صورت میگرفت اگر کمی بیشتر سرعت داشتید</p>
<p>کیلڈ ا'ر کوی ریلڈ</p>	<p>killed or crippled</p>	<p>ما هگی ممکن بودیم مرده و با چلای شده باشیم</p>

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------



NO SMASHEDS ON THESE ROADS!

در این جاده ها تصادف نخواهد شد

یو آژ د ژوینگ آن د
 رانگک مسید آژ د ر د
 بی وری رکز فوئل
 روز دار دیس ر د ایند
 اش تو
 دیس ر د لیدز فرم —
 تو — او ایو همد ر د
 مایلر
 لیس د ژوئو ترو دیش
 ش ر کت
 او نه ن دیس ای را
 درک اند ملودی ر د

You are driving on
 the wrong side of
 the road.
 Be very careful.
 Where does this road
 lead us to?
 This road leads
 from — to — for
 500 miles
 Let us drive through
 this short-cut
 Oh! no this is a dark
 and bloody road.

شاید در خلاف جهت جاده
 میرایید .
 خیلی مواظب باشید
 از این جاده بکجا میرویم؟
 این جاده بطول پانصد مایل
 از — به — می رود .
 بیایید از این راه میانبر
 براییم .
 او نه ! این یک جاده
 تاریک و بسیار بدیست

تلفظ	جمله	معنی
<p>الطلى وان آى اى ويش تو سح بر گود ذرى وى باى د آى — باى د دى</p>	<p>only one hour. I wish to hire a good driver, by the hour — by the day.</p>	<p>يكساعت توقف كنيد ، من ميل دارم بىك را راننده خوب بطور ساعتى استخدام كنم . — بطور روز مزد .</p>
<p>دو بو وانت ا ف ترمال شوفر رسر</p>	<p>Do you want a formal chauffeur, sir?</p>	<p>آيا بىك شوفر رسمى (لباس رسمى) ميخواهيد ؟</p>
<p>تنيك مى تو د هاشبیتال را ت مش راز بو كن</p>	<p>Take me to the hospital as fast as you can.</p>	<p>منرا با سرعت هر چه بيشتر بمریضخانه ببريد</p>
<p>كود بو تنيك مى تو د سنى شىف ر ذ ترون ليوز</p>	<p>Could you take me to the station before the train leaves?</p>	<p>آيا مي توانيد منرا به ايستگاه برسانيد قبل از اينكه ترون حرکت كند ؟</p>
<p>ايل سى وردى كلاب نو كيو بورا ريد تو اير هوم</p>	<p>I'll be very glad to give you a ride to your home.</p>	<p>من با كمال ميل شارا با اتومبيل بمنزلتان خواهم رساندم .</p>
<p>ايم گو تنيك نو د ريو ار آند بارك وو بو اينك تو كام الانك</p>	<p>I am going to drive around the Park, would you like to come along?</p>	<p>من براي اتومبيل رانى به اطراف پارك ميروم آيا مایلید همراه من بيانيد ؟</p>
<p>ديس ابر ا ايس سنى ردى لش تنيك د كارور آف</p>	<p>This is a nice sunny day, let us take the cover off.</p>	<p>روز آفتابى قشكى است بياييد كروك ماشين را بچو اما بيم .</p>
<p>وات ا ايس ر د وات ا اند ر د لش سناپ هير اوز ا اول</p>	<p>What a nice road. What a bad road.</p>	<p>چه جاده خوبى چه جاده بدى .</p>
<p>رايوز كنيك دارك بو ب ترو ايت آف د ت ك ويسل د اير ايت اليت</p>	<p>Let us stop here, for a while. It is getting dark, you better light up.</p>	<p>بگذاريد در اینجا مس كوى توقف كنيم . هوا تاريك شده بهتر است چراغ را روشن كنيد .</p>
<p>واى د ت بو س ر تپ آن د ايت</p>	<p>Don't go with the bright light. Why don't you step on the light?</p>	<p>با نور قوى ترويد (چراغهاى بالا) چرا چراغ سبز نيد (خاموش و روشن نميكنيد)</p>
<p>بو آرا كود ذرى ووز بو آرا ا بد ذراى ووز</p>	<p>You are a good driver. You are a bad driver.</p>	<p>شما راننده خوبى هستيد شما راننده بدى هستيد .</p>

تلفظ	جمله	معنی
سَلْ دَا' نْ فَوَلْ سْتَا' نْ	Slow down. Full stop.	آهسته کنید (آهسته برانید) ایست کامل
سَبِیدْ لِمِیْتْ فَرْتَمِ 'فِیو' مِیلز رَبْرَا' رْ	Speed limit, forty - five miles per hour.	حداکثر سرعت ۴۵ میل در ساعت .
نْ سَبِیدْ لِمِیْتْ آنْ دِش 'هَمِ رَوِی'	No speed limit on this highway.	در این جاده سرعت آزاد است (بهر سرعت میخواهید برانید)
تَا نَلْ رَا رَهْدْ سَبِیدْ لِمِیْتْ فِیْتِینْ مِیلز رَبْرَا' رْ رَا رَوِی دِ بَرِیجْ	Tunnel ahead. Speed limit fifteen miles P. H. over the bridge.	تونل در جلو . حداکثر سرعت روی پل ساعتی ۱۵ میل .
دِیْنْ رِجْ رَوِی پَاسِینْکْ رَا دَ آنْ رَوِی دِکْ سَترَاکْ رِشْ بَیْ بَی رَا نْ رِشْکْ	Dangerous passing. Road under the cons- truction, pass by your own risk.	عبور (جلوزدن) خطرناکست جاده در دست تعمیر است بمسئولیت خود عبور کنید .
رِکْرَوِی نْ بَسیْنْکْ زَوْنْ	Curve. No passing zone.	پیچ محوطه ایکه نبایستی رد کرد (جلوزد)
رِی تَلْ هِیر سَبِیدْ لِمِیْتْ نَوِ اَنْتِ 'فِیو' 'مِیلز رَبْرَا' رْ نَرَوِی دِ تَا' نْ	Pay toll here. Speed limit 25 miles P. H. through the town.	عوارض را اینجا بپردازید حداکثر سرعت در داخل شهر ۲۵ میل در ساعت
نْ لَفْتْ تَرْنْ نْ یُو تَرْنْ	No left turn. No U turn.	بچپ نیچید . دور نزیید .
نْ بَارْ کِیْنْکْ نَبْتْ اَلْ نْ بَارْ کِیْنْکْ هِیر نَوِ رِکْ رَا نَزْ	No parking at all. No parking here to the corner.	اندا توقف نکنید. از اینجا تا سرپیچ توقف نکنید .
نْ بَارْ کِیْنْکْ بَیْتْ وِیْنْ تَوِ 'سِیْنْزْ	No parking between two signs.	بین دوعلامت توقف نکنید .
نْ بَارْ کِیْنْکْ فَرَامْ رَا یْتْ تَوِ رَنْ اِنِ اَمْ اَنْدَ فِیو تَوِ رِسْ وَنْ بَی رَا مْ آدْ رُو آ' رُو بَارْ کِیْنْکْ	No parking from 8.00 to 10.00 A. M. and 5.00 to 7.00 P. M. other hours parking	از ساعت ۸ صبح تا ۱۰ صبح و پنج بعد ازظهر تا ۷ بعد ازظهر توقف نکنید و بقیه ساعات فقط میشود ایستاد

تلفظ	جمله	معنی
تیرای آن دیش شرت گت دیش ایو لورلی بلر تہ ہاین بیکے	Try on this short coat This is loosely belted in back.	این کت کو تاہرا امتحان کنید این درپشت بند آزاد دارد.
ہمی ای سی سام فرمال رودینکے گانڈ برینگے سی را ہند بیکے	May I see some formal wedding gowns? Bring me a handbag.	آیا ممکن است چند دست لباس رسمی عروسی بینم ؟ یک کیف دستی (زنانه) برای من بیاورید .
برینگے می ا رہر آولیت کول کام فرٹ شوڈ	Bring me a pair of light cool comfort shoes.	برای من یکجفت کفش راحت سبک و خشک بیاورید
دو یو رکز فر ریسڈ رشیز	Do you care for lac- ced chemise?	آیا شما زیرپوش (زنانه) بندی دوست دارید ؟
سید س لٹ س کرٹ بلوڈ ویس تھی (تائی) تس ایناف ای ماسٹ تو گت بیکے	Side - slit skirt. Blouse with tie. That is enough, I must to get back.	دامن بادرز پہلو بلوز باکراوات کافیست من بایستی مراجعت کنم
اتیز کینکے لیت ویلی کام فر شاپینگے سام آرڈر ہیم	It is getting late, w'll come for shopping some other time.	دیرشده است ما وقت دیگری برای خریدخواہیم آمدہ

اتومبیل و رانندگی

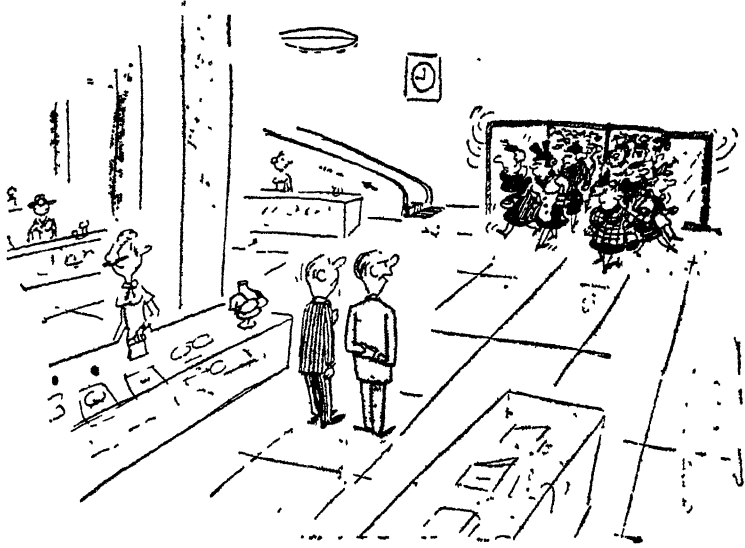
کار ڈرائیونگ	Car driving.	اتومبیل رانی
ڈرائیور (ڈرائیور)	Driver.	رانندہ
رڈ	Road.	جاده
ہمی روئی	Highyway.	جاده اصلی (بزرگ)
رڈ کلوزڈ فر ری ہرڈ	Road closed for re- pairs.	جاده برای تعمیر ستمہ است
شپڈ	Speed	سرعت
رڈ گائیڈ	Road guide	راہنمای جاده
ریل رڈ کراسینگ	Railroad crossing.	عبور از روی راہ آہن
کیپ تو یور رائٹ	Keep to your right.	از طرف راست بروید
سکول زون	School zone.	محوطہ مدرسہ .

تلفظ	جمله	معنی
ردنی فیت یو وری وول	They fit you very well.	آنها کاملاً اندازه شما هستند
ای وبل، تیک، دم ویش می	I will take them with me.	من آنها را با خود خواهم برد.
دیسزرا فین شین گاباردین این سات کا، لر، لیدی وود یو لیک تو تر لایت آن	This is a fine shun gabardin, in soft colour, lady, would you like to try it on?	این یک گاباردین خوش رنگ و خوبیست خام. آیا میل دارید آنرا پوشیده و امتحان کنید؟
ایم لوکینگ فو ا فز ا گریست وول متاف	I am looking for a crisp wool stuff.	من یک پارچه پشمی مجعد میخواهم.
یو می لیک دیس ستریپد رد، اندک ردی	You may like this striped red and gray.	شما ممکن است این راهراه قرمز و خاکستری را دوست بدارید.
ای دانت تیک ای وود می کالای یوژد آلی دانت ویر ستریپد کت	I don't think I would, because I usually don't wear striped coat.	من تصور نمیکنم (دوست ندارم) زیرا من معمولاً کت راه راه نمیپوشم.
کود یوش می سام کت ویش دیپ کافد	Could you show me some coats with deep cuffed?	آیا میتوانید چند کت یقه بلند بمن نشان بدهید؟
یش مم دیس ایز را تاب آو، می، لریک ها، اباآت نو تید مم	Yes, madam, this is a top of tailoring.	بله خانم این از خیاطیهای درجه اول است.
ور ایز رد، هور کت دپازت، منت	How about tweed madam?	ماهوت چطور است خام؟
ور ایز را، سبریک، متیم	Where is the fur coat department?	شعبه پالتوهای فرب (نوعی پالتوهای پوست کران قیمت است) کجاست؟
ای وائت را سبریک، متیم	I want a springtime hat.	من یک کلاه بهاره میخواهم
بریک می سام سوئیم سوپ	Bring me some swim suit.	چند لباس شنا برای من بیاورید.
وود یو لیک دیس	Would you like this?	آیا اینرا دوست دارید؟

تلفظ	جمله	معنی
آپ تو - قول رُ ن، لئس واکت ترو وی میش سى سامتینک نی بو آن آژ وی	ator up to — floor. No let us walk through, we might see something new on our way.	برویم . خبر بیاید راه برویم ممکن است در بین راه چیز تازه بینیم
انه رجی - لوک ات دیش دش گز رجس انی لاوت	Oh! J - , Look at this. That's gorgeous, I love it	اوه ج - اینرا نگاه کن . آن خیلی زیباست من آنرا دوست دارم
بو هو ال ویزرا کود تشت ح - واب را کالز دش	You have always a good taste J — . What a colour, that's amazing	خانم ج شما همیشه یک سلیقه خوبی دارید . چه رنگی - آن خیلی معجوب
را میزینک دیس کالز داژ ناٹ ک	This colour does not go with you. That looks much better	کننده (زیبا) است این رنگ شما نیا آید . آن خیلی تشنگتر نظرم آید
ویس بو دت لوکس ماچ ب ر	Show me some cotton I want some calico. I would like to see some ribbons.	بمن کمی کتان نشان بدهید . من مقداری جلواری میخوام . من مایلیم مقداری روبان بینم .
ش می سام کابن ای وانت سام کالیک ای وود لیک تو سی	This colour is too dark. - too light. Have you any narrower?	این رنگ خیلی تاریک (خیلی روشن) است . آیا هیچ باریکتر دارید ؟
سام ری ریز دیس کالز ایز تو دارک - تو لیت هو بو رای ریزو راز	May I see some broader? What is this a yard? Bring me a skein with bodkin.	ممکن است کمی عریض تر (بمن نشانه دهید) بینم هر یارد این چه مبلغ است برای من یک کلاف و میل کلاف بیاورید .
می ای سی سام بر رز وایش دیس ا یارد برینک می اس کین ویس باد کن	This tape is good. What are they a pan ? Try on these.	این قیطان خوبست . آنها چهتی چند است ؟ اینها را پوشیده و امتحان کنید
دیس رتیب ایز کود واب آژ دی را ریز ترای آن دیر		

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------

Women Store فروشگاه زنانہ



" Brace yourself . . . here comes the weaker sex. "

قوبدل باش کہ جنس ضعیف میآید

ای وانت تو کہ 'فرز'
 شاپینگے وود یو 'لینک'
 تو کام رالائیک
 اے 'پس ای سا سا' اڈ
 این رڈ رہی ریز و بیج 'ای'
 ویش تو ہارٹ
 'ای 'ہورن' 'نیم' کس'
 یو، میک 'اٹ' تو 'ر'
 رانس ک'
 رنس، ٹیک، ر، ایل، وی، تو

I want to go for shopping, would you like to come along?
 Oh! Yes, I saw some add in the paper which I wish to buy it.
 I have no time, can you make it tomorrow?
 Let us go.
 Let us take the elev-

ہیں میخراہم بروم خرید
 آیا میل دارید ہمراہ من
 بیاید
 اوہ ہلی من در وورنامہ
 اعلامی دیدہ ام کہ مایلم
 آراخرم .
 من ودت آرا ہدارم
 میتواید بقردا بیاندارید
 بیاید برویم
 بیاید باآسانسور بہ طبعہ -

نلفظ	جمله	معنی
دو یو 'هؤ سام' رب رتو 'کلاؤز'	Do you have some better gloves?	آیا شما هیچ دستکش بهتری دارید؟
'هؤ یو سین' آتو مار دتو 'هند ربتو' تی ' ا ،	Have you seen our modern hand pain ted tie?	آیا شما کراواتهای جدید مارا که نادرست نقاشی شده دیده اید؟
'ای وانت' ا 'هت'	I want a hat	من یک کلاه میخواهم
دیش اتر 'ر'	This is narrow	این تنگ است
'هؤ یو ا' وئی رتو وان'	Have you a wider one?	آیا گشادتر دارید
'کن و' ویتلر رت'	Can you widen it for me?	آیا شما میتوانید آنرا برای من گشاد کنید؟
ها ماچ ا رت	How much is it?	قیمت آن چقدر است؟
'دتو' 'هؤ' فیتین 'د لزر	That is for fifteen dollars	آن پانزده دلار است .
'هو یو ا' چی رتو وان	Have you a cheaper one?	یکی ارزانتر دارید ؟
'ای دتو' وانت تو رتی س- ماچ	I don't want to pay so much	من میخواهم اینقدر زیاد بپردازم
هاؤ ماچ ایر آپ 'مئی بیل	How much is up my bill?	صورت حساب من (تماماً) چقدر شد؟
رئی ای 'اسک' یو تو رسد رتم تو 'مئی 'ادرس' از 'ا سی 'ا' دئی بیل را ر یو ویش	May I ask you to send them to my address as a C O D bill?	ممکن است از شما بخواهم کم آنها را بآدرس من بفرستید و پول آنرا در محل دریافت کنید؟
	As you wish	هر صورت که مال باشد

در فروشگاه های بزرگ (یا کوچک) اشخاص میتوانند هر چه میخواهند خریداری کرده و فقط آدرس خود را بدهند از روی فروشگاه اشیاء را بهمان آدرس آورده و بهای احسان را دریافت نمایند آن عمل را « Cash On Delivery » مینامند .

معنای پرداخت هنگام توزیع

تلفظ	جمله	معنی
<p>أنا، تَلَدُ يو ای بیدت نو بیت</p>	<p>morrow I told you I need it to-night</p>	<p>پشما گفتم امشب ناآن احتیاج دارم</p>
<p>دیسر، وشت ابر تو لاؤخ لث می ترای آنا، دژ وان</p>	<p>This vest is too large. Let me try another one</p>	<p>این جلیقه خیلی کشاداست سگداز بدیکی دیگر امتحان کم</p>
<p>دیس کت ابر وری، بیث اب، د آرم، پش د سلوور آژ تو ش، ژت</p>	<p>This coat is very tight at the armpits. The sleeves are too short</p>	<p>حای آستین این کت خیلی سگک است. آسیها خیلی کوتاه هستند</p>
<p>ای دت لیکت دیس کالر ای وائت آنا، در س، نیل پلیر ش، می آنا، در وان</p>	<p>I don't like this colour I want another style Please show me an- other one</p>	<p>من این رنگ را دوست ندارم من مرم دیگری میخواهم خواهش میکنم یکی دیگر من نشان بدهید.</p>
<p>ش، می، ا، هیژ (ها، بر) برایشت سوت ای لیکت دیس شتاف کن ای تر، ایت آن</p>	<p>Show me a higher priced suit. I like this stuff Can I try it on?</p>	<p>یک لباس بریها تر من نشان بدهید من این پارچه را دوست دارم آیا میتوانم آنرا پوشیده و امتحان کنم؟</p>
<p>سز، تلی، دژ ابر کلا، رتس آت، دژ ایت فیتس بو وری، رول دو بو بید، اینیسک الس</p>	<p>Certainly, there is closets up there. It fits you very well Do you need anything else?</p>	<p>الته رجت کی در آت، عاست این کاملا نا، اندازه شاست آیا چیز دیگری احتیاج دارید؟</p>
<p>ای وائت، ا، یس، رج، کژد وولن، شز، تیس ویس سام سبلک، همد، کژ، چمر</p>	<p>I want a nice chequ- ered woolen shirt with some silk handkerchiefs</p>	<p>من یک-پراهن چهار حانه پشی و مقداری دستمال ریشی میخواهم.</p>
<p>مربک، می، و، ریزد آو، وولن، شتا، کیمک لث، می، هو، اوت آن دژ، دژ، دژ، رور</p>	<p>Bring me two pairs of woolen stocking Let me have that under-drawer.</p>	<p>دو جفت جوراب پشی برای من بیاورید. آن زیر شلواری را بمن بدهید</p>

تلفظ	جمله	معنی
'نایت، شرت'	Nightshirt.	لباس خواب
'اپرن، رن'	Apron.	پیش بند
'نکته، نئی'	Necktie.	کراوات
یا رتن'	Button.	نکمه
رمی، ایی، اشکف، بو توش'	may I ask you to	ممکن است از شما خواهش
می، سام، سوپ	show me some suit	کنم چند دست لباس پس
آو، گل، زس'	of clothes?	نشان بدهید؟
فال، می، بلیز	Follow me please.	خواهش میکنم عقب من
واب، کیئند، وود، یو، اییک'	What kind would you like?	بیایید.
ها، چیپ، آو، را، سوت	How cheap of a suit	شما چه نوع دوست دارید؟
آر، یو، لوکینگ، 'فون'	are you looking for?	لباس در حدود چه مبلغ
نات، م، دن، نینتی	Not more than ninety	(چقدر ارزان) میخواهید؟
د، لوز'	dollars	بیشتر از بود دلار نباشد
یش، رسر، کام، دیس	Yes, sir, come this	بلی، آقا خواهش میکنم ار
روی، بلیز	way, please.	این راه تشریف بیاورید
واب، ایز، یز، سیز'	What is your size?	اندازه شما چیست؟
ای، دنفت، ن، رد، اک، زس'	I don't know the exact	من اندازه صحیح را نمیدانم
سیز'	size.	
ویل، یو، بلیز، تیک'	Will you please take	خواهش میکنم شما اندازه
ای، ر، جر	my measure?	مرا بگیرید
ای، وائت، را، لایت، سوپ	I want a light suit	من لباس روشن میخواهم
ای، بزی، فورا، رشید، دار، کر'	I prefer a shade	من لباس تیره رنگتر را
	darker.	ترجیح میدهم.
دیس، بنتس، ایز، تولانسک'	This pants is too long	این شلوار خیلی بلداست.
کن، یو، ش، ژ، رتن، رات'	Can you shorten it?	آیا میتوانید آنرا کوتاه
		کنید؟
آفک، 'رُس، ها، سون	Of course, how soon	لایتنه کمی (چقدر زود) آنرا
وود، یو، وان، س'	would you want it?	میخواهید؟
ای، وان، ت، دیس، ایونیسک'	I want it this evening.	من امشب آنرا میخواهم.
یو، کن، هوپ، توم، ر'	You can have it to-	فردا آنرا خواهید داشت

تلفظ	جمله	معنی
دو یو وانت اینتینگ االس سر ای وود لینگ توسی ایف یو هو سام مل دی بیز بل الزم	Do you want anything else, sir? I would like to see if you have some melodious bell alarm.	چیز دیگری میخواهید آقا اگر ساعت شما نه که زنگ آن ناموسیقی باشد داشته باشید، خیلی مایلیم بیسم.
دی هو ات ماتیک ال شست آف ویس پلاستیک رکیش	We have automatic alarm "shut off" with plastic case.	ما ساعت شما نه خودکار (ارصدا افتادن) با جعبه پلاستیکی داریم
دوبو ویش توسی ای بیس ای لا روت بان ای هو ن م ژ مانی آن می	Do you wish to see? Oh! yes, I love it, but I have no more mo- ney on me.	آیا میل دارید ببینید؟ اوه البته من آنرا دوست دارم لیکن بیشتر از این پول همراه خود ندارم.
کود یو سیو ادت فر می تیل ای کام بک	Could you save that for me till I come back?	آیا میتوانید آنرا تا مراجعت من نگاه دارید؟

Men Store فروشگاه مردانه

کل زینگ	Clothing.	البسه
کت	Coat.	کت
وست	Vest.	جلیقه
پنشنس	Pants.	شاور
اوز کت	Overcoat.	پالتو
رین کت	Raincoat.	پالتوی بارانی
شرت	Shirt.	پیراهن
درآ ووز	Drawers.	زیرشلواری
آن در ویر	Underwear.	لباس زیر
هت	Hat.	کلاه
کپ	Cap.	نوعی کلاه (کپی)
آن ردز شرت	Undershirt.	زیر پیراهنی
کالر	Collar.	یقه
کافس	Cuffs.	مردست

تلفظ	جمله	معنی
آن بیزکارڈ آر شوڈ ای سنڈ ان ن لٹک ریس پلیز ای وائٹ تو کریٹ سائینٹیک . ایف یو دانت مینند	card, or should I send it blank? Yes, please, I want to write something, if you don't mind	با آنرا سفید فرستم نه خواهش میکنم (اگر اجازه فرمائید) مبخواهم چیزی ننویسم

Dearest Jeanne.

*Please accept this small Christmas gift
from one who wishes you, from the bottom of
the heart, a very marry Christmas.*

With all my love

J. H.

دقی دستت حین
"پلیز اک کریٹ دیس سه ل کریستماس کت فرام وان هو ویشز بو
فرام د ما ردم آو د هارت ا روری مری کریستماس.

ویس ال می لاد

رحمی . تی

ح - عزیز .

با تمام قلب عید کریسماس را شما تبریک گفته و خواهش میکنم
این هدیه کوچک کریسماس را از من بپذیرید

با تمام عشق

ح . ب

تلفظ	جمله	معنی
<p>رمیسی د رتی ریل کلاک ایز رب رتر دو بو هو رانی سوئیس واج ایم لو کینک فز راب رتر وان دو بو هو راسی آردرز ای و آت را و رمنز ریست واج رلک می سی ای رگس دیس وان ایز د ر بست</p>	<p>Maybe the table clock is better Do you have any Swiss watch ? I am looking for a better one do you have any others ? I want a women's wrist watch. Let me see, I guess this one is the best</p>	<p>شاید ساعت رومیری بتر است آیا شما هیچ ساعت ساخت سوئیس دارید ؟ من یکمعد بتر میخوام آیا هیچ نوع دیگری دارید ؟ من یکساعت مچی زنانه میخواهم بگذارید نه بینم من تصور میکنم این یکی از همه بهتر است من آن یکی را میگیرم مگر است خواهش کنم آزرا باروان (نوار) سفید (قرمز) مخصوص هدیه بسته بندی کنید ؟ البته اگر میل داشته باشید</p>
<p>ای دو رتیک دات وان رمی ای اسکک یوتو بیک رات رازرا رکمت ویس را اوبیت (ردد) ری رس آن رات رسر رتلی ایف بو واست نو</p>	<p>I do take that one May I ask you to pack it as a gift with a white(red)ribbon on it ? Certainly, if you want too.</p>	<p>آیا آن یکی را میگیرم مگر است خواهش کنم آزرا باروان (نوار) سفید (قرمز) مخصوص هدیه بسته بندی کنید ؟ البته اگر میل داشته باشید</p>
<p>آر یوگک تینک تو بیک ات ویس بو آر شوڈ ای رسد اب تو ای اڈ رس این پار تیکورلر ؟ بلیز ریل رات تو دیس اڈ رس ویس دیس کارد آو ممی میس . جین تی هر ارس رون ایست رایٹو رس رکند ستریت شیکاگو ایلی ن بیز وڈ بو ایک تو ریت ای صاٹ رچکٹ</p>	<p>Are you going to take it with you, or should I send it to any address in particular ? Please mail it to this address, with this card of mine Mis, Jeanne T 407 E. 82nd St. Chicago, Ill Would you like to write any subje^t on your</p>	<p>آیا آنرا ناحودتان خواهد مرد یا نایستی من آنرا بآدرس مخصوصی مرستم خواهش میکنم ناکارت من ناین آدرس مرستی نام .. شماره . خیابان .. شهر استان آیا ما باید شرحی روی کارت خود بنویسید ؟</p>

تلفظ	جمله	معنی
ای تینک د سبریسک ایز بر' کن آز مهند ایز بر' کن	I think the spring is broken. Hour-hand is broken.	من تصور میکنم فرس شکسته است . عقربه ساعت شمار شکسته است .
ربز مهیس ایت نیدز کلینینگ	Perhaps it needs cleaning.	شاید احتیاج به نمیر کردن داشته باشد .
ایت داژنات وژرک 'اب' ان'	It does not work at all.	این ابدأ کار نمیکند
ایت که دژ ووری شل' ایت رنژ تو فست	It goes very slow. It runs too fast.	این خیلی عقب کار میکند این خیلی جلو کار میکند .
ها' ماج ویل هاب کاست می	How much will it cost me ?	برای من چه مبلغ تمام میشود .
رات ویل کاست یو وان 'د' رلز تو فیکس هاب ویل یو دورا کود جاب	It will cost you one dollar to fix it. will you do a good job.	تعمیر آن برای شما یک دلار تمام خواهد شد . خوب درست خواهید کرد؟
هیس سر وی مک رتنی آز وژرک	Yes, sir, we guarantee our work.	بله آقا ما کار خود را تضمین میکنیم
هون کن' ای هوراب توم' ر' رسیم' نیم	When can I have it ? Tomorrow same time	کی بدست من خواهید رسید؟ فردا همین موقع.
'کل' رنکست ویک ها' ماج ایز داب	Call next week. How much is that	هفته آینده تشریف بیاورید. بهای آساعت که در
واج این ر د ش' رکیض ش' می سام ک' لب'	watch in the show case ? Show me some gold watch.	و بترین است چه مبلغ است ؟ چند ساعت طلا من شان بدهید
ای وانت را' نیس لوکینگ ریست واج	I want a nice looking wrist watch.	من یک ساعت مچی قشنگ میخواهم .
هوز' یو را' لزم کلاک دو دی کیپ کود' نیم	Have you alarm clocks ? Do they keep good time ?	آیا ساعت شمانه دارید ؟ آیا آنها وقت را دقیق نگاه میدارند ؟ (نشان میدهند ؟)

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------

روز چهاردهم فوریه مطابق ۲۴ بهمن ماه مروست به روز عشاق
 در این روز معمولاً جواهراتی که بشکل قلب است و یا هادیا تیکه ناعکس قاب توأم
 است بنظور ابراز عشق ردو بدل میشود

تعمیر و فروش ساعت

واچ	Watch.	ساعت .
ریست واچ	Wrist watch.	ساعت مچی
واچ بندز	Watch bands.	بند ساعت .
واچ زچین	Watch chain.	زنجیر ساعت
واچ رکس	Watch case.	جعبه ساعت
جو رال	Jewel.	سنگ (جواهر) ;
شپرینگ	Spring.	فنر
می نث هند	Minute-hand.	عقربه دقیقه شمار .
آز هند	Hour-hand.	عقربه ساعت شمار
س رکند هند	Second-hand.	عقربه ثانیه شمار
کلاک	Clock.	ساعت مبلی
الرم کلاک	Alarm clock.	ساعت شامه
ها دو یو دو رس	How do you do, sir.	حال شما چگونه است آقا ؟
ویل یو فیکس می	Will you fix my watch?	ممکن است ساعت مرا درست کنید ؟ (تعمیر کنید)
واچ	Certainly.	البته (محققاً) .
رسز تنلی	Will you see what the trouble is with it ?	ممکن است ببینید چه عیبی دارد ؟
دو یو هو انیم تو تیک	Do you have time to take a look at it ?	آیا وقت دارید بک نگاهای بآن بکنید ؟
را لوک ا ت	Could you tell me what is wrong ?	بن بفرمائید چه عیبی دارد (چه چیزش خراب است)
کود یو رنل می	« You are getting hold of the wrong end of the stick. »	« شما کاملاً برعکس حقیقت فکر میکنید (از مرحله برتید) . »
واب ایز رانگ	« She did him wrong. »	« باو خبانت کرد »
یو آر گتینگ هولد		
آو د رانگ راند آو		
دش رانگ		
شی دبد هیم راسک		

تلفظ	جمله	معنی
<p>'دی، مند، ودینگ 'بلاک 'دی، مند رینگ . ودینگ رینگ . این رکیج، منٹ رینگ . 'منٹز 'دی، مند رینگ . ہالیس، تڑ رینگ . براس، لت . نک، لس . سیل، ور . سیل، ور، ودینگ . سیل، ور وڑ تی سیل، ور سرویس سیل، ور پ، لیتز . سٹرلینگ سیل، ور پزل روبی . گولڈ، مدال ایرینگ . پلاتینیوم جوہر .</p>	<p>«Diamond wedding.» « Black diamond. » Ring. wedding ring. Engagement ring. Man's diamond ring. Hollister ring. Bracelet. Necklace. Silver. « Silver wedding » Silverware. Tea silver service. Silver plates. Sterling silver. Pairl. Ruby. Gold medal. Earring. Platinum. Jewel.</p>	<p>» شصتین سال ازدواج . » زغال سنگ انگشتری (حلقہ) انگشتری عروسی . انگشتری نامزدی . انگشتری برلیان مردانہ نوعی انگشتری (انگشتری تقدس) . دست بند (انگو) . گلوبند . نقرہ . » بیست و پنجمین سال ازدواج . ظروف نقرہ . سرویس جای خوری نقرہ پشقاب نقرہ . نقرہ خالص مروارید . یاقوت (لعل) . مدال طلا گوشوارہ . طلای سفید (پلاتین) جوہر</p>
<p>ماہارت آو فامیری</p>		<p>قلب آتشین</p>
<p>والان اتین ہارٹ</p>	<p>Valentine heart.</p>	<p>قلب (مخصوص) روزوالا تین</p>

تلفظ	جمله	معنی
دی لوک ا، ور و'پ.	They look overripe.	با کندیده اند (خیلی رسید) .
د'ت پو' رانی اید	Don't put any bad ones in the bag.	بنایش را توی پاکت نگذارید.
وانس این پ' بک	If you use me right	اگر با من درست معامله کنید باز هم آمد .
ایف یو یوز می ر'یت	I will come again.	شما میتوانید خودتان سوا کنید .
ای ویل کام ا، ر'کین	You can pick up yourself.	من کمی ترشی میخواهم .
یو مکن' پیک آپ	I want some pickles.	این چرخ را برداشته به اطراف بروید و هر چه میخواهید بردارید
یر سلف .	Take this care; and go around, then pick up anythiog you want too.	
ای وانت سام بی ر'کلز .		
تیک دیس کار ا'ند		
ک' ر'ار آ'ند' دن پیک		
آپ رانی تیک یو		
وانت تو .		

جواهر فروشی



The Kohinoor Diamond (Exact Size) Weight ($106\frac{1}{4}$) Carats

کوه نور (اندازه اصلی) وزن $106\frac{1}{4}$ قیراط

جو ر'ار ل'ر .	Jeweler.	جواهر فروشی
پ' ر'سی' ز'ست' ن'ز'	Precious stones.	سنگهای قیمتی
ک'ک' ل'د' .	Gold.	طلا
ک'ک' ل' ر'دن' و'دینک .	« Golden wedding. »	« پنجاهمین سال ازدواج »
بلاک ک'ک' ل'د' .	« Black gold. »	« نفت »
دی ر'مند	Diamond.	برلیان (الماس تراشیده) .

تلفظ	جمله	معنی
س راری	Celery.	کرفس
رادیش	Radish.	ترنجبین
رلتیس	Lettuce.	کاهو
'هؤ یو یانا ناز	Have you bananas?	آیا شما موز دارید؟
ها' ماچ آژ دی	How much are they?	بهای آنها چه مبلغ است؟
دی آژ رایتی پستس	They are eighty cents half a dozen.	آنهاش عدد (نیم دو جین) هشتاد سنت است.
'هف را دا' رزن	That is too expensive	آن خیلی گران است.
'د تیز تو را گن' ریسو	That is not ripe	کاملاً نرسیده است.
'د تیز ما' ریب ایناف	This is too green.	این خیلی کال است (سبز است)
دیس ایز تو گرین	I will not buy any bananas.	من هیچ موز نخواهم خرید.
'ای ویل نات بای رانی بانانا ز	I want a dozen of lemons.	من دوازده عدد لیمو می‌خواهم
'ای وانت ادا رزن	Give me good ones.	خوبش را بمن بدهید
آو رلم' نژ	Give me a pound of California grapes.	یک پوند اسکور کالیفرنیا بمن بدهید.
کیو می گوژ وانس	— a basket of Con- cord grapes.	یک سبد انگور کنکورد من بدهید.
کیو می ا پا' ند آو	— a bottle of sweet cider.	یک بطری شراب شیرین من بدهید.
کالیفرنیا ک' ریس	— a pound of dates.	یک پوند خرما
— ا ا' بس کد' آو	— half a pound of figs.	نیم پوند انجیر من بدهید.
ک' نیک' ر' د گریس	How do you sell	دوازده عدد گلابی را چند می‌فروشید؟
— ا بار تل' آو سو میت	pears a dozen? Are they ripe enough to eat?	آقدر رسیده هست که بشود خورد؟
سی ردر	Yes, sir, you can taste it.	بله آقا میتوانید امتحان کنید.
— ا پا' ند آو ریتس	They look green.	آنها کال بنظر میرسند.
— 'هف را پا' ند آو		
رفیکس (رفکس)		
ها' دو یو رسل پیژ		
را دا' رزن		
آژ دی 'ریب ایناف		
تو ایت		
ریس سر یو کن		
ریست رات		
دی لوک گرین		

تلفظ	جمله	معنی
ویل یو فیکس ایب کن یو فیکس ایب 'ایم، و بیٹینگ	will you fix it? Can you fix it while I am waiting?	آزرا درست کنید ؟ آیا ممکن است ضمن اینکه من منتظر هستم آرا تعمیر کنید
ویل یو 'هوت ردی نوم ر	Will you have it ready tomorrow?	ممکن است آرا فردا حاضر کنید ؟
ویل یو سیت دز راند تیک 'پز شوژ آف او رکی کیومی سام تو دیز ری ری	Will you sit there and take your shoes off. O K. give me some to-day's paper	بفرمائید بنشینید آنجا و کفشهای خود را در آورید بسیار خوب یکی از روزنامه های امروز را بمن بدهید

میوه و سبزی فروشی

آ رینج	Orange.	برتقال
لم 'ن	Lemon.	لیمو
بانانا	Banana.	موز
اپل	Apple.	سیب
گ رپس (رڈ 'وبت)	Grapes (red, white)	انگور (قرمز - سفید)
پیر	Pear.	کلابی
پیچ	Peach.	هلو
بامگر ا ریت	Pomegranate.	انار
پرون	Prune.	آلوزرد
پلام	Plum.	آلوچه
شتر ا ربریز	Strawberries	توب مرغی
بلاک ربریز	Blackberries.	تمشک
کی یوکام رر	Cucumber.	خیار
واتر مل 'ن	Watermelon.	هندوانه
'مسک رمل 'ن	Muskmelon.	طالبی
چرینز	Cherry	آلبالو و کیلاس
آو 'کاد'	Avocado.	بوعی کلابی بدون شیرینی آماناس (بوعی میوه است که در هوای گرم بدست میاید)
'پس 'اپل	Pineapple.	

تلفظ	جمله	معنی
<p>ا' زایت سز' ای کن میکه اب اقز' تن در لوز ا, بز' اند ن' رس'</p> <p>دو بو, تیک رات' ویت یو ا' ز شود ای رسند اب توی' ز' اد رس پلیز سندن رات' تو دیس ادرس</p>	<p>Alright, sir, I can make it for ten dol- lars a pair and no less.</p> <p>Do you take it with you, or should I send it to your address? Please send it to this address.</p>	<p>بسیار خوب آقا من میتوانم تا جفتی ۱۰ دلار بدم و کمتر هم نمیشود</p> <p>آیا آنرا با خود میبرید یا بایستی بآدرس شما بفرستم ؟ خواهش میکنم باین آدرس بفرستید</p>

تعمیر کفش

<p>ایز در ا کاب' لر'</p> <p>نیر بای</p> <p>ک' تو پد نکست ستریت مند هیل سول' ستیتچ' رلیس رنیل پچ' ویل یو مند می شوز مستر ای وانت را پچ یوت ا' ووز د' ز' ها' ماج دو یو چارج ا' فره را نی یو اسل اند هیل</p> <p>دات ویل کاست بو تو' د لرز در ایز را رنیل ستیکینگ آپ این می شو</p>	<p>Is there a cobbler near by ?</p> <p>Go to the next street.</p> <p>Mend.</p> <p>Heel.</p> <p>Sole.</p> <p>Stitch.</p> <p>Lace.</p> <p>Nail.</p> <p>Patch.</p> <p>Will you mend my shoes, mister?</p> <p>I want a patch put over the toes.</p> <p>How much do you charge for a new sole and heel?</p> <p>That will cost you two dollars.</p> <p>There is a nail stic- king up in my shoe!</p>	<p>آیا این نزدیکیها پینه دوز (تعمیر کفش) هست بخوابان بپلو بروید تعمیر پاشنه تخت کو کزدن بند کفش میخ وصله آقا ممکن است کفش مرا تعمیر کنید ؟ میتوانم یک وصله به سر پنجه آن باندازم برای یک تخت و پاشنه نوجه مبلغ میکه برید ؟ برای شما دو دلار تمام خواهد شد کفش من یک میخ دارد ممکن است</p>
--	--	---

تلفظ	جمله	معنی
ایک لیک	like?	دوست دارید ؟
ای وانٹ لیسڈ شوز گیو می ا پیر آو — شوز	I want laced shoes. Give me a pair of — shoes.	من کفش بندی میخوام یکجفت کفش — بمن بدهید
ش می سام — شوز	Show me some — shoes.	چند جفت کفش — بمن نشان بدهید
'هؤ بو شلی پرز	Have you slippers?	کفش راحتی دارید
دو بو 'هؤ را ربر شوز	Do you have rubber shoes?	کفش لاستیکی دارید ؟
ای وانٹ را پیر آو او رو شوز	I want a pair of over shoes.	من یکجفت کالوش میخوام .
دیس شو ایز تو ٹیٹ	This shoe is too tight	این کفش خیلی تنگ است
دیس وان ایز تو شم ول	This one is too small	این یکی خیلی کوچک است
داب هرٹس می ت'ز	That hurts my toes.	آن انگشت پانم را میزند
کیو می ا سیز لار پیر	Give me a size larger	یک نمبر بزرگتر بمن بدهید
کیو می ا سیز شم ول	Give me a size sma- ller.	یک نمبر کوچکتر بمن بدهید .
'هؤ بو شپ شوز می ای ٹرای وان	Have you sport shoes? may I try one ?	کفش اسپرتی دارید ؟ ممکن است یکجفت امتحان کنم ؟
ها ماچ آر دی دز آڈ را رل روں مدر لوز را پیر	How much are they? Those are eleven do- llars a pair.	بهای آنها چقدر است ؟ اینها جفتی یازده دلار است
ای تیسک ایل تیسک دیز تو پیر	I think I'll take these two pairs.	من خیال میکنم این دو جفت را بخرم
دو بو کیو رانی دیس کانٹ	Do you give any dis- count?	آیا شما هیچ تخفیف میدهید ؟
دز آر د ریسٹ شور بو کن را رور فیسڈ	Those are the best shoes you can ever find.	اینها از بهترین کفشها نیست که شما میتوانید پیدا کنید.
باب کیو می سام دیس کانٹ رانی ها	But, give me some discount anyhow.	ولی در هر حال بمن کمی تخفیف بدهید.

تلفظ	جمله	معنی
اوه رَسُّ یو آر گو تینک گِ رِی رِ دِ فِیو، چِرُّ لو کَسُّ گِ رِی	Oh! sir, you are going gray. «The future looks gray.»	اوه! آقا موی سر شما سفید میشود. «آینده تاریک بنظر میرسد»
شود ای کا، لِرُّ راتُ آپ	Should I colour it up?	میخواهید (موهای شما را) رنگ کنم؟
ن تَنک یو جِست بوت سام ایل آن راتُ پار تِشُ قِرام دِ ساید دو یو لیک تو هُو بِرُّ شوز شیند ریس بلیز ن تَنک یو هیر ایز رِ بیل واند هِی راب تو دِ کِ رِشُر بلیز	No' thank you; jut put some oil on it. Part it from the side. Do you like to have your shoes shined? Yes, Please. No, thank you. Here is your bill, sir; and pay it to the cashier please.	خیر متشکرم فقط کمی روغن بآن بزنید از پهلو فرق باز کنید آیا میخواهید کفشهایتان را واکس بزنید بلی خواهش میکنم خیر متشکرم این صورت حساب شاست آقا و خواهش میکنم بصندوق بپردازید

کفافی مردانه

ای وانت را بر آو شوز وات سیز دو یو ویر	I want a pair of shoes. What size do you wear?	من یکجفت کفش میخواهم شما چه اندازه (کفش) میپوشید؟
ای تینک رایت راند هف وود بی ادرایت ها ماچ آر پدی وی هُو آل پرایس واب سیز آو شور دو یو وانت ای دانت ن ای ویر سیز مین رلت می ترای آن وات کیند وود یو	I think eight and half would be alright. How much are they? We have all prices. What size of shoes do you want? I don't know. I wear size nine. Let me try on. What kind would you	خیال میکنم (اندازه) هشت و نیم خوب باشد بهای آنها چقدر است؟ ما همه قیمت‌های داریم شما کفش بچه اندازه میخواستید؟ من نمیدانم من اندازه ۹ میپوشم بگذارید بیوشم و امتحان کنم شما چه نوع

تلفظ	جمله	معنی
<p>ن، رسر، رایز ال، دوت یس، راتیز نات شارپ ایناف</p>	<p>No, sir, it is all right. Yes; it is not sharp enough.</p>	<p>خیر آقا خوب است . بلی باندازه کافی تیز نیست.</p>
<p>ای تینک یو نید را هر کات تو</p>	<p>I think you need a hair cut, too.</p>	<p>من تصور میکنم شما به اصلاح سرهم احتیاج دارید</p>
<p>رول یو میت کیو می را هر کات</p>	<p>Well you might give me a hair cut.</p>	<p>بسیار خوب ممکن است سرمرهم اصلاح کنید</p>
<p>وود یو لیک را هکل دز کات</p>	<p>Would you like a cl- ose cut?</p>	<p>آیا دوست دارید خیلی کوتاه اصلاح کنید؟</p>
<p>دو یو وانت می تو کات اب ش، ژ، تر</p>	<p>Do you want me to cut it shorter?</p>	<p>میخواهید آنرا کوتاه تر کنم؟</p>
<p>ن، هجست، تریم، ات را رآند</p>	<p>No, sir, just trim it around.</p>	<p>خیر فقط اطراف آنرا بزنید.</p>
<p>یس، رسر، کات، ش، ژت دو یو وانت تو، شیو را رآند، بر، رنک</p>	<p>Yes, sir, cut it short. Do you want to sha- ve around your neck?</p>	<p>بلی کمی کوتاه تر کنید. آیا میخواهید اطراف گردن را تراشید؟</p>
<p>یس، رسر، شیو، ات، رآند</p>	<p>Yes, sir, shave it ro- und.</p>	<p>بلی اطرافش را تراشید</p>
<p>ن، رسر، شیو، ست، ربت دآن</p>	<p>No, sir, shave straight down.</p>	<p>خیر آقا مستقیم بپائین اصلاح کنید.</p>
<p>دو یو لیک، هر، سینج ایت ویل کیپ، یز هر، قرام، ف، لینک</p>	<p>Do you like hair si- nge? it will keep your hair from falling.</p>	<p>میخواهید انتهای موهای شمارا بسوزانم؟ این از ریزش موهای شما جلوگیری میکند</p>
<p>شال، ای، وت، یز، هر</p>	<p>Shall I wet your hair?</p>	<p>آیا میخواهید موهای شمارا تر کنم؟</p>
<p>ن، رسر، کام، ات، دری بارت، ات، این، د، می، ردل دو یو وانت د شامبو</p>	<p>No, sir comb it dry. Part it in the middle. Do you want the sh- ampoo?</p>	<p>خیر شانه خشک بزنید از وسط فرق باز کنید آیا شامبو میخواهید (نوعی شستشوی سر)</p>
<p>ن، رسر، هجست، روت رات، نرو</p>	<p>No, sir, just wet it through.</p>	<p>خیر آقا فقط کمی آب بزنید</p>

تلفظ	جمله	معنی
یا ایک آو، چر کال وانیز پ پرایس آو 'یز، راکو' واب دو یو چارج 'فر هانی هاآ ماچ ایز شو رگرو را پآند ای وائت تو پآند آو فلا راز دو یو هوراشی، مان ماش رتزو کیو می را، یک	— a bag of charcoal. What is the price of your eggs? What do you charge for honey? How much is sugar a pound? I want two pounds of flour. Do you have Russian mustard? Give me a pack.	یک باکت دغال چوب — قیمت تخم مرغهای شما چقدر است؟ قیمت عسل چقدر است؟ هر پوند شکر چه مبلغ است؟ من دو پوند آرد میخواهم آیا شما خردل روسی دارید؟ یک بسته بمن بدهید

آرایشگاه مردانه

ای وانت تو، کت مجت را شیو ای وائت تو رکت رهو کات پلیز کام دیس، وی اند سیت آن دیس رچو ویل بو سیت آپ را لی رتل ها ربر (هیر) داتس ایناف دو یو وائت را کل ز شیو ریس ای وائت را وری کل ز شیو ن، رسر وائس ایز ایاف داز می ردی، در رهو یو؟	I want to get just a shave. I want to get a hair cut. Please come this way and sit on this chair. will you sit up a little higher. That is enough. Do you want a close shave? Yes, I want a very close shave. No, sir, once is eno- ugh. Does my razor hurt you?	من فقط میخواهم ویشم را بتراشم من میخواهم موی سرم را بزنم (اصلاح کنم) خواهش میکنم از اینجا تشریف آورده و روی این صندلی بنشینید ممکن است کمی بالاتر بنشینید؟ همین اندازه کافیست. آیا مایلید صورتتان را از ته بتراشید؟ بلی میخواهم خیلی از ته بتراشم خیر آقا یکدفعه کافیست آیا تیغ من شما را اذیت میکند؟
--	---	---

تلفظ	جمله	معنی
ساردینز	Sardins.	ساردین
سالْم نر	Salmons.	نوعی ماهی (ماهی آزاد)
ا' نی رائز	Onions.	پیاز
کارز لیکه	Garlic.	سیر
تی	Tea.	چائی
کافی	Coffee.	قهوه
میت	Meat.	گوشت
الم - (المب)	Lamb.	بره (گوشت بره)
پ زکٹ	pork.	گوشت خوک
بیف	Beef.	گوشت گاو
ماتن	Mutton.	گوشت گوسه
اهید کو آرز	Hind quarters	ماهچه با
فاز کو آرز	Fore quarters.	ماهچه دست
گرا کرز	Crackers.	بیسکوئیت شور
هانی	Honey.	عسل
دنت بو تراش می هانی	«Don't you trust me honey?»	« بن اطمینان نمیکنی عزیزم »
هانی مون	« Honeymoon. »	« ماه عسل »
بی واکس	Bee wax.	موم
ربرنس	Raisins.	کشمش
دو بو ری زنس	Have you raisins?	آیا شما کشمش دارید
کیو می را باند آو	Give me	یک پوند کره بمن بدهید
با رتو	a pound of butter	(وزن مساوی ۴۵۴ گرم و نام یک لیره اسکلیسی)
را د آرزن آو راگز	— dozen of eggs.	دوازده عدد (یکدو حین)
— اناکس آو امچو	— a box of matches.	بشم مرغ من بدهید یک جمعه فوطی کزیت — دو چارک ماست (نوعی ماست قدری مایعتر)
— تو ک زئر آو	— two quarts of butter milk.	یک چارک شیر — یک گالن فت (وزن مایع مساوی ۴۵۴۰ گرم)
— بارتر میلک	— a quart of milk.	
— اناک زئر آو میلک	— a gallon of kero-	
— اگال آو رگراذین	sene	
گا لن	«Gallon.»	

تلفظ	جمله	معنی
بیش سر وی هو بور ف رشت، ملک میلکی وئی کیو می، ا، پنت رنت	Yes, sir, we have pure fresh milk. «Milky way.» Give me a pint. « Pint. »	باہ آقا ما شیر تازہ و خالص داریم » کہکشان یک قوطی بن بدهید (وزنیست برای مایعات کمی بیشتر از نیم لیتر) یک چارک بن بدهید (وزنیست برای مایعات مساوی ۰/۹۶ لیتر) چارکی چند است؟
کیو می ا ک، رت ک، رت	Give me a quart. « Quart. »	ما چارکی ۲۵ سنت میفروشیم (نام سکه نقره ببلنچ یکچهارم دلار است) یکمدد بن بدهید خدا حافظ خانم خدا حافظ مجدداً تشریف بیاورید
ها، ماج ای، ا ک، رت وی، سل، ان، فر کو آ، تر، ا ک، رت کو آ، ر	How much is a quart ? We sell it for quarter a quart. « Quarter. »	
رت می هو وان کودبای، لیدی	Let me have one. Goodbye, lady.	
کودبای ک، ن، ا، گین	Goodbye, call again.	

خواربار فروشی

پ، رت، رت	Potatoes.	سبب زمینی
ت، رت، رت	Tomatoes.	کوجه فرنگی
ریتس (رایس)	Rice.	برنج
ویت	Wheat.	گندم
ا، شس	Oats.	جو
ک، رت	Corn.	غله (ذرت)
چیز	Cheese.	پنیر
با، رت	Butter.	کره
اک	Egg.	تخم مرغ
شو، رگر	Sugar.	شکر
کیند، کود	Canned goods.	» قوطی حاوی معشوی غذا

تلفظ	جمله	معنی
وات را ل' رفز هی ایز بیس سر و ات' کیند ووڈ یو ایک	«What a loafer he is.» Yes, sir; what kind would you like ?	« او چه آدم بیمارست بله آتا چه نوع (نان) دوست دارید ؟ من یک بسته نان سیاه میخواهم نان سفید — بله مرچه بخواهید داریم .
ایج و ات' پاک آو بلاک ت-رد 'ووت ب' رد بیس وی 'هو' جت وات یو وات	I want a pack of black bread — white bread. Yes; we have just what you want	آیا شما نان تازه دوست دارید یا نان بیات؟ آیا قیمتشان تفاوتی دارد ؟ خیر هر دو یک قیمتند.
ووڈ یو 'لیک ف' رش ا' د' س' رتیل ب' رد ایز، د' رانی دیف، رش این رد هراشس ن' دی آر ب' ت' ات' رد، رسیم هرایس بیس س' رتیل ب' رد ایز را نی، رکل چی، رنر	Would you like fresh or <u>stale</u> bread ? Is there any differ- ence in the prices? No, they are both at the same price. Yes, stale bread is a nickel cheaper	بلی نان بیات پنچ شاهی ارزانتر است (نام مسکه پنچ سستی است) من نان تازه میکیرم . من نان بیاترا ترجیح میدهم دکترها نان بیات را تجویز کرده اند . این یکی امروز تازه است این از دیروز است چه قسم نان کک و مرامی دارید ؟
ای تیک 'ایل، تیک ف' رش ت' رد ای هری رفز س' رتیل ب' رد دک، ریز دیک، 'م' د' س' رتیل ت' رد دیس وان ایز ف' رش تو ردی	I think I'll take fresh bread. I prefer stale bread. Doctors recommend stale bread. This one is fresh to- day.	آیا اینجا شیر دارید ؟ « شما یک مملکت پرار نارو سمّت دارید »
دیس ایز 'وام' ریس، رتو دی وات 'کیند آو 'کس اند 'پیز دو یو 'هو	This is from yester- day. What kind of cakes and pies do you have ?	
دو یو 'هو' میلک هیز یو 'هو' ا' اند آو میلک راید هانی	Do you have milk here ? «You have a land of milk and honey.»	

تلفظ	جمله	معنی
'ای وائت را کی تو د' بک د' د'	I want a key to the back door.	من یک کلید برای درب عقب میخواهم
د' رچم رنی ایز سم کینگ بڈلی	The chimney is smoking badly.	دودکش بدجوری دود میکند (گرفته است)
وی و' نت رپی د' رنت ران رلس یو فیکس راوری تینک	We won't pay the rent unless you fix everything.	تا اینکه همه چیز را تعمیر نکنید ما کرایه را نخواهیم پرداخت
ر' ننتس دآ' نس رتورز (آپس رتورز) رمی کینگ تو ماچ ن' ریز وی کن' نات شلیپ ات ایک	Tenants downstairs (upstairs) are making too much noise. We cannot sleep at night.	مستاجرین بائین (بالا) خیلی سروصدا میکنند ما شب نمیتوانیم بخوابیم
وی وائت را کی د' لاک ایز آت آو اندر دز	We want a key. The lock is out of order.	ما یک کلید میخواهیم قفل خراب شده (کار نمیکند)
ای واز این رهرست بات دی لاکه می آپ ف دز را ح دل بیر وی وائت را نی یو ایس باکش	«I was innocent but they locked me up for one whole year.» We want a new ice-box.	« من بیگناه بودم ولی یکسال تمام مرا زندان انداختند » ما یک یخچال نو میخواهیم
وی ایسنگ تو هو را ردد رتل وی رزن ایت کاست بوم دز رنت راچ رلس یو یای راب ف د ی ر آ ن هیر ایز رنت پلیز ایس می د' ر د رسو	We like to have a radio television. It cost you more rent unless you buy it for your own. Here is your rent. Please pass me the receipt	ما یک رادیو تلویزیون میخواهیم اجاره شما اضافه خواهد شد مگر اینکه برای خودتان (شخصی) بخرید این کرایه شماست خواهش میکنم بمن رسید بدهید

نانوائی

کوڈ ایو نینگ ریدی ای وود ایسنگ نو رکت ل د ف آو ب' ر د	Good evening lady, I would like to get a loaf of bread.	سلام خانم (سلام شب) من یک قرص نان میخواهم
---	--	--

تلفظ	جمله	معنی
ریس وی وائٹ، درنت این اڈ، وٹس	Yes, we want the rent in advance.	بلی آفا ما اجاره را پیش میخواهیم
پرداخت مال الاجاره		
پئی، د، درنت	Pay the rent.	اجاره را بپردازید
ای کنن نات پی، د، درنت دیس مائس	I cannot pay the rent this month.	من گرایه این ماه را نیتوانم بپردازم
ایبل، پئی، ات، گسٹ ویک	I'll pay it next week.	هفته آینده آنرا میپردازم
ای وبل نات، پئی، د، درنت او تیل یو فیکس، د، ویندو	I will not pay the rent until you fix the window.	تا پنجره را تعمیر نکنید گرایه را نمیپردازم
د، روٹ ایز لیکینگ	The roof is leaking.	طاق چکه میکند
د وائز، پیپ ایز فرورزن	The water pipe is frozen.	لوله آب یخ بسته
د، گس، پیپ ایز لیکینگ	The gas pipe is lea- king.	لوله گاز سوراخ شده (چکه میکند)
د، وا، تر، پشپ ایز بزشٹ	The water pipe is burst.	لوله آب ترکیده است
ون، ای تالڈ، هر، شی برسٹ اینٹ، تیرز	«When I told her, she burst into tears.»	وقتی من با او گفتم یکد فمه بگریه افتاد
ای، برشٹ، آو لاف د، رس، رلز ایز فلو، رد	«I burst of laugh » The cellar is flooded with water.	« من از خنده ترکیدم » زیر زمین از آب پر شده است
ویس و، تر هر، آیز واز فلو، د	«Her eyes were floo- ded of tears.»	« چشمانش پر از اشک بود »
آو تیرز هر، ات، فیکس، ات وائس	Have it fixed at once.	فوراً آنرا تعمیر کنید
د، ویند، گلاس ایز ش، مجڈ (عشند)	The window glass is smashed.	شیشه پنجره شکسته است
د، وول، پپی، ریز، ایز، ت، ون	The wall paper is torn.	کاغذ های دیوار پاره شده
د، وولز، نید، را، ووت، واش	The walls need whi- tewash.	دیوار احتیاج به سفید کردن (آب پنبه) دارد

تلفظ	جمله	معنی
<p>هو بو گلا زئس ریش سز وی هوائل کان و نی رائشز ددر ایزر ایلیس فو ویست دد ایزر ائیس تو آرت روم ویت هات راند کک لڈ وارتر</p>	<p>Have you closets ? Yes, sir ; we have all conveniences. There is a place for waste , there is a nice toiletroom wi- th hot and cold water.</p>	<p>شما جای لباس دارید ؟ بله آقا ماتنام وسائل راحتی وا داریم یکه ذباله دانی و یکه اطاق آرایش (حمام روشویی مستراح) قشنگ با آب سرد و گرم دارد</p>
<p>ایزرد سکول هآش فار قرام هیر ن رسز ایتیز آن در رنگت حشریت</p>	<p>Is the schoolhouse far from her ? No, sir ; it is on the next street.</p>	<p>آیا مدرسه خیلی دور است خیر آقا در خیابان مجاور است</p>
<p>د پست آفیس ایز نیر بای د تی رائتر ایز فار د مارکت ایز ائلی فو می نشش واک (واک) قرام هیر</p>	<p>The Post Office is near by. The teatre is far. The market is only five minutes, walk from here.</p>	<p>اداره پست خیلی نزدیک است تأتر دور است از اینجا تا بازار فقط پنج دقیقه راه است</p>
<p>ددر ایز ن مارکت فدو دیس کود د مارکت رود دیس ایزر سنچرال ل رکی رشن روئ ویل بو موو این</p>	<p>«There is no market for this good. » «The market rose. » This is a central lo- cation. When will you move in ?</p>	<p>« این مال التجاره در بازار خریدار ندارد » « قیمتها بالا رفته است » این محل مرکزیت دارد (بهمه جا نزدیکست) چه موقع باینجا اسباب کشی خواهید کرد</p>
<p>ای ویل موو آن در فرست آوید مائس دو بو وانگ رانی دیپازت</p>	<p>I will move on the first of the month Do you want any deposit ?</p>	<p>من اول ماه اسباب کشی خواهم کرد آیا شاهچ بیمانه میخواهید</p>
<p>اے ن ایف بو دنت موو این رای ردروی بو و ننت هوئ لی رتر</p>	<p>Oh ! no , if you don't move in right away you won't have it later.</p>	<p>اوه خیر اگر شما زود اسباب کشی نکنید دیگر آنرا (دیرتر) بدست نخواهید آورد</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>هآ لارچ ایز رات ابث هوز تری. رومز وان باز رلوان شلیپنک روم اند وان رک چن</p>	<p>How large is it ? It has three rooms, one parlor, one sle- eping room and one kitchen .</p>	<p>چه اندازه است ؟ سه اتاق یک طالار (سالن) یک اتاق خواب و یک آشپزخانه دارد</p>
<p>هویو وان ویت نو رومز - فز رومز واتیز د رنت فیفتین دلرز را ویک</p>	<p>Have you one with two rooms ? — four rooms ? What is the rent ? Fifteen dollars a we- ek .</p>	<p>آیا شما یک (منزل) دو اتاقه دارید - چهار اتاقه ؟ کرایه آن چقدر است ؟ هفته ۱۵ دلار</p>
<p>ایزدیس را گوڈ ل کالیتی هآ نیر ایر د شتی رشن</p>	<p>Is this a good locality How near is the sta- tion ?</p>	<p>آیا این یک محله خوب است ایستگاه (راه آهن) چقدر نزدیک است ؟ (چقدر زاه است)</p>
<p>دو یو هوز رانی چیلڈ رن پس سز ای هوزان ب ای اند نو کولز دی آروری کو ایث می رت نشش آت جکت نو چیلڈ رن ای ویل اسک د آرور رابا رت</p>	<p>Do you have a ny children ? Yes , sir ; I have one boy and two girls. They are very quiet. My tenants objet to children . I will ask the owner about it ?</p>	<p>آیا شما هیچ بچه دارید - بله آقا من یک پسر و دو دختر دارم آنها خیلی ساکنند مستاجرین من از بچه خوششان نیاید من از مالک راجع بان خواهش خواهم کرد</p>
<p>وی هون چیلڈرن دو یو هوز ما رزن ایبرو رمنس د رومز آر نو شم ن دز ایز ن روم هیر ای گنت لیو این برا گل ز کو آر تیز</p>	<p>We have no children Do you have modern improvemerts ? The rooms are too small . «There is no room here.» «I can't live in a close quarters.»</p>	<p>ما بچه نداریم آیا شما یک دستگاه جدید (مدرن) و کامل دارید اتاقها خیلی کوچک هستند « اینجا جایست » من نمیتوانم در یک جای کوچک و شلوغ زندگی کنم</p>

تلفظ	جمله	معنی
منزل و آپارتمان اجاره		
ل' کالینی	Locality.	محل و مکان
فل' و	Floor.	کف اطاق
سوییت	Suite.	چند اطاق کامل با تمام وسائل
ر'س, لر'	Cellar.	زندگی
جانی تر	Janitor.	زیر زمین
د'و کی, بر	Door-keeper.	سرای دار
آ'ر	Owner.	دربان
رنت	Rent.	مالک
فر'نت	Front.	اجاره
ریر (ری, ار)	Rear.	نبا (قسمت جلو)
واتی, لی, شن	Ventilation.	قسمت عقب
کچن	Kitchen.	تهویه هوا
بثت تاب	Bath tub.	اشپزخانه
ما, دژن ایبروو, منتس	Modern improvement	وان (برای حمام گرفتن)
ان' کان, ونی, ان'سز	All conveniences.	دستگاه (مدرن) و تکمیل
ان'د اف, شن	Old fashion.	تمام وسائل راحتی
هی 'اکشن این ست, ریج	«He acts in strange fashion.»	قدیمی
ف, شن	«The long skirts is no longer the fashion»	«او رفتار عجیب و غریبی دارد»
د لانک ش, رکرتس ایز	Gentleman, where can I find the janitor of this building?	«دامن بلند دیگر مود نیست»
ن' لان, رکرد اف, شن	I don't know where he is.	(معمول نیست)
جنتلمن, وو'کن ای, فیند	Try next door.	آقا من کجا میتوانم
د جانی تر آو دیش	He may be down - stairs.	سرایدار این ساختمان را پیدا کنم؟
بیلدینگ	He is here.	من نمیدانم او کجاست
ای د'نن, ور هی ایز	Please show me a tenement.	درب پهلومی را سری بزید
ترای, نکست د'و		او مسکن است پائین باشد
هی, می بی د'اش, ترؤ		
هی ایز هیر		او اینجا است
بلیز ش' می, ا		خواهش میکنم یک منزل
ت, رینت		بن نشان بدهید

تلفظ	جمله	معنی
<p>دو یو هُو رانی ن' یَز این دیس هاس ن' سِر وی هُو ن' چیلن رن دیس ایز را وری کوآبت هاس</p>	<p>Do you have any noise in this house? No, sir; we have no children. This is a very quiet house.</p>	<p>آیا شاهیج (سروصدائی) در این خانه دارید؟ خیر آقا - ما بچه نداریم این خانه بسیار ساکتست</p>
<p>دیس شتریت ایز وری کوآبت تو ای وبل لوک رات ا فیو آر دَر رومر بیعود ای دیساید آن دیس وان هَو یو رای آر دَر روم تو رت این دیس هاس</p>	<p>This street is very quiet, too. I will look at a few other rooms before I decide on this one Have you any other room to let in this house?</p>	<p>این خیابان هم خیلی ساکت است قبل از اینکه راجع باین یکی تصییی بگیرم یکنگاهی به چند اطاق دیگر میکنم آیا هیج (اطاق) دیگری برای اجاره در این منزل دارید؟</p>
<p>یس سِر وی هُو راشم آل وان آن رد رتو دقل ر</p>	<p>Yes, sir; we have a small one on the third floor.</p>	<p>بله آقا ما یکک (اطاق) کوچک در طبقه سوم داریم</p>
<p>ای تینک ای وبل رتیک دیس وان وات دو بو اسک ف ر دیس وان دیس وان ایز تو د رلر</p>	<p>I think I will take this one. What do you ask for this one? This one is two dollars.</p>	<p>من خیال میکنم این یکی را بگیرم قیمت این چقدر است (چه مبلغ میخواهید) این یکی دو دلار است</p>
<p>ای وبل رسد همتی تراک توم ر وبل یو گیو می را کی تو رد د ر دو یو وانن د رت این را دواس</p>	<p>I will send my trunk to-morrow. Will you give me a key to the door. Do you want the rent in advance?</p>	<p>من فردا چمدانم را خواهم فرستاد خواهش میکنم کلید در را بمن بدهید آیا شما کرایه را پیش میخواهید</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>ردز ایز را رفونیش روم این دیس هاس آیل کک این راند سی ات</p>	<p>There is a furnished room in this house. I will go in and see it</p>	<p>یک اطاق مبله در این خانه است من داخل میشوم و آنرا می بینم</p>
<p>گود مرنینگک سر ایز رد لند لیدی این ریس سر شی ویل سی آنت این رامی نت هو یورانی رومز تو لت</p>	<p>Good morning, sir ; is the landlady in? Yes, sir; she will be out in a minute. Have you any rooms to let ?</p>	<p>سلام آقا - خانم خانه هستند؟ بلی آقا ایشان در عرض یک دقیقه خواهد آمد آیا هیچ اطاق برای کرایه دارید</p>
<p>ریس سر وات کایند آو رومز وود یو ایک</p>	<p>Yes, sir; what kind of rooms would you like ?</p>	<p>بله آقا شما چه جور اطاق دوست دارید</p>
<p>ای وانت ا سینگل روم ای وانت لارج سکوراژ روم ریس سر وی هو را نیش وان آن د رس کند فلور می ای هو را لوک ا نت</p>	<p>I want a single room I want a large square room . Yes, sir; we have a nice one on the se- cond floor . May I have a look at it ?</p>	<p>من یک اطاق منفرد میخواهم من یک اطاق چهار گوش وسیع میخواهم بلی آقا ما یک عدد خوب در طبقه دوم داریم</p>
<p>سر تنلی کام رجت آپ هیر ایز روم یو سی اووری تینک ایز نیوراند کلین رون دو یو هو سن شین این دیس روم</p>	<p>Certainly . Come right up . Here is the room . You see everything is new and clean .</p>	<p>ممکن است آنرا نگاه می کنم ؟ البته (محققاً) تشریف بیاورید بالا اطاق اینجا است</p>
<p>یو سی اووری تینک ایز نیوراند کلین رون دو یو هو سن شین این دیس روم</p>	<p>When do you have sunshine in this room ?</p>	<p>چه مواقعی در این اطاق آفتاب هست ؟</p>
<p>وی هو سن شین ا ل دم گرنینگک وی هو ات این د اف رتو نون</p>	<p>We have sunshine all the morning . We hav it in the af- ternoon .</p>	<p>تمام صبح آفتاب میتابد (آفتاب داریم) ما بعد از ظهر ها آنرا (آفتاب) داریم</p>

تلفظ	جمله	معنی
اَكْتُ بو كیب كوآیت	Can't you keep quiet?	آیا شما نمیتوانید ساکت شوید؟
آد بو كُك، دیزی	Are you crazy?	آیا شما دیوانه هستید
نَان، سَنَسَنَسْ	Nonsense.	بی معنی
سیلی تَكُكْ	Silly talk.	حرف احمقانه
كاد، دَمَن (دَم) بو	God. Damn you.	خدا لعنتت کند
دَنَت كَاشَت می تَرَا، بِلْ	Don't cast me trouble	باعث گرفتاری من نشوید
ا' رایت، لَتَس، شَكُكْ	Alright, let us shake hand.	بسیار خوب بیایید دست بدهیم (آشتی کنیم)
مُهد		من را ببخشید تقصیر از من بوده است
فُور، رُکُور می دان واز	Forgive me, that was my fault.	ببخشید و فراموش کنید صرف نظر کنید
مُای فُوتْ		
فُور، رُکُور، اند، فُور، رُکُتْ	Forgive, and forget.	من از اذیت کردن شما
فُور، رُکُوتْ	Forget it.	بیزارم (نمیخواهم شمارا اذیت کنم)
ای، هیت تو، با، دُرْ بو	I hate to bother you	

اطاق کرایه

سین رُکُور	Single room.	طاق منفرد
مَسیند رُوم	Side room.	طاق کناره
فُور، تْ رُوم	Front room.	طاق جلو (روبه حیابان)
رُفُور، نیشْت رُوم	Furnished room.	طاق مبله
آن فر نیشْت رُوم	unfurnished room.	طاق بدون مبل
هات، اِنْد، دُکُلْد، وا، تَرُور	Hot and cold water.	آب گرم و سرد
وینْد، زُور	Windows.	پنجره
توالتْ	Toilet.	روشویی (مستراح)
شْتیم هیت	Steam heat.	حرارت بخار
فُور، نیشْت هیت	Furnace heat	حرارت کوره
مُکُوس، لیتْ	Gas light.	روشنائی گاز
الکتر، بیک، لیتْ	Electric light.	روشنائی برق
چَر، ز، راند، تئی، ریل، بور	Chairs, and table. Bureau.	صندلی و میز دفتر

تلفظ	جمله	معنی
وای دو یو سو راز واچ ۰ یو ۰ تکینک	Why do you swear? Watch your talking.	شما چرا فحش میدهید مواظب حرف زدن خود باشید
دنت بی سو رود هل آن یو	Don't be so rude. Hell on you.	ابتقدر بیتر بیت نباشید جهنم شو
کک تو هل دنت ترا بل می	Go to hell. Don't trouble me.	اصطلاحیست بمنای برو بجهنم اسباب زحمت من نشوید
دنت بی سلیلی دیس ایز را فولیش	Don't be silly. This is a foolish way	احق باش (خریت نکن) این طرز رفتار شما
روی یو اکت پلیز کیپ ا روی	you act. Please keep a way	دیوانگیست خواهش میکنم از من دور
فرام می دنت با در می	from me. Don't bother me.	باشید مراحم من ناشدید
آیم تا یو آو 'برج' کس	I am tired of your jokes.	من از شوخیهای شما خسته شدم
ویل یو کیپ کوایت دنت تاج می	Will you keep quiet? Don't touch me.	ممکن است ساکت شوید بمن دست نزنید
ستاپ 'یر فولینگ 'میتند 'یر آن	Stop your fooling . Mind your own bu-	دست از مسخرگی خود بردار بکار خودتان کارداشته باشید
بی زی رنس ای دنت کر	siness. I don't care.	من اهمیتی میدهم من اورا هیچ کاری کرده ام
ای دبرنت دو ر اینتینک تو هیم	I didn't do anything to him.	اول او مرازد چرا نیگندارید من کارم را
هی ستراکت می فرمبت وای دنت بو لث می	He struck me first. Why don't you let me	بکنم شما همیشه مزاحم من هستید
و رک یو آز ال ویز	work . You are always bo-	خواهش میکنم بگوئید نکند احق بی تربیت
با درینگ می پلیز بل هیم تو شتاب	thering me. Please tell him to stop	ترا بخدا نکن چرا خاتمه میدهید
یو بلادی فول فر گاد سیکت دنت	You bloody fool! For God's sake don't.	من بشما چه کرده ام
وای دنت یو ستاب وات هوای دان	Why don't you stop? What have I done to	
تو بو	you?	

تلفظ	جمله	معنی
ای 'هؤم' ز، اگس، بری بش نأ	I have more experience now.	من اکنون اطلاعات بیشتری دارم
می و' زک ایز وری هازد ای تینک آیم و' زت را لیل م' ز نأ	My work is very hard I think I am worth a little more now.	کار من خیلی مشکل است من تصور میکنم اکنون استحقاق اضافه حقوق را دارم
لیوینک ایز وری هی نأ، را د نؤ	Living is very high now-a-days.	زندگی اینروزها خیلی گران است (سطح زندگی بالاست)
هی ایز را ا' دید و' ز رکر	He is a rapid worker	او کارگر سریعست (زرنکیست)
دیس ربر، سن شود بی کاتسی د، رد ف' ز بر م، شن	This person should be considered for promotion.	این شخص بایستی برای ترفیح در نظر گرفته شود
هی ایز ا' مبی، شز تو پراک، رس اید شود بی آد 'و' بز ها، تو کو آلی م' فی هیم سلط ف' ز	He is ambitious to progress and should be advised how to qualify himself for.	او آرزوی ترقی کردن را دارد و بایستی او را راهنمایی نمود که چگونه خودرا مستعد آن (ترقی) نماید
هی ایز رکر، لس این و' زک	He is careless in work	او نسبت بکار بی اعتناست او مرتب بساعت نگاه میکند
هی ایز را کلاک وا رچر	He is a clock watcher	(اصطلاحیست بمعنای منتظر اتمام وقتست)
هی شود بی تراس، فرد تو آدز و' زک	He should be transferred to other work	او بایستی بکار دیگری منتقل شود
ا، رکی بو کن، تیک د دی آف	O. K. you can take the day off.	بسیار خوب شما میتوانید امروز بمرخصی بروید

اختلاف و مشاجره

دنت سو، ااز بو 'هون' اریت تو سو، ااز ات می	Don't swear. You have no right to swear at me.	فحش ندهید شما حق ندارید بن فحش بدهید
--	---	---

تلفظ	جمله	معنی
<p>دو یو تینک ایتیز رن، سپیری وات ایز ایشس ریز، پش رون شود ایت بی دان</p>	<p>Do you think it is necessary? What is its purpose? When should it be done?</p>	<p>آیا شما فکر میکنید این (کار) لازم است مقصود از آن چیست؟ چه موقع بایستی تمام شود؟</p>
<p>هو ایز د ریشت کو آلی فوید تو دو رات</p>	<p>Who is the best qua- lified to do it?</p>	<p>بهترین کسی که قادر بانجام آنست کیست؟</p>
<p>ها ایز د ریشت روی تو دو رات</p>	<p>How is the best way to do it?</p>	<p>بهترین راه انجام آن کدام است؟</p>
<p>کنن یو رلت می آف دیس آف ترنون</p>	<p>Can you let me off this afternoon?</p>	<p>آیا شما میتوانید امروز بعد از ظهر منرا مرخص کنید</p>
<p>ای هو آن این رکنیج منت</p>	<p>I have an engagem- ent.</p>	<p>من یک قرار ملاقاتی دارم</p>
<p>ای هو ا لیتل آت سید می ری رنس نو ا رتند تو</p>	<p>I have a little outside business to attend to</p>	<p>من کمی کار خارجی دارم که قصد انجام آنرا دارم</p>
<p>ای دوئت فیل رول ای ای ام تا ریژد</p>	<p>I don't feel well. Oh! I am tired.</p>	<p>من حال خوب نیستم من خسته شده ام</p>
<p>ای ام ال این ای ام ستاندینک آپ ال دی</p>	<p>I am all in I am standing up all day</p>	<p>من بکلی ناتوان شده ام من تمام روز را روی پا ایستاده ام</p>
<p>ای هو دارا هارد رد بیز و رزک</p>	<p>I have done a hard day's work.</p>	<p>من امروز کار مشکلی انجام داده ام</p>
<p>تیم در اکر آن وات ا دراچری</p>	<p>Time drags on. What a drudgery</p>	<p>وقت سختی میگردد چه کار کسل کسده</p>
<p>ای کنن هارد لی ستاند آپ رسترجونس ای هو را رفی رور تو اسک یو</p>	<p>I can hardly stand up Mr Johnson, I have a favor to ask you</p>	<p>من بسختی میتوانم ایستم آقای جونس من میخواهم تقاضای یک مساعدتی از شما بکنم</p>
<p>ویل یو گیو می ا لیتل ریز</p>	<p>Will you give me a little raise?</p>	<p>مسکن است کمی بن اصافه پرداخت کنید (حقوقم را اضافه کنید)</p>
<p>ای هو الارج فیلی تو سوپ ارت</p>	<p>I have a large family to support.</p>	<p>من فامیل بزرگی را اداره میکنم</p>

تلفظ	جمله	معنی
ایت هاز بین ون روز را کسیند تو می ساج آن اگس بل نفی شن تیکس بات لیتل تایم ایت رمی سیم آن ایمپرتنت بات ایتیز وری ایمپرتنت	It has been never explained to me. Such an explanation takes but little time It may seem unimportant, but it is very important.	این (مطلب) هیچگاه برای من تشریح نشده بود اینگونه تشریح فقط کمی وقت میگیرد (لازم دارد) این ممکن است بی اهمیت بنظر برسد لیکن خیلی با اهمیت است

در ایزال
ویژ با برتر
روی

همی بی یو
اکن بی رد
وان تو
فیند رات



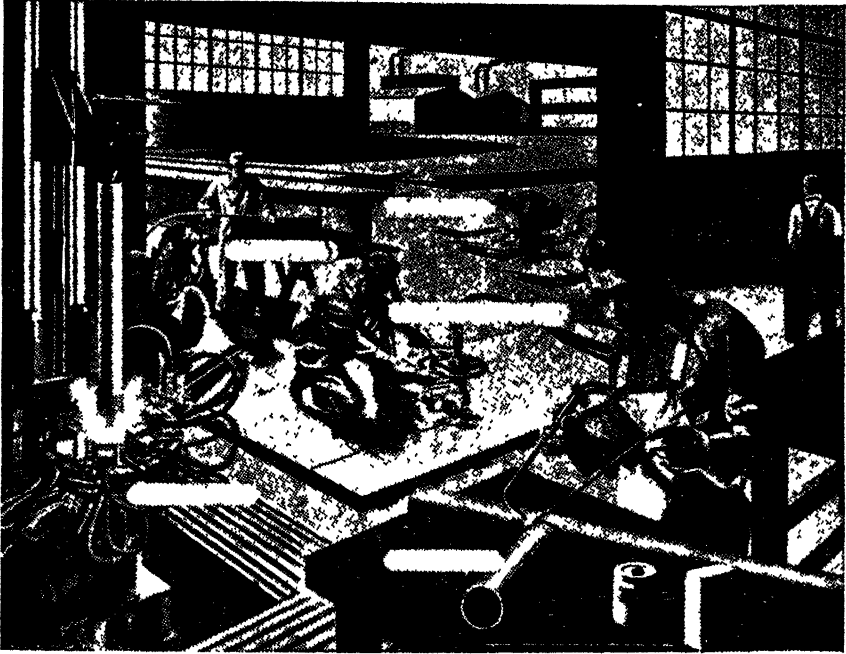
همیشه یک
راه بهتری
هست!

ممکن است
شما کسی
باشید که
آنرا پیدا
کنید!

تینک : فکر کنید

لیست ال دی رتلز آو رد حاب	List all details of the job.	شرح تمام کارهای خود را صورت بردارید
لیست ال ی ژ ماشین و تریک	List all your machine work	تمام کار ماشین خود را صورت بردارید
لیست ال هاند و تریک	List all hand work	کلیه کارهای دستی را صورت بردارید

تلفظ	جمله	معنی
رَاكْرَاكْتُ دَىٰ، مِّنْ رَّشْتَرٍ	icate exact dimensions.	داتعیین کنید



Try always to improve your JOB METHODS

”ترائی آل، ویز“ تو ایپروو ”یز جاب مت“ دوز“

همیشه سعی کنید اسلوب کار خود را ترقی دهید

آل یو هو تو دو ایز
تو بوت را لی تل، متال
این ت، را کابجٹ (کبجٹ)
اند واج د پ، یمن، تر

All you have to do
is to put a little
metal into a gadget
and watch the
pointer

آنچه را که بایستی شما انجام
دهید اینستکه کمی فلز
داخل کار گاه گذاشته و
(درجه بندی) را نگاه کنید

تلفظ	جمله	معنی
آیم نات و بیسانی، بل فَزَات	I am not responsible for it.	من مسئول آن نیستم
ای 'هون' ریشپانسی بی لیتی	I have no responsibility,	من مسؤولیتی ندارم
ای دیدرنت ای، وون تا رچت ای دیدرنت سی، انی وان	I didn't even touch it I didn't see any one doing it.	من حتی بآن دست نزد من ندیدم کسی اینکار را بکند
ای کنتات، اکیورانی وان	I cannot accuse anyone.	من نمیتوانم کسی را متهم کنم
'هون' یو دان انی تینک آو د کابنت	Have you done anything of the kind?	آیا شما هیچ نظیر (اینعمل) را انجام داده اید
ای کو، دنت کاج آن ای دی، دنت ن، ات	I couldn't catch on. I didn't know it.	من نتوانستم آنرا بگیرم من آنرا نمیدانستم
هی واژ این یو، دنت آو دات رول	He was ignorant of that rule.	ایشان از آن قاعده بی اطلاع بوده اند
یو شود 'هون' لد می را با، ت	You should have told me about it.	شما میبایستی راجع بآن قبلا بمن میگفتید
ای 'هون' فی نشت مای و' رکت	I have finished my work	من کارم را تمام کرده ام
و بل یو کیو می سامتینک الس	Will you give me something else?	مسکن است چیز دیگری بمن بدهید (رجوع کنید)
وات دو بو وانت می تو دو، نکنت	What do you want me to do next?	چه میخواهید که من بعداً انجام دهم
ایز، درانی تینک الس ک' تو مشین کنترول	Is there anything else Go to machine control	آیا آنجا چیز دیگری هست؟ ببازرسی ماشین بروید
سناپ د مشین کنترول د این، رتر نال	Stop the machine. Control the internal diameter.	ماشین را متوقف کنید قطر داخلی را بازرسی (کنترل) کنید
دیا، رتر دیس تیوب ایز، ورسایز	This tube is over size	این لوله بزرگتر از اندازه است
دات، لاین ایز آن، در سایز	That line is under size	آن خط کوچکتر از اندازه است
ویل یو پلایز ایندی رکبت	Will you please ind-	مسکن است اندازه‌های صحیح

تلفظ	جمله	معنی
<p>ن روز میند ای کن دورات ال ن ای دنت وانت رانی هلب ای ویل دورات سون</p>	<p>Never mind, I can do it alone. I don't want any help. I will do it soon.</p>	<p>اهمیتی ندارد من میتوانم بتنها می آنها انجام دهم من هیچ کمکی نمیخواهم من بزودی آنها انجام خواهم داد</p>
<p>پر هپس دی یورینگ آن آو پوشات آپ دیس روی</p>	<p>Perhaps during an hour. Push it up this way.</p>	<p>شاید در ظرف یکساعت آنها از اینطرف بیالاهول دهید</p>
<p>بول راب دآن دات روی</p>	<p>Pull it down that way</p>	<p>آنها از آنطرف بیاین فشار دهید</p>
<p>کت راح لند آن دات پ درست دآن</p>	<p>Get a hold on that Press it down.</p>	<p>آنها نگاه دارید بیاین فشار دهید</p>
<p>ای ککات بول راب (بولت ای ویل دورات از سون از ای رکت ترو ویت دیس جاب دو بو سم ک</p>	<p>I cannot pull it. I will do it as soon as I get through with this job.</p>	<p>من نمیتوانم آنها بکشم من پس از آنکه این کار را تمام کردم فوراً آنها انجام خواهم داد</p>
<p>ایت ایز را فلشی ها ربت ن د سنن لمن شود ایندا لچ این سمو کینگ از درینگینگ</p>	<p>Do you smoke? It is a filthy habit. No decent man should indulge in smoking or drinking.</p>	<p>آیا شما سیگار میکشید آن عادت کثیفی است هیچ شخص فیهده نبایستی خود را تسلیم هوا و هوس سیگار کشیدن یا مشروب خوردن نماید</p>
<p>هو دید دات هو بر ک دیس ای دی دنت دورات ای کو دنت هلب رات</p>	<p>Who did that? Who broke this? I didn't do it. I couldn't help it.</p>	<p>چه کسی آن (عمل) را کرد؟ کی اینرا شکست؟ من (اینکار را) نکرده ام من نتوانستم از آن ممانعت کنم (اتفاقی بوده است)</p>
<p>ایتیز نات میای فنت د باس ت لند می تو دو رات</p>	<p>It is not my fault. The boss told me to do it.</p>	<p>این تقصیر (اشتباه) من نیست رئیس بمن گفت اینکار را بکنم (با اجازه او بوده است)</p>

تلفظ	جمله	معنی
کارخانه و محل کار		
دو دیس فرست هاری آپ	Do this first. Hurry up.	اول این (کار) را بکنید عجله کنید
دیس ایز این را کت رایت راش	This is in a great rush.	این خیلی با عجله است
بلیز راش دیس ترو	Please rush this th- rough.	خواهش میکنم اینرا با عجله تمام کنید
ایت ایز دی یو توم'ر' م'ز' نینگ	It is due to-morrow morning.	فردا صبح انجام خواهد شد (دست خواهد داد)
وون کون یو فینیش رات ؟	When can you finish it ?	کی میتوانید آنرا تمام کنید؟
دو یو تینک ایت ویل بی ردی دیس 'اف' تر نون	Do you think it will be ready this after- noon ?	آیا شما فکر میکنید امروز بعد از ظهر حاضر خواهد شد (بود) ؟
کن یو دورات این 'هفت مان آ'ر	Can you do it in half an hour?	آیا شما میتوانید نسیاعته آنرا انجام دهید ؟
ر'ای کن نات فینیش رات' بی ف'ر' تو آ'رز	No I cannot finish it beforetwo hours.	خیر من نمیتوانم آنرا قبل از دو ساعت تمام کنم
دیس ایز تو هوی'ای کن نات لفت'اب	This is too heavy I cannot lift it.	این خیلی سنگین است من نیتوانم آنرا بلند کنم
بلیز کیو می سام هلب آن دیس	Please give me some help on this.	خواهش میکنم برای این کمی بین کمک کنید
کیو می را 'هنتد' بلیز	Give me a hand, please.	خواهش میکنم بمن کمک کنید
کود یو هلب'ی سام ها'	Could you help me somehow?	آیا شما میتوانید جوری بمن کمک کنید
ها' کن' ای هلب' یو	How can I help you?	چگونه میتوانم بشما کمک کنم ؟
آسک'د باس' ف'ر' را هلب	Ask the boss for a help.	از رئیس قسمت تقاضای یک کمک کنید
دانت بی س' لیزی ای'ام تو بیزی آ'	Don't be so lazy. I am too busy now.	اینقدر تنبل نباشید من حالا خیلی کار دارم

تلفظ	جمله	معنی
<p>ادت ف'ز تری س'د لید ماتتس وان ایو نیتک د سب' رتینک ادیت'زکک' هیم اینتو هیز' برای ووت آفیس راند رسد</p>	<p>night after that for three solid months. One evening the spo- rting editor called him into his private office and said :</p>	<p>بعد از آن (برای سه ماه تمام) یک شب رئیس قسمت ورزش او را باطاق خصوصی خود خواند و گفت</p>
<p>لوک هیر ای د'نت نید یو راند ای د'نت وانت یو</p>	<p>Look here, I 'don't need you and I do- n't want you;</p>	<p>«اصطلاحیست برای متوجه نمودن مخاطب در موقع شروع بصحبت بمعنای - گوش کنید - اینجا نگاه کنید - من شما احتیاجی ندارم و شما را نمیخواهم</p>
<p>بات ای د'نت سی انی روی آو کتینک رد' آو یو</p>	<p>But I don't see any way of getting rid of you.</p>	<p>لیکن هیچ راهی نمی بینم که از دست شما خلاص شوم</p>
<p>اگه سبت تو هیز یو دن ای کن' فیرت یو ریت' ای وی (رای دوی) راند پلیر کاذ یو ویل کک' دن راند هنت سام آ دز آفیس</p>	<p>Except to hire you. Then I can fire you right away. And please God you will go then and haunt some other office.</p>	<p>چرا اینکه شما را استخدام کنم آنوقت من میتوانم فوراً شما را اخراج کنم . آنوقت بامید خدا شما بداره دیگری مراجعه خواهی کرد (خدا روزیت را جای دیگر حواله کند)</p>
<p>راند س' د لید واز هاربرد (هیرد) راند هی واز رن رود فاربرد</p>	<p>And so the lad was hired. And he was never fired.</p>	<p>و باین ترتیب مرد جوان استخدام شد. و او هیچوقت اخراج نشد .</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>بی کاکوڑ لوک سام ردی ردو ویل بی آن اہ رہینیک</p>	<p>Because, look, some day there will be an opening.</p>	<p>زیرا ملاحظہ کنید بالآخرہ یک روزی محلی « باز » خواہد شد.</p>
<p>سہی وونت آتہ براند کات ہیم سلف را چاب ازرا ستاک ک لک راند دیس لید ہو مہد کٹ ریت لیت ردی امبی رشن ڈو فاند ہیم سلف رتن ردولی کا تینیک آپ میل رہن آن ردو شرٹس راند دستینیک ردی رہی رشتلی فرام رایت تو فینو</p>	<p>So he went out and got himself a job as a stock clerk, And this lad, who had great literary ambitions, found himself tenderly counting up million undershirts and dusting them patiently from 8 to 5.</p>	<p>پس او خارج شد و برای خودش کاری ماسد اہبار داری پیدا نمود و این جوان کہ خیلی آرزوی علم و ادب داشت دید (خود را بافت) کہ باشعقت « از ساعت ۸ تا ۵ و بیس » میلیونہا زیر پیراہنی را شمارہ نموده و ناصبر و حوصلہ کرد گیری مینماید.</p>
<p>راند اتہ سیکس رترتی ہی وار این رد سب رتینک رد ہارت ہمنت آو د شیکاگو نیوز ہی رہر رہینیک تو سی د سب رتینیک رادتہ نو کیو ہیم رد ورتک</p>	<p>And at 6.30 he was in the sporting department of the Chicago news paper, waiting to see the sporting editor, to give him the work:</p>	<p>و در ساعت ۶ و نیم او در ادارہ قسمت رور نامہ شیکاگو منتظر ملاقات رئیس قسمت ورزشی بود کہ باو کار رجوع نماید</p>
<p>اہ یو آر ہیر را رکن رہس ریلائیڈ د لید رول و اب ای تہ لڈ یو رہس رتدی کڈ فز نو دی</p>	<p>Oh! you are here again? Yes, replied the lad. Well, what I told you yesterday goes for today.</p>	<p>اُہہ باز شما اینجا ئید؟ « باز شما آمدید » « ملی » مرد جوان جواب داد بسیار خوب ہرچہ من دیروز بشما گفتم امروز سکرار میکم « اصطلاحیست بمعنی تکرار میشود »</p>
<p>دن ایل ہی ہک تو م ترو ہید د راید راند رونت ہوم ہی واز ہک نوم ر راند راوری نیت اف رتو</p>	<p>Then I'll be back tomorrow, - said the lad, and went home. He was back tomorrow; And every</p>	<p>جوان گفت « پس من فردا مراجعت خواہم کرد » و بمنزل رفت. او فردا باز گشت و ہرشب تا سہ ماہ تمام « مراجعہ » نمود.</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>یو آر ن' کود تو می وید آت' شیکاگو راگس، بری ریش ها، کن بو، رکت د شیکاگو راگس، بری ریش اوتیل سامیادی کیوز بو، را جاب این شیکاگو</p>	<p>You are no good to me without Chicago experience. How can you get the Chicago experience until somebody gives you a job in Chicago?</p>	<p>شما بدون اطلاعات راجع به شهر شیکاگو برای من خوب نیستید « بدرد نیخورید » چگونه شما میتوانید اطلاعاتی راجع بشیکاگو کسب کنید (نیتوانید) تا شخصی در شیکاگو یک شغلی بشما واگذار کند.</p>
<p>دات ایزی د' پراب' لم اند، رانی، ووی ای' هو ن' ا' پینیک ف' ر' بو هیر</p>	<p>That is your problem and anyway, I have no opening for you here.</p>	<p>این مسئله مربوط به شماست و در هر حال من محلی در اینجا برای شما ندارم.</p>
<p>د، رید، رسد > یومین تو ری ؟ > د، را دیت، ر' رسد > ریش > دن، ایل' در اب' این تو م' ر' سیم، سیم</p>	<p>The lad said: "you mean today?" The editor said "yes." Then I'll drop in tomorrow, sometime.</p>	<p>جوان گفت « معصود شما امروز است » رئیس قسمت گفت (بلی) پس من فردا همین موقع (اصطلاحاً) می‌آیم برای ملاقات کردن) شما را ملاقات خواهم کرد.</p>
<p>هی گات آت' د، رنکست م' رینیک، اند، رسد ایم، ک' فینیک آت' نا راند، رکت، می، سلف، سام وژک ایت دا، رزنت، رینک هانی دیف، رانس، وات کیند آف، وژک از رود ایتیز س' لانیک از ای، رینک ایناف آت' آف، وات تو ایت راند سلیب دن، ای کن اف، ر' نو، ویت ف' ر' دیس، ا' پینیک</p>	<p>He got up the next morning and said: I am going out now and get myself some work, It doesn't make any difference what kind of work or where it is, so long as I make enough out of it to eat and sleep. Then I can afford to wait for this opening,</p>	<p>او صبح بعد درخواست و گفت من اکنون خارج می‌روم و کاری برای خود میگیرم هیچ فرقی نمی‌کند که چه نوع و یا کجا، بیاید همانقدر که من بتوانم از آن تهیه حواب و خوراک کنم. آبوقت من میتوانم تحمل این انتظار را برای باز شدن (محل) بنمایم.</p>

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------

چگونه میتوان کار گرفت - How to get a job

اس يو هو بين لو کيننگ
فتر ا بزى رشن ا تند
اکتت کينند راني

دات ايز نات تو بي وان
د رد ا ت

ايت همي اين رت درست
يو تون دوز آر
ن بز يشن ا بن
تو بي بل هو آر
ا بن ا نلي تو بز يشنس

د فرست تينگ تو دو
ايز تو دي سايد ور
يو و انت تو و توك

ي ز ننگت س تي ايز
تو اگت زرت د ج بنت
تو کيس د ج بنت

اي ني يو ا يانگ فال
وانس هو وان تند ا
جاب آن ا نيوز هي بر
اين شيكاگو

هي وان تند تو ورتك
اين د سب رتينگ
د پارت منٹ

س هي و نت تو د
سب رتيگك ا ديت و
اند سد يو نيد مي
هو بو هتد راني شيكاگو

اگس بزى ريشن
ن اي هو نت

So you have been looking for a position, and can't find any!

That is not to be wondered at.

It may interest you to know there are no position open to people who are open only to position.

The first thing to do is to decide where you want to work.

Your next step is to exert the joint. «to case the joint.»

I knew a young fellow once who wanted a job on a newspaper in Chicago.

He wanted to work in the sporting department.

So he went to the sporting editor and said, «you need me»

Have you had any Chicago experience?

No, I haven't.

پس شما در جستجوی شغلی
هستید و نمیتوانید هیچ (شغلی)
پیدا کنید؟

این چیزی نیست که بآن تعجب
کنید (باعث تعجب نیست)
این ممکن است مورد توجه
شما شود (ممکن است خوشتان
بیاید) که بدانید هیچ شغلی باز
نیست برای اشخاصیکه فقط
در جستجوی مقامند.

قبل از همه چیز بایستی تصمیم
بگیرید کجا میخواهید کار
کنید.

قدم بعد شما کوشش و سعی
برای تلافی (استخدام) است

من یکدفعه مرد جوانی را
میشناختم که شغلی در یکی از
روزنامه های شیکاگو
میخواست.

او میخواست که در قسمت
ورزشی کار کند.

بنابر این او نزد رئیس قسمت
ورزش رفت و گفت
شما بمن احتیاج دارید.

آیا شما هیچ اطلاعاتی راجع
به شیکاگو دارید
خیر ندارم

تلفظ	جمله	معنی
'هُوْ يُو رَا جَابْ فَا رُ مِي	Have you a job for me?	فرمایشی دارید ؟ آیا شغلی برای من دارید.
وَاتْ كُنْ يُو دُو	What can you do?	شما چه می‌توانید بکنید ؟
'اَيْمِ اَنْ رَا كَسْ رِبْرْتْ مکانیک	I am an expert mechanic.	من يك مکانیکِ مطلعی هستم .
'اَيْمِ رَا فِرْسْتْ كَلَسْ رِلْی رِبْرْتْ	I am a first class labourer.	من يك کارگر درجه يك هستم .
'اِي كُنْ دُو رَانِي كَابِنْدِ آو هَارْدِ وُزْكْ	I can do any kind of hard work.	من هر قسم کار مشکلی را میتوانم انجام دهم .
اِي 'هُوْ تُو بِيَزْزِ رَا كَسْ رِبْرِي رِبْرَسْ اَيْنِ دِيسِ وُزْكْ	I have two years experience in this work.	من در این کار دو سال تجربه (اطلاعات و تخصص) دارم .
'اِي 'هُوْ كُوْدِ رِفْ رِنْ رَسْزِ	I have good references.	من تجربیات خوبی دارم .
'اِي 'هُوْ نِ وُزْكْ جَسْتِ نَا	I have no work just now.	من فعلاً کاری ندارم .
سُ رِي 'اِي 'هُوْ اَتِ رَانِي جَاتِ فَوْرِ يُو	Sorry, I haven't any job for you.	متأسفم من هیچ شغلی برای شما ندارم .
بَاتِ سِرْ 'اَيْمِ هَارْدِ آبِ رَا نِدِ 'اِي 'مِبْدَلِي نِيدِ تُو وُزْكْ	But, sir. I am hard up, and I badly need to work.	ولی آقا من دچار سختی (تنگ دستی) میباشم و احتیاج مبرمی بکار کردن دارم .
'اِي 'هُوْ تَرَا رُوْلْدِ رَا لَا نِكْ دِيسِ رِنْسِ وِيسِ رِدِ هِبْ آوْ	I have travelled a long distance with the hope of finding some work here	من مسافت بی‌بیدی را بامید پیدا کردن کاری در اینجا پی‌وه‌ده‌ام .
'اَيْفِنْدِ يَنْگِ سَامِ وُزْكِ هِيرِ رُوْلْ يُو كَامِ رِنْكْسْتِ مَابِدِي رِدِي يُو وُزْكِ	Well, you come next Monday, ready to work.	بسیار خوب شما دوشنبه آینده آمده و حاضر بکار باشید .
'اِي وِیلْ نُرَايِ يُو	I will try you.	من شما را امتحان خواهم کرد .
'تَنَكْ يُو رَسْزِ گُوْدِ بَايِ	Thank you, sir. Goodbye.	م.شکرم آقا خدا حافظ

تلفظ	جمله	معنی
<p>— پُ پرس من — آن این جی پرنر نُ سر ای اهوُن تِ دِوید</p>	<p>— pressman. —an engineer. No, sir, I have no trade.</p>	<p>من یک چاپچی هستم. >> مهندس هستم. خیر آقا تخصصی ندارم.</p>
<p>ایم را کامان (ک من) ولی پِرو وِو ایز ایبل تِ مِت آفیس پلینز آن دِ وست سید آوِ دِ ترِد فلُ ژ کِ نو دِ ایف ژ مِ وِش دِ سِک</p>	<p>I am a common labourer. Where is employment office please? On the west side of the third floor. Go to the information desk.</p>	<p>من یک کارگر معمولی هستم. اداره استخدام کجاست؟ (خواهش میکنم) در قسمت غربی طبقه سوم. به دفتر (میز) اطلاعات بروید</p>
<p>یس سِو هوم دو یو وِش تو سی ای وود لیک تو سی دِ فِر مَن - باس ال لُ ریت سِو کِ لُ ریت آپس ترز هیر ریم ایز جِ نس یو وِیل فیند هیم ا- دِ دِسک</p>	<p>Yes, sir, whom do you wish to see? I would like to see the foreman, -(boss) All right, sir. Go right up stairs His name is Jones. You will find him at the desk.</p>	<p>بله آقا چه کسی را مایلید ملاقات کنید (ببینید ؟) من مایلم رئیس قسمت را ملاقات کنم بسیار خوب آقا مستقیم بروید بالا . اسم او (جونس) است شما او را پشت میز خواهید دید (پیدا خواهید کرد) او هنوز نیامده است .</p>
<p>هی ها رزنت کام ریت ای اکس ریکت هیم رای می رنت یو یکن رویت اُت دِ آفیس او تیل هی کامز دِ ژ هی ایز کامینک نا کود مِ ژ بینگ مِس تر جِ نس</p>	<p>He hasn't come yet. I expect him any minute. You can wait at the office until he comes There he is coming now. Good morning. Mr. Jones.</p>	<p>من هر دقیقه انتظار او را دارم (یکی دو دقیقه خواهد آمد) شما میتوانید در دفتر منتظر باشید تا او بیاید. او اکنون دارد میآید سلام آقای (جونس)</p>
<p>می ای هلبُ یو</p>	<p>May I help you?</p>	<p>آیا ممکن است من بشما کمک کنم (اصطلاحاً) برای سؤال بمعنای چه</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>اَبَل، نِيَك وان مَزْ 'چُنْس يو ب، نَر نَاب تو، نِيَك راني 'چُنْ سز اَي 'ام (آبَم) نَاب رِيَكِيَنَك راني 'چُنْ سز وَا آر يو، وِشِيَنَك فَر مِيَنَك آپ يَزْ 'مِيَنَد</p>	<p>I'll take one more chance. You better not to take any chances. I am not taking any chances. What are you waiting for? Make up your mind.</p>	<p>من يكبار ديگر هم امتحان ميكنم (ريسك ميكنم) شما بهتر است هيچ (ريسك نكنيد) خود را بخطر نيندازيد. من ابدآكار احتمالي نيكينم (خود را بخطر نيندازم). شما معطل چه هستيد؟ اصطلاحيست كه در مواقع ترديد گفته ميشود بمعناي تصميم خود را بگيريد. بالاخره تصميم شما چيست؟</p>
<p>وَا ايزي ز ديسي رُون اَف، تَر اَل اَي 'هَب ايت ويل، تَرُن آوَر اَل 'ايت اَي 'هَب ايت وُ دَر كَس رِغْس كِيَب 'هَبِيَنَك</p>	<p>What is your decision after all? I hope it will turn out all right. I hope it works. Let us keep hoping.</p>	<p>من اميدوارم كه خوب از آب درخواهد آمد. اميدوارم مفيد واقع شود. بگذرايد اميدوار باشيم.</p>
مكالمات برای استخدام		
<p>آبِم لوكِيَنَك فَرُ رَا جَاب كود يو، تَلْ مِي رور اَي كَن 'فِيند رَا جَاب</p>	<p>I am looking for a job. Could you tell me where I can find a job?</p>	<p>من در جستجوی کاری میباشم آیا شما میتوانید بن بگوئید کجا میتوانم کاری پیدا کنم</p>
<p>هَوُ يو، راني س، رِشِيَالِيَنِي (ت رويد) رات كابيند آوَر اَس، رِشِيَالِيَسْت آوَر يو ايم رَا كار رِين رتو — رِئِن رتو — رتِي رار — بارَ رِئو</p>	<p>Have you any speciality? (trade) What kind of a specialist are you? I am a carpenter. — painter. — tailor. — barber.</p>	<p>آیا شما هيچ تخصصی داريد؟ شما چه تخصصی هستيد. من يك نجارم . > > نقاشم. > > خياطم. > > سلطانی هستم</p>

تلفظ	جمله	معنی
ای 'ام آو، د، آ بینی، رین دات.	I am of the opinion, that —.	من باین عقیده ام که —
ایف بو، تیک، امی، آو، 'وئیس	If you take my advice —.	اگر شما نصیحت مرا قبول کنید
'ای 'ام تینکینگ آف وان، وی	I am thinking of one way.	من یک راهی را فکر میکنم.
این ن، وی، انی تینک، یو، سی	In no way. Anything you say.	بهیچ راه. هر چه شما بگوئید.
آن، 'ایدی یا شترایکس می، آن، 'ایدی یا 'جست، کیم	An idea strikes me. An idea just came to my mind.	یک فکری بخاطرم رسید. هم اکنون فکری بخاطرم رسید.
تو، می، میند، لئس دو سامتینگ، ابا، 'تت	Let us do something about it.	بگذارید راجع بآن (عملی انجام دهیم).
'لئس دو سامتینگ، الس، دیس ایز، ا، وری، کود	Let us do something else. This is a very good idea.	بگذارید کار دیگری بکنیم. این یک عقیده بسیار خوبی است.
'ایدی یا، وات دو یو تینک، لئس دو، س'	What do you think? Let us do so.	شما چه فکر (نصود) میکنید بگذارید همینطور (عمل) کنیم
ای، 'هد، را، در، (ایتیز)، ب، تر	I had rather. It is better.	من ترجیح میدهم. این بهتر است.
وود ایت نات بی، ب، تر، ایتیز، د، بست، تیک، وی	would it not be better It is the best thing we can do.	آیا این بهتر نخواهد بود. این بهترین کاریست که ما میتوانیم بکنیم.
کن، دو، دیس ایز، د، 'نلی، تینک، وی، کن، دو	This is the only thing we can do.	ما فقط میتوانیم این کار را بکنیم.
یو، 'هو، وان، م، 'و، 'چنس، کیو، می، وان، م، 'و، 'چنس	You have one more chance.	شما یک شانس دیگر هم دارید.
		شانس در جملات مختلف معانی مخصوص میدهد که گاهی متضاد میباشد.
کیو، می، وان، م، 'و، 'چنس	Give me one more chance.	بمن فرصت (امکان عمل) بدهید

نلفظ	جمله	معنی
نو سِرُ ان رايت يو رمی ك	No, sir . All right, you may go	خیر آما بسیار خوب شما میتواید بروید

تردید و تبادل نظر

واب ایز تو بی دان واب ك 'رُس' شود وی بیک	What is to be done? What course should we take?	چه بایستی انجام شود ؟ چه راهی را بایستی پیش بگیریم ؟
واب 'شَل' وی دو واب 'هُو' وی بو دو وَلْت 'اَس' (رَلْتَس) سی وی ماسْت رِیصالو آبان سائِیْنِکْ	What shall we do? What have we to do Let us see.	ما چه خواهیم کرد ؟ ما چه کاری داریم انجام بدهیم ؟ نگذارید ببینیم . ما بایستی به چیزی تصمیم بگیریم
وی ماست تَبِکْ سام ك 'رُس' ء ای دَنْتْ ن' واب تو دو	We must resolve upon something We must take some course. I don't know what to do	ما بایستی راهی پیش بگیریم من میدام چه کنم .
ای ام این را گِرِیْت رام اب رِیْبِیْتْ وی آر این را گِرِیْت رِبِ بیکسیتی	I am in a great embarrassment We are in a great perplexity	من در یک سرگردانی (محمه) بررکی هستم مادریک حیرت (سرگردانی) بررکی هستیم .
دیس ایر پوری رام رِیْسِیْنِکْ دَنْتْ 'یو تَبِکْ س' ای تَبِکْ س' ای دَنْتْ تَبِکْ س' ای داب' رابا'ت ایت آر بو شور تَبِکْ راب' ا' رود لیو راب' تو می ایف ای روز' یو ایف ای روز' این بُر' (یور) بِلِیْتْس	This is very embarrassing Don't you think so? I think so I don't think so I doubt about it Are you sure ? Think it over Leave it to me. If I were you. If I were in your place.	این خیلی مبهم است . (خیلی سرگردانی است) آشما ایطور تصور نمیکید ؟ من همینطور خیال میکنم . من ایطور خیال میکنم . من راجع آن مشکوکم . آیا شما مطمئنید ؟ (محدداً) راجع آن فکر کنید . آنها من واگذار کنید . اگر من (مثل) شما بودم اگر من بجای شما بودم .

تلفظ	جمله	معنی
<p>مَیْ، وَوِیْفِ اِیْرَانِ تَلِّ مِیْ هِیْزِ وَوِیْفِ زُ، اِنْدِ هِیْزِ چِیلْمُ، دَرَسْ، نِیْمِ زُ</p>	<p>My wife is in Iran Tell me his wife's and his children's names</p>	<p>همسر من در ایران است اسامی همسر و اولاد ایشانرا من بگوئید</p>
<p>هَآ، لَاسْکْ هِزْ، یِزْ آن رِکَلْ یِیْنِ اِیْنِ دِیْسِ کَاشْرِیْ</p>	<p>How long has your uncle been in this country?</p>	<p>چه مدت است که عموی شما در این مملکت است ؟</p>
<p>اَلْ، مِشْتِ، رَتْنِ، یِیْرُزْ دید یو بی، یُر، مِزْ، اَزْ سام و ان، اِلِس، یِیْنْدِ، اِیْتِ اَفْزِ، یُو</p>	<p>Almost 10 years. Did you pay your fare or someone else paid it for you?</p>	<p>تقریباً ده سال . آیا شما کرایه خود را داده اید یا شخص دیگری آنرا برای شما پرداخته است ؟</p>
<p>هَرِ، دَرُزْ، یِیْنِ، اِیْمِ، بَرَامِیْرُ تُو، یُو، اَفْرُ، زُ، زُکْ</p>	<p>Has there been any promise to you for work?</p>	<p>آیا هیچ قولی برای کار در آنجا شما داده شده است ؟</p>
<p>نُ، یِیْرُ، نَابْ، رِیْتْ آدْ، بُو، کُکْ، تِیْسْکْ، تُو، اِیْمِ اَدْ، رُسْ، اِیْنِ، بَازَرِ، تِیْکُو، اِلِرْ</p>	<p>No, sir, not yet. Are you going to any address in parti - cular ?</p>	<p>خیر آقا (هموز خیر) آیا شما با آدرس مخصوصی میروید</p>
<p>رِیْسِ، سِرْ، اِیْ، اَمْ، کُ، تِیْسْکْ دِیْ، رِکَلْ، تُو، اِیْمِ آنْ، کَلْ</p>	<p>Yes, sir, I am going directly to my un- cle .</p>	<p>بله آقا من مستقیماً بر دعوای خود میروم</p>
<p>وَنِ، دِیدِ، یُو، هِیْرُ فِرَا، هِیْمِ، اِلْسْتِ اِبَا، تُو، وِیْکَسْ، اَتْکْ</p>	<p>When did you hear from him last? About two weeks ago</p>	<p>آخرین موقعیکه از او خبری داشته اید چه موقع بوده است ؟ تقریباً دو هفته قبل</p>
<p>هَآ، مَاجْ، اِنْدِ، وَا، کَایِنْدِ مَایْ، اِهُو، یُو، اِنَا، تُو، یُو</p>	<p>How much, and what kind money have you about you?</p>	<p>چه مبلغ و چه نوع پول نا (همراه) خود دارید .</p>
<p>اِیْ، اِهُو، سِ، دِ، اِلِرْ، اَسْ دِ، رَکَشْ، اِنْدِ وَا، نَا، رِنْدِ، فِرَا، سِکْشِ هَؤْ، بُو، هَدَا، اِیْ، تِرَا، اِیْلِ وِیْتِ، یُ، زُ، اِنْرِ</p>	<p>I have 10 dollars in the cash, and one thousand francs I've you had any trouble with you eyes ?</p>	<p>من ده دلار نقد و یک هزار فرانک نا خود دارم</p>
<p>آیا شما هیچگونه چشم دردی داشته اید ؟</p>		

تلفظ	جمله	معنی
بین برید رايات، تن، بیرد ها، منی چیلد، رن، هو یوگان ای، هون، چیلد، رن ات ال ای، هو، وان، بی، اند تو، رکن، لور وات، آر، دیز، نیم، راند دیز، رایجیژ دیز، نیم، آر دیز، رایجیژ، آر فیفتین، ایٹ، راند، فینو هو، یو، بین، این، دیس کانتیری، بیف، دز ن، سز، دیس، ایز، می فوسٹ، نیم هو، یو، رائی، رلا، تیمز هیز	been married? About 10 years. How many children have you got? I have no children at all. I have one boy and two girls. What are their names and their ages? Their names are— Their ages are fifteen eight, and five. Have you been in this country before No, sir, this is my first time. Have you any rela tives here? Yes, sir, I have. Uncle, father, son, brother, sister - in- law, mother-in-law What is his name? Where does he live? He lives in — Where does he work? He works at — He is in business for himself. He is a businessman. He is not married His wife is not living	کرده اید؟ تقریباً ده سال چند بچه دارید؟ من بچه ابدأ ندارم . من یکپسر و دو دختر دارم اسامی و سن آنها چیست اسامیشان — است . سشان پانزده، هشت و پنج (سال) است. آیا شما قبلاً در این مملکت بوده اید؟ خیر آقا این اولین دفعه من است . آیا شما هیچ بستگانی در اینجا دارید. بلی اقا من یک عمو (دائی) پدر - پسر - برادر زن مادر زن و (غیره) دارم . اسم ایشان چیست ؟ کجا اقامت دارد - زندگی میکند او در — اقامت دارد او کجا کار میکند ؟ او در — کار میکند او برای خودش تجارب میکند (تجارب شخصی دارد) او مرد تاجر است او ازدواج نکرده است . همسرش در گذشته است

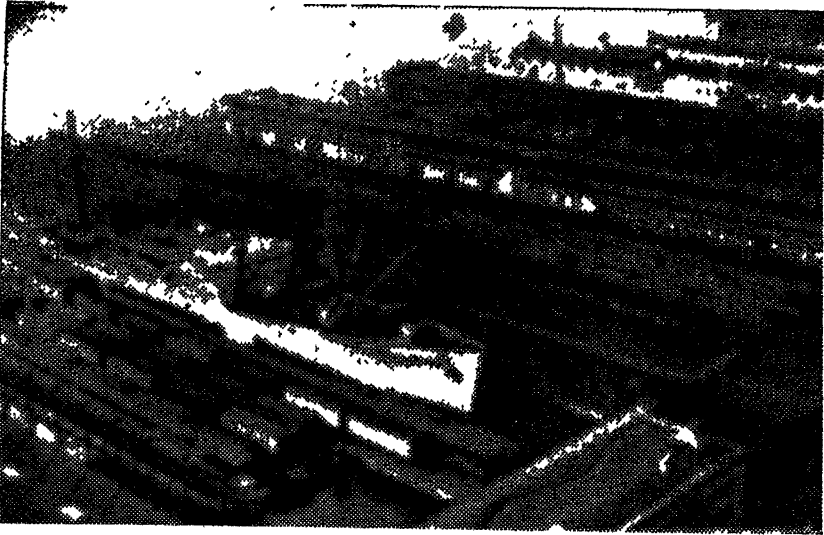
تلفظ	جمله	معنی
اَیْ دَنْتْ نَ یورب رتو کِه تو رد بُنک	I don't know, you better go to the bank.	من نمیدانم شما بهتر است به بانک بروید.
هنگام ورود در گمرک		
وآ ابر بز ریم مای ریم ایز	What is your name? My name is —	اسم شما چیست ؟ اسم من — است
وآ ایز یر 'لست ریم مای 'لست ریم ایز — ها' الڈ آرزو	What is your last name? my last name is —.	اسم فامیل شما چیست ؟ اسم فامیل من — است سن شما چیست ؟
ای ام تو راشی فیزو بیرزا لڈ رو، وریو ب' زن	How old are you? I am 25 years old.	من بیست و پنج سال دارم (۲۵) سال بیرهستم) کجا متولد شده اید ؟
ای وآب رتن این تهران ایران واب ایز بر آ کو بی شن	Where were you born ? I was born in Tehe- ran, Iran	من در تهران ایران متولد شده ام شغل شما چیست ؟
ای ام اکار، پین رتو — رپین رتو — بی رکز — ستو دنت — لی ریزو — آن اینچی ریس آرزو، مریه	What is your occu- pation? I am a carpenter. — painter, — baker. — student. — labourer.	من یک نجار هستم. » نقاش هستم. » نانوا هستم. » محصل » کارگر » مهندس
ن رسر ای ام سین رگل ریس رسر ای ام مریه واب ابر یر ویف ر ریم هر ریم ایز — ها' لاسک هو یو بیس	I am an engineer Are you <u>married</u> ? No, sir, I am single Yes, sir, I am married What is your wife's name? Her name is — How long have you	'آیا شما ازدواج کرده اید خیر آقا من مجرد هستم بلی آقا من ازدواج کرده ام اسم زن شما چیست ؟ اسم ایشان — است. چه مدت است که شما ازدواج

تلفظ	جمله	معنی
می تو وای شوڈ وی دو را با ت یو رب تزنات تو ایٹ ات ان	Me too; what should we do about it? You better not to eat at all.	من هم همینطور. چه میتوانیم برای (راجع به) آن بکنیم؟ ما بهتر است ابدأ چیزی نخورید.
لوک رد سی لژز آژ س شوژ آژ دم سلفز	Look; the sailors are so sure of themselves.	ملاحظه فرمائید ملاحان چقدر نسبت بخود مطمئنند.
وی آژ گوئینگ تو ریچ د شز سون	We are going to reach the shore soon.	ما بزودی بساحل خواهیم رسید.
وی آژ گوئینگ تو بی واکسی نی توند سون	We are going to be vaccinated soon.	ما بزودی تلقیح خواهیم شد
'ای هوبین واکسی نی تند ای سردی	I have been vaccinated already.	من تلقیح شده‌ام (در گذشته)
لوک آرت فز می تینگز	Look out for my things.	انابه من رانگاه کنید (متوجه باشید).
ایژ دیس رد وان دات وان تو	Is this the one? That one too.	این یکی است؟ آن یکی هم (هست)
ایژ یز نیم آن ایٹ ویل یو اگر امین دیس	Is your name on it? Will you examine this trunk, please	آیا اسم شما روی آن هست ممکن است این چمدان را معاینه فرمائید (خواهش میکنم)
وژ کن ای چنچ می مانی	Where can I change my money?	کجا میتوانم پول خود را تعویض کنم
اوه د مانی اکس حنج ایز کوایت ا	Oh! the money exchange is quite a confusing problem.	اوه - تعویض پول کاملاً یک قضیه بفرنجی است.
کانفورسیک برابر لم وات کد آف مانی	What kind of money have you got?	شما چه نوع پولی دارید؟
'ای هو ا هنت رد یا ندز	I have a hundred Pounds.	من یکصد پوند دارم
هآ ماج ایژ آن اینگلیش پاند وژت بائی	How much is an English pound worth by American dollar?	آیا ارزش یک پوند انگلیسی بدلار آمریکائی چقدر است؟
آمریکن د لژز		

تلفظ	جمله	معنی
<p>تشکیو کوه بائ دیش ایز منی قزنت تایم آن رد سی</p>	<p>Thank you; Good-bye. This is my first time on the sea.</p>	<p>متشکرم خدا حافظ . این اولین باریست که من روی دریا هستم . شما چقدر از آن خوشتان میآید؟ - اصطلاحی است برای (چطور است ؟)</p>
<p>هآ دو یولیک، ات</p>	<p>How do you like it?</p>	<p>من فکر میکنم خوب است ومن خیلی آنرا دوست دارم</p>
<p>ای تینک ایتیر نیش اند ای لی کت وری ماچ</p>	<p>I think it is nice, and I like it very much.</p>	<p>من ده سال است (ده سال اخیر) که با کشتی مسافرت میکنم .</p>
<p>ای هو بین ترا ولینک آن رد شیب فز دلت تن مینر</p>	<p>I have been travel- ling on the ship for the last ten years.</p>	<p>به بینید چه افق زیبایی است دریا خیلی آرام است . بگذارید (بفرمائید) برویم به دانس . برویم برای بازی . شنا کردن .</p>
<p>سی هآ بیو تیغول دهرای ذن ایز رد سی ایز س کالم</p>	<p>See how beautiful the horizon is. The sea is so calm.</p>	<p>— به بار برای نوشیدن . من میخواهم قدری مکالمات انگلیسی یاد بگیرم . (مشق کنم) . این بهترین موقع برای این مقصود است . دریا خیلی متلاطم (خشن) است باد برخلاف جهت ماست .</p>
<p>لت اس ک تو دسینک</p>	<p>Let us go to dancing</p>	<p>— با بازی کردن .</p>
<p>— ریلی را کیم — سوئی مینک — تو بار افز را دربینک</p>	<p>— play a game. — swimming. — to bar for a drink</p>	<p>— به بار برای نوشیدن . من میخواهم قدری مکالمات انگلیسی یاد بگیرم . (مشق کنم) . این بهترین موقع برای این مقصود است . دریا خیلی متلاطم (خشن) است باد برخلاف جهت ماست .</p>
<p>ای وات تو پراکتیش سام اینگلیش کان روز سی شن دیش ایز رد بشت تایم فز دیش ریز پس رد سی ایز س راف رد ویند ایز را گینست اس</p>	<p>I want to practise some English con- versation. This is the best time for this purpose. The sea is rough. The wind is against us.</p>	<p>من مریض بدمی شدم (حالت نوع واستفراغ است که در موقع زیاد تکان خوردن کشتی دست میدهد).</p>
<p>ای هو را به سی سینک</p>	<p>I have a bad sea sick</p>	<p>من مریض بدمی شدم (حالت نوع واستفراغ است که در موقع زیاد تکان خوردن کشتی دست میدهد).</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>تزد کلاس؛ رفتمی کوؤ — مات از گوؤ از دس، کئذ کلاس آف کؤس (کورس) بات کوؤ ایناف فزد پرائس</p>	<p>third class? Fairly good;—not as good as the second class, of course, but good enough for the price.</p>	<p>تقریباً خوب— البته نه بخوبی درجه دوم ولی نسبت به قیمتش خوب است .</p>
<p>هآ سآج لا رگچ آروى ال ذ تو تینگ ویس اش وید آت چارج</p>	<p>How much luggage are we allowed to take with us with- out charge?</p>	<p>چه مقدار اثاثیه بدون پرداخت بپاء اضافی مجاز است که ما خود برداریم ؟</p>
<p>دو وی هؤ تو می اگزا میند بی فز این ترینگک د شیب نو سز یو رمی سی اگزا میند این ساید د شیب</p>	<p>Do we have to be examined before entering the ship? No, sir, you may be examined inside the ship.</p>	<p>آیا ما بایستی قبل از ورود بکشتی معاینه شویم . خیر آقا شما ممکن است در داخل کشتی معاینه شوید.</p>
<p>هؤ یو انی ترا ربل ویس فبز آبر نو سرائی هون ترا ربل وانس را روز ردز ایژن دانت یو ویل بیس</p>	<p>Have you any trou- ble with your eyes No, sir. I have no trouble whatsoever There is no doubt you will pass.</p>	<p>آیا شما هیچگونه چشم درد دارید . خیر آقا من از اینگونه اشکالات ندارم . شکئی نیست که شما قبول خواهید شد .</p>
<p>کیژ می راتی رکت فز فزست کلاس تو نیویورک</p>	<p>Give me a ticket for the first class to New-York.</p>	<p>یک بلیط درجه یک برای نیویورک بمن بدهید .</p>
<p>ویل یو رز ریس تر فز رنیم هیز دیش ایژن فز الیف ایشو رنس</p>	<p>Will you register your name here? This is your life in- surance.</p>	<p>ممکن است (خواهش میکنم) اسمتانرا اینجا بنویسید . این بیمه نامه عمر شماست . (در مدد مسافر) .</p>
<p>دیس ایژن فز تی رکت دیش ایژن فز کابین نم رین</p>	<p>This is your ticket. This is your cabin number.</p>	<p>این بلیط شما است . این شماره اطاق شماست .</p>
<p>هؤ را نیش و ریح</p>	<p>Have a nice voyage.</p>	<p>اصطلاحی است برای سفر بخیر</p>

تلفظ	جمله	معنی
یس سز دیس ایز د پلیس	Yes, sir. This is the place.	بلی آفا همین محل است
رون ویل د نکست ستی رمز آو د فرنیچ الاین لیو	When will the next steamer of the French Line leave for New York?	چه موقع کشتی بعدی (اولین کشتی) خط فرانسه بطرف نیویورک حرکت خواهد کرد؟
نکست ماندی ات فز اکلاک این د آفتز (آف تز) نوو وات ایز د ریتم آو د بت	Next Monday at four o'clock in the afternoon.	دوشنبه آینده ساعت چهار بعد از ظهر
وات ایز د فرمز تو نیویورک اکلاس	What is the name of the boat?	اسم کشتی چیست؟
وات ایز د فرمز تو نیویورک اکلاس	What is the fare for third class to New - York?	تراجه تا نیویورک برای درجه سوم چه مبلغ است؟
وات ایز د فرمز تو نیویورک اکلاس	What is the fare for second class?	تراجه برای درجه دوم چه مبلغ است؟
وات ایز د دیف رنس	What is the difference?	تفاوتی دارد؟
دو وی هورا بتر (رب تر) سرویس ب تر قوذ؟ ایز ایث را کلین راند شترانگک شیب	Do we have a better service? — a better food?	یا ما سرویس (پذیرایی) بهتری خواهیم داشت؟ غذای بهتری؟
یس سز ایث ایز کانس د د و وات آف د بشت شیز آو د فرنیچ لاین	Is it a clean and strong ship?	یا کشتی تمیز و مستحکمی است؟
رون ایز ایث د بو وات نیویورک؟	Yes, sir; it is considered one of the best ships of the French Line.	آفا این یکی از بهترین کشتیهای خط فرانسه تلقی میشود
سیکس د یز اف رز ایث دبار چز	When is it due at New-York?	به موقع به نیویورک خواهد رسید؟
دو یو کیو پ رتی گوو سرویس این د ترز کلاس	Six days after its departure.	شش روز پس از عزیمتش
	Do you give pretty good service in the	آیا شما در درجه سوم خوب پذیرایی میکنید؟

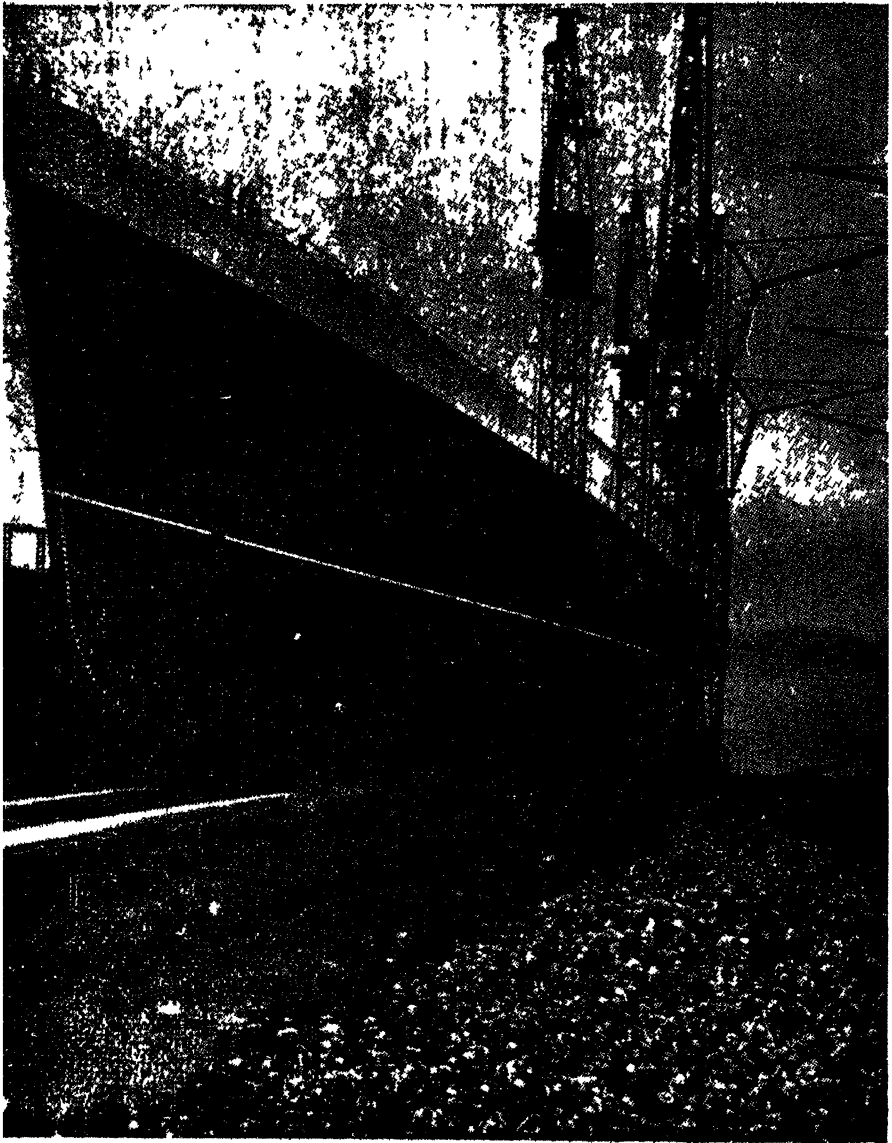


By rail to dock side

از راه آهن به اسکله

مسافرت با کشتی

ستیم شیپ، ا، جنسیز 'فرنج' لاین ('الین') داچ لاین بریتیش، 'روژ سیز' لاین امریکن پاسیفیک لاین	Steamship agencies French Line Dutch Line British Overseas Line American Pacific Line.	شعبه نمایندگی کشتی بحار (کشتی های مسافرتی) خط فرانسه — هلند — انگلستان و (آنور) دریاها — امریکا و اقیانوس کبیر
ایز، دز وان هیز هو سپیکس اینگلیش؟	Is there one here who speaks En - glish?	آیا اینجا کسی هست که انگلیسی صحبت کند
یش، هرز وی کن شیک د انگلیش 'اسکو، راج' آز بو آن، ا، حست فر و 'فرنج' لاین؟	Yes, sir, we can speak the English language Are you an agent for the French Line?	ای آه، ما میتوانیم بر بان انگلیسی صحبت کنیم آیا شما شعبه نمایندگی خط فرانسه هستید



تلفظ	جمله	معنی
سأنت أمريكا ايز تریبلی هات	South America is terribly hot.	در آمریکای جنوبی گرمای موحشی است -
نیویورک ایز وان آو رد بی ذی ریست سیتی آو د و'رلڈ	New York is one of The busiest city of the world.	نیویورک یکی از شلوغترین (مشغولترین) شهرهای دنیا است .
ایف یو گت آپ تو رد ن'رت ووست یو ویل فیند آن رارورڈ مکربن تان	If you go up to the north-west you will find an ever- green town.	اگر شما بروید بطرف بالا (شمال غرب) یک شهر همیشه بهاری خواهید یافت .
هآ دو یو لیک شیکاگو	How do you like, Chicago?	شیکاگو را چطور دوست دارید .
اوه ای 'هو هرڈ را لاب تریبلی تینکس رایآ رت	Oh! I have heard a lot terrible things about it.	اوه - من راجع بآن شهر یک چیزهای موحشی شنیده ام .
وای دانت یو گت تو میشیگان	Why don't you go to Michigan?	چرا شما بمیشیگان نمیروید ؟
لیک میشیگان ایز را گت ل ردن لیک ایندید	Lake Michigan is a golden lake indeed.	در باجه میشیگان در حقیقت یک دریاچه طلائی است .
ایف ای دی دنت 'هو تو تراول ای وود س رتی مات می آن کاتری	If I didn't have to travel, I would stay at my own country	اگر من مسافرت کردن اجباری نداشتم در مملکت خود می ماندم .
یو دنت 'هو تو گت را نی ورت ایف یو دنت وانت تو	You don't have to go anywhere, if you don't want to.	شما مجبور نیستید جاییکه دوست ندارید (نمیخواهید) بروید .
س دای ویل س رتی هوم	So, I'll stay home.	بنابر این من خانه خواهم ماند



تلفظ	جمله	معنی
آز بو گه تینک تو	Are you going to	آباشما بکالیفرنیا میروید ؟
کالیفرنیا	California?	
ها لا تینک ویل یو	How long will you	چه مدتی شما آنجا خواهید -
سرتی ردر	stay there?	ماند ؟
ابانت را مانس	About a month.	تقریباً نزدیک یکماه .
رون دو یو تینک	When do you think	شما فکر میکنید که کی
آو گه تینک	of going?	حرکت خواهید کرد ؟
ای رست آت توم'ر	I set out to-morrow,	من فردا خواهم رفت .
هو یو رمید ال	Have you made all	(حرکت خواهم کرد)
یر بپر پاریشنو	your preparations?	آباشما تمام تهیه خود را
اوری تینک ایز ردی	Everything is ready.	دیده اید ؟
دو یو این رتند تو	Do you intend to	همه چیز حاضر است .
دی ریزن سون	return soon?	آباشما خیال (قصد) دارید
آر بو گه تینک فر	Are you going for	زود مراجعت کنید ؟
پل ردر از آن	pleasure or on	آباشما برای تفریح (خوش
بی ذی رنس	business?	گذرانی) میروید یا برای
ای این رتند تو س رتند امی	I intend to spend my	کار (تجارت) ؟
رو کیشن ردر	vacation there.	من خیال دارم تعطیلات خود
ای رمی ستار را بیزی	I may start a busi -	را در آنجا بگذرانم .
رنس ردر	ness there.	من ممکن است در آنجا
دید یو وارور تراول	Did you ever travel	شروع بکار کنم .
بو رد روست	to the west?	شما هیچ بطرف غرب
ن ای دی دنت هو را	No I didn't have a	مسافرت کرده اید ؟
چننس نو	chance to.	خیر سن شانس آنرا نداشتم
ای هو سین ال امروز	I have seen all over	(وقت آنرا نداشتم) .
رد ایست ک است آو رد	the east coast of	من تمام اطراف کرانه های
یو ای رتند س تینس	United States.	شرق ممالک متحده را دیده ام
ویچ س رتند دو یو	Which State do you	کدام استان را از همه بیشتر
ایک رد رتند	like the best ?	دوست دارید ؟
ای رکس ال آو رد	I guess all are the	من تصور میکنم همه یکجورند
سیم	same.	

تلفظ	جمله	معنی
هآ ماخ اشل وی پای فو وی اشل بلی فون مانی ای دیت لیک کم بلینک میت تو پيس اروی رد تیم کات پلینز	How much shall we play for? We shall play for no money I don't like gambling. Just to pass away the time Cut please	چه مبلغ (شرط چه) - بازی خواهیم کرد ما برای پول بازی نخواهیم کرد من قمار کردن را دوست ندارم فقط به منظور گذراندن وقت شوا هشتم قطع (کوپ) بفرمائید . کی بایستی ورق بدهد ؟ شما مایسی ورق بدهید مجدداً ورق بدهید . من دست خوبی دارم . نوبت شماست بازی کنید . من بازی میکنم - يك - دل (قلب) - حشت - ترقل (کشیر) - سیاه (بیک) - شاه - بی بی من باختها
هو ایز نو دیل یو آر نو دیل دیل راکین ای هو را گود هاند راتیز فیز ورس پای ای پای ای هآرت دی مند کلاک س ریپند کینگ کوین ای هو لاست	Who is to deal? You are to deal Deal again I have a good hand. It is your turn Play I play a heart, diamond. club spade king queen I have lost	

مسافرت

کلیه حاده های رفتگی بین شهرهای آمریکا دارای شماره است بطوریکه اشخاص میتوانند از روی نقشه (نقشه های مخصوص مسافرت با شماره خطوط مسافرت) (Road Guide) با آسانی و بدون اشتباه مقصد برسند .
در کلیه فروشگاههای بیین « رُود گاید » (راهنما) مجاناً بهراندن داده میشود .

تلفظ	جمله	معنی
هی هز آن راد کت دیس ریزین وات کینه آو، ا لیدی ایز شی ای تینک هی ایز را، وری کود هارتد من هی لیز می، نیم، سیک شی ایز را وان رد قول لیدی شی ایز جت سویت راند بی یوتیفول هی ایز را هند، سم من شی ایز را لاولی، کرل هی ایز ا وری شمار ب ی ای ویش ای نی یو هر	He has an arrogant disposition. What kind of a lady is she? I think he is a very good hearted man. He is my name-sake. She is a wonderful lady. She is just sweet and beautiful. He is a handsome man. She is a lovely girl. He is a very smart boy. I wish I knew her.	او یک وضع متفرغنی دارد . او چطور خانمی است ؟ من تصور میکنم او یک مرد بسیار خوش قلبی است . او هم اسم من است . او یک خانم بسیار خوبی است . او در حقیقت دختری است شیرین و زیبا . او مرد خوشگلی است . او دختر محبوب و دلربای است او پسر باهوشی است . آرزو دارم که با او آشنا شوم (اشاره به مؤنث) . من آرزو دارم او (اشاره به مذکر) رفیق من بود . من شما را به او معرفی خواهم کرد او دختر فقیری است . او مرد ثروتمندی است .
ای ویش هی واز می ف ریند ای وبل این تر دوس یو تو هر شی ایز را پور کرل هی ایز را ریج من	I wish he was my friend . I'll introduce you to her. She is a poor girl. He is a rich man	

با زی ورق

دو یو بلی کارد وری لیتل ای آل ویز او وبل یو بلی را کیم شارفل رد کارد ول	Do you play card? Very little, I always lose. Will you play a game? Shuffle the cards well.	آیا شما ورق بازی میکنید ؟ خیلی کم . من همیشه میبازم . آیا شما میل دارید یک پارتی بازی کنید . ورق ها را خوب بریزید .
---	---	---

تلفظ	جمله	معنی
هی ایز می فَریند ای 'هو' نای' هیم نفر' را لانگ' تینم هی ایز می بُرادر این لا	He is my friend. I have known him for a long time. He is my brother in-law.	او رفیق من است . من مدت مدیدی است ایشان را میشناسم او برادر زن من است .
دو یون' هیم ای ن' هیم وری رول	Do you know him? I know him very well,	آيا شما ایشان را میشناسید ؟ من ایشان را خوب میشناسم .
روز' داز هی لیو هی لیور' نیر بای کئی' یو دی برکت' می تو هیز هآ' س	Where does he live? He lives near by. Can you direct me to his house?	او کجا اقامت میکند ؟ او همین نزدیکیها اقامت دارد آیا شما میتوانید مرا بجایه ایشان راهنمایی فرمائید ؟
ای ویل ش' یو روز' هی لیوز وات دو یو تینک آو هیم	I will show you where he lives. What do you think of him?	من شما نشان خواهم داد او کجا اقامت دارد شما راجع باو چه عقیده دارید ؟ (فکر میکنید)
ای تینک' هی ایز' را 'تیس' من هی ایز ناب وری ری' لئی' ریل' (ریلابیل) یو کمن' ال' ویز' ردیند' آن هیم	I think he is a nice man He is not very reliable.	من فکر میکنم او یک مرد خوبی است او خیلی قابل اطمینان نیست .
یو کمن' ال' ویز' ردیند' آن هیم هی ایز' را گروک'	You can always depend on him He is a crook.	شما میتوانید همیشه با ایشان اطمینان کنید (رابطه داشته باشید) . او یک حقه باز (کلاه - برداری است)
هی ایز آن آرنست' من هی ایز' را وری ردش' ریک' رتیل' من ای دنت' لیک' ادت' رییدی رات' ال'	He is an honest man He is a very respectable man I don't like that lady at all.	او مردشراستمندی است . او یک شخص بسیار محترمست من آن خانم را بهیچوجه دوست ندارم .
شی ایز تو کان' سبی' تَد' شی 'هز' تو گوود' آن' 'پینی' رین' آو' هر' سلف'	She is too conceited. She has too good an opinion of herself.	او خیلی مقرور است . خیلی از خودش خوشش میاید

تلفظ	جمله	معنی
وئی تر رائٹ می سی رد منو پلیز وات هوو یو فر دی رائٹ وی هوو ر سٹ بیف رد دست بڑک ر سٹ تورکی فرائڈ کڈ ایز رد دست بیف کود کیو می رائٹ کلین افرائڈ پلیز دائٹ بو ایلیک - روج بر بلز - پ تیت فر - مک ریج - انی رین دو یو هوو رائس ای ایلیک تو هوو سام رد دی تر وار روری کود لیدی آڈر چک پلیز	Waiter, Let me see the menu please. What have you for dinner We have, Roast beef, Roast pork. Roast turkey. Fried cod, Is the roast beef good? Give me a clean fork please. Don't you like, vegetables? — Potatoes? — Cabbage? — Onions? Do you have rice? I like to have some. The dinner was very good. Lady, our check please.	پیشخدمت - خواهش میکنم صورت غذا را بمن نشان بدهید برای شام چه دارید ؟ ما گوشت گاو سرخ کرده داریم . گوشت بچه خوک سرخ کرده . بوغلمون سرخ کرده نوعی ماهی سرخ کرده . آیا گوشت گاو سرخ کرده خوب است ؟ یک چنگال تمیز بمن بدهید . آیا شما سبزیجات دوست ندارید ؟ سیب زمینی » » کلم » » پیاز - آیا بریج (پلو) دارید ؟ من مقدار کمی میل دارم . شام بسیار خوبی بود . خانم خواهش میکنم صورت حساب ما را بدهید .

آشنائی و معرفی

دو یو مر هِنری ر هِنری ای دانت ر رائی وان نای اد ریچ ریس ای ن هیم ایسی ویتلی	Do you know Mr, Henry? I don't know anyone by that name. Yes, I know him intimately.	آقای هنری را میشناسید ؟ من هیچکس را باین نام نمیشناسم . بله من ایشانرا خیلی صمیمانه میشناسم .
---	---	---

تلفظ	جمله	معنی
دس ایر بدلی ایی روتی یو ماست تئی رکت میک یو ماست دوہات مار کئی	This is badly ironed You must take it back. You must do it again	این بد اطو شده است شما مایستی آبرار کرداید (پس بگیرند) شما مایستی آبرامجدداً اطو کنید
دیس شرت دار مات بیلاگت یومی	This shirt does not belong to me.	این پیراهن متعلق من نیست

رستوران غذاخوری

ایر ہریک مینٹ ردی ایر دئی ریر ردی آم رودی ہنگری واب ووڈ یو لیک گنو می را کاپ آو کافی کیو می تئی ای ووڈ لیک و (ساف - ہارڈ) بڈیلڈ اکڑ ای وائٹ را چیر آم رٹ ٹرنگ می رام وارٹر بلیر دو بو ویش فر سوت وات اشل ای رھلٹ یو و پس می رڈ شو رگر پلیر وی راکر پلیر چنج دس پتکیں رھلٹ ڈیر رٹلف	Is breakfast ready? Is dinner ready? I am very hungry What would you like? Give me a cup of coffee Give me tea. I would like two (soft, hard) boiled eggs I want a cheese omelet Bring me some water, please Do you wish for soup? What shall I help you to? Pass me the sugar please vinegar please Change this napkin Help yourself.	آیا صبحانه حاضر است ؟ آیا شام حاضر است ؟ من خیلی گرسنه هستم . شما چه دوست دارید ؟ یک کجان قہوہ من بدهید من جای بدهید . من روعدد تخم مرغ آبر (سفت - سخت) میخواهم من املت بپز میخواهم خواہش میکنم مداری آب رای من بآورد آیا شما سوپ میل دارید ؟ من چه کمکی مساوم شما کنم ؟ (چہ میل دارند تقدیم کنم) ؟ شکر را من اطف برمائید سرکہ این رستمال سمره را عوض بفرمائید (بوتلی کاغذ سمره) سورسائل میل بفرمائید .
--	--	---

لفظ	جمله	معنی
<p>روژ ابر رد دیدیک روم دو بو هو رانی رلرتز ری ری ربر رین راند اسک هو بو اس رولانس بو</p>	<p>Where is the reading room ? Do you have any letter paper, pen, and ink ? Have you envelopes too ?</p>	<p>اطاق مطالعه کجاست ؟ آیا شما کمی کاغذ مرسله قلم و جوهر دارید ؟ پاکت هم دارید ؟</p>
<p>لباس شوئی</p>		
<p>ای هو سام لی رین روژ رد لندری روژ ابر رین لندری لیست هر راتیر فاز کارلرز تو ویت وشرٹس تو برد آو کافر تیری برد آو ساکس رین آن ردز وشرٹس تو ڈر آو وڈر وان نیت وشرٹ سکس هیند رکرچوز روں وبل کمی لندری بی ردی ای ماست هپوت رنکست استور ردی یو دت بوں سارح ایساف ای مس ر کارلر سی ها ا ندلی رنک ایر دان</p>	<p>I have some linen for the laundry Where is your laundry list ? Here it is — Four collars. Two white shirts Two pairs of cuffs. Three pairs of socks Ten undershirts Two drawers One night shut Six handkerchiefs When will my laun- dry be ready ? I must have it next Saturday You don't put starch enough I miss a collar See how badly that is done.</p>	<p>من معذاری لباس (ملافه سه د) برای لاسشوئی دارم لیست (صورت) السه شما کجا است ؟ ایجا است . چهار عدد یقه دو عدد پیراهن سفید دو جفت سر دستنی . سه جفت جوراب ده عدد پیراهن زیر . دو عدد شلوار زیر . یک پیراهن خواب شش دانه دستمال لباسهای من کی حاضر خواهد شد ؟ من شسه آمده آرا می خواهم (ایسی داشته باشیم) شما ناهداره کاهی آهار (نشاسته) نیز نید من یک یقه کم کرده ام ملاحظه کنید چقدر بد درست شده است</p>

نلفظ	جمله	معنی
هتل		
دو یو 'هۆ'انی 'هتِل روم' فر می 'ای وایت را سین' گُل روم	Do you have a n y hotel room for me? I want a single room	آباهیچ اطاق هتل برای من دارید ؟ من یک اطاق تنها «یکنفره» میخواهم .
دید یو 'درزرو' رانی روم 'سِف' رُ	Did you reserve any room befor?	شما هیچ اطاقی قبلا ذخیره کرده اید ؟
'ریس دیس ایز' می 'درز' رویشن کارد 'رلت می' چِک 'بلیز'	Yes, this is my reservation card. Let me check please.	بلی این وورقه ذخیره من است .
'ای 'هۆ' انلی را روری 'سم' (سَمال) 'تُرانک' دیس ایز 'یُر' روم 'نم' 'رِز' سوراشی 'تری' 'کیو می' سام	I have only a yery small trunk. This is your room, Number 23?	شوا هش میکنم اجازه بفرمائید رسیدگی کنم . من فقط یک چمدان خیلی کوچک دارم . این اطاق شماره ۲۳ مال شما است .
'م' چِک 'بلیز' 'رلت می' 'هۆ' را بیس 'آو س' س'ب'	Give me some mat- ches please Let me have a piece of soap	مقداری کبریت بمن بدهید . مقداری صابون بمن بدهید .
'ای وایت سامینک' تو ایت	I want something to eat	من میخواهم غذا چیزی . بخورم .
'رات' وایت 'آد'ر ایز 'بُرک' 'فست' 'ردی'	At what hour is the breakfast ready?	چهار ساعتی صبحانه حاضر است
'هآ' 'ماچ دو' یو 'چارچ' 'فر' رد روم	How much do y o u charge for the room ?	قیمت اطاق چقدر است ؟
'وایت دو' یو 'چارچ' 'فر' میلز	What do you charge for meals ?	قیمت اعذبه چقدر است ؟
'ای وود' 'ایک' تو 'هۆ' 'می' 'بُرک' 'فست' این رِد	I would like to have my breakfast in bed	من دوست دارم صبحانه خود را در رختخواب بخورم
'کیو می' را رینگ 'ات' رس رو	Give me a ring at 7	ساعت ۷ مرا از خواب بیدار کنید

تلفظ	جمله	معنی
<p>رنگشٹ میل لیوڑ فو تہران ایران ات تو رائی رام</p>	<p>Next mail leaves for Teheran, Iran. At two A . M .</p>	<p>اولین پست «پست بعد» در ساعت دو قبل از ظهر حرکت میکند (برای تهران) P. M. - A. M. اولی علامت اختصار برای قبل از ظهر و دیگری برای بعد از ظهر میباشد این علامات اختصاری بین المللی و از زبان لاتین اقتباس شده است</p>
<p>ای 'ایک تو 'هو را مانی 'ا' ژ در 'فز فیفتی 'د' لرز ف'رین 'ا' ژ 'ر دوشنیک 'ا' لریٹ 'سر قبل آب دیس 'ب' لک</p>	<p>I like to have a money order for fifty dollars. Foreign or Domestic? All right, sir, fill up this blank.</p>	<p>من مایلم مبلغ پنجاه دلار حواله پولی بفرستم خارجہ یا داخلہ ؟ بسیار خوب آقا این ورقہ را پر کنید . باجہ توضیح عمدہ کجاست ؟</p>
<p>رور ایز رد رج نرال ر دلیوری ویند راتیز آن رد آرد سید</p>	<p>Where is the General delivery window. It is on the other side.</p>	<p>در آن طرف است .</p>
<p>ایز رد رانی رل بز فز می ہیر ایز امی ریم راند را ڈرس</p>	<p>Is there any letter for me? Here is my name and address</p>	<p>آیا کاغذ برای من هست ؟ این اسم و آدرس من است .</p>
<p>ہیر ایز را رجیسترد رل بز فز یو اسین دیس کارڈ پلیز</p>	<p>Here is a registered letter for you. Sign this card please</p>	<p>این کاغذ سفارشی برای - شما است . خواہش میکنم این کارت را امضاء بفرمائید .</p>
<p>دز ایز نائینگ فز یو تو دی پلیز رسند امی میل تو دیس آڈرس ہیر 'ا' ف' تر</p>	<p>There is nothing for you to-day. Please send my mail to this address hereafter.</p>	<p>امروز هیچ چیز برای شما نیست . خواہش میکنم اذ این بعد اوراق پستی منرا بہ این آدرس بفرستید .</p>

تلفظ	جمله	معنی
کیندلی، تل می، ورت د س 'تنتپ' وینده، اینز	Kindly tell me where the stamp window is.	لطفاً بین بفرمائید باجه «فروش» تمبر کجا است؟
کیپ آن 'یر' ورت ر نکست ک'رت، نرت پلیز، وی دیس	Keep on your right, next corner.	«از دست راست بروید» اولین سه گوش نیامان.
پار، سل - بل، تو ایت، ورتیز تو، پآ، ندر واب از این، سیت	Please weigh this parcel, — letter.	خواهش میکنم این بسته را (کاغذ را) وزن کنید.
پلیز منوسکریپ مرچن، اد، یز پرین، تده، ام، ترتز	It weighs two pounds What is inside, please? Manuscript.	وزن آن دو پوند است. خواهش میکنم بفرمائید داخل آن چیست؟ اوراق و نوشتجات.
م، گرین ها، ماج، ماست، ای رپی، فور، پس، ریج	Merchandise. Printed matters. Magazine,	مال التجاره. اوراق و لوازم چاپی مجله - (روزنامه جات).
ایت، ریکو، ایرز، توران سنتس، ورت، آو س، تمپس	How much must I pay for postage? It requires twenty cents worth of stamps.	چه مبلغ باستی برای پست بپردازم؟ بها، تمبر، هستی آن بیست و پنج شاهی است
کیو می - وان، تو، سنتس - س، تمپس	Give me one two cents stamp.	یک تمبر دو شاهی بمن بدهید.
- تو، پست، کارڈز - تری، وان، سنت س، تمپس، پلیز	— two post cards. — three one-cent stamps please.	دو عدد کارت پستال بمن بدهید. خواهش میکنم سه عدد تمبر یکشاهی بمن بدهید.
ای، وود، لیک، تو ر، جیس، تر، دیس، ل، ر، ت، یز، اد، ر، س	I would like to register this letter.	من مایلم این کاغذ را سفارشی کنم.
آن، د، تاپ، آو، د این، اول، پ رون، داز، ر نکست ر، میل، لیو، نرت سو، بت، زرت، لند	Write your address on the top of the envelope.	نشانی خودتان را در بالای پاکت بویسید.
	When does the next mail leave for Switzerland?	اولین پست برای سویس کی حرکت خواهد کرد؟

تلفظ	جمله	معنی
ایز دیس سَم کینگے کار	Is this smoking car.	آیا در این واگون میشود سیگار کشید ؟
نہ د سَم کینگے کار ایز این رد ریر - این فرقت	No, the smoking car is in the rear. — in front.	خیر واگون سیگار کشیدن در عقب (یادرجلو) است .
ریس یو می سم ک هیر	Yes, you may smoke here.	بلی شما میتوانید اینجا سیگار بکشید .
دو وی چنج هیر	Do we change here?	آیا ما اینجا عوض میکنیم ؟
دو وی چنج رانی رورات ال فر هالی وود	Do we change any- where at all for Holly-Wood?	آیا ما برای هولیوود اصولاً یا ایستی جائی (ترن را) عوض کنیم ؟
ال چنج هیر	All change here.	همه در اینجا عوض میکنند .
وات ایز رد نیم آو دیس س تی شن	What is the name of this station?	اسم این ایستگاه چیست ؟
می ای ا برن دیس ویند	May I open this window?	ممکن است (اجازه میفرمائید) من این پنجره را باز کنم .
دو بو میند ا برنینگ د ویند	Do you mind open- ing the window?	اجازه بفرمائید پنجره باز باشد ؟
می ای شات دت ویند	May I shut that win- dow?	ممکن است (اجازه میفرمائید) من آن پنجره را ببندم ؟
ایز در روم هیر فر وان	Is there room here for one?	آیا اینجا برای یک نفر جا هست ؟
ایز دیس سیت رتی رکن	Is this seat taken?	آیا اینجا گرفته شده است ؟

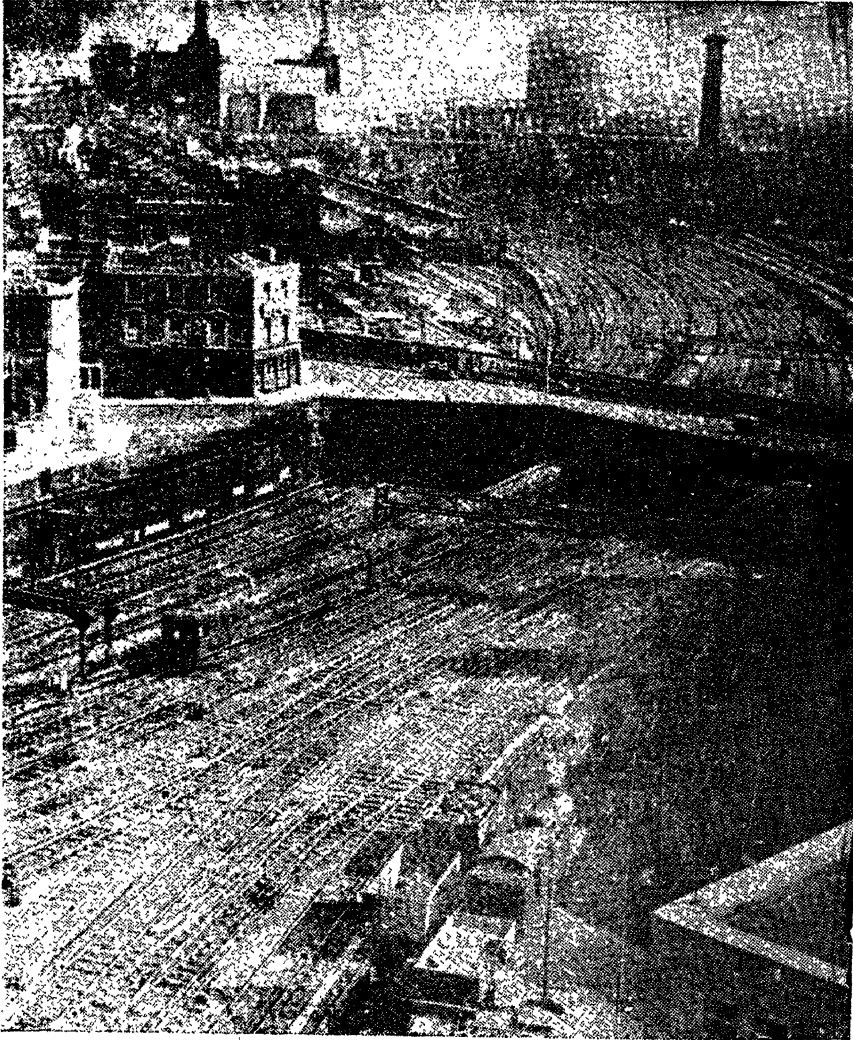
آداره پست

ور ایز د پست آفیس	Where is the Post Office?	آداره پست کجا است ؟
ور ایز د رل تر ناکس راز آ نڈ هیر	Where is the letter- box around here?	صندوق پست کجا است ؟ (در این نزدیکیها)
در ایز ن رل تر ناکس راز آ نڈ هیر باب د پست آفیس ایز نیر بای	There is no letter- box around here, but the Post Office is near by.	صندوق پست این نزدیکیها نیست ولی آداره پست نزدیک اینجا است .

تلفظ	جمله	معنی
وُز ایز رد سآدنت ش تئ شین	Where is the South Station?	استاسیون جنوب کجاست ؟
وُز ایز رد تی رکت آفیس	Where is the ticket office?	دفتر بلیط (فروشی) کجاست ؟
وُز ایز رد ویتینگ رُوم	Where is the waiting room?	اطاق انتظار کجاست ؟
آر یو سکه ویننگ بای را کتس پ رتس	Are you going by express?	آیا شما با ترن سریع السیر میروید ؟
هاری آپ راند بای یر تئ رکت	Hurry up and buy your ticket.	عجله کنید و بلیط خود را بخرید .
ها ماچ ای رزت تو باشت ن	How much is it to Boston?	تا بستن چقدر است ؟ (کرایه)
پلیز چک می مب رکیچ	Please, check my baggage.	خواهش میکنم رسید اثنایه من را بدهید .
هیر ایز را چک فر یر مب رکیچ	Here is a check for your baggage.	این رسید اثنایه شماست .
رون ایز دت رین تو سئارت	When is the train to start?	چه وقت ترن حرکت میکند ؟
رتن می رتس فرام نآد	Ten minutes from now.	ده دقیقه دیگر .
ویچ تراك ایز فر شیکاگو	Which track is for Chicago?	کدام راه (سکو) برای - شیکاگو است ؟
وُز ایز رد توارلت ایز رد را پ رلیس تو	Where is the toilet?	مستراح کجا است ؟ آیا اینجا محلی برای نوشیدن آب هست ؟
دربنگ وارتر هیر ایز رد را لانچ رُوم نیر بای	Is there a place to drink water here?	این نزدیکیها رستوران - غذا خوری هست ؟
هاری آپ یو ویل میس رد ت رین	Is there a lunch room near by?	عجله کنید شما ترن را از - دست خواهید داد .
دو وی سئاپ رات تی وی آر ات - نآد	Hurry up, you will miss the train.	آیا مادر (ایستگاه) ت - توقف میکنیم ؟ مادر (ایستگاه) است هستیم . بلیطهای خود را بدهید .
کیو یر تئ رکتس	Do we stop at T — ?	We are at — now. Give your tickets.

ایستگاه راه آهن

در استانیونهای بعضی از شهرهای بزرگ بیش از پنجاه رشته خطوط انشعابی (Track) جدا میشود. تراکها هر کدام دارای شماره اند که مسافران مقصد خود را اشتباه نکنند



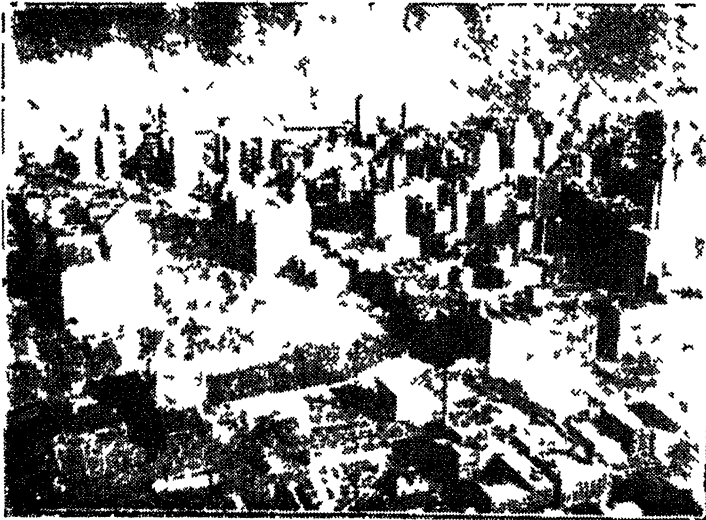
تلفظ	جمله	معنی
<p>دو بو شپیک اینکلیش را لیتل نات ماج 'کن بو رید بو رید، وری، ول ها، لانک، هو، یو لرنند، رات ، ابات تو بیرز یو پر، نشس، وری ول</p>	<p>Do you speak English A little, not much. Can you read? You read very well. How long have you learned it? About two years You pronounce very well.</p>	<p>آیا شما انگلیسی حرف میزنید ؟ یک کمی نه خیلی . میتوانید بخوانید ؟ شما خیلی خوب میخوانید . چهدمت آنرا یاد گرفته اید ؟ تقریباً دو سال . شما خیلی خوب تلفظ میکنید</p>
<p>یو هو، را وری کود 'اک، سن 'ای فاند، د پر، نشس، ایشن، وری دیفی کالت</p>	<p>You have a very good accent. I found the pronunciation very difficult.</p>	<p>شما یک تلفظ (آکسان) خیلی خوبی دارید . تلفظ برای من بسیار مشکل است .</p>
<p>رد اینکلیش، الگوراچ ایز وان آو رد هار، دست، الگوراچز رد، آمریکن پرو، نشس، ایشن ایز ماج ایزی، بر</p>	<p>The English language is one of the hardest languages. The American pronunciation is much easier.</p>	<p>زبان انگلیسی یکی از مشکل ترین زبانهاست تلفظ زبان آمریکائی خیلی آسانتر است .</p>
<p>دو یو هو، ماج دیفی کالتی تو شپیک پس، ای، کنت، شپیک ، وری، ول، بات ای دو 'ان، دز، شتاند، واپ ، ارور، وری، شپیک ، ابات</p>	<p>Do you have much difficulty to speak? Yes, I can't speak very well, but I do understand whatever they speak about.</p>	<p>آیا شما برای صحبت کردن دچار اشکال زیاد هستید ؟ بله ؛ من نمیتوانم خوب صحبت کنم لیکن راجع به هر موضوعی که صحبت کنند میفهمم .</p>
<p>ای تینک یو نید لاتس آو پراکتیس این کان، ودر، رسی، شن</p>	<p>I think you need lots of practise in conversation.</p>	<p>من تصور میکنم شما احتیاج زیادی بتمرین در صحبت کردن دارید .</p>

تلفظ	جمله .	معنی
<p>یو، بتر، تیک را کار وات را کار شود ای تیک</p>	<p>You better take a car What a car should I take?</p>	<p>شما بهتر است اتومبیل بگیرد چه اتومبیلی بهتر است بگیرم .</p>
<p>رانی، کینند یو وود ایک</p>	<p>Any kind you would like.</p>	<p>هر قسمی که دوست دارید .</p>
<p>رانی ریل، کب ها آرفن ایز را کار بسیگنگ بای هیر</p>	<p>Any Yello Cab. How often is a car passing by here?</p>	<p>(هر تاکسی زرد رنگ) اتوبوس چند وقت بچند وقت از اینجا عبور میکند .</p>
<p>در ایز وان، اوزر رتن می رتشن</p>	<p>There is one every ten minutes.</p>	<p>هر ده دقیقه یکبار میگذرد .</p>
<p>ردی، من روری ای، رگولر هیر</p>	<p>They run very ir- regular here.</p>	<p>اینجا خیلی نامرتب عبور و مرور میکند</p>
<p>رویت او تیل، رد کار استاپس</p>	<p>Wait until the car stops.</p>	<p>صبر کنید تا اتوبوس بایستد</p>
<p>رنکست سٹاب ایز، تر سٹریٹ</p>	<p>Next stop is third street.</p>	<p>توقف بعد خیابان سوم است</p>
<p>ن، سم، کینک پلین این فرانت</p>	<p>No smoking please in front</p>	<p>خواهشمند است در قسم جلو سیگار نکشید</p>
<p>سم، کینک آن، رد، دیر واتیز، رد، فر</p>	<p>Smoking on the rear. What is the fare?</p>	<p>سیگار کشیدن در قسمت عقب کرایه چقدر است .</p>
<p>فیفی، سنت (ا، دم) دیس کار، دوز، روری، سل</p>	<p>Five cents. (a dime) This car runs very slow.</p>	<p>پنج شاهی (ده شاهی) . این اتومبیل خیلی آهسته میرود</p>
<p>رانز، ریسگ، روری، فست - رشی، کینک</p>	<p>It is running very fast It is shaking</p>	<p>خیلی تند میرود مکان میخورد</p>
<p>راب، ریتشن، می، دیزی کندا کتر، بلیز، رات</p>	<p>It makes me dizzy. Conductor, please let me off at third Av.</p>	<p>من را کج می کند همین خواهش میکنم بکنند از بد در خیابان سوم پیاده شوم</p>
<p>می، آف، رات، تزد، آرون، یو و بل، یو، گیو، می، را</p>	<p>Will you give me a transfer for D-St.</p>	<p>خواهش میکنم یک بلیط برای خیابان - بمن بدهید .</p>
<p>ت، ترنسفر، تو، سٹریٹ رور، شود، ای</p>	<p>Where should I change for M — Square please?</p>	<p>خواهش میکنم بمن بفرمائید برای چهارراه - کجا بایستی (اتوبوس را) عوض کنم؟</p>
<p>چنج، فر، ام سکو، راز، بلینز</p>		

تلفظ	جمله	معنی
وات سٹریٹ ایز دیس	What street is this?	این چه خیابانی است ؟
واتیز دیس آو	What is the name of this street?	اسم این خیابان چیست ؟
دیس سٹریٹ	Where is the railway station?	ایستگاه راه آهن کجاست .
روز ایز دیس ریل روی	How do you get to the station?	چگونه میشود با ایستگاه رفت
سٹیشن	Which is the nearest way to the depot?	نزدیکترین راه به ایستگاه
ہاؤ دو یو رکت تو	Which is the way to J — street?	مسافرت کدام است ؟
دس سٹیشن	Does this road lead me to P — ?	راه خیابان (ج) کدام است .
ویچ ایز دیس رست	How can I get to the Public-Library?	آیا من اذ این راه میتوانم
روی تو دیس	Which way is to the Museum?	به (پ) بروم ؟
ویچ ایز دیس روی تو	Go straight on.	چگونه من میتوانم بروم به
جی - سٹریٹ	Turn to the right.	کتابخانه عمومی ؟
داز دیس رڈ لید	Turn to the left.	راه موزه کدام است ؟
می تو بی -	Keep to your left.	راست بروید
ہاؤ کن ای رکت تو دیس	Go up street.	براست بیچید
پابلیک لیب رری	Go down street.	بطرف چپ بیچید
ویچ روی ایز تو دیس	Cross the road	سمت چپ ادامه بدهید
می بوڈی ہم	Is it far from here?	بروید بالای خیابان
کے سٹریٹ آن	No, it is not far.	بروید پائین خیابان
رٹن تو دیس رٹ	Not very far.	آنطرف خیابان
رٹن تو دیس رٹ	You can see it from here.	از اینجا دور است
کیپ تو دیس رٹ	Yes, it is quite far.	خیر دور نیست
کے آپ سٹریٹ	It is ten minutes walk	نه آنقدرها دور
کے دآن سٹریٹ	It is half an hour's ride.	شما از اینجا نمیتوانید ببینید
کراس رڈ		بله کاملا دور است .
راڈیٹ فار فرام ہیر		ده دقیقه راه است .
ن راتیز نات فار		نیم ساعت سواری است .
نات روری فار		
یو کن سی رات فرام ہیر		
ہیس راتیز کو ایٹ فار		
راتیز رتن می رٹس واگ		
- ہفت آناؤرڈ		
کوڈیڈ		

لفظ	جمله	معنی
<p>قو ای، شل می تو، راشی، رایت رگتت مارچ دس ایر ممی، ررب، دی ایم ا تلی سیکس تین ایم ناب، اد ا لدر، ار ای لوك دی، تیک می، فو تو، راشی، فو یو، فو، راشی فو و آر، یا، گت، کم رت</p>	<p>five I shall be twenty - eight, next March This is my birthday I am only sixteen I am not as old as I look They take me for twenty-nine You pass for twenty- five You are a young man yet</p>	<p>من فرودین آمده هست و هشت سال حواهم داشت این روز تولدم است من فقط شانزده سال دارم من آنقدر که نشان میدهد بیر بیستم آنها مرا بیست و نه ساله تصور میکنند شما از دست و پخ بیشتر دارید شاهمور مرد جوانی هستید</p>

شهر و راهمائی



ALONG THE RIVER, TO THE LAKE, AT CHICAGO

تلفظ	جمله	معنی
واب 'تیم ایریت مای 'یر' واج 'می واج 'هز' سْتایبَد	What time is it by your watch? My watch has stopped.	با ساعت شما چه وقت است ؟ ساعت من ایستاده است .
'ای 'هؤو' ف'ز' کاتر' تو ویند راب (ویند رت) آب 'می واج کیس'س کود 'تیم'	I have forgotten to wind it up. My watch keeps good time.	من فراموش کرده ام کو کش کنم ساعت من وقت را خوب نگاه میدارد .
'ای 'هسوت' گاب ر'د' تیم راتین' ر'تن 'یس' تو ر'ل' و — کو آرت'ر' یس' و — هف' یس' وان — تو ر'اتی' یس' و — کو آرت'ر' تو 'فیبو ایت 'حست' ستر'ک ر'انت ایتیز ر'ل ر'ون ا'کلاک'	I haven't got the time It is ten past twelve. — quarter past two — half past one. — twenty past four — quarter to five It just struck eight. It is eleven o'clock.	نمیدانم چه وقت است . دوازده و ده دقیقه است . دو و ربع است . یک و نیم است . چهار و بیست دقیقه است پنج و ربع کم است هم اکنون ساعت هشت رازد ساعت یازده است . ظهر است . نصف شب است قبل از ظهر است بعد از ظهر است
— مندری (می ر'دی) — مید'نت — ف'ز' وون — اف ر'تر وون	— midday! — midnight. — forenoon. — afternoon.	

سـن

هآ' ا'لْد ا'ر' بو 'ایم' ر'تری وان یسر'ز ا'لْد	How old are you? I am thirty-one years old	چه سنی دارید ؟ من سی و یکساله ام
ای ر'شل سون بی تو ر'اتی' فیبو یو لوک یان' ر'گر یو لوک ماچ ال' ر'د ای دی ر'نت ن' یو ور'س' ا'لد	I shall soon be twenty five You look younger. You look much older I didn't know you were so old.	زودی بیست و پنج ساله خواهم شد شما جوانتر نشان مدهند . شما خیلی پیرتر نشان مدهید . من خیال نمیکردم شما اینقدر پیر باشید .
هی اینر رات لیست ف'و'ز	He is at least forty -	او حداقل چهل و پنج سال دارد .

تلفظ	جمله	معنی
هآ' لایگ' هو' بو بین و' رکیگ' در ایز ایت' ا' گود' ب' لیس آر بو' بید' رول	How long have you been working there? Is it a good place? Are you paid well?	چه مدت است شما آجا کار میکنید ؟ آیا جای خوبی است ؟ آیا شما خوب پرداخت میشوید ؟ (حقوق شما خوب است) بصرف رور کار است . تمام درز کار است آیا برای من شانس هست که نا آجا داخل شوم ؟ من میدانم اظهار آن مشکل است
ایتیز را بار' تیم' حاب راتیز را فول' تیم' جاب ایز ردر' رای' اچس 'فرمی تو' رگت این ای د' نت' ن' راتیز هاژد تو' تل	It is a parttime job. It is a fulltime job Is there any chance for me to get in? I don't know, it is hard to tell	ملی شامه ممکن است امتحان کنید اکنون ماحیلی مشغولیم فعل امیدوی نیست
بیس بو' می' ترای' (ب' ری) وی آر' کوا' ایت' بیزی آ'	Yes, you may try We are quite busy now.	
ردر ایز ن' نه' اب پ' ردرزیت ای ولی' ترای' تو' هاب یو' سام' ها'	There is no hope at present. I will try to help you somehow	سعی خواهیم کرد شما کمک کنیم
رد' بیزی' رس' آر' روزی' دیول	The business is very dull	بخار حلی سخت است (آزار را کند است)

وقت

واب' تیم' ارب مدت' کلاک' ارب' مدت ویل' بو' بلمر' رول' می رد' تم	What time is it? That clock is fast Tell me the time please	چه ساعتی است آن ساعت تند است خواهش میکنم وقت را بمن بگوئید
ی' د' واح' ار' روزی' شل و	Your watch is very slow	ساعت شما خیلی کند است
راتیز بی' هبند' تیم ایتیز روی' راه' آد تیم	It is behind time It is way ahead of time.	از وقت عقب است خیلی از وقت جلو است

نمط	جمله	معنی
شآءِ یور	shower yesterday	سبکی داشتیم
ردد ار ، د رَسب	There is the rainbow	آنجا قوس و قرح است
د سن شَرکس آت	The sun breaks out	خورشید در مآند
د سس ار بَرَنیگ	The sun is trying	خورشید سعی رنآد دآردک
هآردُ تو کآم آت	hard to come out	بیرون بیآد
رآیر فآگی	It is foggy	آس آسب
- وری میستی	— very misty	حیلی مه آلود است
- رآ فَنَن نَت	— a fine night	شب فشگی است
- رآ نیس ردی	— a nice day	رور خوبی آسب
- مون لیت	— moonlight	مهتاب است
- ش ربری آت د رُ	— slippery outdoors	بیرون درب (حارج) لیر است
رآیر وری هآرد و واک	— very hard to walk	راه رفتن خیلی مشکل آسب
آیر وری شپ لشی	— very splashy	حیلی گل و شل است
سترتیس آت وری	Streets are very	حیآنآنها خیلی حس است
می بودی	muddy	
آر رت دس رآ می بو یعول	Isn't this a beautiful	آآ امروز رور فشگی آسب
ردی	day?	
وآ رآ نیس ردی	What a nice day!	چه رور فشگی
>> و و ر د ر	What a nice weather!	چه هوآی خوبی
محسث آلك شبر کک	Just like spring	درس آل بها

سؤال و جواب راجع نگر

آی ه روت سس و	I haven't seen you	من مدت مه دی آسب شما
و ر آلاک م	for a long time	را آیدام .
و ر ه و بو س	Where have you been	آس من در آکجا بودید ؟
آل دس م	all this time?	
آر و و ز ک ک رآی	Are you working	آآ شما حآئی مسول کارید
و ر	anywhere?	
و ر آ ر و و ر ک ک	Where are you wor-	شما در کجا کار میکنید ؟
رآب	king at?	
دو بو لیک ریر	Do you like your	کار تا رآ دوست دارید ؟
و ز ک	work?	

نظم

حمه

معنی



BEAUTIFUL WINTER

اوه چو باران
ام شب گذشه
ان می باره
وی مه در ا هوی

Oh such a rain!
It has been raining
all night
We had a heavy

اوه چه بارانی
مباد شب گذشته را
باران می آید
مادیرود گذشته بارندگی

تلفظ	جمله	معنی
راتیز آفیل و بندى راتیز فریزیسک راتیز می ل' دیر' وات را ست' ژم وی هذ' فیو فیت سن' است و یک ویل ایت وارور ک' لر آف	It is awful windy. — freezing. — below zero. What a storm! We had five feet snow, last week. Will it ever clear off?	باد شدیدى است یخ بندان است زیر صفر است چه طوفانى! هفته گذشته ۵ فیت برف باریده است آبهرگز هوا صاف خواهد شد (باین زودبها) آباشما خیال میکنید این طوفان طولانى خواهد بود. امیدوارم بزودی صاف خواهد شد. ممکن است فردا صاف شود.
دو یو تنک دیس ست' رم ویل' است لاسک 'ای هب ایت ویل ک' لر آف سون ایت رمی کلې بر (ک' لر) آف توم' ر'	Do you think this storm will last long? I hope it will clear off soon. It may clear off to- morrow.	من بایستی برف را از جلوی درب خانه پارو کنم من به اسکی میروم. آباشما چنین هوای در ایران دارید؟ بلې ما یک زمستان بسیار سختی داریم ولی اینقدر مرطوب نیست بلکه (هوای) خشک و سالمی است.
'ای هو تو شاول رد سن' فرام می د' ر 'ایم ک' فینگ و شکى دو یو هو ساج را و در این ایران ریس وی هو را وری رس رود وین تر ساب رایتر نات دمپ' لیک دیس راتیر ذ' ری اید رهلنی	I have to shovel the snow from my door. I am going to ski. Do you have such a weather in Iran Yes, we have a very severe winter, but it is not damp like this. It is dry and healthy.	من تصور میکنم که طوفان دیگری خواهیم داشت. (مجدداً طوفان خواهد شد) بلې همینطور بشطر میرسد. بدتر از اینها خواهد شد. من «صدای» رعد میشنوم. تگرگ میبارد. رعد و برین است.
'ای تیک وی آر ک' بیک تو هو آنا در ست' ژم ریس ایت لو کس' لیک ااب رد و اوس ایز ریت تو کام 'ای هیر تان رد ایت رهیلز رد ایز را لیت نیک	I think we are going to have another storm! Yes, it looks like it. The worse is yet to come. I hear thunder. It hails. There is a lightning.	

تلفظ	جمله	معنی
دو یو / هو / نیت	Do you have night - mares?	آیا شما ببخوابی میکشید
رمرز رلت می ایتز / دوس	Let me introduce you to Mr —	بگذارید شمارا با آقای - معرفی کنم .
یو تو رستز ایم پلیز / تو میت	I am pleased to meet you.	از ملاقات شما مشوقم
دیس ایز / می / ریدی	This is my lady friend.	این خانم از دوستان من هستند
ف / ریند دیس ایز / می / رجتل / من	This is my gentleman friend.	این آقا رفیق من هستند
ای ویش یو / امری کر / ساس	I wish you a merry Christmas	آرزو مندم عید کریسماس (میلاد مسیح) برای شما مبارک باشد
ای ویش یو / راهی نی یو بیر	I wish you a happy New Year	آرزو دارم سال نو خوشحال باشید
تنک یو / ای ویش یو بر / سیم	Thank you. I wish you the same	متشکرم من هم برای شما هارا آرزو دارم

هوا

هآ ایز / د / و / رز	How is the weather?	هوا چگونه است
د / و / دز ایز / من	The weather is fine	هوا خوب است
روری / بد	— very bad	حیلی بد است
کلیرینگ آف	— clearing off	صاف میشود
آد فولی / دکلد	— awfully cold	بدجوری سرد است
کلاودی	— cloudy	ابر است
و / زم / تو / ردی	— warm today	امروز گرم است
روری / هاب	— very hot	حیلی گرم است
انیز / س / نینگ	It is snowing	برف میآید
انز / د / ری / الی / س	Is that really so?	آیا حقیقتاً مطور است
انیز / گ / نینگ / تو / ر / د	It is going to rain	باران شروع میشود
انیز / ست / رمی	— stormy	هوا طوفانی است
انیز / ر / د / نینگ	— raining	باران میآید

تلفظ	جمله	معنی
رون دید بو آ'ر یو	When did you arrive here?	شما کی اینجا رسیدید ؟
هیر ای آ'ر یو د' الت ویک	I arrived last week.	هفته گذشته رسیدم
ور دویو س' تی	Where do you stay?	کجا اقامت میکنید ؟
ای س' تی ویس می فکس	I stay with my folks	نزد اقوامم اقامت میکنم
ای س' تی اب می ستریت	I stay at B — street.	من در خیابان (ب) شماره ۱۰
ام بر تن کام آند سی می	Number 10. Come and see me	اقامت دارم . گاهی بیائید مرا ببینید
سام تیز	sometime.	
بی شور ای ویل	Be sure, I will	مطمئن باشید خواهم آمد
رون آر بورا	When are you at home?	کی شادتر منزلید ؟
هوم ادلم س' انی می	Almost anytime	تقریباً همه وقت
ال ردی لانگ	All day long	تمام روز
اوری ایوینگ	Every evening	هر شب
ایم گلاڈ تو هو	I am glad to have met you.	من خیلی خوشوقتم که شما را ملاقات کردم .
رمت بو گلاڈ تو میت بو	Glad to meet you	از ملاقات شما خوشوم
ای هب تو سی بو	I hope to see you again.	امیدوارم شما را مجدداً ملاقات کنم
ار کین وی ویل میت راه کین	We will meet again.	ما مجدداً ملاقات خواهیم کرد
کود بای می ردی	Good bye, my dear.	خدا حافظ عزیزم -
مای نای سی بو سو	Bye bye, see you soon	خدا حافظ (امید) دیدار فوری
کود نیت ایم تیرد	Good night. I am tired.	شب بخیر من خسته ام
ایم ذرید فولی تارڈ	I am dreadfully tired	بی اندازه خسته ام .
سیت دآن پلیز	Sit down, please	خواهش میکنم بشینید
ررست یز رسلف	Rest yourself	استراحت بفرمائید .
ای قبل در آری	I feel drowsy	من خواب آلودم .
ای قبل دیزی	I feel dizzy.	من احساس گیجی میکنم
ایم شلیپی	I am sleepy	من خواب میآید .
ها دید بو سلیپی	How did you sleep	دیشب چطور خوابیدید ؟
لست نیت	last night?	

تلفظ	جمله	معنی
گود ایونینگ، سره	Good evening, sir	شب بخیر آقا .
هآ دو دو یو دو	How do you do?	حال شما چطور است
کو ایت رول متک یو	Quite well, thank you	کاملاً خوب است ممنونم
هآ آر یو	How are you?	شما چطورید .
ب پر نی ول متکس	Pretty well, thanks.	بسیار خوب ممنونم
هآ دو یو فیل	How do you feel?	شما چطورید؟
ال لوت فین	Alright (fine)	خوب است .
رفرست ریت	First rate.	خیلی خوب .
وری رول	Very well.	بسیار خوب است .
ناپ س بدللی	Not so badly	آنقدرها بد نیست
فین متک یو	Fine thank you	خوب است متشکرم
هآ ابر میس ترزا	How is miss Threza	خانم ترزا چه میکنند ؟
رگتینگ آن	getting on?	
شی ایز ناب وری	She is not very well	حال ایشان اخیراً خیلی
ول لیللی	lately.	خوب نیست .
وای هواتیز د	Why? What is the	چرا ؟ چه عیبی دارد ؟
ما تر ویس وهر	matter with her?	
شی ایز سیک	She is sick.	او مریض است
شی ایز ایل این بند	She is ill in bed	او مریض بستری است
شی دازنت ایت	She doesn't eat.	غذا نمیخورد
شی دازنت سلپ	She doesn't sleep	نمیخوابد
شی هز ا هدیك	She has a headache	سر درد دارد
هآ ایز برادر	How is your brother?	برادر شما چطور است ؟
هی هز ا ند کلد	He has a bad cold.	سرماي بدی خورده است .
هآ ایز دت	How is that?	(چطور) ؟
هی کن بن ورتیک	He can never take	هیچوقت از خودش نگهداری
رکر آو هیم سلف	care of himself.	نمیکند
هآ ایز بر فادر	How is your father?	پدر شما چطور است ؟
هآ آر چیلد دن	How are the children?	بچه ها چطورید ؟
گیو می کسید رت ردر	Give my kind re-	سلام دوستانه مرا تا بها
تو دم	gards to them	برسانید .
ری منس می تو	Remember me to	از قول من بخواهتان سلام
بر سیس رتو	your sister.	برسانید .

تلفظ	جمله	معنی
<p>دش گود نیوز ای هو گود نیوز فر یو ای هو بد نیوز فر یو ایم روری گلاڈ نو هیر راب</p>	<p>happy! That is good I have good news for you I have bad news for you I am very glad to hear it.</p>	<p>بسیار خوب است برای شما خبر خوشی دارم برای شما خبر بدی دارم از شنیدن آن بسیار خوشحال هستم</p>

تغیر و سرزنش

<p>هی ایز روری آنگری هی هز را اید رتم بز هی ایز فوری یز رابا بو آر رائک وات را رشیم ها کود بو دو راب ایم را رشیم آرون بو آر روری ماچ نوٹ رلیم رشیم آن بو وات را لیزی نز اتیر بر فاب</p>	<p>He is very angry He has a bad temper He is furious about it You are wrong. What a shame! How could you do it? I am ashamed of it. You are very much to blame Shame on you What a lazy bones It is your fault.</p>	<p>او خیلی عصبانی است او بد اخلاق است راجع بان غضبناک است شما اشتباه میکنید چه خجالتی چطور توانستی اینکار را بکنی من از آن خجالت میکشم شما خیلی قابل سرزنش هستید (شما را نا بستی سرزنش کرد) خجالت کش چه آدم تنبلی تقصیر شما است</p>
---	--	---

بر خورد و ملاقات

احوال پرسی

<p>رهل ردر گود مز بسک هم گود اقرت بون مپش</p>	<p>Hello, dear Good morning, madam Good afternoon, miss</p>	<p>سلام عمریم صبح بحیر خام بعد از ظهر بحیر دوشیزه</p>
---	---	---

تلفظ	جمله	معنی
اَیْمُ آفَ دَرِیْدُ نَاتُ	I am afraid not.	میرسم نه • (گمان نمیکنم)
اَیْمُ نَاتُ مَسُوْ رَیْنُ	I am not certain.	اطمینان ندارم (مطمئن نیستم)
نَاتُ نَاوُ	Not now.	اکنون خیر •
نَاتُ سِوُ	Not so.	اینطور خسر
اَدْتُ اِیْزُ نَاتُ دِ رِوِی	That is not the way	اینطریق نیست
اَدْتُ اِیْزُ اِدِ رِکْمِی	That is O. K	خوب است •
رِمی بی - باسِیْلِی	Maybe. Possibly	شاید (ممکن است)
یو آر رانِگ	You are wrong.	شما اشتباه میکنید
یو آر دِ رِیْنِگ دِوُل	You are doing well.	درست عمل میکنید
اِیْی رَاگْرِی وِیْشُ یو	I agree with you	من باشما موافقم
اِیْتُ اِیْزُ نَاتُ سِوُ	It is not so.	اینطور نیست
اِیْی 'هُوْ نَاتُ (هِیْوَتُ)	I have not (haven't)	ندارم
اِی 'هُوْ سِوُ نِیْدُ آو اِیْتُ	I have no need of it.	بآن احتیاجی ندارم
دَنْتُ یو وَاَنْتُ رَاِیْی	Don't you want any?	آیا شما هیچ نمیخواهید
اِیْتُ اِیْزُ اَلَمْ نَسْتُ اِیْیْنِاسِیْی بِلْ	It's almost impossible	این تقریباً غیرممکن است

شادی و تأسف

اِیْی 'اَمْ سِوُ رِی	I am sorry.	متأسم •
اِیْی 'اَمْ رِوْرِی سِوُ رِی	I am very sorry.	خیلی متأسفم
وَاْتُ رَا اِیْیْتِی	What a pity!	چه تأسفی •
رَا تِیْزُ رَا کُ دَرِیْتُ اِیْیْتِی	It is a great pity.	یک تأسف بزرگی است
رَا تِیْزُ رِوْرِی سِوُ	It is very sad	خیلی غمگین است •
رَا تِیْزُ رَا کُ دَرِیْتُ اِیْیْسُ	It is a great mis-	یک بدبختی بزرگی است
فَرْچُونُ	fortune.	
اِیْمُ رِوْرِی کَلَاْدُ آو اِیْتُ	I am very glad of it.	از آن خیلی خوشحالم •
اِیْتُ کِیْوِزُ هِی کُ دِیْبِحِی	It gives me great joy.	برای من بسیار باعث خوشحالی است
هَآءُ هِیْی 'اِیْی 'اَمْ	How happy I am!	چقدر من خرسندم
اِیْی وِیْشُ یو جِی	I wish you joy.	امیدوارم خوش باشید •
اِی رَا کُنْگُرَا جُو رَا لِیْتُ یو	I congratulate you.	باشما تبریک میگویم (مبارک باشد) •
اَدْتُ رِیْکْسُ مِی سِوُ	That makes me so	چقدر مرا خوشحال میکند

تلفظ	جمله	معنی
بِد روم	Bed room	اطاق غذاخوری
سَلِیپینگ روم	Sleeping room.	اطاق خواب
لی ویسک روم	Living room.	اطاق نشستن پذیرائی
فر من	For men.	برای مردها (مردانه)
فر و من	For women	برای ذنبا (زنانه)
فر سل	For sale.	برای فروش
فر رنت	For rent.	برای اجاره (اجاره داده میشود)
باس سٹاپ	Bus stop	ایستگاه اتوبوس
ساب وی	Subway	ترن زیر زمینی
دان تان	Down town	پایین (مرکز) شهر
نرڈ ساید	North side.	شمال شهر
سائت ساید	South side	جنوب شهر

جوابهای موافق و مخالف

(مثبت و منفی)

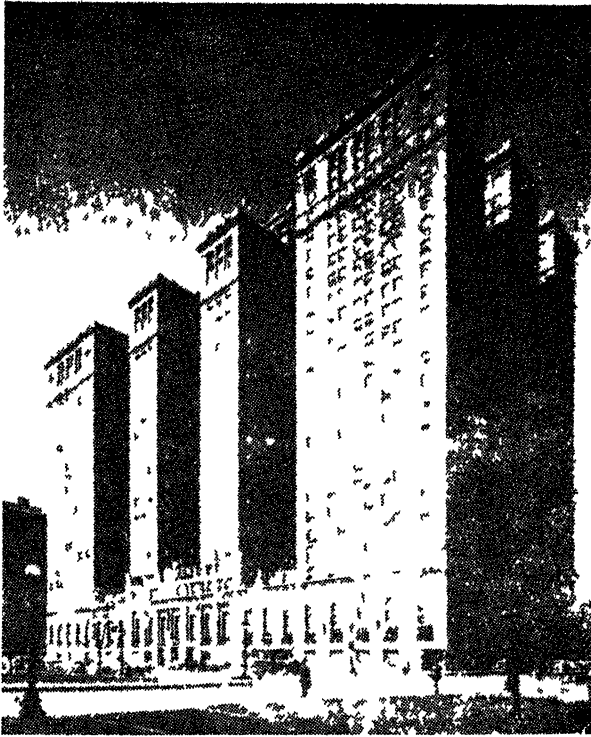
ای بت تو	I bet you	باشما شرط میندم .
سر تلی ناب	Certainly not	محققاً خیر
وای ناب	Why not?	چرا خیر ؟
ریس ایسید	Yes indeed	آری در حقیقت
ویس بیل رڈر	With pleasure	با کمال میل
ایف یو لیک تو	If you like to	اگر شما مایل باشید
ای تینک سو	I think so	من همین فکر را میکنم (خیال میکنم همینطور است)
ای بیلوو سو	I believe so.	عقیده من همین است
یو آر آر بٹ	You are right	حق باشما است
ترولی	Truly.	حقیقتاً .
ای سو راد تو ایت	I swear to it	من بآن قسم میخورم .
ایم بازی تیو	I am positive	من مطمئن هستم (بهر چه گفته شده) .
ویلینگ لی	Willingly	بانهایت میل
بای رانی مینز	By any means	بهر وسیله .
ای دآ رت	I doubt it.	من مشکوکم .
ناب کو ایت رول	Not quite well.	کاملاً خوب نیست

تلفظ	جمله	معنی
بِل رینگ	Bell ring.	صدای زنگ
رینگ (پوش ردیل)	Ring. Push the bell.)	زنگ مزید.
اینٹ رڈس	Entrance.	دخول
راگیت	Exit.	خروج
پ رڈی روٹ	Private.	خصوصی
ن رادی رتس	No admittance.	اجازه نیست (ورود ممنوع)
تو رلت	To let	برای اجاره
اپارٹ رمنٹ	Apartment.	— آپارتمان
رتن رمنٹ	— Tenement.	— خانه
رفرنیشد روم	— Furnished room.	— اتاق مله
آن رفرنیشد روم	— Unfurnished room.	اطلاق بدون مل
رست ررنت	Restaurant.	رستوران
پست آفیس	Post office.	اداره پست
فایر س رتیشن	Fire station.	آتش نشانی
مانی راکس چنج	Money exchange.	صرافی
یار ربر شاپ	Barber shop.	سالمانی
شو رمی رکر	Shoe maker.	کفافی
رڈنتیست	Dentist.	دندان سازی
دنت س پت آن رڈ فلور	Don't spit on the floor	روی زمین تف نیاندازید
ن سم رینگ رالد	No smoking allowed.	سیگار کشیدن ممنوع است
لوک آف فر رینٹ	Look out for paint.	متوجه زنگ باشید.
کیپ آف رڈ گراس	Keep off the grass.	خارج سبزه باشید (سبزه را لگد نکنید)
پ رری روت روی	Private way.	جاده خصوصی
دنجرد ر پسیگ	Dangerous passing	خطر عبور
دو مات مار لٹ رڈ	Do not molest the animals.	حیوانات را اذیت نکنید
فول ستاپ	Full stop.	توقف کامل
ویل ری رین	Will reopen.	مجدداً باز خواهد شد
پول بوٹش	Pull Push	کشید فشار بدهید
رارش	Attention	دقت کنید
ایف رڈ ریس رست	Information desk.	دفتر اطلاعات

معنی	جمله	تلفظ
------	------	------

تذکرات

در ساختمانها و پارکهای نزدیک و یا حیواناتهای شهر
ایکونه علامت و تذکرات بسیار دیده میشود



را بزل وینتر
را کس نی برس تو ه د تو ا ت
قیمت قل و
لد کال فرام تو ا شنی
سیکس و بی ی ر ا ر س ت فل

Elevator

- Express to the 25 fl
- Local from 26 to the 51 fl

آساسور
سویع تالعه ۲۵
مجلی (ماتوقف) اربطه
۵۱ تا ۲۶

لفظ	جمله	معنی
واب ابر 'بر ابردی نا فرا مائت بو ادم ان رد میں 'شم اس دیس وری مامت 'دب ابر 'رتون اب 'دت اساف دس 'اساف 'فر می اب 'رد پندر آبان یو 'ای 'رکیم تو بل بو آر یو شور آو و اب و 'رسی ای 'دت 'سیک ماچ آو اب	What is your idea? From top to bottom In the meantime In this very moment That is your turn Is that enough? That's enough for me It depends upon you I came to tell you Are you sure of what you say? I don't think much of it I can bear it no longer How could you do it? Didn't I tell you? The sooner the better Shorter the sweeter He exhausts my patience I appreciate it very much How do you get along with him? I am used to it It is quite alright you are mistaken I will show you Two times two is four Four times ten is sixty six no less no more	عمیده شما چیست . اگر بالا در این صحن (هنگام) درست در همین لحظه نوبت شماست این کافیست ان برای من کافیست این بسه نیل شما است من آمدم شما نگویم آیا ما آنچه میگوئید اطمنان دارد حلی فکر آرا می کنم > آرا اور بسکم > بیشتر طاقت آرا ندارم چگونه ای کار را کردید من شما نگویم زودتر بهتر کوتاه تر شیرین تر او حوصله مرا سر برد من آن حیلی را صبی هستم ناو چگونه مسازید > سر میرید < تا آن عادت کردم کاملاً دوست است شما اشتباه میکنید شما انرا نشان خواهم داد دو ضرب در دو میشود چهار ده مپهای چهار مانی معصاید شش هکده هکده هکده

تلفظ	جمله	معنی
<p>رد م تینکسٹ ر دی آما دُر ویک وان ح ل یئر سوربر انز ر لی تیر دت ایر و اب و کت ر ستر</p>	<p>The next day Another week One whole year Sooner or later That is what vexes me</p>	<p>روز آینده هفته دیگر یکسال تمام دیر یا زود ایست که متراعضای میکند</p>
<p>می هی احست ر کیم این می ایر ویشنگ کتور م وسین ال بی پلر</p>	<p>He just came in. He is waiting for you Within all people's reach.</p>	<p>او هم اکنون داخل شد او منتظر شما است در دسترس تمام مردم</p>
<p>ریچ آو و آت کوو ایرت ات ر دی ف رت اسر آآن و می ای واز را آت تو فا ای دی رد این را هادر کدس آپ تو نو بو ماست رسی وات راور نو لیک</p>	<p>Of what good is it? At day break It is unknown to me I was about to fall I did it in a hurry That is up to you You must say, whatever you like</p>	<p>اس چه خوبی (نتیجه) ای دارد؟ هنگام طلوع خورشید (صبح زود) برای من مجهول است من نزدیک بود بیافتم آنها با عجله انجام دادم سسته نبل و نظر شما است شما نایستی هر چه دوست دارد نگویید</p>
<p>اس دوک ر اند هژد لست ر هم ای رگور اب و ول راج ریت ای هو کاب ن ماو رکت رد تینکس ر دی وی رکتی مات رکت هوم نوایت</p>	<p>In the week end For the last time I gave it up You will enjoy it I have got no money Get the things ready We cannot get home tonight</p>	<p>در آخر هفته (مطیل همگی) برای آخرین بار آنها ترک کردم شما در آن لذت خواهید برد من پول ندارم اثاثیه را حاضر کن ما نمیتوانیم امشب بمسرت برسیم</p>
<p>د ست ری کاب رانا در ای دت رکت نو آر یو ح کیسک دنت می می دوت ایر احست ملک ای هون اندی ما</p>	<p>The story got about. I don't get you. Are you joking? Don't be funny That is just like you I have no idea</p>	<p>مصلحت نگوش همه رسید مقصود شما را نفهمم آنها شوخی میکنند محرکگی نکن درست مثل شما است برفکری (عقدای) ندارم</p>

تلفظ	جمله	معنی
<p>دنت بی انگری راپیر نہ مارو 'اف' مر ال آف ك ذی آن رد كات ردی دو فیڑر</p>	<p>Don't be angry It is no matter After all Of course On the contrary Do your best</p>	<p>عصابی نباشید اشکالی ندارد بالآخره النته برعکس بهرین عملی که میتوایی کنی سعی خودت را کن همه برای من یکسان است</p>
<p>ایت ایر ال رد رسیم تومی نرورڈ مسد واب دید بوراسک 'ای' شل گد هوم وآب ایر مد مارتر دنت گک ای روی آپس رتورڈ دآس رتورڈ</p>	<p>It is all the same to me Never mind. What did you ask? I shall go home What is the matter? Don't go away Up stairs Down stairs</p>	<p>اهمیتی ندهید چه سترال کرد من سرل خواهم رفت چه حمر است (چه اشکالی است) دور نشوید (روند) طبقه بالا طبقه پائین</p>
<p>دو نو میں دنت 'ای' دی دنت میں رات 'ای' راگری وس و رحن رتل میں راگری رمت</p>	<p>Do you mean that? I didn't mean it I agree with you Gentleman agree- ment</p>	<p>آیا حدی میگوئید فصد آ را داشتیم (اتمامی ود) من باشما موافقم قول مردانه</p>
<p>ایتسر ال ادورڈ رؤك آب گک تو سلین مان آو فیڑر می دی رس</p>	<p>It is all over Wake up Go to sleep None of your busi- ness</p>	<p>مکلی تمام شد بیدار شو بجواب پشما هیچ مریو نیست</p>
<p>ال امر نوڑ کو رات تومی رتیک رات وس رو پارٹ رات ان و ای لاسٹ مرس ت مہت ی رڈ ہد دہ نو نوڑ</p>	<p>All is yours Give it to me Take it with you Part it in two I lost mine It must be there How did you find out?</p>	<p>تمام مال شما است بدهید من ناخودن مریه دو قسمت کنید من مال خود را گم کردم بستگی آنجا باشد چگونه پیدا کردید</p>

تلفظ	جمله	معنی
دو بو هیر می	Do you hear me?	یا صدای مرا میشنوید
ای ام نات سبیکینگ	I am not speaking to you.	(میفهمید) من ناشما صحبت نمیکم
نو بو دو بو ان درس تند	Do you understand?	آیا میفهمید؟
وای دانت یو آن سر	Why don't you answer?	چرا جواب نمیدهید؟
هآو ماچ ایز ایت ورت	How much is it worth?	چقدر ارزش دارد
وات دو بو ک دیش	What do you call this.	ایشرا چه مینامید؟
وات داز ادت مین	What does that mean?	این چه معنی دارد؟
وات ایز ادت کود فر بی رکز فول	What is that good for? Be careful!	این برای چه خوب است؟ مواظب باش
کود مائی	Good bye.	خدا حافظ
واب دو بو مین	What do you mean?	مقصود شما چیست
واب داز ایت سین بی مفی	What does it signify?	این نشانه چیست
آر وی گک مینک رانی و	Are we going anywhere?	آیا ما جایی میرویم
ویس انل می هارت	With all my heart.	باتمام قلبم (بانهایت میل)
وات ایزیت ایاوت	What is it about?	این راجع به چیست
ای ام این را هاری وانس فر انل	I am in a hurry	من عجله دارم
ای هو تو گیو رات آب	Once for all.	یکدفعه برای همه
لیو می رال ان	I have to give it up.	من بایستی او را ترک کنم
بیت وین آدرسل ورت	Leave me alone.	من را تنها بگذار
مدت ایز او ن د کان رسکو اشن	Between ourselves	بین خودمان
ای دی مرم بر رات	That is of no consequence.	آن هیچ نتیجه ندارد
یو آر جک کینگ	I remember it	(بی اهمیت است) آنرا بخاطر میاورم (بنظرم میآید)
یو آر رایت	You are joking	شما شوخی میکنید
	You are right.	شما راست میگوئید (حق باشما است)
اوردی بادی ریز رات	Everybody knows it.	هر کسی آنرا میداند
ای هو ماتینگ تو رسو	I have nothing to say	من چیزی ندارم بگویم

تلفظ	جمله	معنی
ای ربك یر پارڈن پارڈن می راگسگوز می	I beg your pardon. Pardon me. (excuse me.)	تقاضا میکنم ببخشید مرا ببخشید (اجازه بفرمائید)
سئی نئی را لیتل	Stay a little.	کمی صبر کنید
سیت دآن	Sit down.	بنشینید
دث ایز گود	That is good.	خوب است
ایز ایت ترو	Is it true?	آیا راست است
ایتیز ترو	It is true.	راست است
ای نیک یو	I thank you.	من از شما متشکرم
کام هیر	Come here.	بیایید اینجا
کام نیر	Come near.	بیایید نزدیک
رمیک رهیسٹ	Make haste.	عجله کنید
فال می	Follow me.	عقب من بیایید (مرا تعقیب کنید)
رنل هیم ات وانس	Tell him at once.	یکدفعه باو بگوئید - فوری
ارین رد در	Open the door	باو بگوئید در را باز کنید
شان رد ویند	Shut the window	پنجره را ببندید
لوک ات ایت	Look at it.	آن نگاه کنید
لوک آت	Look out.	مواظب باشید (بخارج نگاه کنید)
رل رسن تو می	Listen to me.	من گوش کنید
رلک اس استارت	Let us start.	نگذارید شروع کنیم
گنه اند سئی	Go and see.	بروید ببینید
گنه ا روئی	Go away.	دور شو
کیو می را چر	Give me a chair.	یک صندلی بمن بدهید
دث ایز نو ماج	That is too much.	خیلی زیاد است
دث ایز روزی چپ	That is very cheap.	خیلی ارزان است
ال می	Allow me	بمن اجازه دهید
رمی ای اسٹ نر ریم	May I ask your name?	ممکن است اسم شما را سوال کنم
وات ایز نیر نیه	What is your name?	اسم شما چیست
همی نینم ایز	My name is —.	اسم من — است
وات ذو یو رسی	What do you say?	شما چه میگوئید

تلفظ	جمله	معنی
------	------	------

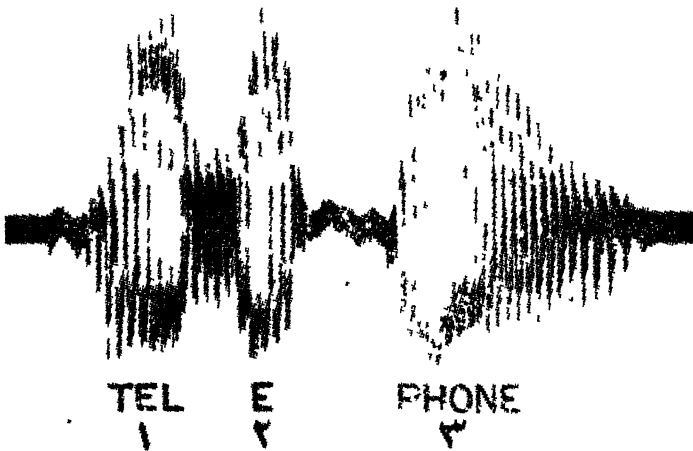
جملات کوتاه در مکالمات

هلو	Hello!	رای صدا کردن و احوال پرسی و سلامهای حلی دوستانه نگار می‌رود، در فارسی معنی مخصوص ندارد
ریس، ریس	Yes, sir	بله آقا
ن، مادم	No, Madam	خیر حایم
ریس میس	Yes, Miss	بله خانم
ن، ریس	No, sir	خیر آقا
پلیز	Please	خواهش میکنم
تل می	Tell me	بگو
کود یو	Could you?	آیا میتوانید؟
هآ	How?	چگونه-چطور
ویج وی	Which way?	کدامراه
هآ، هآ	How much?	چه مقدار
هآ، رمی	How many?	چند عدد
لد می	Lend me	بم من فرص ده
دو می ا، ر می، ور	Do me a favour	یک لطفی سنده بفرمائید
ای، آسک بو	I ask you	اگر شما سوال منکم
ول بو آت لیح می	Will you oblige me?	ممکن است مرا امون فرمائند
یو آر وری کیند (کابنده)	You are very kind	شما خیلی مهربانند
دنت ترائل	Don't trouble your- self	خودتانرا از حمت ندهید (شما رحمت نکنید)
یر، سلف	Let me help you	احاره ندهند شما کمک کم
لت می، هلت و	Let me tell you	بگذار شما بگویم
لت می، تل و	What about?	ر جمع بچه (چه موضوعی؟)
واب، ا، اب	Do you need help?	آیا شما کمک احتیاج دارید؟
دو و سد، هلی	Yes, please	بله، خواهش منکم
س، پیر	No, thank you	خیر، متشکرم
ن، آسک و	Do you know?	آیا شما میدانید؟
دو یو، و	I do not know	من میدانم
ای دو مات و		

تلفظ	جمله	معنی
ال لیل	all night	موقع تمام شب
مڈ اڈ لیس	more or less	کم و بیش
تو ماچ	too much	حیلی زیاد
وری ماچ	very much	سیار
ان لیست	at least	اقلا
ال تو ک دز	altogether	تماماً
ال ان وانس	all at once	همه یکدفعه
آن دیس سید	on this side	در این سمت
آن رد آدز سید	on the other side	در طرف دیگر
ال رار آوند	all around	تمام اطراف
ار می	as for me	مثل مال من
از س (س آن)	as so « so on »	سار اس (بهین رس)
مای چنس	by chance	اتفاقاً (شاسی)
مای رز ر	by turns	بنوبت
مای راند مای	by and by	بمدها بعدادار آن
مای مای	bye bye	حداحافظ
مای رد روی	by the way	ضمناً
شد مای سید	side by side	پهلوی پهلوی (کارهم)
مای مس یک	by mistake	اشتها
مای هاز	by heart	فلسا (اروی علاقه)
ردی مای ردی (ردلی)	day by day « daily »	روز بروز (روزانه)
دس ردی ونک	this day week	هفته آئنده در همین روز
فیس بو فیس	face to face	صورت بصورت (مقابل)
فرا مای بو م	from time to time	وقت بوقت (مرسا)
آپ راند دان	up and down	لاو پائین (حوشحی- بندحی)
اس س ز	in short	خلاصه
ن دت	no doubt	بدون شك (بدون تردید)
ن مارو	no matter	همی ندارد (حیره همی مس)
ن م ز	no more	بیشتر حیر
مای رار	by an	هوایی
مای سی	by sea	در مای ابراه در
مای اند	by land	زمینی
مای ری	by any means	از هر وسیله

تلفظ	جمله	معنی
(جملات کو ناه و مصطلح)		
فُورسْتِ آو اِل	first of all	پہلے از ہمہ (مقدم بر تمام)
اَفْتَرِ اِل	after all	بعد از ہمہ
اَبَ فُورسْتِ	at first	اولاً
رِس کُنْدِرِ	secondary	ثانیاً
اَب اِل سْتِ	at last	بالآخرہ
اِین رِد مِینِ	in the mean time	در اِین اِنْتا (بین)
راورِی وِ	everywhere	ہمہ جا
راوی وِ	anywhere else	ہر جای دیگر
سَامِ اِیْمِ	sometime	بعضی مواقعِ گاہی
سَامِ وِ آوِ	somewhat	قدری (اندکی)
سَامِ اِیْمِ	sometimes	بعضی اوقات
سَامِ وِ رِ اِل سِ	somewhere else	یکجای دیگر (محل دیگر)
سَامِ هَا	somehow	بقسمی (شریبی)
سَامِ بَادِی	somebody	یک شخص
نِ نَادِی	no body	هیچ کسی (هیچکس)
اِل آوِ اِس	all of us	ہمہ ما
نَا تِ مِی	not me!	مِن نہ (نہہ حیر)
یو آوِ اِک سِبِ رِشِنِ	you are exception	شما مستثنی ہستید
یو تو	you too!	شما بھی
نات اب اِل	not at all	ایداً
نای نِ مِیْرِ	by no means	بہیچ طریق (بہیچ وسلہ)
پِن وِ	never	ہر گز نہ
راوِ وِ سِیْسِ	ever since	از آن ہنہام تا کون
راناوِ اِل	above all	ارہمہ بالا بر (ارحہ بر تمام)
اِل مِ سْتِ اِل وِ تِ	almost always	بہر یاباً ہمہ سہ
لی تِلِ نای لیتِلِ	little by little	کم کم
نَا رَا دِیْرِ	nowadays	اِین روزہا
نَا وِ رَا نِدِ رِدِنِ	now and then	گاہ گاہی
اِین رَا رورِی دِشِرِ تِ سِ	in a very short time	در یک مدت بسیار کونہ
تِری اِیْمِ	three times	سہ بار
گودِ اِیْمِ	good time	اوقاتِ نیش

دسته سوم یا کلمات سه سیلابی « سه صدائی »



A Photograph of three Syllables variation When the word « Telephone » is spoken in the Current of Transmitter .
 تصویر سیلابهای مختلف سگانه هنگامیکه کلمه « تلمن » در جریان الکتریکی انتقال صوت گفته میشود

محل سیلابهای این دسته در کلمات مختلف و سیلاب اصلی آن در بعضی کلمات اول و در بعضی وسط یا آخر ادا میشود لیکن قاعده کلی ایست که سیلاب اصلی (شماره ۳ تصویر) عموماً در هر کلمه سه سیلابی متصل سیلاب فرعی (شماره ۲ تصویر) میباشد و سیلاب شماره ۱ که سستاً متوسط است یا در اول و یا در آخر کلمه خواهد بود مانند امثال در که با سیراب بلغضی سگانه صحیح است

tel ePHONE HISto ry BEAUti ful COMpa ny compA nion
 کَم پ بی بی یی نو مَوَلُ هِلِس بَرِی نِی رَا فِئِ
 کَم پ بی بی نِی نَوِی مَوَلُ هِلِس بَرِی رِی رِی نِ
 ک م پ بی بی کام با بی بی نودِی فل هلس تری ن فِئِ
 کلمات بیشتر ارسه سیلابی سه دسته های دو و دو یا سه و دو سیلابی تقسیم شده و دارای همان شرط خواهد بود .

بجای برتریب نوشته شده است ۳- از صفحه ۱۶۹ الی ۱۹۳ تلفظ هر کلمه در زیر آن نوشته شده است ۴- از صفحه ۱۹۳ الی آخر تلفظ هر سطر انگلیسی مطابق شماره همان سطر با فواصل زیاد و مانند لاتین از چپ بر راست نوشته شده است .

سیلاب یا صدای کلمات

سیلاب یا صدای کلمات زبان انگلیسی در حقیقت آتندر حائز اهمیت بوده و مؤثر است که طرز تلفظ کلمات را بکلی تحت الشعاع قرار میدهد . بطوریکه اگر سیلاب اصلی کلمه ای با تلفظ صحیح ادا شده و سیلابهای فرعی همان کلمه با تلفظ غلط ادا شود باز کلمه صحیح بگوش رسیده و در حقیقت تلفظ آن صحیح است . زیرا سیلابهای فرعی آنقدر کوتاه و مقطع است که اغلب قابل تشخیص نیست . خوشبختانه تشریح سیلابهای کلمات انگلیسی در این کتاب با اسلویی بس ساده بیان شده است که نوآموز با آسانی قادر بدرك آن میباشد .

بطور کلی کلمات زبان انگلیسی را که بمنظور مکالمات روزمره نگار برده شده به سه دسته مشروحه زیر تقسیم مینماییم :

دسته اول : کلمات يك سیلابی (یکصدائی) که دارای همان يك سیلاب اصلی بوده ، گاهی کشیده و گاهی کوتاه ادا میشود مانند

me - too - thought - though - tough - pay

می تو تاوت س تافت پئی

البته اگر سیلاب بعضی از این کلمات را کشیده ادا نماییم صورت استعجاب یا تعجب بخود میگیرد . مانند (ME?) (ME!) (می ؟) که صدای کلمه کشیده است . ولی در این مثال (me too) (می تو) سیلاب هر دو کلمه صدای معمولی خود را حفظ میکند .

دسته دوم : کلمات دو سیلابی (دو صدائی) مانند

mention - public - station - later - fortune - mister

منشن پابلیک سٹیشن لئی لیر فرتون میسٹر

و امثال آنها که بیوسته و عموماً سیلاب اول اصلی و کشیده و سیلاب دوم کوتاه و مقطع ادا میشود . تلفظ هر يك از آنها با تغییرات زیر صحیح است

MENTion PUBLIC sTAtion LAter FORtune MISter

منشن پابلیک سٹیشن لئی لیر فرتون میسٹر

منشن پابلیک سٹیشن لئی لیر فرتون میسٹر

منشن پابلیک سٹیشن لئی لیر فرتون میسٹر

آن نخواهد بود و اگر فقط قواعد را با زنج و زحمت آموخت بازگان لم یکن است شرط دوم مخصوصاً در زبان انگلیسی که واقعاً هر کلمه آن دارای قواعد و موارد استثنائی مختص خود است بایستی بیشتر در نظر گرفته شود. پس صرفه در آنست که در ابتدای فرا گرفتن زبان انگلیسی قواعد را کنار گذاشته و بجای آن جملات ساده و مصطلح را مطالعه و بخاطر بسیاریم تدریس این حال بجای یک لغت و یک قاعده چندین لغت با طرز بکار بردن آنها با اضافه چندین قاعده و گرامر در یکجا بیافوزیم. مثال انگلیسی زیر شاهد و دلیل ادعای فوق است.

امثال بهتر از قواعد تعلیم میدهد *Examples teach more than precepts*
 اینستکه در این کتاب از بیان و شرح کوچکترین قاعده زبان انگلیسی خود داری و برعکس جملاتی بسیار ساده و در عین حال مفید و مورد استفاده بکار برده شده بطوریکه نوآموز رغبت بمطالعه نموده و در انتهای کتاب نیز با اطمینان میتواند بگوید من زبان انگلیسی را میدانم و نوشتن و خواندن (صحبت) کردن آن قادرم.

== طریقه تلفظ ==

در مقابل هر کلمه و یا جمله زبان انگلیسی که در این کتاب بکار برده شده تلفظ آن با حروف مقرب قرار گرفته است بطوریکه نوآموزان با سانی میتوانند جملات انگلیسی را با الفبا، یاری خواننده اشکال بزرگ خود را از حیث تلفظ مرتع نمایند. چنانچه میخواهیم روی تمام حروف یک کلمه اعراب گذاری نماییم علاوه بر اینکه عملی غیر ممکن بود بلکه اولاً بعثت کثرت اعراب کلمه بیچیده بنظر میرسد و در ثانی یک کلمه چهار یا پنج حرفی دارای سه یا چهار علامت جزم است که با جابجا خواندن یکی از آنها بکلی تلفظ کلمه غلط و ذهن مبتدی نیز مشوش میشد.

بدلائل فوق از علامت گذاری (جزم) صرف نظر و به بکار بردن کلیه اعراب دیگر اکتفا شده است و به منظور ناقص نبودن تلفظ با قائل شدن شرط کلی زیر منظور اصلی (تلفظ کامل) را بدست آورده و در عین حال عمل را بسیار آسان و قابل استفاده نموده است. «قاعده کلی زیر برای استفاده کامل از طرز تلفظ در نظر داشته باشید»

درستون تلفظ کلیه حروفیکه روی آنها علامتی نگذارده نشده
 صدای جزم دارد

تذکر : ۱ - اغلب کلمات انگلیسی مانند (I) (it) (a) چون در هر صله
 بلکه هر سطر بیش از دوسه بار تکرار شده است به اعراب گذاری یکی دو تای آنها
 اکتفا شده است ۲ - از صفحه شماره ۸ الی ۱۶۹ جملات تلفظ برعکس لاین اذراست

حروف معرب فارسی

ناگزیر بایستی اذعان داشت که الفباء زبان فارسی از لحاظ تلفظ ناقص و دارای صداهای اصلی ششگانه نیست. این مطلب در تمام موارد چه در نوشتن خطی و چه کتب چاپی و غیره پیوسته مشهود و مورد اشکال است. با جزئی توجه تصدیق خواهید فرمود که ما فقط و فقط بقوه حافظه قادر بخواندن نوشتجات زبان مادری خود بوده و حتی پاره‌ئی کلمات را که زیاد بکوشمان آشنا نیست حدساً تلفظ مینماییم که گاهی غلط و بدون معنی میشود.

البته چنانچه اعراب (زیر و زبر) کلمات را با اینکه قواعد محکمی برای صداهای الفباء یک زبان ادبی مانند پارسی نیست بکار بریم، باز تا اندازه‌ای رفع این اشکال خواهد شد.

با شرح و علل فوق جای تردید نیست که نوشتن و خواندن کلمات یا جملات زبانهای بیگانه که ابدأ بدان آشنائی نداریم بدون بکار بردن اعراب تاچه اندازه مبتذل و بی‌استفاده خواهد بود و از طرف دیگر بعلمت در دست نداشتن حروف معرب تاکنون این فکر یعنی چاپ مکالمات زبانهای بیگانه باطریقه تلفظ که لازمه آنست (Conversation with Phonetic Pronunciation) بالفباء معرب پارسی که برای تمام طبقات بینهایت مورد لزوم و احتیاج است جامه عمل بخود نپوشید. اینک برای اولین بار مکالمات انگلیسی، فارسی را بجامعه و فرهنگ ایران تقدیم و امیدوارم بزودی مکالمات زبان فرانسه را نیز تهیه و تقدیم هموطنان عزیز نمایم.

دیباچه

آموختن هر زبان بیگانه دو شرط مهم و اساسی دارد
شرط اول آنستکه زبان مادری خود را ساده نگار برده، سعی کنیم جملاتی بسیار کوتاه و رسا بکار بریم تا و آموزش برای درک مطلب دچار اشکال نشده و محتاج بتمکیر بیشتری نباشد. دوم آنکه زبان بیگانه را حتی الممطور واضح، بدون قواعد پیچیده و تا آنجا که مورد احتیاج نوآموزان است تشریح نماییم. یعنی باشرح و بسط قواعد بشمار وقت و حوصله (مخصوصاً نوآموز) را بگیریم چه اگر نوآموزی بازحمت فراوان و صرف وقت قواعد را آموخت تازه برای بکار بردن همان قواعد دچار اشکالات فراوان خواهد بود و در حقیقت قادر به استفاده از آن نیست زیرا اگر کسی که کم و بیش زبان بیگانه‌ای آشنائی نداشت قادر بنرا گرفتن قواعد

مقدمه‌ای از مؤلف

دانشی آموزان عزیز

تألیف و تدوین این کتاب که برای اولین بار در ایران بچاپ میرسید بعلمت نداشتن سوابق قبلی و بخصوص از این نظر که تلفظ کلیه جملات آن با اعراب تنظیم میشد با اشکالات فراوانی مواجه بود بعلاوه مرتب نمودن خطوط سه ستونی و فرم بندی هر صفحه آن اشکالاتی بمراتب پیچیده تر و صرف وقت بیشتری دربرداشت گرچه دو سال سعی و دقت فران میندول کردید که کتابی نفیس و بدون اشتباه از چاپ خارج شود ولی باز هم اغلاطی چند که موجب شرمندگی این خدمتگذار بود در چاپهای قبلی مشاهده شد .

مع الوصف بخاطر تشویق و استقبال بی نظیر دانش پژوهان و دوستانان فرهنگ و تقریظهایی که اغلب جراید از این خدمت مختصر نمودند و از طرف دیگر بعلمت نایاب شدن نسخ چاپهای قبلی در اندک مدت ، ناگزیر شدم که مشقات ناشی از تجدید نظر کلی و دقیقتری را متحمل گردیده با تکمیل اعراب ستون تلفظ و رفع اغلاط کوشش نمایم که کتاب بدون غلط باشد و امیدوارم در این کار توفیقی نصیبم شده باشد .

مهندس جلال طاهر زاده

امثال بہتر از قواعد تعلیم میدهند

چاپ اول : اوردیہشت ۱۳۳۱
چاپ دوم : آدر ۱۳۳۱
چاپ سوم : شہر یور ۱۳۳۲
چاپ چہارم : فروردین ۱۳۳۳
چاپ پنجم : دی ۱۳۳۳

۱۳۸۳/۱

۱۱۲۶۶۶

۱۲۸۳۹۱۵۳
۲۱۶

مکالمات روزمره آمریکائی

AMERICAN-IRANIAN EVERYDAY CONVERSATION

ILLUSTRATED

BY: Eng. J. TAHERZADEH

تألیف و ترجمه

مهندس جلال ظاہرزاوہ

چاپ پنجم - تهران - دیماه ۱۳۳۳



حق چاپ و تقلید محفوظ و محتس مؤلف است

All. rights reserved

چاپخانه سہر بہران - خیابان ناصر خسرو - تلفن ۳-۵۵۱۰

